دارای رتبه علمی پژوهشی
از کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور

مجله علمی

دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

دوره ۲۲؛ شماره ۵؛ ویژه نامه بهار ۱۳۹۴

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت

با محوریت:

مراقبت های نوین در سلامت



۳۱-۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ویژه نامه

شماره استاندارد بین‌المللی ۲۱۹۷-۱۶۰۷



مهلت ارسال مقالات ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۳

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت

با محوریت

مراقبت های نوین در سلامت

۳۱-۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴



محورهای همایش

پژوهش در:

- مراقبت های نوین در بیماریهای واگیر و غیرواگیر
- مراقبتهای نوین در بیماریهای خاص و سرطان
- مراقبت های نوین در ارتقاء سلامت و سبک زندگی
- مراقبت های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد
- مراقبت های نوین در گروههای آسیب پذیر و سالمندان
- مراقبت های نوین در بارداری و زایمان
- مراقبت های نوین در سلامت دهان و دندان
- مراقبت های نوین در طب کار و سنتی
- تحقیقات بنیادی و کلینی در مراقبت های نوین



آدرس دبیرخانه همایش :

بیرجند، خیابان غفاری، دانشگاه علوم پزشکی ، دانشکده پرستاری و مامایی

تلفکس : ۰۵۶۳۲۴۲۰۵۵۰

پایگاه اینترنتی: http://mch4.bums.ac.ir

پست الکترونیکی: mch4@bums.ac.ir

برگزارکنندگان: معاونت تحقیقات و فناوری – دانشکده پرستاری و مامایی







بسم الله الرحمن الرحیم

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

دارای رتبه علمی- پژوهشی از کمیسیون نشریات علوم پزشکی کشور

ویژه‌نامه– دوره ۲۲، شماره ۵،ویژه نامه بهار ۱۳۹۴

شماره استاندارد بین‌المللی:
۱۶۰۷–۲۱۹۷

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی بیرجند
مدیر مسؤول: دکتر کاظم قائمی
سردبیر: دکتر مهدی بلالی مود
همکار سردبیر: دکتر اصغر زربان

مدیر اجرایی: دکتر بهزاد مصباح‌زاده
کارشناس اجرایی: بتول بهجت‌نیا
ویرایش ادبی و صفحه‌آرایی: فهیمه عربی آیسک

اعضا هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

دکتر محمد افشار: استاد گروه علوم تشریح دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر مهدی بلالی‌مود: استاد گروه بیماریهای داخلی (سم‌شناسی پزشکی) دانشگاه علوم پزشکی مشهد
پروفسور پیتر جرج بلین: استاد گروه بیماریهای داخلی (سم‌شناسی پزشکی) دانشگاه نیوکاستل انگلستان
دکتر منیره پورجواد: استاد گروه زنان و زایمان دانشگاه علوم پزشکی مشهد
دکتر فاطمه حقیقی: دانشیار گروه آسیب‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پروفسور آندرو اچ داسون: استاد گروه فارماکولوژی دانشگاه پراونیا سری‌لانکا
پروفسور کریستوفر دیشووسکی: استاد گروه سم‌شناسی آکادمی طب نظامی بلغارستان
دکتر اصغر زربان: دانشیار گروه بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر عبدالرسول سبحانی: استاد گروه فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
غلامرضا شریف‌زاده: استادیار گروه بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر همایون شیخ‌الاسلامی: دانشیار گروه بیماریهای داخلی دانشگاه علوم پزشکی قزوین
دکتر مسعود صالحی‌شبان: دانشیار گروه بیماریهای عفونی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان
دکتر محمدعبدالهی: استاد گروه فارماکودینامی و سم‌شناسی‌دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر علیرضا فاضل: استاد گروه علوم تشریح دانشگاه علوم پزشکی مشهد
دکتر کامبیز فرقان‌پرست: دانشیار گروه میکروبیولوژی دانشگاه علوم پزشکی گیلان
دکتر محسن فؤادالدینی: استادیار گروه فیزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر رضا قادری: استاد گروه پوست دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر طوبی کاظمی: استاد گروه قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی‌بیرجند
فرح مادرشاهیان: عضو هیأت علمی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر مهیار محمدی‌فرد: استادیار گروه رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر محمود محمودی: استاد گروه ایمونولوژی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
دکتر سید مصطفی محمودی: دانشیار گروه دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر سید غلامرضا مرتضوی‌مقدم: دانشیار گروه داخلی- ریه دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر محمد ملکانه: دانشیار گروه بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر ابوالفضل مهیار: دانشیار گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی قزوین
دکتر محمدرضا میری: دانشیار دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
دکتر محمدحسن نمایی: دانشیار گروه علوم آزمایشگاهی- میکروبیولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نشانی دفتر مجله: بیرجند- صندوق پستی ۳۷۹-۹۷۱۷۵ **تلفن:** (داخلی۵۵۳۳) ۹-۳۲۴۴۳۰۴۱ (۰۵۶) **تلفن و نمابر:** ۳۲۴۴۰۴۸۸ (۰۵۶)
پست الکترونیکی: info.journal@bums.ac.ir **پایگاه وب:** http://journal.bums.ac.ir

- این مجله با حمایت مالی معاونت تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی بیرجند منتشر می‌شود.
- استفاده از مطالب مندرج در این مجله با ذکر مأخذ مجاز می‌باشد.
- مقالات این مجله در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی EMRO، ISC (Islamic World Science Citation Center)، Index Copernicus، IranMedex، Magiran و SID نمایه می‌شود.

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت - مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، ۲۹ الی ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

شناسنامه همایش

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت با محوریت مراقبت های نوین

29 الی 31 اردیبهشت 1394

برگزارکنندگان:

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

دانشکده پرستاری و مامایی

رئیس همایش :
دکتر کاظم قائمی

نایب رئیس همایش :
دکتر اصغر زربان

دبیر علمی همایش :
دکتر غلامحسین محمودی راد

همکار دبیر علمی:
دکتر احمد نصیری فورگ

دبیر اجرایی همایش :
مهندس غلامرضا شریف‌زاده

همکار دبیر اجرایی:
دکتر محسن فؤادالدینی

دبیر علمی همایش: دکتر غلامحسین محمودی‌راد

همکار دبیر علمی: دکتر احمد نصیری

اعضای کمیته علمی به ترتیب حروف الفبا

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
دکتر نرجس اکبری	دکتر محمد رضا رضوانی	فرح مادرشاهیان
دکتر سمانه اسلامی	مهندس عباسعلی رمضانی	دکترغلامحسین محمودی راد
دکتر علی اکبر اسماعیلی	دکتر اصغر زربان	دکتر بهزاد مصباح زاده
دکتر محمد افشار	حکیمه سابقی	نرگس معاشری
دکتر آزاده ابراهیم زاده	غلامرضا شریف‌زاده	مرضیه مقرب
علی محمد ایزدپناه	دکتر زینب صارمی	دکتر محمد ملکانه
دکتر بهنام باریک‌بین	دکتر مسعود ضیائی	دکتر میترا مودی
مرضیه ترشیزی	شهناز طبیعی	دکتر محمد رضا میری
مریم تولیت	دکتر فرشید عابدی	دکتر کبری ناصری
دکتر محمد حسن پور فرد	دکتر محمدرضا عابدینی	دکتر مریم نخعی
دکترسید محمدرضا حسینی	دکتر غلامرضا عنانی سراب	دکتر احمد نصیری
طیبه خزاعی	دکتر محسن فوادالدینی	دکتر محمد حسن نمایی
طاهره خزاعی	دکتر رضا قادری	دکتر ابوالفضل وقار سیدین
دکتر رضا دستجردی	دکتر طوبی کاظمی	دکتر ریحانه هوشیار
دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر محمود گنجی فرد	دکتر غلامحسین یعقوبی

دبیر اجرایی: مهندس غلامرضا شریف زاده

همکار دبیر اجرایی: دکتر محسن فوادالدینی

دبیرخانه همایش: حکیمه سابقی

اعضای کمیته اجرایی به ترتیب حروف الفبا

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
مرضیه آخوندی	سوری صغری راغبی	علی فرمهر
محمد سلمان احمدی	ناهید رحمانی	زهرا فرج زاده
سید محمد اسلامی نژاد	فاطمه رحیمی	علیرضا فرهادیان
احسان افکار	محمد باقر روزگار	ام‌البنین کاربر
میترا اسکندری	سمانه رزقی	ابوالفضل کامرانی
بتول بهجت نیا	دکتر مجید زارع بیدکی	زهرا کلینی
مریم بهلگردی	دکتر ولی‌ا... زراعتکار	محمد کیانی
نرجس بهلگردی	حکیمه سابقی	نسیم لطفی
طاهره پاکدل	معصومه سبزه‌کار	مسعود محتشمی
حمیده توسلیان	کبری سرچاهی	علیرضا محمودی راد
مهدی توسلیان	عباسعلی سلطان پور	صدیقه ملکی
طاهره ثمین	مهری سروری	حامد مودی
الهام جابری	رضا شاهوردی	حسین نجات
الهه حاجی آبادی	محمدرضا شفیع نیا	مجید نجفی
ملیحه حسینی	علی محمد صادقی	حسن نظری
حمید حسین پور	کاظم عبدالرزاق نژاد	شیرعلی یعقوب پور
حسین حسینی مقدم	فهیمه عربی	
محمدحسین درمیانی	حسن عظیمی	

اعضای کمیته داوران به ترتیب حروف الفبا

نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی	نام و نام خانوادگی
زهرا آموزشی	رقیه دادی	دکتر زویا طاهر گورابی	مرضیه مقرب
دکتر آزاده ابراهیم زاده	دکتر زهره خزاعی	شهناز طبیعی	دکتر محمد ملکانه
دکتر سمانه اسلامی	دکتررضا دستجردی	دکتر فرشید عابدی	دکتر میترا مودی
دکتر علی اکبر اسماعیلی	دکتر محمد دهقانی فیروزآبادی	دکتر محمدرضا عابدینی	نسیم مهرپویا
دکتر محمد افشار	حسین رحیمی	داوود عودی	دکتر محمد رضا میری
دکتر نرجس اکبری	دکتر محمد رضا رضوانی	دکتر محسن فوادالدینی	دکتر کبری ناصری
علی محمد ایزدپناه	مهندس عباسعلی رمضانی	دکتر رضا قادری	دکتر مریم نخعی
دکتر بهنام باریک‌بین	دکتر اصغر زربان	دکتر طوبی کاظمی	دکتر احمد نصیری
مرضیه ترشیزی	حکیمه سابقی	دکتر محمود گنجی فرد	دکتر محمد حسن نمایی
مریم تولیت	نرگس سلطانی	سید مصطفی محمودی	دکتر ابوالفضل وقار سیدین
عباس جوادی	مریم سلمانی مود	فرح مادرشاهیان	دکتر ریحانه هوشیار
دکتر محمد حسن پور فرد	غلامرضا شریف‌زاده	یحیی محمدی	دکتر غلامحسین یعقوبی
دکترسید محمدرضا حسینی	دکتر زینب صارمی	دکتر غلامحسین محمودی‌راد	زهرا یونسی
طیبه خزاعی	فرزانه صفاجو	دکتر بهزاد مصباح زاده	هایده هدایتی
طاهره خزاعی	دکتر مسعود ضیائی	نرگس معاشری	

اسامی سخنرانان مدعو:

1- جناب آقای دکتر غلامعلی ناصح
2- جناب آقای دکتر مهدی بلالی مود
3- جناب اقای دکتر سعید عسگری
4- جناب اقای دکتر حسن فرهمند
5- جناب آقای دکتر فرشید عابدی
6- سرکار خانم دکتر اکرم اعرابی

سخنرانی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه سخنرانی با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

اثر بخشی واکسن هپاتیت B در افراد عقب مانده ذهنی ساکن در مرکز علی اکبر بیرجند - 1392

دکتر زهره آذرکار، دکتر آزاده ابراهیم زاده، ملیحه وکیلی

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات هپاتیت و دانشیار گروه عفونی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *drz.azarkar@yahoo.com*

زمینه و هدف: هپاتیت Bیکی از مهمترین مشکلات سلامت جامعه در سراسر دنیاست وباعث افزایش مورتالیتی و موربیدیتی میشود . افراد عقب مانده ذهنی بدلیل داشتن رفتارهای پر خطر در معرض هپاتیت B قراردارند. با توجه به عوارض حاد و مزمن بیماری (سیروز ـ سرطان ـ هپاتیت فولمینانت) انجام واکسیناسیون در کاهش ابتلاء به این بیماری از اهمیت بسزایی برخوردار است . هدف از این مقاله بررسی اثربخشی واکسن هپاتیت B درافراد عقب مانده ذهنی می باشد .

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی تحلیلی است .کلیه بیماران عقب مانده ذهنی ساکن در مرکز علی اکبر شهرستان بیرجند که واکسیناسیون هپاتیت B را دریافت کرده بودند مورد بررسی قرارگرفتند. اطلاعات دموگرافیک شامل سن ـ جنس ـ مدت اقامت در مرکز ـ نوع عقب ماندگی ـ زمان واکسیناسیون و.....از طریق پرونده بیماران جمع آوری شد . سپس نمونه خون از نظر anti HBS – HBS Ag antiHBC با روش الیزا بررسی ونتایج با نرم افزار SPSS-16 آنالیز شد.

یافته ها: از 220 بیمار عقب مانده ذهنی که واکسیناسیون در سه نوبت را دریافت کرده بودند 36/4 % زن و 63/6 % مرد بودند . میانگین سنی بیماران 13/3 ±33/8 بود . از این بیماران 8 مورد سندرم دان ـ 198 نفر منتال ریتارد و 14 مورد بقیه موارد اختلال مغزی بودند . 24 % مدد جویان رفتارهای تهاجمی و گازگرفتن داشتند. در 3/2 %افرادHBS Agمثبت بود.از 220 مورد 174 نفر(79/1%) پس از انجام واکسیناسیون تیتر آنتی بادی ایجاد شده بود و 46 نفر(20/9 %) به واکسن پاسخ نداده بودند .تیتر بالای 10 مثبت درنظر گرفته شد. میانگین تیتر آنتی بادی 77/7 944/9±9 واحد بود.37/5 % بیماران سندروم دان، 81/3% افراد منتال ریتارد و 75 % بقیه بیماران به واکسن پاسخ داده بودند که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود (P=0.02) اختلاف معنی داری بین جنس و میزان سروکانورشن مشاهده نشد اما با سن اختلاف معنی داری وجود داشت (P=0.01) .میانگین تیتر آنتی بادی در افرادی که کمتر از 5 سال از واکسیناسیون آنها گذشته بود بطور معنی داری بالاتر از افرادی بود که بیش از 5سال از واکسیناسیون آنها گذشته بود (P=0.004)

نتیجه گیری: کارایی واکسن هپاتیت B در افراد دچار عقب ماندگی های ذهنی کمتر از افراد سالم است . لذا با توجه به بروز رفتارهای پرخطر و احتمال انتقال هپاتیت B در مراکز نگهداری بیماران عقب مانده ذهنی توجه به انجام واکسیناسیون هپاتیت B و مسائل بهداشتی این افراد مورد تاکید است .

واژه های کلیدی: عقب مانده ذهنی ، هپاتیت B، واکسن

بررسی تاثیر اجرای برنامه توانمند سازی بر دانش و رفتار های مراقبت از خود در بیماران مبتلا به دیابت نوع یک مراجعه کننده به کلینیک دیابت پارسیان مشهد 1392

حسین رحیمی، نسیم مهرپویا، امیررضا صالح مقدم، سعید واقعی

نویسنده مسئول: مربی، عضو هیئت علمی گروه آموزشی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *hosseinrahimi92@yahoo.com*

زمینه و هدف: امروزه دیابت به یک مشکل جدی جهانی تبدیل شده و مشکلات ناشی از آن عوارض نامطلوبی به دنبال دارد که کنترل دیابت را دشوار می سازد. مفهوم توانمند سازی، قادر ساختن بیماران به اتخاذ تصمیم آگاهانه و ایفای نقش فعال در برنامه ریزی و تصمیم گیری در فعالیت های مرتبط با سلامت است. هدف این مطالعه تعیین تاثیر برنامه توانمند سازی بر دانش و رفتار های مراقبت از خود در بیماران مبتلا به دیابت نوع یک می باشد.

روش تحقیق: دراین پژوهش نیمه تجربی 40 بیمار بصورت تصادفی در گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند. برنامه توانمند سازی برای گروه آزمایش طی 6 جلسه 60 دقیقه ای در محل کلینیک دیابت با استفاده از روش سخنرانی،شرکت در بحث،نمایش اسلاید،فیلم و ارایه پمفلت اجرا شد.برنامه توانمند سازی در زمینه شیوه تزریق انسولین، فعالیت بدنی و ورزش،کنترل عوارض و مراقبت از پا با استفاده از پرسشنامه پژوهشگرساخته قبل و12 هفته بعد از آموزش،در هر دو گروه مورد سنجش قرار گرفت و توسط نرم افزار spss14 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: قبل از برنامه توانمند سازی بین دو گروه شاهد و آزمایش از نظر دانش و رفتار های خودمراقبتی تفاوت معناداری وجود نداشت($P>0/05$)بعد از مداخله در گروه آزمایش،از لحاظ آماری نمره دانش و رفتارهای خود مراقبتی افزایش یافت. ($P<0/0001$). در گروه شاهد،از لحاظ آماری نمره دانش و رفتارهای خود مراقبتی بعد از 12 هفته تفاوت اماری معناداری را نشان نداد($P>0/05$).

نتیجه گیری: برنامه توانمندسازی موجب افزایش دانش و آگاهی و ارتقا مهارت های خود مراقبتی در مبتلایان به دیابت نوع یک می شود. نتایج این مطالعه می تواند به عنوان الگویی جهت استفاده در سیستم بهداشت و درمان کشور و تغییر رویکرد از درمان به بهداشت و به دنبال آن کاهش هزینه های درمانی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: دیابت نوع 1،توانمند سازی،مراقبت از خود، دانش

تاثیر استفاده از پمپ در ایجاد نارسایی حاد کلیوی در بیمارانی که تحت جراحی بای پس عروق کرونر قرار گرفته اند

دکتر محمود حسین زاده ملکی، دکتر امیر رحمانیان شریف آباد

نویسنده مسئول: پزشک عمومی، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *mahmoodhosseinzadeh@yahoo.com*

زمینه و هدف: بای پس عروق کرونر (CABG) به صورت سنتی با استفاده از پمپ قلبی ریوی (CPB) صورت می گیرد (On pump CABG). استفاده از CPB با القای پروسه التهابی سبب بروز عوارض متعددی می شود لذا استفاده از بای پس عروق کرونر بدون استفاده از پمپ (Off pump CABG) که ممکن است باعث کاهش عوارض وابسته به CPB شود مورد توجه قرار گرفته است. هدف از مطالعه حاضر بررسی تفاوت دو روش CABG در بروز آسیب حاد کلیوی می باشد

روش تحقیق: در این مطالعه تمام بیمارانی که در سال 1393 در بخش جراحی قلب بیمارستان ولی عصر بیرجند تحت CABG قرار گرفتند به صورت گذشته نگر مورد بررسی قرار گرفتند، اطلاعات دموگرافیک بیماران، اطلاعات مربوط به نوع عمل و نتایج آزمایشات و همچنین اطلاعات مرتبط با مرگ و میر بیماران در قالب پرسشنامه ای جمع آوری گردید و پس از کدبندی توسط نرم افزار SPSS نگارش 22 مورد تحلیل قرار گرفت

یافته ها: در این مطالعه 200 بیمار مورد بررسی قرار گرفتند که از این میان 173 بیمار با استفاده از پمپ (86.5%) جراحی شدند 66.5 درصد از بیماران مذکر بودند و در مجموع 200 بیمار مورد بررسی تنها 3 مورد مرگ گزارش شد که تمام این موارد بیمارانی بودند که به دلایل اورژانس با استفاده از پمپ و با اختلالات زمینه ای متعدد تحت جراحی قرار گرفته بودند. بر اساس آنالیز اطلاعات جمع آوری شده تفاوت معناداری در تغییرات GFR بلافاصله بعد از عمل (p=0.862)، 24 ساعت(p=0.907)، 48 ساعت (p=0.342) و 72 ساعت بعد از عمل(p=0.821) و همچنین مدت زمان بستری ICU (p=0.879)، مدت زمان ونتیلاسیون (P=0.672)، تعداد گرفت (P=0.545)، بستری مجدد طی 30 روز اول پس ار ترخیص (p=0.749) و بستری مجدد در ICU (p=0.853) وجود نداشت

نتیجه گیری: با توجه به این که موارد اورژانس CABG همگی با استفاده از پمپ جراحی می شوند و مرگ و میر در جراحی های اورژانس به مراتب بیشتر از جراحی های الکتیو اتفاق میفتد می توان مرگ و میر گزارش شده در این مطالعه که تنها در گروه جراحی با استفاده از پمپ گزارش شده به وضعیت اورژانس جراحی نسبت داد تا استفاده از پمپ

واژه های کلیدی: عمل جراحی قلب باز، با پمپ وبدون پمپ، مورتالیتی

آیا ما به چشم انداز 25×25سازمان بهداشت جهانی می توانیم برسیم؟

دکتر طوبی کاظمی، الهه یاری، ریحانه زمینی

نویسنده مسئول: استاد قلب وعروق، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *drtooba.kazemi@gmail.com*

زمینه و هدف: از آنجایی که شیوع بیماری های غیر واگیر در دنیا در حال افزایش است ،در سال 2011 رؤسای جمهور بسیاری از کشورهای دنیا در جلسه ای که از طریق سازمان بهداشت جهانی تشکیل شده بود شرکت کردند. در این جلسه دولت ها موظف شدند که با انجام اقداماتی بتوانند تا سال2025 حدود 25% مرگ های زودرس ناشی از بیماری های غیرواگیر را کاهش دهند. ما در این مقاله به بررسی وضعیت فعلی فاکتورهای خطر قلبی در نمونه ای از کارمندان شهر بیرجند می پردازیم.

روش تحقیق: در طرح پیشگیری از بیماری های غیرواگیر که در مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر بیرجند انجام می شود طی سالهای 1393-1392 کارمندان شرکت کننده در طرح مورد بررسی قرار گرفتند. معاینات کامل بالینی شامل قد، وزن، دور کمر، فشار خون به روش استاندارد گرفته شد و یک نمونه خون ناشتا جهت بررسی وضعیت قند خون و چربی های سرم به آزمایشگاه بیمارستان امام رضا (ع) ارسال شد و سپس داده ها جمع آوری شده و آنالیز گردید.

یافته ها: از 2100 نفر ، 1426 نفر(68%) مرد بودند. میانگین سنی 40/5 سال (میانه 39 سال) بود.میانگین BMI 25/34 . شایعترین فاکتور خطر قلبی دیس لیپیدمی بود(78%). در گروه دیس لیپیدمی ، low HDL (55/04%) ، LDL بالا (32/95%) ، هیپر تری گلیسریدمی (17/71%) وکلسترول بالا (8/71%) بود. اضافه وزن 39/57% ، چاقی 18% بود. هیپرتانسون در 16% و دیابت 5/19% مشاهده شد. بین دیس لیپیدمی ، اضافه وزن و چاقی در دو جنس اختلاف معناداری مشاهده نشد ولی هیپرتانسیون در مردان و دیابت در زنان به طور معناداری بالاتر بود.

نتیجه گیری: شیوع فاکتور های خطر قلبی همچنان بالاست. اگر بخواهیم به چشم انداز 25×25 سازمان بهداشت جهانی برسیم ، لازم است اقدامات جدی در پیشگیری و درمان این بیماری ها انجام دهیم.

واژه های کلیدی: چشم انداز 25×25 ،فاکتورهای خطر قلبی،کارکنان دولت،بیماریهای غیر واگیر

بررسی وضعیت تعبیه پیس میکر در شهر بیرجند 1394 - 1391

دکتر حمیدرضا مشرقی مقدم، زهرا ترابی

نویسنده مسئول:.استادیار قلب و عروق، فلوشیپ الکتروفیزیولوژی مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ،بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *Hamid mashreghi @yahoo.com*

زمینه و هدف: یکی از علل منجر به فوت بیماران قلبی بلوک قلبی و یا برادیکاردی شدید است که برای بقاء بیماران لازم است پیس میکر تعبیه شود. ما در این مطالعه به بررسی وضعیت تعبیه پیس میکر در شهر بیرجند پرداختیم.

روش تحقیق: پرونده تمام بیمارانی که از سال 1394-1391 جهت آنها device قلبی کاشته شده بود مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات دموگرافیک، نوعdevice وعلت تعبیه آن جمع آوری شده و پس از کد بندی اطلاعات وارد نرم افزار spss شد و آنالیز آماری صورت گرفت.

یافته ها: در طی این مدت 120 device جهت بیماران قلبی کار گذاشته شده بود. 95 مورد پیس میکر (79/16%) و 25 مورد ICD (21/84%) بود. 90% علت تعبیه پیس دائم بلوک کامل قلبی بود و 10% به علت بلوک درجه 2 علامت دار و یا برادیکاردی شدید بود. علل منجر به تعبیه ICD در 80% موارد نارسایی قلبی و 20% در بیمارن بعد از CPR موفق و یا تاکیکاردی بطنی علامتدار بود. میانگین سنی بیماران که ICD داشتند به طور معنا داری پایین تر از بیماران پیس میکر بود ولی از نظر جنس تفاوت معناداری نداشت.

نتیجه گیری: پیس میکر دائم بیشترین نوع device است که جهت بیماران قلبی در بیرجند تعبیه می شود.

واژه های کلیدی: پیس میکر – ICD- نارسایی قلبی – CPR موفق

بررسی ارتباط رفتارهای مقابله‌ای با کیفیت زندگی مراقبین اصلی کودکان مبتلا به هموفیلی بیمارستان حضرت ولی عصر (عج) در سال 1393

الهه مطهریان، دکتر علیرضا محمودی‌راد، دکتر مسعود ضیائی، نسرین حجت‌زاده

نویسنده مسئول: متخصص داخلی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *dr.mahmoodirad@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماری هموفیلی از شایع‌ترین و جدی‌ترین نقایص فاکتورهای انعقادی است که مشکلات بسیاری را برای کودک و خانواده ایجاد می‌کند. این مطالعه به بررسی ارتباط رفتارهای مقابله‌ای با کیفیت زندگی مراقبین اصلی کودکان مبتلا به هموفیلی بیمارستان حضرت ولی عصر (عج) در سال 1393 پرداخته است.

روش تحقیق: در این مطالعه همبستگی، 49 نفر از مراقبین اصلی کودکان مبتلا به هموفیلی زیر 18 سال که در کانون هموفیلی بیمارستان ولی عصر شهر بیرجند در سال 1393 دارای پرونده می‌باشند، به روش سرشماری انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم مشخصات دموگرافیک مراقبین اصلی و سن کودک، پرسشنامه‌های کیفیت زندگی انیسی (1391) و راهبردهای مقابله با شرایط پر استرس کالزبیک و همکاران بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS 16 و آزمون‌های من‌ویتنی‌یو، کروسکال والیس، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره گام به گام در سطح معنی‌داری $p<0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین رفتارهای مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار مراقبین اصلی کودکان با کیفیت زندگی در کل رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p<0/05$). میانگین نمره کیفیت زندگی در کل در مراقبین مذکر نسبت به مراقبین مونث به طور معنی‌داری بیشتر بود. میانگین نمره رفتار مقابله‌ای مسأله‌مدار در مراقبین 40 سال و کمتر نسبت به مراقبین بیشتر از40 سال به طور معنی‌داری بیشتر بود ($p<0/04$) ولی بین مؤلفه‌های رفتارهای مقابله‌ای و کیفیت زندگی بر اساس سایر مشخصات دموگرافیک تفاوتی به دست نیامد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان با تدارک مجموعه اقدامات و برنامه‌هایی در قالب کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی جهت اصلاح راهبردهای مقابله‌ای در افراد، در راستای بهبود کیفیت زندگی آنان گام برداشت.

واژه‌های کلیدی: هموفیلی، مراقبین اصلی، رفتارهای مقابله‌ای، کیفیت زندگی

بررسی کیفیت مراقبت‌های پیش از بارداری ارائه شده به زنان سنین باروری در مراکز بهداشتی درمانی شهر مشهد سال 1391

فاطمه غفاری سردشت، ناهید جهانی شوراب، فرزانه جعفرنژاد، حبیب الله اسماعیلی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری مامایی.
پست الکترونیک: *ghaffarif891@gmail.com*

زمینه و هدف: ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی درمانی به عنوان استراتژی اصلی تامین سلامت و بهبود نتایج مادری و نوزادی است . تامین موفقیت آمیز سلامت مادران و کودکان نیز بدون اداره مناسب مادران در قبل از بارداری امکان پذیر نمی باشد . از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین کیفیت مراقبتهای پیش از بارداری ارائه شده به زنان سنین باروری انجام گردیده است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی 350 زن سنین باروری ، 22 مرکز بهداشتی درمانی و 39 مراقب بهداشتی به روش نمونه گیری چندمرحله ای برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مشتمل بر فرم مشخصات فردی مامایی واحد پژوهش، فرم مشخصات مراقب بهداشتی و مرکز بهداشتی ، دو چک لیست بررسی ساختار و فرایند مراقبت و پرسشنامه رضایتمندی و آگاهی و فرم پیگیری بر مبنای الگوی دونابدین بود .

یافته ها: نتایج نشان داد کیفیت بعد ساختار مراقبت در 86/4 درصد مراکز بهداشتی مشهد مطلوب و فقط در 13/6 درصد متوسط بود. نتایج بررسی بعد فرایند نشان داد کیفیت این مراقبتها در 94 درصد موارد از سطح متوسط و فقط در 5/2 درصد موارد ارائه مراقبتها از سطح مطلوبی برخوردار است . نتایج مربوط به اجزای بعد پیامد مراقبتها نشان داد 95/4 درصد واحدهای پژوهش از ارائه مراقبتهای قبل از بارداری راضی و کاملا راضی بودند و 68 درصد آنها نسبت به مراقبتهای بهداشتی قبل از بارداری از سطح آگاهی متوسطی برخوردار می باشند و بالاخره نتایج در بخش پیگیری مراقبتها نشان داد که در 65/7 درصد موارد پیگیریهای انجام شده توسط مراقبین بهداشتی ضعیف می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج ، ارتقای فرایند مراقبتهای ارائه شده هم در بخش عملکرد تکنیکی مراقبین و هم در بخش تعامل آنها با مراجعین ، اهتمام مراقبین در ارتقای سطح آگاهی مراجعین نسبت به مراقبتهای قبل از بارداری و پیگیری موارد ارجاع شده توصیه می شود

واژه های کلیدی: کیفیت مراقبت ، مراقبتهای پیش از بارداری ، زنان سنین باروری ، مراکز بهداشتی درمانی

ارتباط دلبستگی به همسالان با روش‌های مقابله با مشکلات در نوجوانان

طیبه خزاعی، غلامرضا شریف زاده، سجاد احمدپور، یاسر راشدی، محمد رسانی

نویسنده مسئول:کارشناس ارشد پرستاری ، عضو هیئت علمی و عضو مرکز تحقیقات پرستاری –مامایی، دانشکده پرستاری-مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *E-mail:thayebehk@yahoo.com*

مقدمه و هدف : ورود به نوجوانی با تغییراتی همراه بوده و تنیدگی ها ی خاص دارد که نوجوان برای سازگاری با انها به راهبرد های رفتاری و شناختی بنام شیوه های مقابله نیازمنداست. ازاین دوره دلبستگی به همسالان گسترش می یابد. دلبستگی ایمن به همسالان پیامدهای مثبتی‌دارد.هدف مطالعه تعیین ارتباط دلبستگی به همسالان با روش های مقابله با مشکلات درنوجوانان بیرجند می باشد.

روش تحقیق: مطالعه توصیفی – تحلیلی است که روی 302 دانش اموز دبیرستانی بیرجند به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی انجام شده است.از آزمون دلبستگی به همسالان(IPPA) دارای24 عبارت در سه حیطه ی اعتماد، کیفیت رابطه و خصومت واحساس بیگانگی و مقابله نوجوانان لازاروس استفاده شد. مقیاس مقابله هیجده راهبرد مقابله در سه سبک را بررسی می کندوپاسخ ها به شکل لیکرت 5 درجه ای است. داده ها با نرم افزار spss, وازمونهای اماری کای دو ، تی مستقل و ،همبستگی و رگرسیون در سطح معنی دار0/05تحلیل شدند.

یافته‌ها: 302 دانش آموز ، 199،(65/9%)پسر و 103(34/1%)دختربا میانگین سنی 1/04±16/55 بررسی شدند. میانگین نمره سبکهای مقابله هیجان مدار واجتنابی در دخترها بیش از پسرها بود. با آزمون توکی میانگین نمره سبک اجتنابی ونمره دلبستگی به همسالان در حیطه خصومت بین پایه دوم و چهارم تفاوت معنی دار داشت ولی برحسب تحصیلات و شغل والدین تفاوت نداشت. میانگین نمره دلبستگی به همسالان در حیطه های رابطه و اعتماد در دو جنس تفاوت معنی دار داشت .

نتیجه‌گیری : دلبستگی به همسالان روشهای مقابله با مشکلات راپیش بینی میکند.گرچه در کل نمره سبک مقابله مساله مدار بیشتر بود، میانگین نمره سبکهای هیجان مدار واجتنابی در دخترها بیش از پسرها بودکه نیازمند برنامه ریزی برای اموزش است. گروه همسالان از منابع مهم حمایت عاطفی نوجوانان برای بررسی محیط اجتماعی وبرقراری روابط جدید هستند . نظارت غیر مستقیم والدین برکیفیت این روابط ضروری است.

واژه‌های کلیدی : سبک‌ها ی مقابله، نوجوانان ،دلبستگی به همسالان

بررسی تأثیر شأن درمانی بر سطح امید بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه تحت همودیالیز

سعید واقعی، اکرم ربانی جوادی، سید رضا مظلوم، نیره داودی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری(گرایش بهداشت روان) و عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مشهد، مشهد، ایران

پست الکترونیک: mazlomr@mums.ac.ir

زمینه و هدف: بیماری هاییی نظیر نارسایی مزمن کلیوی با ایجاد نقص در سلامت جسمی و محدود کردن بیمار باعث کاهش سطح امید می شود.در این بیماران امید می تواند دیدگاه آنها را نسبت به زندگی و بیماری تغییر دهد.شأن درمانی یک روش رواندرمانی منحصر بفرد و کوتاه مدت می باشد که برای بیمارانی که دچار بیماری محدود کننده و تهدید کننده زندگی هستند، ایجاد شده است.این تحقیق با هدف بررسی تاثیر شأن درمانی بر سطح امید کیفیت زندگی بیمارن تحت همودیالیز انجام شد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع تجربی دو گروهه با طرح پیش آزمون-پس آزمون است که در بیمارستان های منتخب شهر مشهد انجام شد.74 نفر از بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه تحت همودیالیز پس از اخذ رضایت نامه کتبی وارد مطالعه شدند بدین ترتیب که از بیماران واجد شرایط ورود به مطالعه 36 بیمار مراجعه کننده در روزهای زوج در گروه شأن درمانی و 38 بیمار مراجعه کننده در روزهای فرد درگروه کنترل قرار داده شدند. سطح امید واحد های پژوهش با استفاده از پرسشنامه امید هرث، قبل و بعد از مداخله مورد سنجش قرار گرفت و داده های حاصله با استفاده از آزمون من ویتنی و ویلکاکسون تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد تحت مطالعه12/8±49/0 سال بود و بیشترین فراوانی ها،69/9% مرد، 81/1% متأهل،89/2% فارس،31/1% بازنشسته،44/6% تحصیلات ابتدایی و67/6% در آمدی در حد کفاف داشتند. در گروه مداخله میانگین نمره امید بعد از مداخله (2/6±34/1) نسبت به قبل از مداخله (3/22±32/2) افزایش معنی داری را نشان داد (P=0/000)،میانگین نمره امید بعد از مداخله در گروه شأن درمانی(2/6±34/1) و کنترل(3/90±32/4) بود کهتفاوت معنی داری داشت(p=0/038) در حالی که قبل از انجام مداخله بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت(p=0/832).

نتیجه گیری: مداخلاتی مانند شأن درمانی، باعث تغییر در سطح امید بیماران تحت همودیالیز می شود ،بنابراین با برنامه ریزی و انجام چنین اقداماتی می توان سطح امید این بیماران را افزایش داد.

واژه های کلیدی: شأن درمانی،نارسایی مزمن کلیه، همودیالیز ،امید

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه سخنرانی با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی رابطه خودکارآمدی بالینی با انگیزش شغلی در پرستاران بیمارستان های بیرجند در سال 1393

دکتر محسن فوادالدینی، فاطمه صغری چاجی، محدثه سلم آبادی، نسرین خسروی، علی محمد ایزدپناه

نویسنده مسئول: استادیار گروه فیزیولوژی، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *foadoddini@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: از جمله عوامل موثر بر کیفیت خدمات بهداشتی میتوان به میزان دانش و مهارت کارکنان، اعتماد به نفس کارکنان، انگیزش شغلی کارکنان، درک نیازهای مراقبتی از جانب کارکنان و غیره اشاره کرد. در این میان نگیزش یکی از ابزارهای مهم در القای کارکنان برای تولید نتیجه موثر و اجرای موفقیت آمیز برنامه های پیش بینی شده است. شناخت عوامل مؤثر در ایجاد انگیزش شغلی، از ضرورت‌هایی است که می‌تواند در افزایش بهره‌وری و رضایت شغلی کمک‌کننده باشد. یکی از فاکتورهایی که بر انگیزش تاثیر میگذارد مفهوم خودکارآمدی است. با توجه به ویژگی های شغلی پرستاران فلذا هدف از مطالعه حاضر تعیین میزان خودکارآمدی و رابطه آن با انگیزش شغلی در بین پرستاران شاغل در بیمارستانهای آموزشی شهر بیرجند می باشد.

روش تحقیق: تعداد 153 نفر از 200 نفر پرستار شاغل در دو بیمارستان آموزشی امام رضا (ع) و ولیعصر به صورت سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. برای بررسی انگیزش شغلی از پرسشنامه استاندارد هرزبرگ استفاده شد که شامل30 سوال پنج گزینه ای و دارای حداکثر نمره 150 و حداقل نمره 30 بود. از پرسشنامه خودکار آمدی بالینی دکتر چراغی مشتمل بر پنج حیطه در غالب 40 سوال ده نمره ای استفاده شد که عدد 100% نمایانگر اطمینان کامل به انجام آن وظیفه و عدد 0% نمایانگر اینکه که فردکاملا اطمینان دارد که قادر به انجام آن وظیفه نمیباشد بود. میانگین نمرات خودکارامدی و انگیزش شغلی با استفاده از آزمون T-Testو ANOVA بررسی شده و ارتباط آنها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می شود. از نرم افزار SPSS(16)و در سطح معنی داری $P<0.05$ تحلیل آماری صورت می گیرد.

یافته ها: در این پژوهش توصیفی تحلیلی اکثر پرستاران زن (65.4%) ، متأهل (76%) ،با میانگین سنی 7±32 سال بودند. میانگین سابقه کاری آنان 6±9 سال و نوبت کاری به صورت چرخشی (86 %) و دارای وضعیت استخدامی رسمی (44%) هستند و 78% آنان اضافه کار داشتند. امتیاز کلی انگیزش شغلی در این پژوهش با میانگین 22±50.6 است و امتیاز کلی خودکارامدی بالینی با میانگین 10±76.5% است. تفاوت معنا داری میان نمرات انگیزش شغلی و خودکارامدی بین دو جنس مشاهده نشد($p=0.6$)($p=0.3$). ارتباط معناداری بین خودکارآمدی بالینی و انگیزش شغلی مشاهده نشد ($p=0.7$) . آزمون متعاقب Tukey نشان داد که در مقایسه دو گروه قراردادی و رسمی، میانگین نمره انگیزش شغلی تفاوت معناداری مشاهده شد.($p=0.01$) و میانگین نمره خودکارامدی از درصد در بین دو گروه پیمانی و طرحی و دو گروه رسمی و طرحی تفاوت معناداری مشاهده شد. ($p=0.01$)($p=0.03$). بر اساس نتایج بین میانگین نمره انگیزش شغلی ، سابقه کار و سن ارتباط معناداری مشاهده نشد ($p=0.1$)($p=0.8$). بر اساس نتایج بین خودکارامدی بالینی و سن ارتباط معناداری مشاهده شد ($p=0.004$) که با ضریب همبستگی پیرسون 0.28 این رابطه تایید شد. همچنین بین خودکارامدی بالینی و سابقه کار ارتباط معناداری مشاهده شد ($p=0.01$) که با ضریب همبستگی پیرسون 0.22 این رابطه تایید شد.

نتیجه گیری: نمره انگیزش شغلی پرستاران از سطح پایینی برخوردار است. نمره خودکارآمدی بالینی پرستاران از درصد بالایی76% برخوردار است که نشانگر وضعیت مناسب خودکارآمدی آنان میباشد. ضمنا سن و سابقه شغلی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر روی خودکارآمدی ایشان است. توجه به افزایش انگیزش شغلی از سوی سیاستگذاران و مدیران قابل توجه میباشد.

واژه های کلیدی: انگیزش شغی- خودکارآمدی- پرستار- بیرجند

مقایسه اضطراب، رضایت زناشویی و زایمان زودرس در مادران معتاد و غیر معتاد

ملیحه راستگو، دکتر محمدرضا میری، دکتر رضا دستجردی

نویسنده مسئول: دانشیار آموزش بهداشت وارتقاء سلامت ،گروه آموزشی بهداشت عمومی دانشکده بهداشت، عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *miri_moh2516@yahoo.com*

زمینه و هدف: سلامت مادر وکودک از مهمترین شاخصهای سلامت هر جامعه است و برای ارتقاء این شاخصها می بایست تلاش شود مادران باردار سالمی داشته باشیم ، امروزه اعتیاد وعوارض ناشی از آن در بارداری به یکی از مشکلات جدی در سراسر دنیا تبدیل شده است .با توجه به آمار بالای مادران باردار معتاد و پرخطر بودن آنها در خراسان جنوبی ،پژوهش حاضر با هدف مقایسه اضطراب،رضایت زناشویی وزایمان زودرس در مادران باردار معتاد وغیر معتاد انجام گرفت.

روش تحقیق: در یک مطالعه علمی –مقایسه ای تعداد 30 مادر باردار معتاد تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهرستان سربیشه انتخاب شدند و30 نفر مادران غیر معتاد نیز با توجه به سن، میزان تحصیلات ،وضعیت اقتصادی بعنوان گروه شاهد انتخاب وهمتاسازی شدند ،سپس هر دوگروه بوسیله پرسشنامه های استاندارد اضطراب استپیل برگر ورضایت زناشویی اینریچ بصورت مصاحبه حضوری مورد بررسی قرار گرفتند وهمچنین از نظر وقوع زایمان زودرس بررسی شدند.جهت تجزیه وتحلیل داده ها از آزمونهای Tمستقل و رگرسیون خطی چند متغیره در سطح$\alpha \leq 0/05$ استفاده شد.

یافته ها: میانگین سن مادران معتاد 5/62 ± 33/97 ومیانگین سن مادران غیر معتاد 5/62 ± 33/97، همچنین میانگین تعداد بارداری در مادران معتاد و مادران غیر معتاد 3/23 بود.

میانگین رضایت زناشویی در مادران غیر معتاد بطور معناداری بیش از مادران معتاد بود.(P=0/01) همچنین اضطراب نسبتاً شدید وشدید در مادران معتاد بیش از مادران غیر معتاد بود. میانگین رضایت زناشویی در مادران معتاد که زایمان زودرس داشتند نیز از مادران سالم پایین تر بود. .(P=0/004) یافته های پژوهش مبین آن بود که اعتیاد مادر و زایمان زودرس بطور معناداری بر رضایت زناشویی واضطراب آشکار موثر بود.

نتیجه گیری: آموزش پیشگیری وکنترل اعتیاد در زمان بارداری ، همچنین آموزشهای آرام سازی و مقابله با اضطراب وسازگاری زناشویی در دوران بارداری کاملاً ضروری بنظر می رسد. همچنین غربالگری مادران باردار از نظر شدت اضطراب ودلزدگی زناشویی از اهمیت ویژه ای در این دوران برخوردار است.

واژه های کلیدی: رضایت زناشویی، اضطراب ،زایمان زودرس،مادران باردار معتاد

بررسی اثربخشی گروه‌درمانی شناختی_ رفتاری بر بهزیستی روان-شناختی معتادان در حال ترک

رضا یعقوبی، دکتر علی اکبر اسماعیلی، رضا دستجردی

نویسنده‌ی مسئول: متخصص روانپزشکی، استادیار دانشگاه علوم‌پزشکی بیرجند- مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *esmaeili67@gmail.com*

زمینه و هدف: سایه‌ی سنگین و خانمان‌سوز اعتیاد، سال‌های زیادی است که جهانیان و خصوصاً مردم کشورمان را از تبعات خود می-رنجاند. امروزه با گسترش روان‌شناسی مثبت‌گرا در درمان بسیاری از اختلالات روان‌شناختی خصوصاً اعتیاد، بر پرورش و رشد جنبه‌های مثبت وجود انسان تأکید می‌شود. به نظر می‌رسد از جمله عوامل مهم و اساسی که می‌تواند در درمان اعتیاد مؤثر واقع شود، افزایش «بهزیستی روان‌شناختی» است. در این میان یکی از رویکردهای روان‌شناختی در درمان اعتیاد که به «مقرون به صرفه بودن» و «تأثیرگذاری بیشتر» شهرت دارد و احتمالاً می تواند در افزایش متغیر یاد شده تأثیرگذار باشد، «گروه درمانی شناختی_رفتاری» است.
هدف: با توجه به این‌که به نظر می‌رسد، بهزیستی روان‌شناختی می‌تواند در درمان اعتیاد موثر واقع شود، پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی گروه‌درمانی شناختی_رفتاری بر بهزیستیِ روان‌شناختیِ معتادانِ در حال ترک می‌پردازد.
روش تحقیق: در یک بررسی نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون، از بین حدود 100 نفر مراجعه کننده به کلینیک ترک اعتیاد سرپایی شهرستان فردوس که تحت درمان با متادون (MMT) بودند، 30 نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه 15 نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش علاوه بر دریافت دارو، تحت 12 جلسه گروه درمانی شناختی_رفتاری قرار گرفت درحالی که در گروه کنترل هیچ مداخله‌ی غیر دارویی صورت نگرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه 84 سؤالی بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB) استفاده شد و داده‌ها به روش آزمون t مستقل تحلیل شدند.
یافته‌ها: در این پژوهش، گروه درمانی شناختی_رفتاری نقش مثبتی در پیش‌بینی مؤلفه‌های؛ «تسلط محیطی»، «رشد فردی»، «ارتباط مثبت با دیگران»، «هدفمندی در زندگی» و «پذیرش خود» نشان داد (P<0/05). اما در پیش‌بینی مؤلفه‌ی «استقلال»، سهم معناداری نشان نداد (P>0/05).
نتیجه‌گیری: با توجه به آنچه که در این پژوهش بدست آمد، می‌توان به اهمیت نقش گروه‌درمانی شناختی_رفتاری بر بهبود بهزیستیِ روان‌شناختی به عنوان یکی از ملاک‌های مهم در درمان اعتیاد ، اشاره کرد.
واژه های کلیدی: گروه درمانی، شناختی_رفتاری، بهزیستی روان‌شناختی، اعتیاد

تبیین مفهوم مراقبت در بخش مراقبت ویژه نوزادی از دیدگاه والدین و مراقبین

دکتر هایده حیدری، دکترمرضیه حسن‌پور، پروفسور مرجان فولادی

نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، شهرکرد، ایران
پست الکترونیک: *heydary74@yahoo.com*

زمینه و هدف: نوزادن جزء گروه‌های آسیب‌پذیر هستند که نیاز به توجهات پرستاری دارند. بستری شیرخوار در بخش مراقبت ویژه نه تنها برای شیرخوار، بلکه از نظر روحی، روانی و جسمی بر والدین آن‌ها تأثیر دارد. پرستاران می‌توانند به والدین در گذر از این مرحله کمک نمایند. پاسخ‌های نامناسب پرستاران به نیازهای مراقبتی آنان منجر به تجربه اضطراب،ترس،فهم غلط می‌شود. چالش مهّم والدین، مذاکره با متخصصان سلامتی است در صورت حمایت کافی خانواده‌ها توسط متخصصان سلامتی تنش آنان کاهش می‌یابد.

روش تحقیق: این مطالعه به روش تحلیل محتوی کیفی اجرا شد. مشارکت کنندگان از والدین، پزشکان و پرستاران بیمارستان‌های شهر اصفهان بودند که در سال1391 به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند. اشباع داده ها پس از 21 مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته از مشارکت کنندگان حاصل شد. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوی مرسوم استفاده گردید.

یافته ها: بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها 5طبقه اصلی ویژگی مراقبت در بخش مراقبت ویژه نوزادان، مشکلات تشخیص بیماری نوزاد، ویژگی بستری نوزاد در بخش مراقبت ویژه، ویژگی مشکلات نوزاد بستری، ارزشمندی حفظ حیات نوزاد به دست آمد.

نتیجه گیری: عکس‌العمل‌های مناسب پرستاران به سئولات والدین و دادن اطلاعات کافی درباره نوزاد و وضعیت وی در کاهش استرس والدین کمک به‌سزایی خواهد داشت. به‌علاوه آگاهی تیم مراقبتی از نحوه ارائه مراقبت و درمان به نوزاد در بخش مراقبت ویژه به آنان کمک خواهد کرد تا جهت مراقبت مطلوب برنامه‌ریزی کنند.

واژه های کلیدی: بخش مراقبت ویژه نوزادان، والدین، تحلیل محتوی کیفی

تاثیر الگوی توانمندسازی خانواده محور بر کیفیت زندگی کودکان سن مدرسه مبتلا به آسم

راحله رجبی، دکتر سکینه سبزواری، فریبا برهانی، دکتر علی اکبر حقدوست، نسرین بازرگان

نویسنده مسؤول : استادیار، گروه داخلی جراحی، دانشکده پرستاری رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.
پست الکترونیک: *S_Sabzevari@kmu.ac.ir*

زمینه و هدف: آسم شایعترین بیماری مزمن دوران کودکی است که بر کیفیت زندگی بیماران و خانواده‌های آن‌ها تاثیر می‌گذارد .این پژوهش با هدف تعیین تاثیر الگوی توانمندسازی خانواده‌محور بر کیفیت زندگی کودکان سن مدرسه مبتلا به آسم انجام شد.
روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعهٔ نیمه تجربی است که 172 کودک 12-6 ساله مبتلا به آسم به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و براساس مراجعه به کلینیک آسم و آلرژی بیمارستان افضلی پور کرمان به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند .ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناسی و" پرسشنامه کیفیت زندگی کودکان مبتلا به آسم "PAQLQ: Pediatric Asthma Quality of Life Questionnaire""بود . روایی محتوای ابزار با نظر سنجی از 10 نفر از صاحب نظران و پایایی با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ(0/80) مورد تایید قرار گرفت .الگوی توانمندسازی شامل 4 مرحله (افزایش دانش، خودکارآمدی، عزت نفس و ارزشیابی) از طریق بحث گروهی، نمایش و مشارکت آموزشی برای گروه مداخله اجرا و پرسشنامه‌ها قبل و بعد از مداخله تکمیل گردیدند. برای تحلیل داده‌ها از SPSSنسخه 16 استفاده شد.
یافته ها: قبل از مداخله دو گروه مداخله و کنترل از نظر متغیرهای جمعیت شناسی و میانگین نمرات کیفیت زندگی همسان شدند. اختلاف معناداری بعد از مداخله از نظر میانگین نمرات کیفیت زندگی مختص آسم بین دو گروه مشاهده گردید($p<0/05$). بعلاوه، قبل و بعد از مداخله در گروه مداخله از نظر نمرات کیفیت زندگی تفاوت معناداری مشاهده شد($P<0/001$) .
نتیجه گیری: اجرای الگوی توانمندسازی خانواده‌محور در افزایش کیفیت زندگی کودکان سن مدرسه مبتلا به آسم در ابعاد مختلف نشانه‌های جسمی، محدودیت فعالیت و عملکرد عاطفی موثر بود . لذا پیشنهاد میشود برای سایر بیماریها نیز اجرا شود.
واژه های کلیدی: الگوی توانمندسازی خانواده‌محور، کیفیت زندگی، آسم، کودک سن مدرسه

تاثیر برنامه آموزشی تریاژ بر دانش و عملکرد پرسنل پرستاری بیمارستان بوعلی ارتش شهرستان بیرجند در سال 1393

محمد غضنفر آبادی، عصمت نوحی، سکینه سبزواری، ابوالفضل دهبانی زاده، زهرا علیزاده، جواد هادی نیا

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناس ارشد آموزش پرستاری داخلی جراحی واحد بین الملل کرمان
پست الکترونیک: *hadinia@chmail.ir*

زمینه و هدف: کلید موفقیت در مدیریت تعداد بالای مصدومین با منابع محدود، تریاژ می باشد. این امر بدون آمادگی پرستاران میسر نخواهد بود. لذا هدف از این مطالعه تعیین تاثیربرنامه آموزشی تریاژ بر دانش و عملکرد پرسنل پرستاری بیمارستان بوعلی ارتش بیرجند در سال 1393می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است و روی 41 نفر از پرسنل پرستاری بیمارستان بو علی که به صورت سرشماری انتخاب شدند ، اجراء شد ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه تریاژ مشتمل برسه بخش مشخصات فردی ، دانش وعملکرد می باشد. پرسشنامه پژوهشگر ساخته و اعتبار آن از روش اعتبار صوری و محتوا و پایایی آن با آزمون- بازآزمون (آلفا کرونباخ آزمون سنجش سطح دانش 0/755 وآزمون عملکرد انجام تریاژ 0/780) تعیین شد.جهت انجام مداخله ابتدا یک پیش آزمون سطح دانش و عملکرد تریاژ و سپس 3 ساعت کلاس آموزشی به روش سخنرانی و مانور تریاژ پیش بیمارستانی و بیمارستانی صورت گرفت. سپس آزمون نهایی برگزار و در پایان تجزیه و تحلیل داده ها تحت نرم افزار نسخه spss 16 و آزمون t test مستقل و آزمون من ویتنی و ضریب همبستگی پیرسون و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد .

یافته ها: میانگین نمره دانش تریاژ از 12/439 قبل به 15/853 بعد از آموزش و میانگین نمره عملکرد تریاژ از 15/634قبل به 22/512 بعد از آموزش به طور معنا داری افزایش یافت (P VALUE<0.001). دیگر نتایج نشان داد که بین سن و سابقه کار ونمره دانش رابطه ضعیف و معکوسی وجود دارد(r=-.097) (r=-.055)، وبین سن و نمره عملکرد رابطه متوسط و معکوسی وجود دارد(r=-.33). وبین سابقه کار و نمره عملکرد رابطه ضعیف و معکوسی وجود دارد(r=-.20). بین جنس و تاهل و نمره دانش و عملکرد تریاژ قبل و بعد از آموزش ارتباطی وجود ندارد.

نتیجه گیری: آموزش تریاژ به روش شبیه سازی بر میزان آگاهی و عملکرد پرستاران موثر بوده است .پیشنهاد می شود که در جوامع آماری وسیع تر با شیوه های دیگر آموزشی نیز انجام و نتایج مورد مقایسه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: آموزش ،دانش ،عملکرد ، تریاژ ،بیمارستانهای نظامی

بررسی میزان آگاهی و عملکرد دندانپزشکان شاغل درشهر بیرجند در رابطه با کنترل عفونت

دکتر سید محسن حسینی ادیب، دکتر نرجس اکبری، فاطمه ضیا، زهرا تصدیقی، عماد عرب پور، محمدصادق ظریف منش

نویسنده مسئول: متخصص بیماریهای دهان مرکز تحقیقات دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *narges_akbare4021@yahoo.com*

زمینه و هدف: مطب های دندانپزشکی محیطی است که در آن انتقال بیماری های عفونی به آسانی اتفاق می افتد .با وجود پیشرفت های اخیر در زمینه دستور العمل ها ی کنترل عفونت ، چون کارکنان دندانپزشکی در تماس با خون وترشحات بزاق می باشند در صورت عدم آگاهی کافی از برنامه های مدون کنترل عفونت به شدت در معرض خطر ابتلا به عفونت می باشند این مطالعه با هدف ارزیابی آگاهی وعملکرد دندانپزشکان شهر بیرجند در رابطه با کنترل عفونت طراحی شد .

روش تحقیق: این مطالعه با روش توصیفی _مقطعی انجام شد .46 نفر از دندانپزشکان شاغل در شهر بیرجند به طور تصادفی انتخاب شدند . روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه معتبر بود که با توجه به متغیرهای مورد نیاز طراحی شده بود .

یافته ها: میانگین نمره آگاهی دندانپزشکان از 3/1±1/2 از شش نمره بود . 26% از دندانپزشکان نمره آگاهی ضعیف (کمتر از 2) ، 65/2 % متوسط (4-3)و تنها 8/7 % خوب (6-5) بودند .

100% دندانپزشکان شرکت کننده بر علیه هپاتیت B واکسنه شده بودند در حالی که تنها 91/3% از دستیاران آنها واکسینه شده بودند . در مورد استفاده از وسایل حفاظت شخصی (عینک ، دستکش ، گان و....)تنها54/3 % دندانپزشکان عملکرد خوبی داشتند . در مورد نحوه استریلیزاسیون وضد عفونی کردن وسایل 69/5 %دندانپزشکان اطلاعات آنها خوب ارزیابی شد در حالی که 17/4 % اطلاعات متوسط و 13/1 % اطلاعاتشان ضعیف بود . نتایج نشان داد که تنها 60/9 % دندانپزشکان از اتوکلاو برای استریل کردن هند پیس ها استفاده می کنند و7 فقط/21 % آنها قالب ها را قبل از ارسال به لابراتوار به روش صحیح ضد عفونی می نمایند . نمره آگاهی وعملکرد دندانپزشکان بر حسب سن ، جنس ، میزان تحصیلات (عمومی یا متخصص) از نظر آماری تفاوت معنی داری را نشان نداد .

نتیجه گیری :نتایج مطالعه نشان می دهد علیرغم این که اطلاعات دندانپزشکان نسبت به مطالعات قبلی افزایش یافته است هنوز تا رسیدن به وضعیت کاملا مطلوب که بتواند سلامت کارکنان وبیماران را به طور کامل تضمین نماید فاصله وجود دارد . ضرورت آموزش ونظارت بیشتر بر وضعیت کنترل عفونت در مطب های دندانپزشکی ضروری به نظر می رسد .

واژه های کلیدی: کنترل عفونت ، دندانپزشکی ، آگاهی ، عملکرد

بررسی تاثیر سرکه رقیق شده در تسکین خارش اورمیک بیماران همودیالیزی مراجعه کننده به بخش دیالیز بیمارستان ولیعصر بیرجند(عج)

دکتر احمد نصیری، سمانه نخعی، دکتر یدالله واقعی، جمیله مرشدی

نویسنده مسئول: دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند،ایران
پست الکترونیک: *nakhaee38@yahoo.com*

زمینه و هدف: خارش اورمیک عارضه شایعی در بیماران مبتلا به نارسایی مزمن کلیه است که با توجه به ناشناخته بودن علت آن درمان های متفاوتی برای آن توصیه شده است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی تاثیر سرکه بر خارش اورمیک بیماران تحت همودیالیز طراحی شد.

روش تحقیق: در این مطالعه نیمه تجربی (قبل و بعد) از کل بیماران بخش همودیالیز، 23 بیمار دارای خارش اورمیک بودند که به‌روش سرشماری انتخاب شدند. بیماران سرکه رقیق شده را به مدت 2 هفته و دو بار درروز از طریق اسفنج آغشته به محلول سرکه سنتتیک 5% (30میلی لیترسرکه سفید در 500میلی لیتر آب) در نواحی خارش دار مورد استفاده قرار دادند ابزارگردآوری داده ها پرسشنامه خارش و مقیاس تعیین شدت خارش visual analog scale بود که قبل و بعد از مداخله تکمیل شد داده ها با نرم افزارSPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: شرکت کنندگان در این مطالعه دارای میانگین سنی 12/2± 57/04 سال بودند که اکثریت آنان (73/9%) مرد با سابقه خارش بیشتر از یک سال(65/22%) و دارای شدت خارش متوسط (نمره 4 تا 7) (65/2%) بودند نتایج این مطالعه همچنین نشان داد که سرکه رقیق شده میانگین نمرات شدت، دفعات ، پیامدهای خارش و میانگین نمره سطح خارش دار را به طور معناداری کاهش داده است($p<0/05$)

نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه سرکه رقیق شده در تسکین خارش اورمیک موثر است و می تواند به عنوان یک روش مکمل درنظر گرفته شود

واژه های کلیدی: خارش، سرکه، همودیالیز،نارسایی کلیه

تأثیر آینه‌درمانی بر توانایی مراقبت از خود در بیماران مبتلا به سکته مغزی

سید رضا مظلوم، مهناز بهرامی، فرزانه حسن زاده، دکتر کاویان قندهاری

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد آموزش پرستاری، گرایش داخلی- جراحی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، دانشکده پرستاری و مامایی، تربت حیدریه، ایران
پست الکترونیک: *bahramim901@gmail.com*

زمینه و هدف: سکته مغزی یکی از علل عمده از کارافتادگی و ناتوانی در مراقبت از خود است. بنابراین معرفی و توسعه روشهای درمانی جدید به منظور ارتقاء و تسریع مرحله بهبودی بعد از حادثه مغزی، از لحاظ درمانی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت زیادی دارد. لذا این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آینه‌درمانی بر توانایی مراقبت از خود پس از سکته مغزی به انجام شد.
روش تحقیق: در این کارآزمایی بالینی تصادفی تعداد 50 نفر بیمار مبتلا به سکته مغزی در مدت 8 ماه به صورت تخصیص تصادفی در دو گروه کنترل (25 نفر) و آینه‌درمانی (25 نفر) قرار گرفتند. در گروه مداخله، آینه‌درمانی به مدت 30 دقیقه و در 20 جلسه به صورت روزانه یا روزدرمیان انجام شد، به این صورت که فرد حرکات دامنه حرکتی اندام فوقانی و تحتانی را توسط سمت سالم در مقابل آینه انجام داده و تنها تصویر آینه‌ای آن را مشاهده می‌نمود. هر دو گروه آینه درمانی و کنترل برنامه معمول توانبخشی (تحریک عصبی-عضلانی و حرکت درمانی) را دریافت می‌کردند. توانایی مراقبت از خود قبل از مداخله و پایان جلسات پنجم، دهم، پانزدهم و بیستم، با استفاده از ابزار بارتل مورد ارزیابی قرار گرفت. نمره مراقبت از خود در مراحل مختلف و در دو گروه، توسط آزمون تی و تحلیل واریانس با مقادیر تکراری مقایسه شدند.
یافته‌ها: دو گروه قبل از مداخله از نظر توانایی مراقبت از خود و متغیرهای مداخله‌گر تفاوت آماری معنی‌داری نداشتند. در پایان جلسه پنجم، دهم و پانزدهم بیماران از نظر توانایی مراقبت از خود تفاوت آماری معنادار داشتند ($p<0/05$). اماپس از مداخله بیماران در گروه آینه-درمانی از نظر توانایی مراقبت از خود نسبت به گروه کنترل تفاوت آماری معناداری نداشتند ($p>0/05$). نتیجه آزمون تحلیل واریانس با مقادیر تکراری نشان داد گروه و مرحله به صورت مجزا اثر معنی داری بر مراقبت از خود بیماران پس از سکته مغزی داشته است ($p<0/05$) ولی به صورت متقابل این دو تأثیری بر مراقبت از خود بیماران پس از سکته مغزی نداشته است ($p>0/05$).
نتیجه گیری: آینه‌درمانی به عنوان یک درمان مکمل ساده، ارزان و مددجو- محور می‌تواند توانایی مراقبت ازخود بیماران سکته مغزی را تا حدودی بهبود بخشد.
واژه های کلیدی: فعالیت‌های روزمره زندگی، آینه‌درمانی، توانبخشی سکته مغزی، مراقبت از خود.

بررسی اثرات آنتی اکسیدانی عصاره الکلی میوه گیاه گرگ تیغ در مقابل آسیب کبدی القاء شده توسط ccl_4 در موش های صحرایی

دکتر محمد ملکانه، دکتر اصغر زربان،دکتر فاطمه حقیقی، سمیرا اقبالی فریز

نویسنده مسئول: دانشیار گروه بیو شیمی، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *drmalekaneh@yahoo.com*

زمینه و هدف: رادیکالهای آزاد در بروز بیماریهای زیادی مشارکت دارند.مصرف خوراکیهای حاوی ترکیبات انتی اکسیدان در ممانعت یا کاهش این دسته از بیمارها موثر است. مطالعه حاضر جهت بررسی ارزیابی اثرات آنتی اکسیدانی عصاره¬ی اتانولی میوه گیاه گرگ تیغ در مقابل آسیب کبدی القاء شده توسط ccl4 در موش های صحرایی اجرا شده است.

روش تحقیق: رتها به طور تصادفی به 6گروه 7تایی تقسیم شدند. در رتهای گروههای تیماربا دریافت تتراکلرید کربن حل شده در روغن ذرت با غلظت 1 ml/kg بصورت خوراکی آسیب کبدی القا شد و گروه 1 به عنوان نرمال سالم در نظر گرفته شد..گروههای 1و2 بترتیب به عنوان نرمال و تیمار سرم فیزیولوژی و 3، 4 و 5 با غلظت های مختلف (100mg/kg،200،400)عصاره اتانولی میوه گیاه گرگ تیغ به مدت یک هفته به صورت خوراگی تیمار شدند. در انتها، نمونه های خون و ادرار رت های جمع آوری گردید و سطوح FRAP, MDA,ALP ALT,AST ادرارو سرم محاسبه و با آزمون من وینتی و با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: آنالیز آماری داده ها نشان داد عصاره الکلی میوه گرگ تیغ توانسته بطور معنی داری میزان ALT,AST ALP در مقایسه با گروه کنترل تیمار بطور معنی داری (P <0/001) کاهش یافته است . عصاره گیاه میانگینMDA سرم را در تمام دوزها بطور معنی داری (P <0/001) کاهش و در اذرار تنها دوز 400 عصاره اثر حفاظتی معنی دار نشان داده است. عصاره گیاه تنها در تنها دوز 400 توانسته است میزان FRAP با مفهوم قدرت اکسیدانی تام سرم را کاهش دهد ولی در ادرار بی اثر بوده است.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گیری کرد که مصرف عصاره گرگ تیغ در رت های صحرایی مبتلا به آسیب کبدی قادر به حفاظت کبد در مقابل ترکیبات سمی مانند کربن تترا کلرید می با شد.

واژه های کلیدی: آسیب کبدی، گرگ تیغ، کربن تترا کلراید

تاثیر کاربرد موضعی عسل در بهبود زخم‌ها در موش: یک مطالعه تجربی

دکتر رضا قادری، دکتر محمد افشار

نویسنده مسئول: استاد و متخصص پوست، دانشکده پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *rezaghaderi@yahoo.com*

زمینه و هدف : درمان بیماران مبتلا به زخم های پوستی در بین پزشکان و جراحان متخصص جراحی زیبایی پوست مورد بحث است. براساس شواهد اولیه، عسل می تواند به عنوان یک ماده درمانی طبیعی، ساده، مؤثر، ارزان و مطمئن برای تسریع بهبود زخم به کار رود اما بعضی پزشکان هر نظریه‌ای در مورد اینکه درمان با عسل در علم پزشکی جدید در خور توجه و قابل ملاحظه است را رد می کنند.
براساس مطالعاتی که بهبود زخم های سوختگی را با استفاده از عسل مطرح کرده است ما پیش بینی کردیم که عسل بهبود زخم های تمام ضخامت پوستی را تسریع خواهد کرد . هدف از انجام این مطالعه بررسی میزان اثر بخشی عسل در تسریع بهبود زخم های عمیق پوستی در موش بود .

روش تحقیق: این مطالعه تجربی بر روی موش‌های مذکر N.mRi در دو گروه کنترل: پانسمان ساده زخم با گاز استریل و گروه عسل: کاربرد موضعی روزانه یکبار عسل طبیعی بر روی زخم (n=6) انجام شد. یک زخم با ضخامت 2mm در پوست قسمت پشت موشها تحت بیهوشی عمومی انجام شد. . موش‌ها در روزهای چهارم ،هفتم و دهم پس از عمل جراحی برای نشان دادن مراحل مختلف بهبود زخم کشته شدند. ابتدا بررسی پاتولوژی ماکروسکوپیک پوست از نظر وجود عفونت ،جداشدگی لبه های زخم و ترمیم انجام و سپس ارزیابی بافت شناسی محل زخم از لحاظ میزان بهبودی انجام گرفت.

یافته‌ها: عسل باعث افزایش تشکیل بافت جوانه ای - تراکم و فعالیت فیبروبلاست ها - کراتینیزاسیون سطح زخم - ضخامت غشای پایه و اپیدرم و ضخامت فیبرهای کلاژن شد. عسل عفونت، التهاب، ادم و جداشدگی لبه های زخم را کاهش داد.

نتیجه گیری:ما نتیجه گرفتیم که عسل بهبود زخم های عمیق پوستی را در موش ها تسریع میکند.

واژه‌های کلیدی: 1ـ بهبود زخم 2ـ عسل 3ـ موش

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه سخنرانی با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

بررسی اثرات هماتولوژیک و پاتولوژیک مصرف بلند مدت روغن کره محلی جنوب خراسان (پایه شیر گوسفند و یاگاو) و روغن تجاری پنبه دانه در موش صحرایی

دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری، مهران حسینی ، مهسا حسن زاده طاهری، فرناز جهانی

نویسنده مسئول: دانشیار علوم تشریحی، دانشکده پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.
پست الکترونیک: *mmhtahry35@gmail.com*

زمینه و هدف: روغن ها از جمله مواد پر مصرف غذایی در بین مردم جهان می باشند که در طی سالیان متمادی منابع تامین کننده متفاوت و متنوعی برای آنها ارائه شده و در دسترس می باشند. روغن های مختلف اثرات متفاوتی بر فاکتور های مرتبط با سلامت نشان می دهند. کبد به عنوان ارگان کلیدی و موثر در متابولیسم چربی ها در بدن شناخته شده است و از جمله ارگان های اثر پذیر بدنبال مصرف چربی ها بشمار می رود. با توجه به اینکه تا کنون اثرات مصرف روغن های محلی جنوب خراسان که به نام" روغن زرد " مشهور می باشند بر فاکتور های خونی و بافت شناسی مورد بررسی قرار نگرفته است لذا در این مطالعه بر آن شدیم اثرات بلند مدت مصرف روغن های زرد جنوب خراسان و همچنین روغن تجاری پرمصرف پنبه را بر تغییرات احتمالی سلول های خونی و بافت کبد مورد بررسی قرار دهیم.
روش تحقیق: در این مطالعه تجربی 56 سر رت نر نژاد ویستار به طور تصادفی به 7 گروه مساوی (1 کنترل و 6 مداخله) تقسیم گردیدند. هر یک از گروه های تجربی به ترتیب با روغنهای زرد گوسفندی، زرد گاوی وپنبه دانه که در نسبت های 10 و 20 درصد به غذای استاندارد آنها اضافه شده بود، به مدت 150 روز تیمار شدند. همزمان در شرایط یکسان با گروه های تجربی گروه کنترل با غذای استاندارد در مدت زمان مشابه مورد تیمار قرار گرفتند. در پایان مطالعه از تمام حیوانات خونگیری بعمل آمد و مقادیر هماتولوژیک ؛ گلبول های سفید، گلبول های قرمز، پلاکت ها ، هموگلوبین و هماتوکریت مورد سنجش قرار گرفت. همچنین مقاطع بافتی از کبد تمام حیوانات تهیه و پس از رنگ آمیزی با تکنیک های مناسب بصورت کمی وکیفی مورد مطالعه قرار گرفتند.
یافته ها: مقادیر گلبول های سفید تنها در گروه دریافت کننده روغن پنبه دانه در غلظت 20 درصد بطور معنی دار ($p\leq0/0001$) افزایش یافت. مطالعات بافت شناسی مقاطع بافتی کبد نشان داد که تغییرات چربی (Fatty changes) ، حضور سلول های کوپفر ، التهاب و آتروفی سلول های کبدی در گروه های دریافت کننده پنبه دانه بصورت وابسته به دوز و معنی داری بیشتر بود. این تغییرات در حالی بود که هیچ اثر نامطلوبی در پارامتر های یاد شده در گروه های دریافت کننده روغن زردهای (گوسفندی و گاوی) مشاهده نشد.
نتیجه گیری: افزایش گلبول های سفید و ازدیاد سلول های کوپفر در گروه های دریافت کننده روغن پنبه دانه می تواند ناشی از دو دلیل احتمالی باشد؛ 1، آلودگی روغن پنبه دانه (در مراحل فرآوری، حمل و نقل و ذخیره سازی) و 2، عدم تحمل غلظت بالای ترکیبات این روغن توسط سلول های کبد که سبب التهاب، افزایش سلول های کوپفر که خود سبب افزایش گلبول های سفید در خون می گردد. با توجه به یافته های این پژوهش می توان اینطور نتیجه گیری کرد که متابولیسم روغن های زرد در بافت کبد با سهولت بیشتری در قیاس با روغن پنبه دانه در دوز برابر صورت می گیرد.
واژه های کلیدی: روغن پنبه دانه، روغن شیر، روغن زرد گاوی، روغن زرد گوسفندی، گلبول سفید، کبد، سلول های کوپفر

تجارب بیمار و خانواده از شنیدن خبر بد توسط کادر پزشکی:

یک مطالعه کیفی

محمد جلالی، دکتر احمد نصیری، دکتر حیدرعلی عابدی

نویسنده مسئول: بیرجند، بیمارستان تأمین اجتماعی شهید دکتر رحیمی
پست الکترونیک: *mjalali57@yahoo.com-*

زمینه و هدف: اعلام خبر بد به بیمار قسمت عمده ای از مراقبتهای سلامتی محسوب می شود. از آنجاییکه اطلاع رسانی به بیمار و خانواده از حقوق اولیه بیمار است توجه به تجارب بیماران و خانواده ها پس از شنیدن خبر بد می تواند این اطلاع رسانی را هدفمندتر نموده و از آسیب بیشتر به بیمار و خانواده جلوگیری نماید لذا پژوهش حاضر به منظور توصیف تجارب بیمار و خانواده پس از شنیدن خبر بد توسط کادر پزشکی انجام شده است.

روش تحقیق: این مطالعه به روش پدیدار شناسی که رویکردی کیفی است، انجام شده است. نمونه ها از میان افراد دارای تجربه شنیدن خبر بد در شهر بیرجند در سال 1392بودند انتخاب شدند. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف بوده و تا اشباع اطلاعات که در پایان، شمار شرکت‌کنندگان را به 10 نفر رساند، ادامه یافت. یادداشت‌برداری نیز برای تکمیل فرآیند گردآوری داده‌ها به کار برده شد. روش کلایزی جهت تحلیل داده‌ها بکار رفته و استحکام این مطالعه بر پایه معیار دقت در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها: آزمودنی ها در گروه سنی 70-25 سال بودند. طبق روش کلایزی در مرحله اول 280 کد به دست آمد که همان مفاهیم تدوین شده می باشند. در این مرحله از کدهای استخراج شده فهرستی تهیه شد. سپس دسته‌های موضوعی مختلف که معانی مشابهی داشتند، در پنج دسته موضوعی بزرگتر جای داده شدند، که عبارتند از: 1- آشفتگی بدو مواجهه 2– واکنش‌های تطابقی 3– تسکین معنوی 4–تلاطم خانوادگی 5– حمایت طلبی

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بیمار و خانواده پس از شنیدن خبر بد واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند لذا کادر پزشکی ضمن آشنایی و آموزش روش‌های علمی اطلاع خبر بد و با شناخت عکس العمل‌ها، آشفتگی‌ها و تلاطم‌ها و منابع تطابقی و حمایتی به کار برده شده توسط بیمار و خانواده می‌توانند باعث سازگاری بیشتر بیمار و خانواده با واقعه ناگوار و ایجاد آرامش در آن‌ها شوند.

واژه‌های کلیدی: خبر بد – بیمار – خانواده – کادرپزشکی- پژوهش کیفی – آشفتگی

کنترل درد در بیماران تحت عمل جراحی سزارین به روش اسپاینال

دکتر امیر صابر تنها، طاهره خزاعی،حمیده زرشناس، مریم عدل

نویسنده مسئول: متخصص بیهوشی،استادیار گروه بیهوشی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: amirsaber63@gmil.com

زمینه و هدف: از عمده ترین مشکلات پس از اعمال جراحی، کنترل درد بیماران است.
تاکنون به منظور کاهش درد و طولانی کردن زمان بی دردی پس از عمل، داروهای بسیاری به عنوان داروی کمکی با داروی بیحسی نخاعی مورد آزمون قرار گرفته است. ولیکن مخلوط پتیدین و داروی بی حسی استفاده نشده است. هدف از انجام این مطالعه تاثیر اضافه کردن پتیدین به بوپیواکائین برای طولانی کردن مدت بی دردی بعد از عمل جراحی سزارین می باشد.
روش تحقیق: مطالعه حاضر یک کارآزمایی بالینی دو سویه کور بود که برروی 40 بیمار کلاس 1 و 2 (ASA) تحت عمل جراحی سزارین با بیحسی اسپاینال انجام گرفت. بیماران به صورت تصادفی در دو گروه بیحسی اسپاینال با ترکیب بوپیواکائین و پتیدین و بوپیواکائین به تنهایی قرار گرفتند.
برای ارزیابی شدت درد از مقیاس vas(visual analiuge scale) استفاده شد و مدت زمان بی دردی در ریکاوری و 12 تا 24 ساعت بعد در بخش مورد بررسی قرار گرفت، داده ها بعد از ورود به spss با آزمون های آماری کای اسکور و من ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.
یافته‌ها: دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک (سن، وزن، مدت عمل) تفاوت معنی داری نداشتند. (p>0/50)
میانگین طول مدت بی دردی در گروه بوپیواکائین و پتیدین 76/7 ± 232/50 دقیقه و در گروه بوپیواکائین 50/8 ± 146/19 دقیقه بود که اختلاف آن ها از نظر آماری معنی دار بود. (p <0/50) میزان بروز تهوع و استفراغ و خارش در دو گروه تفاوت معنی داری نداشت.
نتیجه‌گیری: اضافه کردن 5 میلی گرم پتیدین به بوپیواکائین 0/75 درصد در بی حسی نخاعی موجب افزایش معنی دار طول مدت بی دردی می شود و عوارضی هم ایجاد نمی کند.
واژه‌های کلیدی: درد، پتیدین، بوپیواکائین، بی حسی اسپاینال

بررسی میزان تأثیر آموزش مبتنی بر مدل تعاملی استرس لازاروس و فولکمن بر مهارت‌های مقابله ای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در سال 1393

دکتر رضا فاریابی، عباس جوادی، طاهره رحیمی

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، یزد، ایران
پست الکترونیک: *faryabi_r@yahoo.com*

چکیده:

زمینه و هدف: امروزه استرس یکی از علل عمدهٔ بسیاری از اختلالات روانی، بیماری های قلبی، سرطان، ناراحتی های گوارشی، پوستی، مشکلات سیستم ایمنی و ... محسوب می شود مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان تأثیر آموزش مبتنی بر مدل تعاملی استرس لازاروس و فولکمن بر مهارتهای مقابله ای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در سال 1393 انجام شده است.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مطالعه مداخله ای و از نوع نیمه تجربی است که بر روی 84 نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در سال 93 با روش سرشماری و با استفاده از پرسشنامه روشهای کنارآمدن لازاروس و فولکمن که روایی و پایایی آن در مطالعات متعدد اثبات شده، با استفاده از نرم افزار SPSS v18 و آزمونهای آماری توصیفی، کای دو و ویلکاکسون انجام شده است.

یافته‌ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه 6/51045 ± 34/9176 سال، میانگین سابقه کار 7/36849 ± 11/2235 سال بود. در این مطالعه میانگین نمره تمامی حیطه های کنارآمدن لازاروس و سبکهای مقابله هیجان مدار و مسئله مدار پس از مداخله آموزشی در گروه مداخله نسبت به قبل از مداخله از نظر آماری معنی دار بود($p<0/05$) در حالی که این تفاوت در گروه شاهد معنی دار نبود($p>0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته های مطالعه حاضر می توان نتیجه گرفت آموزش سبکهای مقابله ای مبتنی بر مدل لازاروس و فولکمن به کارکنان می تواند باعث افزایش استفاده از روشهای مقابله ای مسئله مدار و کاهش استفاده از سبکهای مقابله ای هیجان مدار و افزایش سطح سلامت در تمامی ابعاد بخصوص بعد روانی شود.

واژه‌های کلیدی: استرس، مهارتهای مقابله ای، کارکنان

فرآیند اظهار کنندگی در مدیریت پرستاری ایران

دکتر غلامحسین محمودی‌راد

نویسنده مسئول: استادیار گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

واکنش های همسران زنان مبتلا به سرطان پستان در بدو تشخیص

دکتر احمد نصیری فورگ

نویسنده مسئول: استادیار گروه پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

ادغام آموزش علوم انسانی در علوم پزشکی

دکتر فرشید عابدی

نویسنده مسئول: دانشیار گروه عفونی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

مراقبت‌های نوین در مسمومیت‌ها

دکتر مهدی بلالی‌مود

نویسنده مسئول: استاد سم شناسی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

گزارش طرح جامع شیوع هپاتیت‌های ویروسی در بیرجند

دکتر مسعود ضیائی

نویسنده مسئول: استاد گروه عفونی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

مراقبت‌های نوین در سلامت دهان و دندان

دکتر سعید عسگری

نویسنده مسئول: استاد گروه دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران

مراقبت‌های نوین در بیماری‌های روماتیسمی

دکتر غلامعلی ناصح

نویسنده مسئول: استادگروه روماتولوژی دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

پوستر

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی اپیدمیولوژیک علل مرگ و میر فوت شدگان ثبت شده در استان خراسان جنوبی طی سال 1390

سودابه کفایی، مهرداد کفایی، غلامرضا کفایی، محمد حسین نخعی

نویسنده مسئول: کارشناس آمار گروه مدیریت شبکه ، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *kafaee@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: اطلاع از چگونگی توزیع علل مرگ ومیر و علت آنها در گروه های سنی مختلف، شاخصی برای هدایت برنامه های مرتبط با سلامتی و مداخلات بهداشتی است، و همواره جهت برنامه ریزی های مداخلاتی بهداشتی برای مدیران مهم بوده است این مطالعه به منظور بررسی اپیدمیولوژیک علل مرگ ومیر فوت شدگان ثبت شده در استان خراسان جنوبی طی سال 1390 انجام شد .

روش تحقیق: جامعه آماری کلیه مرگهای ثبت شده در نرم افزار نظام جامع مرگ و میر در سال 1390استان می باشدحجم روش سرشماری کلیه موارد مرگ ثبت شده در نرم افزار ثبت مرگ استان که بر اساس پرسشنامه استاندارد نظام طبقه بندی بین المللی بیماریها(ICD10)، از پزشکان بخش خصوصی ،دولتی ،گورستانها ، مراکز بهداشتی درمانی ،پزشکی قانونی ،ثبت احوال جمع آوری وبا استفاده از نرم افزار Spssروشهای آمار توصیفی و استنباطی Tدو نمونه مستقل و Anovaآنالیز شد .

یافته‌ها: از 3423 مورد مرگ ثبت شد ه در سامانه 1917 (56%)مرد1494نفر(43/6%) زن 12مورد(0/4%) با جنسیت نامشخص میانگین سنی موارد فوت مورد مطالعه 29/4± 61 سال وشایعترین علل فوت بر اساس ICD10 به ترتیب بیماریهای قلبی و عروقی 1193 (35%) ، سرطان 410(12%) ،حالات بد تعریف شده 249(6/7%) ،حوادث ترافیکی 209(6/1%) حوادث غیرعمدی و ترافیکی 162(4/7%) مورد بوده است . مقایسه میانگین سنی با جنس و محل فوت تفاوت معنی دار در سطح معنی داری0/01 $\geq p$ نشان داد .

نتیجه‌گیری: تغییر الگوی بیماریها از واگیر به سمت غیر واگیر همانند سایر استانها اتفاق افتاده است و از بین بیماریهای غیر واگیر به ترتیب بعد از بیماریهای قلبی عروقی سرطانها افزایش داشته واز حوادث پیشی گرفته است لذا اجرای برنامه میانسالان و سالمندان درسیستم شبکه ضروری به نظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: علل مرگ ومیر - خراسان جنوبی -**1390**

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

ارزیابی وضعیت نظام مراقبت و بیماریابی منتژیت در استان خراسان جنوبی در سال 92 - 90

علی عباسی، دکتر بیتا بیجاری، حسن جهانی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آموزش پزشکی،گروه مبارزه با بیماریها، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *aliabassi86@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: منتژیت عبارت است از التهاب پرد ه های مغز که یک بیماری بسیار مهم در سطح جهان می باشد و یکی از بیماریهایی است که قابلیت اپیدمی بالایی داشته و با درصد بالای مرگ ومیر همراه است. بیماری منتژیت نیاز مند نظام مراقبت مستمرو به روز است تا بار حاصل از مرگ ومیر وناتوانی این بیماری را با مدیریت توانمند به حداقل برسد. از انجائیکه حد مطلوب مراقبت وبیماریابی 20در 100000جمعیت تحت پوشش می باشد این مطالعه با هدف تعیین روند مراقبت وبیماریابی و خصوصیات اپیدمیولوژیک موارد مشکوک، محتمل و قطعی ثبت شده منتژیت در استان خراسان جنوبی در سال 92-90 طراحی گرده است.

روش تحقیق: پس از هماهنگی های لازم با معاونت بهداشتی و مراکز بهداشت شهرستانهای تحت پوشش پرونده بیمارانی که از ابتدای سال 1390 به مراکز بهداشت جهت تشکیل پرونده وپیگیری موارد تماس گزارش شده اند، درخواست شد .چک لیستی براساس متغیرهای مورد مطالعه طراحی شده که براساس پرونده بیماران و فرم خلاصه اطلاعات موارد بیماری تکمیل شد .این فرم توسط مرکز مدیریت بیماریهای وزارت بهداشت طراحی شده و حاوی اطلاعاتی درباره مشخصات دموگرافیک افراد مبتلا، تاریخ بروز اولین علایم ، یافته های آزمایشگاهی ، پیامد بیماری و ... می باشد.در موارد ناقص بودن اطلاعات با بیماران تماس گرفته شدو اطلاعات ناقص تکمیل شد . داده ها پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS(16) شده و با استفاده از تست های آماری توصیفی و تست های آماری تحلیلی کای دو یا آزمون دقیق فیشر در سطح معنی داری α-0/05مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: تعداد 154 نفر به عنوان مورد مشکوک به منتژیت به مراکز بهداشت شهرستانهای استان گزارش داده شده بودندکه از این تعداد 55(35/7%) نفر شامل تعریف محتمل و45(29/2%) مورد قطعی منتژیت بودند. تعداد موارد کشف شده در سطح استان 8در صد هزار نفر جمعیت بود.

میانگین سنی مبتلایان13/5±9/05سال بود حداقل سن مبتلایان یک روز و حداکثر 75 سال بود.اکثر موارد(56/4%)84در گروه سنی زیر 5 سال قرار داشتند. (61%)94% مرد بودند.شایعترین عامل شناخته شده ویروسها(46/7%) وبعد از آن استرپتوکوک پنومونیه(37/8%) و منتگوکوک (13/3%)بود. بین نوع منتژیت با جنس (p=0/72)و گروههای سنی (p=./77) ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه شایعترین عامل شناخته شده منتژیت ویروسی بوده و گروه سنی زیر 5 سال بیشترین ابتلا را داشته اند.

موارد کشف شده بر اساس استاندارد تعیین شده(20 مورد در صدهزار) در سطح شهرستانهای تابعه استان بسیار کم می باشد که نیازمند اموزش بیشتر پرسنل و انجام بیماریابی فعالتر و تاکید بر اهمیت گزارش موارد بیماری در استان می باشد.

واژه‌های کلیدی: منتژیت، مراقبت، بیماریابی، خراسان جنوبی

احراز شایستگی بالینی تعبیه لاین وریدی به‌روش ونوپانکچرینگ متقاطع

منصور سلطانی،طاهره خزاعی، اکرم خزاعی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت‌های ویژه ، مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *mscn63@yahoo.com*

زمینه و هدف: امروزه احراز شایستگی بالینی کارکنان درمانی از چالش‌های جدی و بحث‌برانگیز حوزه درمان است. عدم کسب تبحر لازم این مهم موجب بروز کاستی‌ها و خطاهای درمانزاد در امور مراقبتی بیماران می‌شود. مهارت تعبیه لاین وریدی به تنهایی و در وهله اول شایستگی بالینی کارکنان درمانی را بدرستی توصیف می‌کند. ونوپانکچرینگ متقاطع روش آموزش رضایتمندانه گام‌به‌گام تعبیه لاین وریدی دانشجو در استفاده از هم‌کلاسی به عنوان بیمارنما با حضور مربی مربوطه است.این روش با ایجاد فرصت جدید آموزشی و کاهش تراکم دانشجویان بر بالین بیمار سبب افزایش حفظ خلوت و رضایت‌مندی بیماران می‌شود. موارد زیادی در تاریخ پزشکی از شرکت داوطلبانه صاحبان حرف پزشکی برای آموزش و پژوهش وجود دارد که مشکل اخلاقی انجام این قبیل اقدامات را مرتفع می‌سازد.

روش تحقیق: پژوهش پیش‌رو یک مداخله‌ی سری زمانی است که در طول 4 ترم تحصیلی با نمونه پژوهش شامل 20 دانشجوی کارشناسی پیوسته هوشبری در دو گروه مداخله و کنترل انجام گردید.گروه مداخله بروش استفاده از بیمارنما و گروه کنترل به روال معمول تعبیه آنژیوکتتر بیماران اقدام می‌کردند. تمرین مهارت فوق و میزان یادگیری آن در دو گروه تا غایت هدف یعنی صاف‌شدن منحنی یادگیری «بنر»به‌طور مکرر انجام و اندازه‌گیری شد . چک‌لیست روا پایا شده سنجش تبحر شامل 27 گویه ریزمهارت بود که هرکدام با سه گزینه «توانایی انجام به تنهایی» (3 نمره)، « توانایی انجام با کمک» (2 نمره)، و «عدم توانایی انجام» (نمره صفر) نمونه ها را مورد ارزیابی قرار می‌دادند. بازه نمره‌دهی چک لیست فوق از 0 تا 81 تعیین گردید. داده‌ها پس از ورود به نرم‌افزارSPSS 11.5 و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و رگرسیون خطی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: مقایسه میانگین تعداد دفعات انجام کار تا رسیدن به تبحر بالینی درگویه شماره 11 « باز کردن صحیح پکیج آنژیوکتتر» ، 19« مشاهده خون در dead spaceآنژیوکتتر » ، 20 «تداوم ورود با بیرون کشی مختصر ماندرن» و 25 « فیکس‌نمودن آنژیوکتتر» بین دو گروه معنی‌دار بود، بدین صورت که گروه مداخله با تعداد دفعات کمتری به تبحر بالینی در این گویه‌ها رسید($P<0.05$). همچنین تفاوت میانگین میزان تبحر در انجام مهارت بالینی گرفتن خط وریدی را در دفعات مختلف انجام این مهارت در گروه مداخله معنی‌دار نشان داد. که در گروه کنترل معنی‌دار نبود. همچنین گروه کنترل نسبت به مداخله دفعات بیشتری را لازم داشتند تا منحنی یادگیری آنها به یک خط صاف برسد.

نتیجه‌گیری: روش ونوپانکچرینگ متقاطع می‌تواند به عنوان روش مناسبی در احراز شایستگی بالینی تعبیه خط وریدی قبل از اشتغال دانشجویان در بیمارستان مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: شایستگی بالینی، ونوپانکچرینگ متقاطع، لاین وریدی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی رابطه خشونت روانی و جنسی همسر با پیامدهای بارداری در زنان بستری در بخش زنان بیمارستان شهداء قاین در سال 91

زهرا دروگر، دکتر فرخ اباذری، دکتر فریبا برهانی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مجتمع اموزش عالی سلامت قاین
پست الکترونیک:*dfatemeh17@yahoo.com*

زمینه و هدف: خشونت درخانواده، پدیده‌ای است به قدمت تاریخ خانواده،زنان دختران و کودکان قربانیان طراز اول خشونت هستند. خشونت علیه زنان نه پدیده ای است نو ونه مختص جغرافیای خاص در جهان، خشونت علیه زنان مرز نمی شناسد و محدود به جوامع عقب مانده نیست .خشونت با زنان در تاریخ زندگی بشر، امری جهانی‌بوده است. به همین سبب در دهۀ آخر قرن بیستم، سازمان ملل متحد به‌طور فعال‌تری‌درصدد حذف خشونت علیه زنان برآمد.خشونت علیه زنان و دخترا ن یک مشکل حاد اجتماعی محسوب میشود زیرا سلامت انان تامین کننده سلامت نسل اینده است. هر چند تا کنون پژوهشهای زیادی در رابطه با خشونت خانگی علیه زنان باردار صورت گرفته اما با توجه به اهمیت و تاثیر ان بر سلامت کلی نسل اینده و جامعه کافی نمیباشد و انچنان که باید برای کم کردن اثار این معذل کاری انجام نشده است. .مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان و نوع خشونت خانگی طی بارداری وارتباط آن با مشخصات دموگرافیک واحدهای مورد پژوهش و پیامدهای حاملگی شامل ،سقط ،زایمان زودرس ،پارگی زودرس پرده های جنینی ،مرگ جنین ،اپگار نوزاد و وزن زمان تولد نوزاد انجام شد.

روش تحقیق: دراین مطالعه توصیفی - تحلیلی، 400نفرازنان زایمانکرده بستری دربخش بعداز زایمان بیمارستان شهداء قائن وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که به طور تصادفی ساده انتخاب شده بودند،مورد مطالعه قرارگرفتند . ابزارگردآوری داده‌ها،پرسشنامه ای شامل دو بخش بود . پرسشنامه‌ها ازطریق مصاحبه وهمچنین بامراجعه به پرونده واحدهای مورد پژوهش تکمیل گردید.تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم فزار spss و انجام روشهای اماری شامل آزمون کای دو ، آزمون پیرسون دقیق فیشر و آزمون رگرسیون لوجستیک چند متغییره انجام شد. $P<0.005$ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: شیوع کلی خشونت در جمعیت مورد بررسی 67/8% بود که میزان خشونت روانی 67/7% و خشونت جنسی 8/5% بود . ارتباط معنی داری بین متغیرهای مادری شامل ،سن،تعداد زایمان ،شغل،تحصیلات،مدت تاهل ،نوع زایمان ،محل تولد و محل زندگی با رویداد خشونت روانی وجود داشت .($p<o/oo1$) متغییر سن همسر، اعتیاد، شغل ، تحصیلات و میزان درآمد آن‌ها با رویداد خشونت روانی ارتباط معنی داری داشتند. ($P<0.001$) خشونت روانی شانس رویداد پیامدهای آپگار غیر طبیعی، نارس بودن نوزاد، پارگی زودرس کیسه های جنینی ، و پایین وزن هنگام تولد را به طور معنی داری افزایش داده بود ($P<0.05$) . خشونت جنسی شانس رویداد پیامدهای سقط جنین، آپگار غیر طبیعی، مرگ جنین، نارس بودن نوزاد، و پایین بودند وزن هنگام تولد را به طور معنی داری افزایش داده بود ($P<0.05$)

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج طرح و وضعیت خشونت خانگی علیه زنان باردار در این منطقه و جهت کاستن از نتایج ان بر زنان و فرزندانشان ، می توان مسئله خشونت خانگی را پررنگتر کرد و حساسیت مراقبین بهداشتی را برانگیخت و با انجام غربالگری بر روی زنان باردار ،زنان در معرض خطر را شناسایی نمود و با انجام مداخلاتی از اثرات مخرب این معظل کاست.

واژه‌های کلیدی: خشونت ، خشونت خانگی ، زنان باردار

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی تاثیر اجرای برنامه توانمند سازی بر روش های مقابله ای در بیماران مبتلا به دیابت نوع یک مراجعه کننده به کلینیک دیابت پارسیان مشهد 1392

حسین رحیمی، نسیم مهرپویا، امیررضا صالح مقدم، سعید واقعی

نویسنده مسئول: مربی، عضو هیئت علمی گروه آموزشی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند،ایران

پست الکترونیک: *hosseinrahimi92@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماری دیابت از بیماریهای مزمن نسبتاً شایع در جهان است که ابعاد متفاوتی از جنبه های جسمی و روانی فرد را درگیر می کند.تغییر برنامه زندگی، نیاز به خود مراقبتی و عوارض ناشی از بیماری موجب تنش های روانی فراوانی در زندگی مبتلایان به دیابت می شود. مفهوم توانمند سازی، قادر ساختن بیماران به اتخاذ تصمیم آگاهانه و ایفای نقش فعال در برنامه ریزی و تصمیم گیری در فعالیت های مرتبط با سلامت است. پژوهش حاضر با هدف تعیین تاثیر اجرای برنامه توانمند سازی بر روش های مقابله ای بیمران مبتلا به دیابت نوع یک انجام گرفت.

روش تحقیق: پژوهش حاضر یک مطالعه شبه تجربی پیش آزمون-پس آزمون می باشد که با استفاده از 40 بیمار مراجعه کننده به کلینیک دیابت پارسیان مشهد که به روش تخصیص تصادفی در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند،انجام شد.برنامه توانمند سازی برای گروه آزمایش طی 6 جلسه 60 دقیقه ای برگزار شد. اطلاعات از طریق پرسشنامه راهبردهای مقابله ای لازاروس و فولکمن جمع آوری و توسط spss14 و آزمون‌های تی‌زوجی و تی‌مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: قبل از انجام مداخله بین دو گروه شاهد و آزمایش از نظر روش های مقابله ای تفاوت معناداری وجود نداشت($P>0/05$).12 هفته بعد از مداخله در گروه آزمایش،شاهد افزایش معنادار آماری استفاده از روش های مقابله ای کارآمد نظیر روش مواجه شدن،خوش بینانه،حمایت جوینده و خود اتکایی ($P=0/001$)و کاهش معنادار آماری استفاده از روش های مقابله ای ناکارآمد نظیر روش های طفره آمیز و هیجانی بودیم($P=0 /01$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته های پژوهش توصیه می شود که کارکنان مراکز بهداشتی درمانی دیابت بخصوص پرستاران با آموزش و تشویق بیماران به یادگیری مواد توانمند سازی،به کاربرد سبک ها و روش های کارآمد مقابله با تنش ناشی از بیماری و ارتقای خودمراقبتی بیماران دیابتی و سازگاری با این بیماری مزمن گام مناسبی بردارند.

واژه‌های کلیدی: دیابت نوع 1،توانمند سازی،روش های مقابله ای

سواد سلامت، آگاهی و خودکارآمدی در مبتلایان به دیابت نوع دو

مهنوش رئیسی، غلامرضا شریفی راد، فیروزه مصطفوی، الهه توسلی، سید همام الدین جوادزاده

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، کمیته تحقیقات دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت،
reisi_mr@yahoo.com

زمینه و هدف: افزایش توانمند سازی بیماران مبتلا به دیابت جهت بهبود خودمراقبتی، در کنترل بیماری آنها نقش مهمی ایفا می کند. یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه ارتقای سطح خودکارآمدی بیماران است که می تواند سبب مشارکت بیشتر بیمار در روند درمان شده و از بروز عوارض جدی در مبتلایان جلوگیری نماید. مطالعه حاضر با هدف تعیین نقش پیش بین دو عامل سواد سلامت و آگاهی برای خودکارآمدی جهت انجام رفتارهای خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو به منظور برنامه ریزی مداخلات آموزشی در حوزه ارتقای سلامت انجام شد.

روش تحقیق: در این پژوهش توصیفی- مقطعی 187 بیمار مبتلا به دیابت مراجعه کننده به مرکز دیابت حضرت علی شهر اصفهان به روش نمونه گیری آسان انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. جهت گرد آوری اطلاعات از پرسشنامه های استاندارد (DKT) برای ارزیابی آگاهی، (FCCHL) برای سنجش سواد سلامت و (DMSES) جهت سنجش خودکارآمدی استفاده شد. برای تعیین روابط بین متغیرها از نرم افزار آماری SPSS نسخه 16 و آزمون های آماری آنالیز واریانس یک طرفه، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی استفاده گردید.

یافته‌ها: سواد سلامت عملکردی (r= 0/39 ؛ p<0/001)، ارتباطی (r= 0 /37 ؛ p<0/001)، انتقادی (r= 0/43 ؛ p<0/001) و همچنین آگاهی (r= 0 /57 ؛ p =0/002) با خودکارآمدی بیماران برای انجام رفتارهای خودمراقبتی مرتبط بودند. سواد سلامت در هر سه حیطه و همچنین سطح آگاهی به عنوان متغیرهای پیش بین برای خودکارآمدی بیماران جهت انجام رفتارهای خود مراقبتی شناخته شدند و در مجموع تبیین کننده 0/37 از واریانس خودکارآمدی در بیماران بودند. بر اساس نتایج بدست آمده سواد سلامت عملکردی(β= 0/36) مهمترین پیش گویی کننده خودکارآمدی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو می باشد.

نتیجه‌گیری: نظر به اینکه اهمیت و ضرورت توجه به عامل خودکارآمدی در مداخلات آموزشی که جهت ارتقای خودمراقبتی در بیماران دیابتی انجام می شود درمطالعات به خوبی اثبات شده است، لذا توجه به سطح سواد سلامت و آگاهی بیماران به عنوان عوامل تاثیر گذار بر این عامل مهم ضروری به نظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: سواد سلامت، آگاهی، خودکارآمدی، ، دیابت نوع دو.

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

مراقبت‌های نوین در بیماری‌های زنوزیس از دیدگاه پزشکان عمومی شهرستان بیرجند

دکترآزاده ابراهیم زاده، خیرالنساء رمضان زاده

نویسنده مسئول: استادیار گروه عفونی، مرکز تحقیقات هپاتیت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند *mr14436@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماریهای زنوزیس، بیماری های مشترک بین انسان و دام هستند که انواع مختلفی دارد و مهمترین این بیماریها تب مالت، تب کنگو و هاری است که انتشار جهانی دارد و درایران نیز نسبتا شایع است.تب مالت یک بیماری عفونی است که توسط یک کوکوباسیل کوچک ایجاد می شود و طیف وسیعی از پستانداران شامل انسان، گاو و گوسفند و خوک را مبتلا می کند.بیماری از راه پوستی، مخاطی، خوراکی یا استنشاقی منتقل می شود. تب، دردهای عضلانی و خستگی از شایعترین تظاهرات بالینی است و با درمان به طور کامل ازبین می رود. تب های خونریزی دهنده ، گروهی از بیماریهای ویروسی هستند که توسط ویروسی از خانواده بوئیدوویریده ایجاد می شود و یکی از شایعترین آنها تب کریمه کنگو است. بیماری از راه کنه و یاتماس با ترشحات آلوده انسان یافرد مبتلا، منتقل می شود . میزان کشندگی 3 تا 30% است. هاری یک بیماری به صورت آنسفالیت حاد و کشنده است که با پیشگیری درست پس از گازگرفتگی می توان از بروز آن جلوگیری کرد . سگ ها مخزن اصلی این بیماری هستند، اما حیوانات وحشی دیگر مثل شغال و روباه و گرگ هم می توانند از منابع و مخازن این بیماری باشند. پزشکان عمومی و دانشجویان سال آخر پزشکی به عنوان مهمترین گروههای درمان در خط اول مواجهه با این بیماران هستند.

روش تحقیق: در این پژوهش توصیفی- تحلیلی، 58نفر از پزشکان عمومی شاغل در درمانگاهها و بیمارستانهای بیرجند شرکت داشتند که به صورت سرشماری انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان آگاهی پزشکان ، درارتباط با نظام مراقبت بیماریهای زنوزیس(تب مالت، کنگو، هاری) ، پرسشنامه ای توسط محقق براساس کتابچه اصول مدیریت و پیشگیری از بیماریهای وزارت بهداشت با کمک متخصصین عفونی طراحی شد که روایی آن با نظر 5 نفر از متخصصان عفونی مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن با مطالعه پایلوت و محاسبه آلفای کرونباخ 0.82 محاسبه شد. پرسشنامه شامل 5 قسمت بود: قسمت اول؛ مشخصات دموگرافیک، قسمت دوم؛ راههای انتقال، قسمت سوم؛ علائم بالینی، قسمت چهارم؛ علائم پاراکلنیکی و تشخیص و قسمت پنجم؛ درمان پذیری و پیشگیری بود. سپس اطلاعات به spss وارد شدو با آزمون آماری t ا مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: 57/6 درصد افراد شرکت کننده مرد بودند و بیشتر پزشکان مورد بررسی بر اساس سابقه کار، بالای 15 سال می باشند.میانگین سن پزشکان شرکت کننده37±6/70 میباشد میانگین نمره آگاهی پزشکان درباره بیماری تب مالت 14/29±2/93 (علائم بیماری43/32±1/01، راههای انتقال85/. ± 3، راههای پیشگیری1/29 ±4/24، درمان 2/72±1/12) بود میانگین میزان آگاهی پزشکان درباره بیماری هاری 11/37±2/33(علائم بیماری 83/.±2/7، راههای انتقال 85/.±2/63، راههای پیشگیری96/.± 2/98، درمان1/1 ±2/7) بود. میانگین نمره آگاهی درباره بیماری کنگو 2/32± 13/9(علائم بیماری1/1 ±5/4، راههای انتقال71/.± 3/49، پیشگیری91/.± 2/1، درمان69/. ±2/6) بود. نتایج نشان داد که بین میزان آگاهی پزشکان در مورد بیماریهای تب مالت، هاری و کنکو بر اساس سابقه کار تفاوت وجود ندارد (p>0/05)

نتیجه‌گیری: لازمه مراقبت های نوین درباره هر بیماری بالابودن سطح آگاهی پزشکان عمومی به عنوان خدمت رسانان سلامت می باشدو با توجه به اینکه نتایج نشان داد که میزان آگاهی پزشکان در هیچ یک از بیماری ها کامل و کافی نبود؛ آموزش مداوم این بیماریها والزام به شرکت پزشکان عمومی ضروری می نماید. چرا که بیماری مانند تب کنگو کشنده است و اگر یک پزشک اطلاعات کافی درباره آن نداشته باشد صدمات جبران ناپذیری به جامعه وارد خواهد ساخت.

واژه‌های کلیدی: مراقبت‌های نوین، زنوز، پزشکان عمومی

تحلیل بقای عوامل مؤثر بر زمان وقوع تولد اول در زنان متأهل شهر بیرجند

دکتر محمدرضا میری، حکیمه ملاکی مقدم، حبیبه مومنی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد آمار زیستی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد.

زمینه و هدف: در ازدیاد جمعیت، باروری مهمترین عامل است و نقش بنیادی را ایفا می‌کند. بنابراین در مرحله اول باید عوامل موثر بر فاصله زمانی ازدواج تا تولد را مشخص نمود و با کنترل آن عوامل، به وضعیت مطلوب رسید. مطالعات نشان داده است که تنها حدود 15 درصد از کاهش باروری طی دهه دوم ناشی از تغییر سن ازدواج بوده و بیشتر کاهش باروری ناشی از کنترل موالید بوده است. علیرغم این تحقیقات، هنوز به درستی نمی توان به پرسش های مربوط به چگونگی تحولات سریع باروری در سالهای اخیر پاسخی قانع کننده ارائه نمود. باروری طی سه دهه اخیر کاهش قابل توجهی داشته است و میزان باروری کل از 7 تولد برای هر زن در سال 1358 به 1/9 تولد در سال 1385 کاهش یافته است. افزایش فاصله ازدواج تا تولد اول می‌تواند در میزان های باروری تأثیر گذارد و زمینه استمرار کاهش باروری در آینده را فراهم کند.

روش تحقیق: این مطالعه بر روی 180 زوج بیرجندی که در سال 1390 عقد نموده و تا پایان سال 1393 با هم زندگی می‌کردند انجام شده است. انتخاب زوجین برای شرکت در این مطالعه به صورت تصادفی بوده است. پس از اخذ مجوزهای لازم، اسامی زوجین از مرکز بهداشت شهرستان دریافت شد و چک لیست به صورت تلفنی تکمیل گردید. داده ها با استفاده از آنالیز بقا و رگرسیون کاکس مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: در این مطالعه میزان بقا 57/2 درصد، میانگین فاصله عقد تا اولین تولد 855/67 روز (با خطای معیار 265/47) و فاصله اطمینان (95% CI: 803.52-907.81)، سن زن در هنگام عقد 21/99 سال، سن مرد در هنگام عقد 25/06 سال بود. 3/9 درصد (4مورد) زوجین در پایان سال اول، 29/4 درصد (30 مورد) در پایان سال دوم و 66/7 درصد (68 مورد) در پایان سال سوم اولین فرزندشان متولد شده است. مدل رگرسیون کاکس در خصوص متغیرهای موجود در مطالعه نشان داد افزایش فاصله عقد تا ازدواج (p=0.001)، افزایش تحصیلات شوهر (p=0.003)، اشتغال زن قبل از ازدواج (p=0.001) با افزایش میزان بقا، و تولد زن در روستا(p=0.002) و دارا بودن بیمه تأمین اجتماعی (p=0.002) با کاهش بقا ارتباط معنی دار آماری دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به کاهش جمعیت کشور نتایج این مطالعه می‌تواند برای تدوین سیاست های موثر برنامه ریزی خانواده برای کاهش طول بازه ازدواج تا تولد برای افزایش رشد جمعیت مورد استفاده قرار بگیرد.

واژه‌های کلیدی: تولد، عقد، آنالیز بقا، رگرسیون کاکس، بیرجند.

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

ارتباط شیوه زندگی با دیس لیپیدمی در دانش آموزان بیرجند

دکتر فاطمه طاهری، سودابه مودی

نویسنده مسئول: استاد بیماریهای کودکان، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
ftaheri@yahoo.com

زمینه و هدف: در کشورهای توسعه یافته، مرگ و میر ناشی از بیماریهای عفونی وسوء تغذیه به طور قابل توجهی کاهش یافته است . در حال حاضر بیماریهای مزمن به خصوص آترواسکلروز، فشارخون بالاو عوارض آن، به عنوان مهمترین مشکل سلامتی در کشورهای توسعه نیافته و همچنین کشور های توسعه یافته به حساب می ایند(1)
براساس برآورد انجام شده تا سال 2020 ، بیماریهای قلبی– عروقی (به ویژه آترواسکلروز) در سراسر جهان سردسته بیماریهایی خواهند بود که کارایی مفید افراد را به دلیل از کارافتادگی و مرگ زودرس کاهش می دهند. سکته قلبی حاد یکی از شایع ترین علل بستری درکشورهای صنعتی می باشد که اغلب به دلیل آترواسکلروز و ترومبوزعروق کرونر ایجاد میگردد(2).دیس لیپیدمی از عوامل زمینه ساز اترواسکلروز از کودکی و نوجوانی وجود دارد .هدف از این مطالعه مقایسه شیوه زندگی در دو گروه کودکان با دیس لیپیدمی و بدون دیس لیپیدمی بود .
روش تحقیق: حجم نمونه مورد نظر 200نفر بود 100نفر کودک مبتلا به دیس لیپیدمی و 100نفر کودک بدون دیس لیپیدمی بود.در این مطالعه، پس از مراجعه به دارالشفاه امام حسین شهر بیرجند و با تکمیل پرسش نامه ای که از قبل برای این کار و بر طبق مقالات مشابه و پرسش نامه های استاندارد در دنیا طراحی شده است، اطلاعات مربوط به نمونه ها از قبیل مشخصات دموگرافیک و برخی فاکتورهای خطر مربوط دیس لیپیدمی را جمع آوری کردیم .لازم به ذکر است که روایی و پایایی پرسش نامه توسط برخی اساتید مربوطه بررسی و تایید شد.در میان کسانی که شرایط ورود را داشتند آنالیز بر اساس سن و بعد خانوار ،سطح تحصیلات ،شغل پدر و مادر و سابقه دیس لیپیدمی در والدین ،دیابت و چاقی در والدین کودکان دو گروه مورد مطالعه و نگرش نسبت به اندازه بدن و کالری دریافتی از گروههای مختلف غذایی صورت گرفت .در این پرسش نامه میزان فعالیت بدنی و ورزش در هفته و فعالیت های اوقات فراغت و تعداد ساعات تماشای تلویزیون و انجام تکالیف و کار با کامپیوتر و خواب سنجیده شد .در پایان پرسشنامه ها جمع آوری و اطلاعات در نرم افزار SPSSنسخه 16 ثبت شده و پس از آنالیز آماری داده ها با روش t-testو کای اسکوئر، گزارش نهایی تهیه و ارائه شد.
یافته‌ها: در این مطالعه ارتباط بین کالری مواد غذایی و فعالیت ورزشی با دیس لیپیدمی در کودکان دبستانی شهر بیرجند مورد بررسی قرار گرفت که تفاوت معنی داری بین میزان شیوع دیس لیپیدمی و نگرش نسبت به چاقی ،فعالیت ورزشی ،کالری به دست آمده از رژیم غذایی حاوی سبزیجات و میوه ها وجود داشت . .در این مطالعه شاخص های مربوط به فعالیت بدنی در دو گروه بررسی شد.از نظر آماری تفاوت معنی داری بین میانگین تعداد روزهای با فعالیت بدنی حداقل 30 دقیقه در هفته و تعداد ساعت فعالیت ورزشی در مدرسه در گروه بدون دیس لیپیدمی بطور معنی داری بالاتر ازگروه کودکان با دیس لیپیدمی بود
نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج این مطالعه کالری دریافتی از گروه میوه ها وسبزیجات در گروه کودکان سالم بطور معنی داری بالاتر از کودکان مبتلا به دیس لیپیدمی بود .با توجه به ارتباط شیوه زندگی و دیس لیپیدمی در کودکان و نوجوانان اصلاح شیوه زندگی و اموزش خانواده ها و دانش اموزان برای سبک زندگی صحیح شامل افزایش فعالیت فیزیکی و پرهیز از رژیم پرکالری و فست فود و افزایش مصره میوه و سبزی پیشنهاد می شود .
واژه‌های کلیدی: دیس لیپیدمی،شیوه زندگی،کودکان

بررسی وضعیت فاکتورهای خطر قلبی در کارکنان ادارات بیرجند در طی دوره پنج ساله 1388 تا 1392

دکتر طوبی کاظمی، دکتر الهام عتباتی، دکتر شاهین شاه طاهری، الهه یاری

نویسنده مسئول: استاد قلب و عروق مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
drtooba.kazemi@gmail.com

زمینه و هدف: بیماری های غیر واگیر از شایعترین علل مورتالیتی و موربیدلیتی در دنیا محسوب می شوند. وجود فاکتورهای خطر این بیماری ها نقش مهمی در بروز بیماری دارد. در این مطالعه ما به بررسی وضعیت فاکتورهای خطر قلبی در طی یک دوره پنج ساله در کارکنان یکی از ادارات شهر بیرجند پرداختیم.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی طی سالهای 1392-1388 انجام شد.در سال 1388 تمام کارکنان یکی از شهر بیرجند جهت بررسی فاکتورهای خطر قلبی وارد مطالعه شده اند.معاینات بالینی شامل : اندازه گیری قد ، وزن و فشار خون به طور استاندارد انجام شد همچنین یک نمونه خون بعد از 12 ساعت ناشتایی جهت انجام آزمایشات قند خون و چربی های سرم گرفته شد. در سال 1392 نیز کنترل فاکتورهای خطر قلبی در این افراد تکرار شد. اطلاعات کدبندی شده ، وارد نرم افزار SPSS شد و آنالیز آماری در سطح $\alpha \leq 0/05$ انجامشد.

یافته‌ها: در ابتدای مطالعه در سال 1388 تعداد 1432 فرد وارد مطالعه شدند و در سال 1392تعداد 1180 نفر مجددا مراجعه کردند لذا نتایج 1180 نفر بین سال 1388 و 1392 مقایسه شد. 1094 مرد و 86 نفر زن بودند. نتایج نشان داد که میانگین BMI ، کلسترول ، تری گلیسرید و قند ناشتا در طی این پنج سال افزایش معنا داری نشان داد. میانگین فشار خون دیاستولیک وLDL در طی پنج سال کاهش معنادار ومیانگین HDL افزایش معناداری نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش قابل توجه فاکتورهای خطر قلبی بالاخص اضافه وزن و چاقی و افزایش کلسترول و تری گلیسرید لازم است اقدامات مداخله ای جهت آشنایی مردم با فاکتورهای خطر قلبی و کنترل آنها هرچه سریعتر صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: فاکتور خطر قلبی – کارکنان – بیرجند

تاثیر مراقبت‌های قبل از عمل با رویکرد Holistic بر اضطراب بیماران

فرح مادرشاهیان، محسن حسن آبادی

نویسنده مسئول: مربی عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی بیرجند. بیرجند خیابان غفاری دانشگاه علوم پزشکی
f_madarshahian@yahoo.com

زمینه و هدف: پرستاری holistic ، تلفیق نیازهای جسمی و روانی بیماران با اعتقادات فرهنگی- اجتماعی آنان، ایجاد هماهنگی و ارتباط سالم بین اجزء فوق در طی پاسخگویی به نیازهای بهداشتی جهت حفظ تعادل انسان است. در زمینه اضطراب قبل عمل مطالعاتی انجان شده اما پیامد مراقبت Holistic بر اضطراب بیماران نامشخص است لذا هدف این مطالعه تعیین تاثیر مراقبتهای قبل از عمل با رویکردHolistic بر اضطراب بیماران بود.

روش تحقیق: در این مطالعه تجربی 79 بیمار مضطرب دارای معیارهای ورود به مطالعه، قبل جراحی پروستات در بیمارستان امام رضاء بیرجند در سال 1389 با نمونه گیری مبتنی بر هدف بصورت متوالی انتخاب و به تصادف به گروه تجربی (مراقبتهای قبل عمل Holistic ، 39 نفر) و کنترل (مراقبتهای روتین قبل عمل، 40 نفر) تخصیص یافتند. پیامدهای مداخله نمره بر مبنای لیکرت اضطراب بیمار از مراقبتهای قبل عمل بود. اطلاعات با مقیاس اضطراب آمستردام (4 سوال، نمره: 20-4) جمع آوری شد و با آزمونهای کای دو، تی مستقل و زوج تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: در این مطالعه میانگین روزهای خارج شدن از تخت و راه رفتن در گروه تجربی بطور معنی داری کمتر از گروه کنترل بود($p<0/004$). تفاوت معنی دار بین نمره اضطراب قبل عمل گروه تجربی پس از مداخله (14/30±2/66) در مقایسه با گروه کنترل (15/38±1/51) مشاهده شد ($T=-2/193$،$p<0/031$).

نتیجه‌گیری: مراقبتهای قبل از عمل با رویکرد Holistic موجب کاهش اضطراب بیماران گردید لذا این رویکرد می تواند جهت بیماران مضطرب توصیه شود.

واژه‌های کلیدی: پرستاری Holistic ، پرستاری قبل از عمل، اضطراب، جراحی

بررسی وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی در سال 1392

زهرا یونسی، مجید شایسته، سودابه اسحاقی، بهمن قلی نژاد، زهرا آموزشی، حکیمه سابقی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشکده پرستاری و مامایی بیرجند *unesi500@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماری دیابت شایعترین بیماری متابولیک جهان است که شیوع آن رو به افزایش است. پایش و ارزشیابی وضعیت دیابت کمک شایانی به بهبود مراقبتهای بالینی و ارزیابی دقیق وضعیت این بیماری در منطقه و حتی کشور ونیز مدیریت برنامه های پیشگیری و کنترل دیابت و عوامل خطر آنها می نماید. لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی انجام شد

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی – مقطعی با استفاده از آمار گزارش دهی فصلی مراقبت از بیمار دیابتی، داده ها در طول سال از مراکز بهداشت 8 شهرستان تابعه جمع آوری و با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته‌ها: تعداد موارد دیابتی روستاهای استان در سال92 3421 نفر بود. از این افراد 1077 نفرمرد (32%)و2344 نفر زن (68%) بودند که 232 مورد جدید بود. شیوع دیابت در مناطق روستایی22/8 در هزار نفر از افراد بالای 30 سال است. شیوع بیماری در بین زنان دو برابر مردان است. BMI زنان از مردان بالاتر است. بیش از 78 % افراد بالای 30 سال روستایی دچار اضافه وزن و چاقی هستند و 42% قند خون ناشتای بالاتر از 120 داشتند.

نتیجه‌گیری: به نظر می رسد وضعیت مراقبت دیابت در روستاییان در شرایط مطلوبی نیست. لذا برگزاری برنامه های آموزشی و پایش مستمر توسط مراکز بهداشتی درمانی با نظارت پزشک لازم است.

واژه‌های کلیدی: مراقبت دیابت ، مناطق روستایی، خراسان جنوبی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی ارتباط بین BMI و مصرف صبحانه در بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلنیک دیابت شهرستان بیرجند در سال 1393

سیده سمیه اصغری، دکتر مجید شایسته

نویسنده مسئول: کارشناس تغذیه-کارشناس بهبود تغذیه ، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.
پست الکترونیک: *asghari.nut@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: صبحانه یکی از مهمترین وعده های غذایی در طول روز می باشد.مصرف صبحانه تاثیر زیادی در کاهش وزن دارد.خوردن صبحانه باعث کنترل اشتها می شود و میل به خوردن مواد نشاسته ای و شیرینی را در طول روز کاهش می دهد.لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت bmiو مصرف صبحانه در بیماران دیابتی مراجعه کننده به کلنیک دیابت شهرستان بیرجند طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: این بررسی یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است که تعداد 138 بیمار دیابتی مراجعه کننده به کلنیک دیابت شهرستان بیرجند در سال 93 در محدوده سنی 30تا80سال در مدت 6 ماه به طور تصادفی انتخاب شدند.جهت بررسی پس از ثبت اطلاعات دموگرافیک، قد و وزن آنها اندازه گیری شد و BMIآنها محاسبه گردید.همچنین پرسشنامه عادات غذایی از طریق مصاحبه تکمیل گردید .داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار spssثبت گردید ومورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از مجموع 138 بیمار دیابتی،51نفر مرد و 87نفر زن بودند.71/7%وعده صبحانه را به طور منظم (99نفر)و 28/3%(39 نفر) وعده صبحانه را به طور نامنظم دریافت می کردند. از نظر وضعیت BMI، 7/2%(10نفر)لاغر(BMI <20)،14/5%(20نفر) وضعیت طبیعی(BMI بین 20و25) ،39/9%(55 نفر)اضافه وزن (BMIبین 25 و30) و 38/4%(53نفر)چاق(BMI >30)بودند.بین استفاده منظم از وعده صبحانه و BMIرابطه معناداری مشاهده شد.($p<0.05$).

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از اهمیت مصرف صبحانه در سلامتی می باشد.مصرف منظم صبحانه روشی بسیار مناسب جها حفظ وزن مناسب می باشد.افرادی که صبحانه منظم می خورند کنترل بهتری بر روی جلوگیری از افزایش وزن دارند.

واژه‌های کلیدی: دیابت،مصرف صبحانه ،BMI

بررسی تغییرات دارو درمانی بیماران AMI در شهر بیرجند طی سال‌های 1386 تا 1390

دکتر طوبی کاظمی، مسعود وفایی نژاد، حمید ذوالفقاری

نویسنده مسئول: استاد قلب و عروق، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *drtooba.kazemi@gmail.com*

زمینه و هدف: آنفارکتوس حاد قلبی از علل مهم مورتالیتی و موربیدلیتی در دنیا می باشد. امروزه درمان های دارویی مانند ترومبولیتیک تراپی ،آنتی پلاکت های جدید،بتا بلوکرها و استاتین ها در کاهش مورتالیتی بیماران نقش مهمی دارند. هدف از مطالعه حاضر بررسی وضعیت دارو درمانی در بیماران AMIدر طی یک دوره 5 ساله می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی طی سالهای 1390-1386 در شهر بیرجند انجام شد. تمام بیماران مبتلا به AMI در طی این 5 سال وارد مطالعه شدند. اطلاعات توسط یک پرستار آموزش دیده جمع آوری شد. اطلاعات دموگرافیک و داروی مصرفی بیماران وارد یک پرسشنامه محقق ساخته شد.سپس اطلاعات کد بندی شده و وارد نرم افزار spss گردید . آنالیز آماری با استفاده از تست های x2 و T test انجام شد. $P\leq 0/05$ به عنوان سطح معنا داری در نظر گرفته شد .

یافته‌ها: در طی مدت مطالعه 1266 بیمار بستری شدند . 30%(380نفر) زن بودند .بررسی مصرف داروها در طی 5 سال نشان داد که مصرف نیترات ها ، آسپیرین ، بتا بلاکرها تغییر معنی داری نداشت . مصرف هپارین کاهش و مصرف انوکساپارین ، کلوپیدوگرول و ترومبولیتیک در طی 5 سال به طور معنی داری افزایش نشان داد .ما در طی این 5 سال امکانات آنژیوپلاستی جهت بیماران نداشتیم .

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که دارو درمانی در بیماران AMI در طی این 5 سال بهبودی داشته است .و لازم است امکانات جهت در دسترس قرار گرفتن آنژیوپلاستی نیز به عمل آید .

واژه‌های کلیدی: انفارکتوس حاد قلبی ، دارو درمانی، استاتین ، بتا بلوکر ،ترومبولتیک

شیوع دیابت و پره دیابت در بین دانش آموزان ابتدایی بیرجند

دکتر طیبه چهکندی، دکتر فاطمه طاهری، دکتر بیتا بیجاری، دکتر کوکب نمکین، دکتر محمود زردست

نویسنده مسئول: استاد بیماری‌های کودکان مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *ftaheri@yahoo.com*

زمینه و هدف: متابولیسم غیرطبیعی کربوهیدرات با افزایش مورتالیتی و موربیدیتی ناشی از بیماریهای قلبی عروقی مرتبط است. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت قند خون در کودکان دبستانی شهر بیرجند در سال 1391 انجام شد.

روش تحقیق: این مطاله مقطعی – توصیفی روی 1530 کودک دبستانی که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سهمی از دانش آموزان دبستانی شهر بیرجند انتخاب شده بودند انجام شد .آزمایش قند خون این دانش آموزان بعد از 12 ساعت ناشتایی به روش آنزیمی انجام شد.

آنالیز داده ها ی بدست آمده با استفاده از نرم افزار spss (v15) و تستهای آماری T test و مجذور k صورت گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه833 دختر و 697 پسر شرکت داشتند. میانگین قند خون ناشتا ، در کل جمعیت 8/8mg/dl ± 86/9 ودر پسران بالاتر بود. 1453 نفر (95% جمعیت) ، قند خون کمتر از 100mg/dl با میانگین 6/8 mg/dl ± 85/8 داشتند. 698 نفر(45/6 %) از دانش آموزان این گروه قند ناشتای بین86-99m داشتند .72 نفر(4/7%) ، قند بین100-125mg/dl ، 5 نفر (3 /0%) ، قند بالاتر از126 mg/dl داشتند. میانگین قند خون با افزایش سن افزایش می یافت که از نظر آماری معنی دار بود

نتیجه‌گیری: اگرچه طبق این مطالعه، چه شیوع دیابت چندان قابل توجه نیست ،اما با توجه به درصد نسبتاً بالای کودکان با مقادیر قندخون بالا اما در محدوده نرمال ، و خطر بروز دیابت و پره دیابت در سالهای آتی ، لزوم توجه مسئولین بهداشتی و غربالگری در سطح وسیع و اقدامات مداخله ای را جهت جلوگیری از اپیدمی شدن دیابت و در پی آن بیماریهای قلبی عروقی در آینده را ایجاب می کند.

واژه‌های کلیدی: دیابت ، قند خون ، دانش آموزان

primary PCI در آنفارکتوس حاد قلبی

دکتر سید علی معزی،الهه یاری

نویسنده مسئول: استادیار قلب و عروق ، فلوشیپ اینترونشنال کاردیولوژی، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران *seidali@yahoo.com*

زمینه و هدف: از آنجایی که شایعترین علت مورتالیتی بیماران آنفارکتوس حاد قلبی ، نارسایی قلبی می باشد. روش های مختلف درمانی برای کاهش این عارضه استفاده می شود. یکی از جدیدترین روش های درمانی آنژیوپلاستی در ساعات اولیه AMI است. ما در این مطالعه به بررسی وضعیت primary PCI در بیرجند پرداختیم.

روش تحقیق: پرونده تمام بیمارانی که با آنفارکتوس حاد قلبی از آذر ماه1391 تا آذر ماه 1393 در بیمارستان ولی عصر(عج) بیرجندبستری شدند مورد بررسی قرار گرفتند. اطلاعات دموگرافیک بیماران و دارو درمانی انجام شده توسط پرستار آموزش دیده جمع آوری شده و در نرم افزار SPSS وارد شد سپس آنالیز آماری در سطح $\alpha\leq 0/05$ صورت گرفت.

یافته‌ها: در طی این مدت 590 بیمار با تشخیص آنفارکتوس حاد قلبی بستری شدند. میانگین سنی 13/5±61/95بود. (72/5%) مرد بودند. شایعترین نوع ،آنفارکتوس حاد قدامی (65/9%)بود. درمان های موثر کاهش نارسایی قلبی شامل : ترومبولیتیک تراپی (33/2%) ،مصرف بتا بلوکر(82/8%) ، استاتین و درمان توام دو آنتی پلاکت(75/8%) در بیماران انجام می شد اما هیچ مورد primary PCI در طی مدت مطالعه در بیرجند انجام نشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش موثر primary PCI در پیشگیری از نارسایی قلبی و مورتالیتی بیماران AMI، لازم است هرچه سریعتر در بیرجند راه اندازی شود.

واژه‌های کلیدی: نارسایی قلبی ، آنفارکتوس حاد قلبی، primary PCI

پروفایل لیپیدهای سرم و شیوع دیس لیپیدمی در نوجوانان 11 - 18 ساله بیرجند

دکتر فاطمه طاهری، دکتر طیبه چهکندی، دکتر بیتا بیجاری، دکتر محمود زردست، دکتر کوکب نمکین

نویسنده مسئول: دانشیار بیماریهای کودکان مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *na_chahkandi@yahoo.com*

زمینه و هدف: آترواسکلروز عامل اصلی مورتالیتی و موربیدیتی در بالغین است. ارتباط بین غلظت چربی های خون و آترواسکلروز اثبات شده است. مطالعات نشان می دهد آترواسکلروز در کودکی و نوجوانی شروع می شود ..این مطالعه با هدف تعیین میزان چربی های سرم و شیوع دیس لیپیدمی در دانش اموزان 11-18 ساله بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه ی مقطعی و توصیفی –تحلیلی در سال 1391 روی 2643 دانش اموز 11-18 ساله ی شهر بیرجند شامل 1396 دختر و 1247 پسر انجام شد.نمونه ها از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سهمی انتخاب شده بودند.نمونه خون جهت انجام آزمایشات شامل - تری گلیسرید- کلسترول بعد از 12 ساعت ناشتا گرفته شد.. معیار تشخیص دیس لیپیدمی در این ،مطالعه مقادیر بوردرلاین وابنورمال تعیین شده توسط آکادمی کودکان آمریکا در سال 2011 بود

یافته‌ها: در این مطالعه 34.3 % نوجوانان (31.3 % دختران و 37.6 % پسران) دیس لیپیدمی داشتند. موارد دیس لیپیدمی در افراد مورد مطالعه به ترتیب شیوع :در 24.7%موارد HDL کمتر از 40، در 14% دانش اموزان تری گلیسرید مساوی یا بیش از 130،6.1 % افراد TC مساوی یا بیش از 200 ، و در 3.5% موارد LDL مساوی یا بیش از 130 ،
وجود داشت. HDL پایین و تری گلیسرید بالا در پسران بیشتر از دختران بود ($p<0.05$).
هیپرکلسترولمی و هیپرتری گلیسیریدمی در رنج سنی 14-11 سال و HDL پایین در گروه سنی 18-15 سال بیشترین مقادیر را داشتند ($p<0.05$).

نتیجه‌گیری: دیس لیپیدمی درنوجوانان بیرجند شیوع بالایی دارد..اقدامات پیشگیرانه اصلاح شیوه زندگی شامل تغذیه صحیح و تشویق نوجوانان به تحرک بیشتر توصیه می شود.

واژه‌های کلیدی: دیس لیپیدمی، نوجوانان ، ،بیرجند ،ایران

آیا فاکتورهای خطر آنفارکتوس قلبی و استروک یکسان هستند؟

دکتر محمدرضا دهقانی فیروز آبادی، دکتر طوبی کاظمی، غلامرضا شریف زاده

نویسنده مسئول: استاد قلب و عروق، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *med_847@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماری های قلبی عروقی شایع ترین علت مرگ و میر در دنیا هستند. در زیر گروه بیماری های قلبی عروقی ،آنفارکتوس حاد قلبی عامل اول و استروک دومین عامل مرگ و میر می باشد. در این مطالعه ما به مقایسه ریسک فاکتورهای آنفارکتوس قلبی و استروک می پردازیم.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ، پرونده بیماران مبتلا به آنفارکتوس حاد قلبی و استروک که در بیمارستان ولیعصر(عج) بیرجند بستری شدند،بررسی شد. اطلاعات دموگرافیک ، وضعیت فاکتورهای خطر قلبی و نیز قند و چربی های سرم وارد مطالعه شد و اطلاعات پس از کد بندی در نرم افزار spss شد و آنالیز آماری با X2و T test در سطح $\alpha \leq 0/05$ صورت گرفت.

یافته‌ها: در طی این مدت 1015 بیمار با انفارکتوس قلبی و 537 بیمار با استروک بستری شدند. از نظر جنس بین دو گروه تفاوت معناداری وجود داشت(در AMI 30/3% زن ، در استروک 48/2% زن ، $P<0/001$) . میانگین سنی دو گروه تفاوت معنا داری نداشت. شایعترین فاکتورهای خطر قلبی در استروک هیپرتانسیون ، سابقه ایسکمی قلبی ، دیس لیپیدمی ودیابت بود. اما در AMI شایعترین فاکتورهای خطر هیپرتانسیون ، دیابت و دیس لیپیدمی بود.

نتیجه‌گیری: فاکتورهای خطر قلبی در AMI و استروک مشابه می باشد . لازم است برای پیشگیری از این بیماری ها اقدامات مداخله ای جهت کنترل هیپرتانسیون ، دیابت و دیس لیپیدمی صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: انفارکتوس حاد قلبی ،استروک ، فاکتور خطر قلبی

بررسی ارتباط تجربه و آموزش با همرائی پرستاران تریاژ

داود عودی، حسین نجات، فرزانه براتی

نویسنده مسئول: کارشناس پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *nejathosein@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: نقش آموزش و تجربه در توافق تصمیم های پرستاران در تریاژ بیماران مبهم می باشد. در واقع مشخص نیست که چقدر تجربه و یا چقدر آموزش مورد نیاز است تا تریاژی مطمئن و صحیح انجام شود.
هدف. این پژوهش با هدف توصیف رابطه بین تصمیم تریاژ و نوع آموزش و تجربه پرستاری انجام شد.

روش تحقیق: این پژوهش بصورت پیمایشی و توصیفی انجام شده و پرسشنامه پژوهشگر ساخته متشکل از 10 پرسش در دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی، دانش محض تریاژ (15 پرسش) و تصمیم گیری تریاژ (10 پرسش) تنظیم شد. پایائی پرسشنامه برابر 0/87 با روش آزمون – بازآزمون بدست آمد. روائی محتوی بر اساس مقیاس وخامت حال و تریاژ کانادائی تائید شد.

یافته‌ها: 47 پرستار بخش اورژانس از چهار بیمارستان در پژوهش شرکت کردند. دو مرکز بطور معنی دار نتایج بهتری از دو مرکز دیگر کسب کردند. میزان توافق پرستاران در تصمیم گیری تریاژ برای تمام پرستاران متوسط (κ=0/54) و برای هر پرستار به صورت ضعیف (κ=0/09) بدست آمد. پرستارانی که سابقه کار بیشتر از 2 سال در بخش اورژانس داشتند میانگین نمره بالاتری را بدست آوردند. پرستاران با روش های مختلف آموزش تریاژ دیده بودند مانند کارگاه (48/90%)، همکاران (19/10%)، کتاب و مقالات (6/40%) و (4/30%) در این زمینه آموزشی ندیده بودند. هیچ روش آموزشی بطور معنی دار موثرتر از روش های دیگر نبود اما پرستارانی که نمرات کمی کسب کرده بوند هیچگونه آموزشی برای تریاژ ندیده بودند.

نتیجه‌گیری: توصیه می شود مسئولیت تریاژ بیماران بعهده پرستارانی گذاشته شود که حداقل دو سال تجربه کار در بخش اورژانس را دارند. برای آموزش تریاژ توصیه می شود که از برنامه های بازآموزی رسمی برای ارتقاء کیفیت تصمیم گیری تریاژ استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: همرائی، تجربه، آموزش، تریاژ، پرستاری اورژانس، بخش اورژانس

بررسی سبک‌های مقابله ای در بیماران مبتلا به نارسایی قلب بستری در بخش های CCU و قلب بیمارستان ولیعصر (ع) شهر بیرجند در سال1393

زهرا آموزشی، دکتر طوبی کاظمی، مریم سلمانی مود، هایده هدایتی، سید علی کلالی ثانی، مرتضی قلی زاده، شمس الدین احراری

نویسنده مسئول: مربی،کارشناسی ارشد پرستاری گرایش مدیریت، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری و مامایی، خیابان غفاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری و مامایی ایمیل: m.salmani@bums.ac.ir

زمینه و هدف: نارسایی قلبی یک بیماری مزمن و ناتوان کننده می‌باشد که شیوع آن روز به روز در حال افزایش است. عوامل خطر متفاوتی برای این بیماری‌ها مطرح است که استرس هم به عنوان یک عامل مستقل و هم با تأثیر بر سایر عوامل(پرفشاری خون،سن بالا،استفاده از دخانیات...) احتمال بروز بیماری‌های قلبی را افزایش می‌دهد. بنابراین چگونگی مواجهه با استرس از اهمیت خاصی برخوردار است. این پژوهش به تعیین سبک‌های مقابله‌ای در بیماران مبتلا به نارسایی قلبی بستری در بیمارستان ولی عصر بیرجند پرداخته است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی- همبستگی 100 بیمار مبتلا به نارسایی قلب (63 مرد و37 زن) بستری در بخش‌های قلب و سی سی یو مرکز آموزشی درمانی ولی عصر(عج) مورد مطالعه قرار گرفتند. انتخاب واحدهای پژوهش به روش غیر احتمالی (آسان) صورت گرفت. ابزار پژوهش شامل دو پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و سبک‌های مقابله با استرس اندلر و پارکر 1990بود. داده‌ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های تی مستقل، من ویتنی، آنالیز واریانس یک طرفه و رگرسیون چند متغیره و در سطح معنی داری $p<0.05$ مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: از 100 بیمار مورد مطالعه، 63 نفر مذکر و بیشترین فراوانی(31 نفر) مربوط به افراد رده سنی60-51 سال بود. 41 نفر بیسواد و میزان تحصیلات 21 نفر راهنمایی و بالاتر بود. 57 نفر از بیمارانسابقه بیماری دیگر داشتند و فقط 5 نفر از بیماران مورد مطالعه بیمه نبودند. بیماران مبتلا به نارسایی قلب در رویارویی با استرس بیشتر از سبک مقابله ای مساله مدار (5/5±44/39)استفاده می کنند. بین سبک‌های مقابله‌ای و هیچکدام از متغیرهای دموگرافیک ارتباط آماری معنی داری یافت نگردید.

نتیجه‌گیری: وقتی محرکی توسط فرد به عنوان یک چالش برای خود تفسیر می شود باعث بروز پاسخهای رفتاری می شود و فرد از فرآیند حل مسئله استفاده می کند. لذا با انجام مداخلاتی مانند حمایت، مشاوره و آموزش به این بیماران می توان کمک کرد تا با تغییرات ناشی از این بیماری کنار آمده و از سبک مقابله ای مساله مدار در موقعیت های استرس آور استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های مقابله‌ای، نارسایی قلب، بیماران

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

مقایسه تخمین زمان ایجاد زخم فشاری با استفاده از مقیاس برادن و نورتون

حکیمه سابقی، بهزاد طالب، محسن حسن ابادی، فرح مادرشاهیان

نویسنده مسئول: مربی گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران *sabeghih@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: زخم فشاری یکی از معضلات عمده مراقبتی- درمانی است و شیوع آن در بیمارستان بین 3 تا 11 در صد است . میزان زیادی از انرژی اعضای تیم سلامت صرف مبارزه با این مشکل دائمی و الویت دار میشود وچنانچه بتوان خطر ایجاد انرا پیش بینی کرد میتوان با تمهیدات مناسب و به موقع مبادرت به پیشگیری نمود. این مطالعه با هدف مقایسه ثخمین زمان ایجاد زخم فشاری با استفاده از مقیاس برادن و نورتون انجام شد.

روش تحقیق: در این مطاله توصیفی تحلیلی تعداد 100 نفر از مددجویان بستری بخشهای داخلی و جراحی و ارتوپدی بر اساس معیار های ورود از طریق نمونه گیری تصادفی ساده مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده ها 1- فرم اطلاعات دموگرافیک ، 2- مقیاس برادن که شامل شش زیر مقیاس است ونمره کامل ان 23 میباشد و حد اقل نمره ای که نشان دهنده خطر زخم است بر اساس سن متفاوت می باشد (نمره 16 درصورتیکه سن فرد زیر 75 سال و 18 برای افراد بالاتر از 75 سال)، 3- مقیاس نورتون که شامل سیستم مرحله بندی زخم فشاری میباشد(مرحله 1 تا 4)، 4- مقیاس تقسیم بندی رنگ پوست از نظر حساسیت به افتاب بود. تمام بیماران با هر دو مقیاس توسط دو کارشناس پرستاری آموزش دیده بطور جداگانه بررسی شدند و زمان شروع علائم زخم فشاری با هم مقایسه گردید.

یافته‌ها: 50% شرکت کنندگان این مطالعه زن و 50% مرد بودند. میانگین سنی خانمها 7/6± 61 و اقایان6/5± 62 بود. میانگین زمان تخمین زخم با دو مقیاس تفاوت معنی‌داری نداشت (P =0/43)، علیرغم اینکه تفاوت معنی‌داری از نظر رنگ پوست و زمان تشخیص زخم فشاری با مقیاس برادن وجود نداشت ولی با مقیاس نورتون این تفاوت معنی‌دار بود(P =0/03) بدین معنا که شروع زخم فشاری در افراد با پوست تیره تر دیرتر تشخیص داده میشد.

نتیجه‌گیری: استفاده از مقیاسهای مناسب پیش‌بینی کننده زخم فشاری مانند مقیاس نورتون در تخمین زمان ایجاد جهت پیشگیری از آن موثر است.

واژه‌های کلیدی: زخم فشاری، مقیاس برادن، مقیاس نورتون

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

ارزیابی دیدگاه بالینی دانشجویان پزشکی درباره بیماری‌های مشترک بین انسان و دام(تب مالت، هاری، کنگو)

خیرالنساء رمضان زاده، دکتر آزاده ابراهیم زاده

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
kh.ramazanzade@yahoo.com

زمینه و هدف: آنچه در محیط کاری آینده پزشکان عمومی به طور عمده مطرح می باشد بیماران سرپایی درمانگاهی است، که درمان این بیماریها به مدیریت صحیح این بیماریها بستگی دارد و این مدیریت منوط به داشتن آگاهی لازم در خصوص علائم بیماری جهت تشخیص و درمان ، و اطلاع از راههای انتقال و پیشگیری جهت توصیه به خانواده و نزدیکان بیمار می باشد.در نتیجه امروزه توجه به آموزش طب سرپایی و درمانگاهی مورد توجه قرارگرفته و شواهد فراوان از نقش آن در ارتقاء عملکرد آینده پزشکان عمومی وجود دارد . دانشجویان پزشکی، یقیناً پزشکان آینده جامعه می باشند که تعداد زیادی از آنان در سطح پزشک عمومی در نظام خدمات سلامت، انجام وظیفه خواهند نمود. بیماری های (تب مالت ، هاری و کنگو) از بیماریهای ضروری در آموزش دوره عفونی می‌باشد.لذا جهت آموزش صحیح باید وضع موجود میزان آگاهی دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه ساز، هدف گذاری در خصوص برنامه های آموزشی مورد نیاز باشد.

روش تحقیق: این پژوهش توصیفی- تحلیلی، 73 دانشجوی پزشکی که وارد بخش های بالینی شده بودند، شرکت داشتند که به صورت سرشماری انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان آگاهی دانشجویان ، در ارتباط با نظام مراقبت بیماریهای زنوزیس(تب مالت، کنگو، هاری) در چهار سطح علائم بالینی ، راههای انتقال و تشخیص و راههای پیشگیری ، پرسشنامه ای توسط محقق براساس کتابچه اصول مدیریت و پیشگیری از بیماریهای وزارت بهداشت با کمک متخصصین عفونی طراحی شد که روایی آن با نظر 5 نفر از متخصصان عفونی مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن با مطالعه پایلوت و محاسبه آلفای کرونباخ 0.82 محاسبه شد. پرسشنامه شامل 2 قسمت بود: قسمت اول؛ مشخصات دموگرافیک، قسمت دوم؛ میزان آگاهی درباره سه بیماری تب مالت، هاری و کنگو. اطلاعات پس از جمع آوری وارد نرم افزار spss شدو با آزمون آماری t ا مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان دادکه 58/8 از دانشجویان شرکت کننده دختر بودند. میانگین معدل دانشجویان89/. ±16/6 بود. میانگین نمره آگاهی دانشجویان درباره بیماری تب مالت2/47± 13/88، بیماری کنگو 2/16 ±13/2، هاری2/42 ±11/111 بود. نتایج نشان داد که بین معدل دانشجویان با میزان آگاهی آنها در مورد بیماریهای تب مالت، هاری و تب کنکو رابطه وجود دارد اما معنی دارنبود(p>0/05)

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از این بود که میزان آگاهی دانشجویان از این بیماریها کافی نمیباشد لذا پیشنهاد می‌گردد برنامه ریزی هایی جهت حضور هرچه بیشتر کارآموزان و کارورزان در مراکز بهداشتی-درمانی صورت پذیرد تا علاوه بر آشنایی با بیماریها؛ با کمک اساتید مربوطه می توانند در تشخیص و درمان بیماران دخالت داشته باشند

واژه‌های کلیدی: دیدگاه بالینی- دانشجویان پزشکی - بیماریهای مشترک بین انسان و دام- تب مالت- هاری-کنگو

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

تأثیر آموزش خود مراقبتی بر کیفیت زندگی مبتلایان به سکته مغزی

زهرا حبیب پور، هادی علیزاده سیوکی، حسن رمضانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه ، تربت حیدریه، ایران
پست الکترونیک: *hasanramzani71@gmail.com*

زمینه و هدف: یکی از اختلالات نورولوژیکی که عملکرد قسمتی از بدن و درک فیزیکی از وضعیت بدن را تغییر می دهد سکته مغزی است. از آنجا که براساس آمارهای رایج سکته مغزی در جایگاه سوم علل طبی مرگ در کشور های پیشرفته است، از اهمیت به سزایی برخوردار است. خودمراقبتی یکی از ابعاد بازتوانی مبتلایان سکته مغزی محسوب می شود. از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر آموزش خود مراقبتی بر کیفیت زندگی مبتلایان به سکته مغزی انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه ی نیمه تجربی بر روی 42 بیمار مبتلا به سکته مغزی انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد اختصاصی سنجش کیفیت زندگی پس از سکته مغزی بود. در ابتدا شاخص کیفیت زندگی در هر دو گروه مطالعه و شاهد اندازه گیری شد؛ سپس در گروه مطالعه برنامه خود مراقبتی آموزش داده شد و به مدت 5 هفته اجرا گردید. در پایان 5 هفته مجددا شاخص کیفیت زندگی در هر دو گروه سنجیده و مقایسه گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و آزمون های T مستقل و T زوجی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: تفاوت آماری معنی داری بین کیفیت زندگی قبل و پس از انجام خود مراقبتی در گروه مداخله، مشاهده شد.($p<0/001$) همچنین تفاوت معنی داری بین کیفیت زندگی بیماران گروه شاهد با گروه مداخله مشاهده شد.($p<0/001$) در صورتی که بین میانگین امتیازات قبل از انجام خودمراقبتی در دو گروه تفاوت معنی دار آماری وجود نداشت ($p=0/421$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته های پژوهش میانگین نمرات کیفیت زندگی قبل و پس از انجام خود مراقبتی پس از بیماری سکته مغزی با هم تفاوت داشت. با آموزش برنامه های خود مراقبتی توسط پرستاران در بیمارستان و منزل تحت عنوان پرستار بهداشت جامعه می توان گام مهمی در جهت ارتقاء سلامت بیماران برداشت.

واژه‌های کلیدی: خود مراقبتی، کیفیت زندگی، سکته مغزی

بررسی نگرش بیماران مراجعه کننده به کلینیک دیابت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در مورد حقوق بیمار

غلامرضا شریف زاده، سوسن بهدانی، جواد قدوسی نژاد، فاطمه فنودی

نویسنده مسئول: استادیار اپیدمیولوژی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *rezamood@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: منشور حقوق بیمار، حاوی حقوقی برای بیماران است که تیم درمان موظف به اجرا و رعایت آن می باشند.اما شواهد حاکی از نادیده انگاشتن این حقوق در برخی از مراکزاست .این مطالعه با هدف بررسی نگرش بیماران دیابتی در خصوص بیمار انجام شده است.
روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی بر روی 108 بیمار دیابتی نوع دو مراجعه کننده به کلینیک دیابت بیمارستان ولیعصر (عج)در سال 1391 جام شد. نمونه گیری بصورت تصادفی سیستمیک از لیست پروندهای فعال کلینیک دیابت انجام شد . برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استاندارد شده نگرش در خصوص حقوق بیماران که در ایران توسط عباسی وهمکاران تهیه و روایی و پایایی آن تایید شده بود و شامل 22 سوال و بر مبنای مقیاس کیلرت 5 طبقه ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره گذاری شده است استفاده شد. حداقل نمره در این پرسشنامه 22 و حداکثر 110 نمره بود . پرسشنامه در افراد بیسواد بصورت مصاحبه و در افراد با سواد بصورت خود ایفا تکمیل شد . داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار spss-15 وارد و آنالیز گردید.
یافته‌ها: این مطالعه بر روی108 بیمار دیابتی نوع دو با میانگین سنی 55/6±11/6 و میانگین مدت ابتلا به دیابت7/43+4/2 سال انجام شد.70/4% بیماران مورد مطالعه مونث بودند.میانگین نمره نگرش بیماران نسبت به حقوق بیمار94/2±8/2 تعیین گردید.89/8% نگرش خوب ،10/2% نگرش متوسط و هیچ موردی نگرش ضعیف نسبت به حقوق بیمار نداشتند. میانگین نمره نگرش نسبت به حقوق بیمار در بیماران شهری بطور معناداری بالاتراز بیماران روستایی(p=0/001)بود و با افزایش سطح تحصیلات میانگین نمره نگرش نسبت به حقوق بیمارافزایش معناداری را نشان دادو با افزایش مدت ابتلا به دیابت کاهش نشان داد.
نتیجه‌گیری: نگرش بیماران دیابتی نسبت به منشور حقوق بیمار مطلوب بوده که نشانگر وضعیت مطلوب ارائه خدمات به بیماران و رعایت حقوق آنها در ارائه خدمات بهداشتی درمانی می باشد.
واژه‌های کلیدی: منشور حقوق بیمار،دیابت ، نگرش

مقایسه رضایت از زندگی زناشویی در بیماران مبتلا به دیابت با افراد سالم

غلامرضا شریف زاده، سوسن بهدانی، جواد قدوسی نژاد، فاطمه فنودی

نویسنده مسئول: کارشناس مسئول اداره کل بیمه سلامت خراسان جنوبی، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *f.fanoodi@yahoo.com*

زمینه و هدف: سلامت جنسی مساله مهمی است که اغلب در مراقبت بیماران دیابتی نادیده گرفته میشود و رضایت زناشویی شاخص مهمی در روابط زناشویی می باشد و این مطالعه با هدف مقایسه رضایت زناشویی در بیماران دیابتی با افراد غیر دیابتی انجام شده است.
روش تحقیق: این مطالعه مورد شاهدی بر روی80بیمار متاهل غیر دیابتی مراجعه کننده به درمانگاه داخلی بیمارستان انجام شد. دو گروه مورد مطالعه از نظر سن، جنس، سطح تحصیلات و محل سکونت بصورت گروه با هم همسان شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه 47 سوالی رضایت زناشویی Enrich استفاده شد که در مطالعات متعدد در ایران روایی و پایایی آن تایید شده است. سوالات پرسشنامه فوق بر مبنای کیلرت 5 طبقه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم بصورت نمره گذاری 5 تا1 نمره گذاری می شود. حداقل نمره پرسشنامه47 و حداکثر235 می باشد. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار Spss-15وارد و آنالیز گردید.
یافته‌ها: میانگین سن در گروه بیماران دیابتی13/1±54/9 سال و در بیماران غیر دیابتی9/1±53/3 سال(p=0/35)برآورد گردید.در گروه بیماران دیابتی38/8% و در افراد غیر دیابتی27/5% مرد بودند(p=0/13) .میانگین نمره رضایت زناشویی در بیماران دیابتی بطور معناداری پایین تر از افرادغیر دیابتی بود(14/1±127/9در مقابل 16/1±144/8 با p<0/001). دربیماران دیابتی با سن زیر 50 سال میانگی نمره رضایت مندی بطور معناداری بالاتر از افراد بالای50سال بود(p=0/006) در حالیکه در گروه غیر دیابتی این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبودو در هردو گروه همه افراد وضعیت رضایت مندی خوب داشتند.
نتیجه‌گیری: با توجه به پایین بودن رضایت زناشویی افراد دیابتی نسبت به افراد سالم در مراقبت از بیماران دیابتی باید توجه خاصی به مسائل جنسی و آموزش و درمان لازم در این خصوص صورت گیرد.
واژه‌های کلیدی: دیابت ،رضایت زناشویی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

ارتباط بین منیزیم (Mg) و هورمون پاراتیروئید (PTH) در بیماران همودیالیزی

محمودرضا بهروان، فاطمه قائد امینی اسدآبادی، محمد ملکانه، مصطفی روشن زاده، طاهره خزائی، منصور سلطانی

نویسنده مسئول: مربی گروه انگل شناسی، مرکز تحقیقات ژنومیک، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
mahmoodreza.behravan@yahoo.com

زمینه و هدف: هورمون پاراتیروئید(PTH)در حفظ تعادل مناسب کلسیم در گردش خون نقش داشته و به عملکرد مناسب آن کمک می کند. هیپرپاراتیروئیدی ثانویه (SHPT) یک بیماری مهم و قابل درمان است که در مراحل پایانی بیماری های کلیوی دیده شده و سبب کاهش میزان کلسیم در بدن می شود. منیزیم هم نقش عمده ای در تنظیم ترشح هورمون پاراتیروئید دارد. هدف از انجام این مطالعه تعیین نقش منیزیم سرم در تنظیم ترشح هورمون پاراتیروئید در بیماران همودیالیزی می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه سطح کلسیم (Ca)، فسفر (P)، منیزیم (Mg)، آلکالین فسفاتاز (ALP)، هورمون پاراتیروئید (PTH)، ویتامین D و HCO3- پلاسمای بیماران همودیالیزی اندازه گیری گردید. همچنین میزان کاهش ادرار، دز دارویی و طول مدت درمان این بیماران نیز محاسبه شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ارتباط معنی داری بین منیزیم (Mg)با طول مدت درمان، آلکالین فسفاتاز(ALP)، HCO3-، کلیسم و فسفر مشاهده نگردید. در همه بیماران ارتباط معکوسی بین منیزیم (Mg) با هورمون پاراتیروئید (PTH) مشاهده گردید. همچنین ارتباط معنی دار مثبتی بین منیزیم (Mg) وویتامین Dمشاهده شد.

نتیجه‌گیری: از این مطالعه می توان نتیجه گرفت که برخی فاکتورها به جز منیزیم ممکن است در تنظیم ترشحهورمون پاراتیروئید نقش داشته باشد. وجود ارتباط مثبت بین منیزیم و ویتامین D در این مطالعه، با مطالعات دیگر مغایرت داشت. در بیماران همودیالیزی پایین بودن سطح ویتامین D ریسک فاکتوری برای بیماران مبتلا به هیپرپاراتیروئیدی ثانویه محسوب می شود که توجه بیشتر در این بیماران را می طلبد.

واژه‌های کلیدی: همودیالیز، هیپرپاراتیروئیدی ثانویه، منیزیم، پاراتیروئید

طراحی و ارزشیابی مدل تعدیل کننده اصوات مزاحم در بخش مراقبت‌های ویژه جراحی بیمارستان امام رضا مشهد

حسین رحیمی، نسیم مهرپویا

نویسنده مسئول: مربی، عضو هیئت علمی گروه آموزشی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند،ایران*hosseinrahimi92@yahoo.com*

زمینه و هدف: امروزه زندگی ماشینی سبب شده است که انسان در محیطی پر استرس با منابع صدا و ارتعاش همزیستی توام با ناراحتی را تحمل کند.از طرفی بیمارستان نیز به عنوان محیط ارایه خدمات درمانی تحت تاثیر منابع تولید آلودگی صدا قرار دارد.با توجه به اینکه بستری در بخش مراقبت ویژه ه عنوان یک پدیده به شدت استرس زا در زندگی تلقی می شود وافزایش شدت و تکرار سر و صدا باعث sensory verload بیماران و بروز عوارض ناشی از آن می شود این مطالعه با هدف بررسی تاثیر طراحی و ارزشیابی مدل تعدیل کننده اصوات مزاحم در بخش مراقبت های ویژه جراحی بیمارستان امام رضا مشهد انجام شد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون تک گروهی است.شدت اصوات موجود در سه نوبت کاری صبح،عصر و شب با استفاده از دستگاه صوت سنج لوترون مدل 4011 در روز های زوج هفته در محل ایستگاه پرستاری بخش به مدت 4 هفته اندازه گیری شد.متغیر های اندازگیری شده شامل میانگین، بلندی نسبی، حداکثر و شدیدترین ترازّهای صوت بخش منابع ایجاد سرو صدا و تأثیر آنها برتراز صوت تعیین شد.سپس با توجه به شرایط بخش و امکانات موجود مدل و رفتار های کاهش دهنده اصوات مزاحم طراحی و با برگزاری کلاس آموزشی از همکاران پرستاری،کمک بهیاران و ماموران بخش خواسته شد تا حد امکان مدل ارائه شده را رعایت نمایند.ترازهای صوت بعد از 3 یک ماه بعد از آموزش و اجرای مدل با استفاده از آزمون آماری تی تست مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: بالاترین تراز صوت مربوط به زمان تعویض شیفت با 98 دسی بل بود.سپس تراز مربوط به سقوط میز جلوی تخت بیمار با شدت 86دسی بل قرار داشت.زمان تعویض شیفت پرستاران پرسرو صداترین زمان و با تعداد پرسنل در بخش رابطه مستقیم داشت. منابع سرو صدا به ترتیب شدت حین تعویض شیفت،سقوط میز جلوی تخت بیمار،راند پزشکان و آلارم دستگاه‌ها بود. ترازهای صوت با محدودهٔ 54-101.50، و میانگین 58.43 بعد از اجرای پروتکل در مقایسه با قبل بطور معنی‌دار کاهش یافت (P =0.000).

نتیجه‌گیری: مهمترین منابع ایجاد اصوات در بخش مربوط به نیروی انسانی بود.لذا آموزش کادر درمان و تدوین قوانین در جهت کاهش سر و صدا می تواند تاثیر زیادی داشته باشد.البته طراحی مناسب فضا،استفاده از تکنولوژی های کاهنده سر وصدا،تنظیم مجدد و صحیح الارم دستگاه ها نیز می تواند تاثیرات بسزایی در جهت کاهش سر وصدای بخش مراقبت های ویژه جراحی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: بخش مراقبت های ویژه جراحی،مدل تعدیل کننده ،اصوات مزاحم،تراز صوت

مقایسه تغییرات قند خون در اعمال جراحی انتخابی سزارین در دو روش بیهوشی عمومی و بیحسی نخاعی

طاهره خزاعی، دکتر امیرصابر تنها، هدا سرجوقی،محمود رضا بهروان

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد بیهوشی ،عضو هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی، گروه بیهوشی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران *anesthesia.th@gmail.com*

زمینه و هدف: یکی از پاسخ های متابولیک به استرس جراحی، افزایش قندخون می باشد.
استرس جراحی موجب انتقال یک سری پیامهای عصبی و هورمونی از محل آسیب به مراکز کنترل کننده می شود که موجب واکنش های فیزیولوژیک از جمله کاهش انسولین می گردد.
در این مطالعه قند خون بیماران تحت اعمال جراحی سزارین در دو روش بیهوشی عمومی و سزارین با هم مقایسه گردیده است.
روش تحقیق: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی شده برروی دو گروه 30 نفره بیماران تحت عمل جراحی سزارین با کلاس 1 و 2 (ASA) انجام گرفت.
در گروه اسپاینال بیماران تاسطح T12بلوک شدند و در گروه بیهوشی عمومی با روش یکسان و دارو های مشابه تحت عمل قرار گرفتند. بیماران فاقد سابقه بیماری یا مصرف دارو های موثر برقند خون بودند. قند خون بیماران یک ساعت قبل از عمل و حین عمل و به فاصله ۲،۱۲و 24 ساعت پس از عمل در حالی که تزریق وریدی یکسان داشتند بوسیله گلوکومتر اندازه گیری شد. داده ها بعد از ورود به SPSS با آزمون آماری T-Test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.
یافته‌ها: قند خون قبل از عمل تفاوت معنی داری در دو گروه (بیهوشی عمومی و اسپاینال) نداشت، ولی در حین عمل قند خون در گروه بیهوشی عمومی پایین تر از گروه اسپاینال بود و به لحاظ آماری اختلاف معنی داری داشت.($p<0/50$)
قند خون 2 ، 12 و 24 ساعت بعد از عمل در دو گروه اختلاف داشت ولی از نظر آماری معنی دار نبود.
همچنین تفاضل قند خون بیماران قبل و بلافاصله بعد از عمل در دو گروه بیهوشی عمومی و اسپاینال اختلاف معنی داری داشت. ($p<0/50$)
نتیجه‌گیری: کنترل قند خون در بیماران تحت بیهوشی عمومی که مدت زیادی ناشتا می باشند، در حین عمل از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.
واژه‌های کلیدی: قند خون، بیهوشی عمومی، بی حسی اسپاینال

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های خاص و سرطان

اثربخشی رفتار درمانی شناختی بر سبک و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس

معصومه پیشگر، محسن ندیمی، الهام جابری

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ایمیل: *tachara_alavi@yahoo.com*

زمینه و هدف:: بیماری مولتیپل اسکلروزیس غیر قابل پیش‌بینی و یکی از مهمترین بیماری‌های تغییردهنده زندگی فرد است و بتدریج او را به سمت ناتوانی پیش می‌برد. از آنجایی که بین سلامتی و سبک زندگی افراد ارتباط نزدیکی وجود دارد، لذا مطالعه حاضر با هدف اثربخشی رفتار درمانی شناختی بر سبک و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس انجام گرفته است.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مطالعه‌ای شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه بیماران مولتیپل اسکلروزیس مراجعه‌کننده به انجمن ام.اس شهر شیراز در تابستان 1393 بود. با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد 34 نفر انتخاب و به صورت تصادفی و مساوی در دو گروه مداخله و گواه قرار گرفتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت- فرم کوتاه (SF-36) و پرسش‌نامه سبک زندگی ارتقاءدهنده سلامت (HPLPII) استفاده شد. تنها گروه مداخله به مدت 8 جلسه تحت آموزش رفتار درمانی شناختی قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کوواریانس (آنکوا) در سطح معنی‌داری 0/05 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه مداخله و شاهد تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P<0/01$). بدین‌معنی که آموزش رفتار درمانی شناختی موجب افزایش در میانگین نمره سبک زندگی و کیفیت زندگی بیماران در گروه مداخله نسبت به گروه گواه شده است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که آموزش رفتار درمانی شناختی می‌تواند در سبک زندگی و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس اثرگذار باشد. بنابراین با اصلاح سبک و کیفیت زندگی این بیماران می‌توان در جهت کاهش حملات بیماری و ناتوانی پیشرونده آنان اقدام کرد.

واژه‌های کلیدی: رفتار درمانی شناختی، سبک زندگی، کیفیت زندگی، مولتیپل اسکلروزیس

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های خاص و سرطان

واکاوی دیدگاه پرسنل زن شاغل در مراکز بهداشتی درمانی شهر فردوس در رابطه با رفتار غربالگری سرطان پستان در سال 1393:

مبنای مراقبت نوین

نسترن ابراهیمی، هدی افراطی، ملیحه داودی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پیراپزشکی و بهداشت، فردوس، ایران
davoudim891@yahoo.com

زمینه و هدف: سرطان پستان، شایع‌ترین نوع سرطان و نئوپلازی بدخیم در جمعیت زنان می‌باشد. یکی از شرایط مهم در درمان این بیماری و کاهش مورتالیتی و موربیدیتی ناشی از آن، تشخیص به موقع بوده و غربالگری یکی از بهترین روش‌های تشخیص بیماری در افراد به ظاهر سالم می‌باشد. با در نظر گرفتن اهمیت سرطان پستان و نقش روش‌های غربالگری در پیشگیری از آن و با توجه به اهمیت نقش زنان شاغل در حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی، این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه زنان متاهل شاغل در شبکه بهداشت و درمان شهر فردوس در رابطه با رفتار غربالگری سرطان پستان در سال 1393 انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه یک بررسی مقطعی- تحلیلی بوده که بر روی 75 نفر از زنان متاهل شاغل در 3 مرکز بهداشتی شهری و یک بیمارستان دولتی شبکه بهداشت و درمان شهر فردوس (تمامی افراد جامعه پژوهش) انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای با 2 بخش مشخصات دموگرافیک و سنجش نگرش(40 سوال) بود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی و استنباطی تحت نرم‌افزار SPSS / ver. 19 استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی واحدهای شرکت‌کننده 7.3 ± 31.3 و 3 منبع اول دریافت اطلاعات شامل کتاب، رادیو و تلویزیون و اینترنت بود. 86.7% معتقد بودند مانند هر زن دیگری در معرض سرطان پستان قرار دارند. 42.7% ترس از تشخیص سرطان داشتند و 50.7% ابتلا به سرطان را موجب اختلال در روابط خانوادگی می‌دانند. میانگین کلی نگرش 41.1 ± 113.3 بوده و حاکی از آن است که 86.7% شرکت‌کنندگان نسبت به رفتار غربالگری نگرش مثبت داشته‌اند. بین متغیرهای دموگرافیک و نوع نگرش ارتباط آماری معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: از آنجا که زنان شاغل در بخش بهداشت و درمان از جمله افراد کلیدی در ترویج روش‌های غربالگری سرطان پستان هستند، با استناد به یافته‌های این پژوهش می‌توان از نیروی موثر و کارامد آنان در جهت ارتقا آگاهی، نگرش و عملکرد زنان جامعه در راستای تشخیص و درمان به موقع سرطان پستان بهره جست.

واژه‌های کلیدی: سرطان، سرطان پستان، غربالگری

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های خاص و سرطان

بررسی کیفیت زندگی زنان مبتلا به سرطان پستان در استان خراسان جنوبی در سال 1393

دکتر میترا مودی، دکتر فاطمه حقیقی، دکتر مهیار محمدی فرد، مریم میری،دکتر زویا طاهرگورابی

نویسنده مسئول: استادیار، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،دانشکده بهداشت،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
E-mail: mitra_m2561@yahoo.com

زمینه و هدف: سرطان، یکی از بیماریهای شایع غیرواگیر و دومین عامل مرگ بعد از بیماریهای قلبی- عروقی در سراسر جهان است. سرطان پستان شایعترین بیماری بدخیم زنان و نیز عمد ه ترین علت مرگ ناشی از سرطان برای زنان در سراسر دنیا به شمار می رود. با توجه به شیوع بالای سرطان پستان در ایران و بقای طولانی مبتلایان که موجب درگیری بیشتر با عوارض روانی و جسمانی بیماری می شود و از آنجاکه این مساله می تواند بر کیفیت زندگی بیماران تاثیرگذار باشد، این مطالعه به منظور تعیین کیفیت زندگی زنان مبتلا به سرطان پستان انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی- تحلیلی بر روی 108 نفر از مبتلایان به سرطان پستان که طی سالهای 87 تا 92 بیماری آنها تشخیص و حداقل 3 ماه از درمانشان گذشته، انجام شد. اسامی بیماران از مرکز ثبت سرطان استان استخراج و پس از تماس در صورتیکه فرد زنده بود و تمایل به شرکت در مطالعه داشت، دو پرسشنامه QLQ-C30 و QLQ-BR23 بصورت مصاحبه تکمیل شد. اطلاعات با SPSS19 و آزمونهای ANOVA و T-test تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین سنی بیماران 10/10±46/27 سال و 91/7% متاهل بودند. میانگین نمره کل کیفیت زندگی بیماران 25/11 ± 113/12 بود. 2/8% کیفیت زندگی خوب، 44/4% متوسط و 52/8% ضعیف داشتند. کیفیت زندگی بر حسب تاهل و تحصیلات همسر معنی دار شد(0/05 >p). بر اساس نتایج حاصله از QLQ-BR30 در بعد عملکردی بالاترین نمره مربوط به وضعیت جسمانی 3/4±9/94 و کمترین نمره مربوط به ایفای نقش 1/8±4/06 و وضعیت شناختی 1/5±4/07 بود. در بعد علامتی نیز بیشترین شکایت مربوط به خستگی 2/3±6/66 و وجود درد با 1/7±4/52 بود. بر اساس نتایج بدست آمده از پرسش نامه QLQ-BR23 در بعد عملکردی بالاترین نمره مربوط به تصویر ذهنی 3/5±8/1 و کمترین نمره مربوط به دورنمای آینده0/97±2/6 بود و در بعد علامتی بیشترین شکایت مربوط به عوارض جانبی درمان عمومی سرطان5/1±14/8 بود.

نتیجه‌گیری: ابتلا به سرطان و درمانهای متعاقب آن کیفیت زندگی بیماران را تحت تاثیر قرار می دهد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که فقط 2/8% زنان از کیفیت زندگی خوبی برخوردار بودند و بیش از 50 درصد زنان،کیفیت زندگی ضعیفی داشتند. از آنجا که زنان مهمترین رکن خانواده و جامعه هستند انجام مداخلات آموزشی و حمایت های دولتی در جهت بهبود کیفیت زندگی بیماران ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سرطان پستان- کیفیت زندگی- زنان- بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های خاص و سرطان

بررسی اپیدمیولوژی سرطان پستان در زنان با بیوسپی بافت پستانی از سال 1387 تا 1392 در شهرستان بیرجند

فاطمه مزگی نژاد، دکتر ریحانه هوشیار، دکتر فاطمه حقیقی

نویسنده مسئول: دانشجو کارشناسی علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیرا پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران.
پست الکترونیک :*mezginejadf@gmail.com*

زمینه و هدف: ضایعات یا توده های خوش خیم پستان شایع‌ترین اختلالات پستان زنان هستند. غالبا ماهیت توده ها خوش‌خیم و خود محدود شونده و برخی موارد بدخیم می‌باشند. اهمیت توده‌های پستان از آن جهت است که احتمال سرطان بدخیم پستان در برخی توده‌ها با گذر عمر افزایش می‌یابد. بنابراین تشخیص خوش خیمی از بدخیمی در پیشگیری از درمان کورکورانه اهمیت دارد. این مطالعه به منظور ثبت خصوصیات اپیدمیولوژیکی موارد خوش خیم و بدخیم در شهرستان بیرجند در یک دوره 5 ساله و بررسی توزیع سنی و محل تولد (شهر یا روستا) مراجعه کنندگان به بخش پاتولوژی بیمارستان های امام رضا و شهید رحیمی می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی تعیین حجم نمونه بر اساس روش سرشماری بود، بدین ترتیب که کلیه پرونده های زنان دارای علت پاتولوژیک توده- سرطان پستان ارجاعی به بخش آسیب شناسی بیمارستان های امام رضا وشهید رحیمی در فاصله زمانی 1387 لغایت 1392 مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات مورد نیاز از قبیل سن و محل سکونت، علت بیوپسی و تشخیص پاتولوژی بعلاوه تعداد کل نمونه های ارجاعی از پرونده های بیماران استخراج شدند. داده ها در نرم افزار SPSS 15 وارد و با استفاده از تست های آمار توصیفی آنالیز گردید برای مقایسه بین گروه های خوش خیم و بدخیم از ازمون کای اسکور استفاده شد.

یافته‌ها: تعداد تقریبی زنان مراجعه کننده با بیوپسی پستان در هر ماه 20 نفر و از این جامعه 5 مورد بدخیمی گزارش شده است. در کل 5 سال تقریبا 1200 نفر مراجعه کننده وجود دارد. نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد که 63.7% از موارد بدخیم، 18.7% نرمال و 17.4% کیست می باشند. بعلاوه میزان بدخیمی به ترتیب 33.1 و 30.5 هایپرپلازی و نکروز بوده و 15% نیز چربی گزارش شده است. بررسی ها براساس محل سکونت حاکی از آن می باشد که 77.7% از افراد در مرکز استان و 22.17% خارج از مرکز استان می باشند. بیوپسی های ارجاعی به ترتیب در گروه های سنی 50-40 و زیر 20 سال بیشترین (27%) و کمترین (2.6%) فراوانی را به خود اختصاص داده اند.

نتیجه‌گیری: از آنجایی که مراجعه به موقع زنان با توده های پستانی به پزشک وانجام بیوپسی، تشخیص بهنگام و درست سرطان پستان را به همراه خواهد داشت بنابراین آگاهی و پیگیری تشخیص آسیب شناسی برای هر توده پستانی بسیار کمک کننده در درمان خواهد بود. از طرفی با توجه به شیوع بالای بدخیمی پستان در استان خراسان جنوبی، لازم است برنامه های وسیع غربالگری و آموزشی در حیطه مراقبت و معاینه از خود برای زنان اجرا گردد.

واژه‌های کلیدی: توده پستان- اپیدمیولوژی- خراسان جنوبی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های خاص و سرطان

بررسی میزان آگاهی پرستاران درمورد نحوه استفاده از کاتترهای پورت و مراقبت‌های مربوط به آن در بیمارستان آموزشی منتخب مشهد

بهزاد طالب، حکیمه سابقی، محسن حسن ابادی، فرح مادرشاهیان

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *sabeghih@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: کاتترپورت یک سیستم دسترسی به گردش خون است که کاملا زیرپوست قرار می گیرد ابتداً ازاین وسیله جهت شیمی درمانی بیماران سرطانی استفاده می شد ولی اکنون در موارد متعددی بکار می رود.نظر به استفاده روز افزون از این وسیله و تخصصی بودن کاربری آن،پرستاران باید آگاهی لازم در مورد نحوه استفاده و مراقبت های پرستاری مربوط به آن را داشته باشند لذا این تحقیق با هدف تعیین میزان آگاهی پرستاران در این درمورد نحوه استفاده ازکاتترهای پورت ومراقبتهای مربوط به آن انجام گرفت.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تعداد 76 نفر از پرستاران بیمارستانهای قائم،امام رضا و امید مشهد از طریق نمونه گیری آسان انتخاب شدند .ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه ای شامل دو قسمت اطلاعات دموگرافیک و سوالات سنجش آگاهی بود. سوالات مربوط به قسمت سنجش آگاهی شامل انواع کاتترها ،طریقه کار گذاشتن،مراقبت ها ی پرستاری مربوطه و آموزش به بیمار بود.پس از توضیح وکسب رضایت پرستاران پرسشنامه تکمیل می گردید.

یافته‌ها: 63/2% از شرکت کنندگان زن و 89/5% در بخشهای عمومی کار می کردند با میانگین سنی(35 ±8/9)سال، سابقه کار29/9% بین 5-1 سال و 76/3% لیسانس پرستاری بودند. در مورد آگاهی و مراقبت از کاتترهای پورت 52/6% اصلا آگاهی نداشتندو 2/6% آگاهی کم،21% متوسط و 22/8% آگاهی بالا داشتند.بیشترین آگاهی مربوط به موارد آموزش به بیمار47/4% و کمترین آن مربوط به مکان های قرارگیری کاتتر10/8% بود.

نتیجه‌گیری: نظر به استفاده روز افزون از این کاتترها، جدید بودن و مواجه بودن مکرر پرستاران با این وسیله و احتمال بروز عوارض وخیم در اثر کمبود آگاهی ،انجام آموزشهای کامل ومدون در این مورد ضروری بنظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: آگاهی،پرستار،کاتترپورت

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی کیفیت خواب و ارتباط آن با سلامت عمومی شهروندان شهرستان قاین در سال 1393

محمد هادی سروری، سید مصطفی محسنی زاده، علی دشتگرد

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری مراقبت های ویژه- مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - دانشکده پرستاری و مامایی قائن-sarvarymh350@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از شایعترین اختلالات در بشر، اختلال خواب می باشد که بسیاری از این اختلالات با سن، جنس، وضعیت سلامت جسمی، فعالیت های شغلی ارتباط مستقیم دارد و از مهمترین عوارض آن افزایش بروز خطا حین فعالیت های شغلی می باشد. لذا این مطالعه با هدف تعیین کیفیت خواب و ارتباط آن با سلامت عمومی شهروندان شهر قاین انجام گرفته است.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی-تحلیلی، روی 500 نفر از شهروندان شهر قاین انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه های استاندارد سلامت عمومی 28سئوالی و پرسشنامه استاندارد 19سئوالی خواب پیترزبوگ استفاده شد. پس از تکمیل فرم ها، داده ها با استفاده از نرم افزار آماری spss.14 و آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بر اساس نتایج این پژوهش، میانگین نمره کل سلامت عمومی واحد های پژوهش 22.26 بود که نشان دهنده وضعیت سلامت عمومی خوب است. همچنین میانگین نمره کل کیفیت خواب 4.73 بود که نشان دهنده وضعیت کیفیت خواب مناسب است. آزمون آماری ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه معناداری بین کیفیت خواب و سلامت عمومی وجود دارد(P=0.000) مردان کیفیت خواب بهتری نسبت به زنان داشتند(P=0.000). بین کیفیت خواب و شغل واحد های پژوهش ارتباط معناداری وجود داشت(P=0.006).بین سلامت عمومی با سن و سابقه کاری افراد ارتباط معناداری مشاهده نشد (P>0.05). همچنین ارتباط آماری معناداری بین کیفیت خواب با سن و سابقه کاری افراد مشاهده نشد (P>0.05).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان دهنده وضعیت سلامت عمومی خوب و کیفیت خواب مناسب در شهروندان شهر قائن می باشد. همچنین نشان داد که ارتباط آماری معنادرای بین کیفیت خواب و سلامت عمومی شهروندان وجود دارد یعنی هر چه افراد از کیفیت خواب مناسب‌تری برخوردار باشند به طبع ان وضعیت سلامت عمومی بهتری خواهند داشت.

واژه‌های کلیدی: سلامت عمومی، کیفیت خواب، اختلالات خواب

بررسی مقایسه‌ای آموزش سبک زندگی سالم توسط همتا و پرستار بهداشت جامعه بر بعد فیزیکی کیفیت زندگی سالمندان مبتلا به پرفشاری خون

الهام خوش رفتار رودی، اسحق ایلدرآبادی، زهرا امامی مقدم، حمیدرضا بهنام وشانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
پست الکترونیک:*khoshraftare2@mums.ac.ir* ،

زمینه و هدف: افزایش جمعیت سالمندان در تمام دنیا و مسائل و مشکلات ناشی از آن مخصوصا افزایش میزان ابتلا به بیماری های مزمن در این قشر، گرایش بین المللی برای ارتقائ سطح کیفیت زندگی آنان ایجاد کرده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی مقایسه ای آموزش توسط همتا و پرستار بهداشت جامعه بر بعد فیزیکی کیفیت زندگی سالمندان مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد در سال 93 انجام شده است.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه تجربی است که بر روی 60 نفر از سالمندان مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد در سال 1393 انجام شده است. شیوه نمونه گیری به صورت خوشه ای تصادفی و بر اساس معیارهای ورود و خروج بوده است. گروه های مداخله در یک دوره یک ماهه تحت برنامه آموزشی خودمراقبتی توسط همتا و پرستار قرار گرفتند. برای بررسی کیفیت زندگی، پرسشنامه sf-36 به کار برده شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss v18 استفاده گردید.

یافته‌ها: مقایسه ارزیابی گروه ها از نظر بعد فیزیکی کیفیت زندگی قبل از مداخله با یکدیگر تفاوت آماری معنی داری نداشتند(P=0/86). ولی بعد از مداخله میانگین نمره بعد فیزیکی بین گروه ها معنی دار شد(P<0/006). تفاوت بین مراحل قبل و بعد از مداخله نیز بین گروه ها معنی دار گردید(P<0/01).

نتیجه‌گیری: همتایان با کمک کارکنان بهداشتی نقش مهمی در کمک به مددجویان در انتخاب سبک زندگی سالم در جامعه دارند. بنابراین توانمندسازی آن ها باعث ارتقاء سلامت جامعه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: همتا، پرستار، کیفیت زندگی، سالمند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت در دانش آموزان دبیرستان های منتخب شهر مشهد در سال 1393

رویا افشاریان

نویسنده مسئول: کارشناس آموزش مداوم دانشگاه علوم پزشکی مشهد،

پست الکترونیک: afsharianr2@mums.ac.ir

زمینه و هدف: رفتارهای ارتقائ سلامت و سبک زندگی سالم راهکارهای اساسی برای تامین و حفظ سلامتی است . بدلیل اهمیت سلامت در نوجوانان جامعه، بعنوان نیروهای تامین کننده آینده یک کشور ، مطالعه حاضر با هدف تعیین و ضعیت انجام رفتارهای ارتقائ دهنده سلامت در بین دانش آموزان مشهد و نیز عوامل موثر بر آن طراحی شد.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت مقطعی بر روی 420 دانش آموز مشهدی در مقطع متوسطه (پایه اول و دوم) انجام شد. نمونه گیری بصورت چند مرحله ای ، ابتدا نواحی آموزش و پرورش مشهد بصورت طبقات و در بین طبقات یک مدرسه دخترانه و پسرانه بصورت تصادفی انتخاب و در بین مدارس انتخاب شده یک کلاس بصورت تصادفی به عنوان خوشه انتخاب و در هر کلاس تعداد مناسب دانش آموز مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار جمع آوری داده ها ، پرسشنامه استاندارد HEALTH PROMOTION LIFESTYLE PROFILE 2 (HPLP-2) بود ،که شامل دو طبقه اصلی (رفتارهای ارتقائ سلامت و سلامت رو انی اجتماعی)و شش زیر گروه است . داده ها در نرم افزار آماری SPSS 16 وارد و با استفاده از آزمون آماری تی ،کای دو ،آنالیز واریانس یک طرفه و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته‌ها: میانگین سن 3/2+_15/1 بود ، میانگین کل (HPLP-2) ، 16+_145(نمره کل=208) بود . بالاترین نمره کسب شده در زیر گروه رشد معنوی 4/03+_28/04و کمترین در زیر گروه فعالیت فیزیکی 4/2+_14/1بود از نظر آماری میانگین کل و متغیر های جنس (PV< 0.0001) رشته تحصیلی (PV< .001) تحصیلات والدین (PV< .004) و شغل پدر (PV< .007) وضعیت اقتصادی (PV< .001) و تعداد فرزندان خانواده (PV< .0001) ارتباط معنی داری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به وضعیت انجام رفتارهای ارتقائ دهنده سلامتی در بین دانش آموزان ، طراحی برنامه های آموزش سلامت بخصوص در بین دختران و خانواده های تک فرزند ، در جهت افزایش فعالیت فیزیکی پیشنهاد میشود .

واژه‌های کلیدی: ارتقائ سلامت – دانش آموزان – رفتارهای ارتقائ دهنده سلامت

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

دیدگاه دانشجویان هوشبری در مورد شاخصه‌های فردی سبک زندگی اسلامی

محمدرضا حاجی آبادی، طاهره خزاعی، دکتر کاظم قائمی

نویسنده مسئول: مربی، گروه بیهوشی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست االکترونیک: hhagiabadi43@yahoo.com

زمینه و هدف: سبک زندگی به عنوان مفهومی برای تحلیل جامعه به کار می آید اما سبک زندگی نشانه است. نشانه ای از باطن، باطنی که حاصل نسبت جدید انسان و جهان است با این حال امروز فارغ از آموزش ها و تحلیل های فلسفی همه می دانند که سبک های زندگی تناسب خاصی با گونه ای از تعلقات و اعتقادات دارند. زندگی اسلامی نیز در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای شاخصه های خاصی است که پرداختن به آن بسیار ضرورت دارد. لذا هدف از پژوهش و بررسی شاخص های فردی سبک زندگی اسلامی ازدیدگاه دانشجویان هوشبری است.

روش تحقیق: مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی در طول سال تحصیلی 93 – 92 و نمونه گیری به روش سرشماری با استفاده ازنظرات دانشجویان هوشبری توسط تکمیل پرسشنامه ای مشتمل بر 27 سئوال که در گروه های شاخص های اعتقادی و اخلاقی 6 سئوال و شاخصه های ساده زیستی 9 سئوال و کار و تلاش 3 سئوال و علم آموزی 9 سئوال طبقه بندگی گردید که روایی و پایایی آن توسط اعضاء هیئت علمی تأیید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه 46 نفر از دانشجویان شامل 14 نفر دانشجوی مرد (30/4%) و 32 نفر زن (69/6%) بودند. از تعداد 46 نفر تعداد 17 نفر (37%) دانشجویان شاخص اعتقادی را بسیار زیاد، تعداد 11 نفر (23/9%) شاخصه های ساده زیستی را در حد زیاد تعداد 13 نفر (28/3%) شاخصه های کار و تلاش را در حد متوسط و تعداد 5 نفر شاخصه های علم آموزی با 10/9 درصد در حد ضعیف دانستند. در حیطه های شاخص های فردی سبک زندگی اسلامی مهم ترین آیتم ها از دیدگاه دانشجویان شاخصه های اعتقادی با بالاترین اولویت و ساده زیستی کمترین اولویت بوده است. در سبک زندگی اسلامی می توان نگاه و نگرش نخبگان کشور به کار و تلاش و علم آموزی را مد نظرومورد تاکید قرارداد.و در حیطه کار و تلاش و علم آموزی بین سن وجنس اختلاف معنی داری مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه سبک زندگی اسلامی و رعایت شاخصه های فردی در زندگی تأثیر بسزایی در ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی می گذارد. اکثر دانشجویان ضرورت و تأثیر شاخصه های فردی در سبک زندگی اسلامی را خوب بیان نمودند. لذا لازم است این شاخصه ها در سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار گیرد و در تعلیم و تعلم دانشجویان مد نظر قرار گیرد و در دروس معارف اسلامی به این آیتم ها تأکید شود و در عمل در زندگی فرد فرد جامه مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان هوشبری، شاخصه های فردی، سبک زندگی اسلامی.

بررسی تأثیر آموزش تیمی بر خودمراقبتی زنان تحت عمل سزارین

دکتر عصمت نوحی، محمد بنی اسدی ،سمیه مؤیدی

نویسنده مسئول: عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
پست الکترونیک: *smnouhi@yahoo.com*

زمینه و هدف: تاکنون روش های آموزشی مختلفی، در جهت آموزش فراگیران از جمله زنان تحت عمل سزارین، به کار برده شده است آموزش تیمی دو یا چند عضو حرفه ای به عنوان یک رویکرد نوین و در راستای آموزش مراقبت از خود بیماران، کاربرد داشته و در نهایت به پیامدهای با ارزش افزوده جهت آنها و سازمان های مرتبط خواهد انجامید.

روش تحقیق: در این پژوهش 66نفر، به روش نمونه گیری آسان و با تخصیص تصادفی منظم در دو گروه کنترل و مداخله قرار گرفتند. آموزش خود مراقبتی زنان تحت عمل سزارین توسط تیم متشکل از ماما و پرستار، انجام شد. و بعد از اجرای برنامه آموزشی، پس آزمون انجام شد. در پایان نتایج در دو گروه مداخله و کنترل با هم مقایسه شد.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمرات خود مراقبتی زنان تحت عمل سزارین گروه کنترل نشان داد،پیش از آموزش معمول3/67± 13/85 بود، و پس از آموزش معمول به3/25± 17/75 رسید . میانگین نمرات پیش از آموزش تیمی در گروه مداخله 3/35±10/70 بود، که پس از آموزش تیمی به3/68 ±39/39 ارتقاء یافت.این تفاوت از نظر آماری تفاوت معنی دار داشت $p \leq 0/05$.

نتیجه‌گیری: یافته ها نشان داد ، آموزش تیمی به عنوان یک رویکرد نوین مراقبتی توانسته است بر افزایش خود مراقبتی بعد از عمل زنان تحت عمل سزارین، تأثیر بگذارد با توجه به اهمیت روابط بین حرفه ای وبرایندهای مضاعف کار تیمی، براساس نتایج مطالعه و شواهد مرتبط ضروری است اعضای تیم مراقبت در زمینه ، هماهنگی، برنامه ریزی و سازماندهی هر چه بیشتر دراین حوزه همت نمایند.

واژه‌های کلیدی: آموزش تیمی، خودمراقبتی، سزارین، عمل جراحی، پرستار ، ماما

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

مقایسه سبک های یادگیری وعزت نفس دانش آموزان تیز هوش و عادی دبیرستان های دخترانه شهر بیرجند درسال تحصیلی93 - 92

یحیی محمدی، سیما کاظمی، محمد سعیدزاده، حسن طحان

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی،مدیر مرکز اختلالات یادگیری، رشتخوار، ایران*hasantahan54@yahoo.com*

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک های یادگیری وعزت نفس دانش آموزان تیز هوش و عادی دبیرستان های دخترانه شهر بیرجندانجامشدهاست.

روش تحقیق: روش تحقیق از نوع علی مقایسه ای بوده است. جامعه آماری،کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر بیرجند و گروه نمونه، 345 نفر(120 دانش آموز تیز هوش و 225 نفر دانش آموز عادی)از دانش آموزان می باشند که به روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای انتخاب گردیدند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه سبک یادگیری کلب و پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت که از روایی و پایایی قابل قبولی برخودار بودند، استفاده شد.برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی شامل آزمون Tمستقل در سطح 0/05 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین مولفه های سبک های یادگیری و عزت نفس در دانش اموزان عادی با دانش آموزان تیزهوش تفاوت معنی‌دار وجود دارد($p<0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج تحقیق بین سبک های یادگیری و عزت نفس ارتباط دوسویه وجود دارد بدین ترتیب که استفاده از سبک های یادگیری باعث افزایش عزت نفس در بین دانش آموزان می شود و همچنین عزت نفس نیز در انتخاب سبک یادگیری بسیار موثر می باشد.

واژه‌های کلیدی: سبک یادگیری، عزت نفس، دانش آموزان، تیزهوش، عادی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بربهبود کیفیت زندگی زنان باردار

حمیده صمدی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحدنیشابور *Samady3429@gmail.com*

زمینه و هدف: اگرچه حاملگی یک رویداد متعارف دربین زنان درسنین تولیدمثل است اما اغلب یک رویداد پراسترس همراه با تغییرات فیزیولوزیکی و روانی به حساب می اید واین تغییرات می تواند توانایی زن را برای انجام دادن نقش های معمول زندگی تغییر دهد شواهد نشان می دهد که بارداری علاوه برایجادتغییرات قابل ملاحضه دروضعیت سلامت جسمی وروانی زنان می تواند باعث کاهش عملکرد اجتماعی وسرزنده بودن آن ها نیز شود به همین دلیل انتظار می رود که کیفیت زندگی درزنان باردار نسبت به زنان هم سن وسال غیرباردار کم تر باشد . آموزش مهارت های زندگی سبب گسترش مهارت های مقابله ای و مدیریت خودشده وزندگی سالم وباروری را درپی خواهدداشت.

روش تحقیق: پژوخش حاضریک روش شبه تجربی با طرح پیش آزمون – پس آزمون با گروه کنترل می باشد ازبین 300 نفرازمادران باردار مراجعه کننده به مراکزبهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که درارزیابی کیفیت زندگی کمترین نمره رادر پرسشنامه فرم کوتاه زمینه یابی سلامت (sf-36-واروشربن 1992 نقل از منتطری گشتاسبی ووحدانی نیا 1384) به دست آورده بودند انتخاب وبه صورت تصادفی دردوگروه 15 نفری (گواه وشاهد) جایگزین شدند . جلسه های آموزشی گروهی مهارت های زندگی به مدت 9جلسه 1/5 ساعت به صورت هفتگی اجراشد .

یافته‌ها: نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان دادند که برنامه آموزشی مهارت های زندگی توانسته است سلامت روانی وجسمانی زنان دردوران بارداری رابه طورمعناداری افزایش دهد

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته های به دست آمده می توان نتیجه گرفت آموزش مهارت های زندگی دربهبود کیفیت زندگی زنان باردار اثرگذاراست .آگاهی مراقبان بهداشتی ازتغییرات وضعیتی سلامتی زنان بارداروهمچنین عوامل موثربرکیفیت زندگی آنان ونیز ایجاد رویکرد مناسب آموزش های مهارت های زندگی به عنوان آموزش های روتین دوران بارداری جهت افزایش شاخص های سلامت روانی وجسمانی مادران دردوران بارداری برای ارتقاء کیفیت زندگی دوران بارداری از اهمیت ویژه ای برخورداراست ونیازبه برنامه ریزی مناسب در این جهت می باشد .

واژه‌های کلیدی: مهارت های زندگی – کیفیت زندگی – زنان باردار

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی ارتباط سرمایه های روانشناختی با تعهد سازمانی و رضایت شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

مرضیه امتحانی، غلامرضا شریف زاده، دکتر نرجس اکبری

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آ زاد اسلامی بیرجند *m.emtehani@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: امروزه موضوع سرمایه‌های روانشناختی که توصیف کننده روابط بین فردی و شبکه‌های اجتماعی است و سرمایه انسانی که به دانش، قابلیت‌ها و تجربیات کارکنان اشاره دارد، در زمینه‌ی سازمانی اهمیت قابل توجهی یافته است. لذا این پژوهش با هدف بررسی ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و تعهد سازمانی با رضایت شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، انجام شد.

روش تحقیق: در این مطالعه همبستگی، 181 نفر از کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال 1393 به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی لوتانز (2007) که در 4حیطه خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری وخوشبینی ؛ پرسشنامه تعهد سازمانی آلن و مایر (1991) در 3 حیطه تعهد هنجاری، عاطفی ومستمر و پرسشنامه رضایت شغلی اسمیت و هیولین (1969) در 6 حیطه کار، سرپرستی، پیشرفت، حقوق و همکاران مورد بررسی قرارگرفت، استفاده شد. پرسشنامه ها پس از تأیید روایی وپایایی در اختیار کارکنان قرارگرفت وپس از تکمیل جمع آوری گردید ودر نرم افزار spss15 وارد شد .در بخش توصیفی از جداول فراوانی وآمار توصیفی برای توصیف داده ها ودر بخش استنباطی برای بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون ورگرسیون گام به گام استفاده شد .

یافته‌ها: 42% کارکنان مورد مطالعه مذکر می باشندو میانگین سن کارکنان مورد مطالعه 33سال ومیانگین سابقه کار 11/1 می باشد . میانگین نمره تعهد سازمانی 4/1± 73، میانگین نمره سرمایه روانشناختی 13/7±109ومیانگین نمره رضایت شغلی 30/1± 132/9می باشد . مدل رگرسیون نشان داد که مولفه امیدواری از زیر مولفه سرمایه روانشناختی پیشگویی کننده خوبی برای رضایت شغلی تعیین گردید (p>0/001 ، B=0/38 وr=0/21) ، همچنین مولفه امیدواری پیشگویی کننده خوبی برای رضایت شغلی تعیین گردید (p=0/05، B=0/2 ، r=0/29) . در ارتباط بین تعهد سازمانی ورضایت شغلی مولفه سرپرستی با (p=0/01 ، B= 0/27 ،r=0/08) پیشگویی کننده مناسبی برای تعهد سازمانی تعیین گردید .

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که وجود مؤلفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی وازجمله تأثیرگذارترین مولفه که امیدواری می باشد در سازمان باعث کاهش مشکلات ناشی از عدم تعهد سازمانی و رضایت شغلی می‌شود. همچنین سرپرست ها در یک سازمان عامل مهمی در ایجاد تعهد سازمانی افراد هستند .

واژه‌های کلیدی: تعهد سازمانی، رضایت شغلی، سرمایه روان‌شناختی

بررسی تاثیر الگوی توانمند سازی خانواده محور بر سبک زندگی مراقبین بیماران مبتلا به پرفشاری خون

فاطمه محلی، دکتر غلامحسین محمودی راد، نرجس خاتون طاهری

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری ، مربی دانشکده پرستاری و مامایی قاین . دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ، بیرجند، ایران
fatemeh_mohalli@yahoo.com

زمینه و هدف:: بیماری پر فشاری خون یک بیماری شایع، مزمن و بدون علامت است و سبک زندگی از عوامل موثر بر ایجاد و پیش آگهی این بیماری می باشد و برای کنترل بهتر بیماری و برخورداری از سبک زندگی بهتر لازم است که بیمار و خانواده وی توانمند شوندلذا این مطالعه باهدف بررسی تاثیر الگوی توانمند سازی خانواده محور برسبک زندگی مراقبین بیماران مبتلا به پرفشاری خون انجام شد.

روش تحقیق: در این کارآزمایی بالینی ،67 مراقب خانوادگی بیماران مبتلا به پرفشاری خون به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمون قرار گرفتند و برای گروه مداخله الگوی توانمندسازی خانواده محور با چهار گام (ارتقاء دانش ،خودکارآمدی ،عزت‌نفس و ارزشیابی) در طی 6 جلسه و به مدت 2/5 ماه انجام شد و برای گروه شاهد مراقبت رایج اجرا شد. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته سبک زندگیاستفاده شد .داده‌ها با استفاده ازنرم افزارSPSSنسخه 14و آزمون‌های مجذورکای،تی‌مستقل و تی‌زوجی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره کلی سبک زندگی درگروه آزمون قبل از مداخله 117/2 و بعد از مداخله 139 بود و در گروه کنترل میانگین نمره سبک زندگی قبل از مداخله 100 و بعد از مداخله به 101 بود که آزمون تی‌مستقل تفاوت معنی داری بین میانگین نمره سبک‌زندگی گروه آزمون و کنترل بعد از مداخله را نشان داد(P<0/001).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجرای الگوی توانمندسازی خانواده محور بر تغییر سبک زندگی مراقبین بیماران مبتلا به پرفشاری خون موثر می باشد.

واژه‌های کلیدی: الگوی توانمندسازی خانواده محور، پرفشاری خون، سبک زندگی، اعضای خانواده

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

تغذیه و فعالیت های فیزیکی در سبک زندگی سالم دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

زهرا قیروانی، دکتر طیبه کرمانی، دکتر محسن فوادالدینی، دکتر محمدرضا میری

نویسنده مسئول: مربی و عضو هیئت علمی ، *دانشکده پزشکی*، گروه فیزیولوژی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *ghiravani@.bums.ac.ir*،

زمینه و هدف: سلامتی، اساس زندگی هر فرد را تشکیل می دهد پس تغییر سبک زندگی یکی از موثرترین عوامل روی سلامتی افراد جامعه می باشد. مطالعات متعدد نشان داده است که بین فعالیت های فیزیکی، تغذیه ای ، نناسب اندام و نحوه سبک زندگی و متعاقب آن سلامت افراد جامعه رابطه مستقیم وجود دارد.لذا مقاله پیش رو با هدف ارزیابی وتعیین شاخصهای مرتبط با فعالیتهای فیزیکی و تغذیه در ارتباط با سبک زندگی دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه علوم پزشکی بیرجند تدوین گردیده است.

روش تحقیق: در این مطالعه ی توصیفی تحلیل از نوع مقطعی که بر روی 158 نفر(42پسر،116دختر) از دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی (ورودی89)در رده ی سنی 22-18صورت گرفت.اندازه گیری های سلامت جسمی (قد،وزن، فشارخون،دورکمر،دور شکم ،دور ساق،بازو، و...)انجام شد و توده ی بدنی(BMI)تعیین شد.شاخص های تقذیه ای براساس تعریف تغذیه ی متعادل (مصرف آب کافی ومصرف حبوبات ،غلات ،برنج وماکارونی ، مواد گوشتی،لبنیات، سبزی، میوه) میزان فعالیت های ورزشی وتحرک فردی (نوع ورزش ، کار با کامپیوتر، تماشا ی تلویزیون ،مطالعه درس ،کار منزل) به صورت سوالاتی در پرسش نامه گنجانده شد.ضمنا سابقه ی افرایش قند وچربی خون بر اساس گزارش فرد ثبت شد.سپس داده ها با استفاده از آزمون های آماری آنالیز گردید.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در فاکتور های قد،وزن،دورکمر،دور شکم،فشارسیستول،فشاردیاستول میانگین مقادیر پسران بیشتر از دختران بوده است.به عبارت دیگر فاکتور های فوق بطور معنی داری ($p=0.000$)در دختران باپسسران تفاوت داشتند.درتمام شاخص های سلامت جسمی بجز فشار دیاستول ودورشکم اختلاف معنی داری ($p=0.000$)بین دو جنس مشاهده شد.میانگین فشارسیستول ودیاستول در پسران به ترتیب(115و75)ومیانگین این فشارها در دختران به ترتیب (110و73)بود.برطبق شاخص نمای توده ی بدنی(BMI)درکل افراد(55/3 %)طبیعی و(26/4%)لاغر و(17%)اضافه وزن و(1/3%)چاق بودند.نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد که در بین دانشجویان (1/3%)هیپرتانسیون،(1/3%)دیابت و(1/8%)هیپرلیپید می داشتند.

نتیجه‌گیری: بنابراین به منظور پیشگیری از بیماری های مختلف باید تغییرات اساسی در سبک زندگی شامل افزایش مصرف میوه و سبزی ها، عدم مصرف الکل وسیگار، محدود کردن مصرف کالری، ورزش و... داده شود . بدین منظور افزایش آگاهی اقشار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان رشته های علوم پزشکی که خود نقش اساسی در آموزش ،پیشگیری وکنترل دارند،ضروری بنظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی ،تغذیه ،فعالیت فیزیکی ، دانشجویان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی ارتباط تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان

دکتر محمد علی نعمتی، آسیه مودی، محمد رضا رئیسون

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ،بیرجند، ایران Raeisoon@bums.ac.ir

زمینه و هدف: تفکر انتقادی، فرآیندی است هدفمند، و قضاوتی است خودگردان که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزشیابی، و استنباط می‌شود. فرد دارای تفکر انتقادی همواره باید دنبال دستیابی به بهترین و روزآمدترین دانش باشند و بطور مداوم اطلاعات و شواهد جدید را مورد ارزیابی قرار دهند، که این امر نیازمند شخصیتی هوشیار و با قدرت تصمیم گیری است که از شاخصه های عزت نفس است. عزت نفس به احساس فرد نسبت به ارزشمندی و تأیید او نسبت به خودش مربوط است. برخورداری از اراده و اعتماد به نفس قوی با قدرت تصمیم گیری، ابتکار، خلاقیت و نوآوری، سلامت فکر و بهداشت روانی رابطه دارد. بعلاوه تفکر انتقادی یکی از حیطه‌های شخصیت است که علاوه بر داشتن بعد شناختی دارای عناصر خلقی نیز هست. پژوهشگران حوزه هیجان غالباً اهمیت ارتباط بین تجربه هیجانی و پردازش شناختی را درک کرده اند. شادکامی شامل ارزشیابی های شناختی و عاطفی است که افراد از خود و زندگیشان بعمل می آورند و بسیاری از صاحبنظران معتقدند شادی باید به هدف بنیادی آموزش تبدیل شود. لذا این مطالعه با هدف بررسی رابطه تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی در دانشجویان انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی 244 دانشجوی دانشگاههای آزاد، پیام نور، فنی مهندسی و پرستاری و مامایی شهرستان قاین در سال 1393 انجام شد. اطلاعات توسط پرسشنامه های تفکر انتقادی ریکتس 2003، شادکامی آکسفورد و عزت نفس اجتماعی لاوسون، مارشال، مک گراث 1979، جمع آوری گردید. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار آماری SPSS 11.5 و آزمونهای آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین نمرات ابعاد خلاقیت 0/54±3/7، کمال0/60±3/1 و تعهد 0/58±3/6 بود. میانگین نمره کل تفکر انتقادی 1/16±10/4 بود. میانگین نمره شادکامی 14/84±72/5 و نمره عزت نفس 25/63±99/2 بود. بین تفکر انتقادی و شادکامی ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود داشت(P=0/001). بین بعد خلاقیت تفکر انتقادی و شادکامی ارتباط مثبت معنی‌داری وجود داشت(P=0/003). بین بعد کمال تفکر انتقادی و شادکامی ارتباط معنی‌داری وجود نداشت(P=0/124). بین بعد تعهد تفکر انتقادی و شادکامی ارتباط مستقیم معنی‌داری وجود داشت (P=0/000). بین تفکر انتقادی و عزت نفس ارتباط معکوس معنی‌داری وجود داشت(P=0/000). بین بعد خلاقیت تفکر انتقادی و عزت نفس ارتباط معکوس معنی‌داری وجود داشت(P=0/000). بین بعد کمال تفکر انتقادی و عزت نفس ارتباط معنی‌داری وجود نداشت (P=0/719). بین بعد تعهد تفکر انتقادی و عزت نفس ارتباط معکوس معنی‌داری وجود داشت(P=0/000).بین تفکر انتقادی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود نداشت(P=0/208). نمره شادکامی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری داشت(P=0/038). بین نمره عزت نفس دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری وجود نداشت(P=0/216).

نتیجه‌گیری: تفکر انتقادی و ابعاد خلاقیت و تعهد آن قادر به پیش بینی شادکامی و عزت نفس دانشجویان است، اما بعد کمال آن بر عزت نفس و شادکامی تأثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: تفکر انتقادی، عزت نفس اجتماعی، شادکامی، دانشجویان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی با سلامت ذهنی در دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان شهر بیرجند در سال 1393

سید ابوالفضل وقار سیدین، بهاره زارعی، تکتم خونیکی، ادریس قادری، سمانه دلاکه

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی پرستاری، مرکز تحقیقات پرستاری و مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: baharehzarei55@ yahoo.com

زمینه و هدف: اگرچه نوجوانی به عنوان دوره‌ای با سلامت جسمانی بالا شناخته می‌شود، اما باید دانست که این دوره می‌تواند با تشویشات ذهنی و اختلالات بالینی فراوان نیز همراه باشد. یکی از مهم‌ترین موضوعات تامین‌کننده سلامتی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است، سرمایه اجتماعی می‌باشد. عوامل بیشماری برسلامت انسان‌ها تاثیر گذارند که از آن میان می‌توان سبک زندگی را نام برد. نتایج مطالعات تحقیقی گذشته سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل مؤثری در چاقی و دیابت، کنترل گلوکز خون و مصرف سیگار که از مفاهیم سبک زندگی هستند در نوجوانان معرفی نموده‌اند. مطالعه حاضر به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی با متغیر سلامت ذهنی می-پردازد.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی به روش توصیفی- تحلیلی بود. تعداد 400 نفر از جمعیت دانش‌آموزان دوره دوم دبیرستان شهرستان بیرجند در سال 1393 که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردیدند.ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه استاندارد سرمایه اجتماعیBeilmann و همکاران (2014) و پرسشنامه استاندارد سلامت ذهنی Lawton و همکارانش (1983) بود. داده ها در نرم افزار SPSS نسخه 16 با بکارگیری آمار توصیفی و آزمون‌های تحلیلی (ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، رگرسیون چندگانه، من‌ویتنی، تی مستقل، آنالیز واریانس یکطرفه، کروسکال والیس، کای اسکوئر) تجزیه وتحلیل شد.

یافته‌ها: بیشتر شرکت‌کنندگان به لحاظ سرمایه اجتماعی در سطح خوب قرار داشتند. بین نمره سرمایه اجتماعی شرکت‌کنندگان در پژوهش با سبک زندگی و سلامت ذهنی آنان ارتباط مثبت و معناداری وجود داشت (r=0/49، p= 0/00) (r=0/5، p= 0/00).

نتیجه‌گیری: تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر جنبه‌های مختلف سلامت جسمی و روانی انسان در مقالات بسیاری مورد توجه قرار گرفته است و البته بسیاری از عوامل تهدیدکننده سلامت به نحو پیش‌رونده‌ای در دوران نوجوانی آغاز می‌گردد. در مجموع این‌طور بر می‌آید که با تلاش در جهت ارتقاء سرمایه اجتماعی نوجوانان می‌توان امیدوار بود که سلامت ذهنی آنان ارتقاء یابد.

واژه‌های کلیدی:سرمایه اجتماعی، سلامت ذهنی؛ نوجوانان

ارتباط وزن کم هنگام تولد (LBW)با سن مادر در نوزادان متولد شده شهر بیرجند

دکتر بیتا بیجاری، بیتا امیری، هما حیدری

نویسنده مسئول: استادیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند ، ایران
Email :bitabijari@bums.ac.ir

زمینه و هدف: (LBW) یا نوزاد با وزن کم هنگام تولد به نوزادانی که وزنی کمتر از 2500 گرم دارند اطلاق می شود. وزن هنگام تولد یکی از عوامل اصلی و تعیین کننده رشد جسمی و فکری می باشد کمبود وزن هنگام تولد منجر به افزایش میزان مرگ ومیر،معلولیت ها و بیماری ها در نوزادان و کودکان می شود. وزن کم هنگام تولد می تواند متاثر از عوامل متعددی باشد.هدف از این مطالعه ارتباط وزن کم هنگام تولد (LBW)با سن مادر در نوزادان متولد شده شهر بیرجند می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی(توصیفی تحلیلی) بصورت چند مرحله ای (طبقه ای و تصادفی سیستماتیک) مادرانی که دارای پرونده مراقبت در مراکزبهداشتی درمانی و پایگاههای بهداشتی بودند در سال 1390 انتخاب شدند.حجم نمونه بر اساس شیوع 10% وزن کم هنگام تولد بر اساس مطالعات قبلی حدود 1000 نفر محاسبه شد . چک لیستی که بر اساس اهداف طرح طراحی شده که با توجه به پرونده مادران و مصاحبه تلفنی(در صورت وجود نقص در پرونده) تکمیل شد. پس از تکمیل چک لیست ها داده ها وارد نرم افزار (15) SPSS شده و با استفاده از تست آماری کا اسکوئر در سطح معنی داری α=0/05مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: این مطالعه بر روی 1038 نوزاد، انجام شد میانگین وزنی نوزادان مورد مطالعه 460/0 ± 3074/ 6 گرم با حداقل 1420 و حداکثر 4700 گرم بود. 54/5 درصد نوزادان پسر و 45/5 درصد نوزادان مورد بررسی دختر بودند. شیوع LBW در جمعیت مورد مطالعه9/9% بود شیوع کم وزنی هنگام تولد در مادران سن 18تا 35سال 9% و در مادران سنین کمتر از 18 سال و بالای 35 سال 17/5 %بود که بطور معنی داری بالاتر بود(P=0/001)

شانس تولد نوزاد LBW در مادران سن کمتر از 18سال و بیشتر از 35سال 2/15 برابر مادران سن 18تا 35 سال بود.
(OR =2/15(CI:1/26-3/67.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد کم وزنی هنگام تولد در نوزادان مادران سن کمتر از 18 سال و بالای 35 سال از نوزادان مادران با سن 18تا 35 سال بیشتر است. شناسایی عوامل مرتبط در کم وزنی هنگام تولد در نوزادان می تواند در پیشگیری از تولد نوزادان با وزن کم کمک کننده با شد.توصیه می شود با برنامه ریزی موثر از بارداریهای پرخطر و در نتیجه کاهش تولد نوزادان با وزن کم هنگام تولد پیشگیری کرد.

واژه‌های کلیدی: وزن کم هنگام تولد (LBW)، سن مادر، بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی وضعیت کیفیت زندگی کارمندان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند سال 1392

راحله شهریاری، غلامرضا شریف زاده، میترا اسکندری، مهشید چوبداری، زهرا امینی نسب، بی‌بی فاطمه باقرنژاد حصاری، مریم سروش، فاطمه قاسمی پور، محمد حسین نخعی

نویسنده مسئول: فوق لیسانس روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاداسلامی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *r.shahriari@ymail.com*

چکیده:

زمینه و هدف: کیفیت زندگی مفهومی بالاتر از سلامت است که برای ترسیم رفاه جامعه به کار می رود بنابراین می توان گفت کیفیت زندگی منعکس کننده شرایط زندگی و رفاه افراد است ،این مطالعه به منظور تعیین وضعیت کیفیت کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال 92 انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی ، تحلیلی از نوع مقطعی بود که کارکنان بطورسهمیه ای جهت کارگاه طب سنتی و قرآن به سالن شهید رحیمی دانشگاه دعوت شدند پرسشنامه ها تهیه و توسط خودشان تکمیل شده به روش سر شماری انتخاب و پرسشنامه ای 2 بخشی شامل 5 سوال دموگرافیک وپرسشنامه استاندارد 26 سوالی کیفیت زندگی WHO را در مدت یک هفته توسط کارکنان تکمیل گردید اطلاعات با استفاده از آزمونهای توصیفی و تحلیلی Tدو نمونه مستقل وضریب همبستگی پیرسون در نرم افزار SPPS16 آنالیز شد .

یافته‌ها: یافته های این مطالعه نشان می دهد که تفاوت میانگین کیفیت زندگی بر حسب سن در گروهای مورد مطالعه در هیچ یک از دامنه های آن معنی دار نیست . انتظار می رود که کیفیت زندگی افراد با افزایش سن کاهش یابد
ولی این مطالعه نشان می دهد که افزایش سن تاثیری بر کاهش کیفیت زندگی افراد ندارد .

نتیجه‌گیری: باباالارفتن سن،ناتوانیهاومحدودیتهای جسمی وعملکردی فردنیزبیشترمیشودواحتمال ابتلابه انواع بیماریهای مزمن افزایش یافته واین امرنتیجه مستقیم برکیفیت زندگی افرادخواهد گذاشت .

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، کارکنان،علوم پزشکی، بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی، دلزدگی زناشویی در زنان شاغل و خانه‌دار بیرجند

راحله شهریاری، دکتر رضا دستجردی، غلامرضا شریف زاده، مهشید چوبداری، میترا اسکندری، سوری صغرا راغبی

نویسنده مسئول: فوق لیسانس روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاداسلامی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *r.shahriari@ymail.com*

زمینه و هدف: زنان به عنوان یکی از اقشار مهم جامعه نقش بسزایی در پیشرفت و تعالی کشور دارند .لذا انجام تحقیقات متعدد به ویژه درزمینه روانشناسی میتواند اطلاعات بیشتری را در مورد این اقشاربه برنامه ریزان دهد. این مطالعه با هدف مقایسه ویژگیهای شخصیتی، دلزدگی زناشویی زنان شاغل و خانه دارانجام گرفت .

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه تحلیلی از نوع علّی مقایسه ای بود. برروی110 زن شاغل دردانشگاه علوم پزشکی بیرجندو110زن خانه دارمراجعه کننده به مراکزبهداشتی درمانی همتای بازنان شاغل انجام شد.ابزارتحقیق شامل پرسشنامه سنجش صفات پنجگانه شخصیتی(NEO)،پرسشنامه دلزدگی زناشویی، بود.داده هاپس ازجمع آوری واردنرم ا فزار spss15شد.

یافته‌ها: براساس داده های مطالعه حاضر،اختلاف معنی داری درمیانگین نمره ویژگیهای شخصیتی وحیطه های آن دربین زنان خانه داروشاغل مشاهده همچنین یانگین نمره دلزدگی درزنان شاغل وخانه داراختلاف آماری معنی داری رانشان ندادودوگروه ازنظردلزدگی زناشویی همسان بودندونمره شادکامی درزنان شاغل وخانه دار(60/6 درزنان شاغل در مقابل 61/5 درزنان خانه دار) اختلاف آماری معناداری نشان نداد .

نتیجه‌گیری: باتوجه به عدموجودتفاوت معنی داردرویژگیهای شخصیتی، ودلزدگی زناشویی درزنان شاغل وخانه داربه نظرمیرسدشغل متغیرتاثیرگذاربراین متغیرهانمیباشد.

واژه‌های کلیدی: ویژگیهای شخصیتی،دلزدگی زناشویی، ،خانه دار،شاغل

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی شیوع آنمی فقرآهن بر اساس معیارهای آزمایشگاهی در کودکان زیر 5 سال شهرستان سربیشه در سال 1393

مریم پارسا، قاسم طاهری

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت عمومی، سربیشه، شبکه بهداشت و درمان ، واحد سلامت خانواده و جمعیت
پست الکترونیک: *maryamparsa62@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: درسال‌های اول زندگی به دلیل مصرف کم غذاهای غنی از آهن و عدم تأمین آهن کافی،آنمی فقر آهن یکی از شایع‌ترین علل کم خونی در اطفال محسوب میشود. کمبود ریزمغذی‌ها از شایع‌ترین اختلالات تغذیه‌ای در دنیاست که از بین آنها فقر آهن از همه مهمتر است. ما در این مطالعه شیوع کم‌خونی فقر آهن را در شیرخواران 6 تا 60 ماهه شهر سربیشه بررسی کردیم تا شاید راه گشایی در بهداشت و سلامت جامعه باشد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی و به روش مقطعی در سال 1393 بر روی کودکان زیر 5 سال ساکن شهرستان سربیشه که در 9ماهه اول جهت انجام آزمایش مراجعه کرده بودند انجام شد. تعداد کل نمونه‌ها 156نفر بودند جهت ثبت داده‌ها ازنرم‌افزار SPSS16و جهت تحلیل از آزمون‌های آماری مجذورکای و ناپارامتریک استفاده شد.

یافته‌ها: واحدهای مورد پژوهش در این مطالعه 82نفر دختر و 74نفر پسر بودند. محدوده سنی آنها از 1 ماه الی60ماه بود. در میان مادران این کودکان 82.6 درصد خانه دار، 96.7درصد آهن یاری دوران بارداری کامل، 78.8درصد ساکن روستا، تنها 3.2 درصد تحصیلات دانشگاهی، 71.4 درصد آنها زایمان طبیعی، 98.1 درصد کودکان ترم و 17.4 درصد بارداری چهارم به بعد بوده است.شیوع آنمی فقر آهن بر اساس اندازه‌گیری هموگلوبین37.4درصد که در دختران بیش از پسران مشاهده گردید.که این اختلاف توسط آزمون Chi-Square معنا دار نشان داده شد.($p=0.026$)و شیوع کم خونی در کودکان دارای مادر شاغل از کودکانی که مادر خانه دار داشتند کمتر بود.
همچنین آزمون Kruskal-Wallis اختلاف معنا داری بین سواد مادر و آنمی فقر آهن در کودکان نشان نداد.($p=0.829$)

نتیجه‌گیری: با توجه به شیوع بالای آنمی فقر آهن مصرف مکملها در مادران باردار و کودکان توصیه و همچنین آموزشهای لازم در خصوص رژیم غذایی خصوصا در مادران خانه دار توصیه می گردد

واژه‌های کلیدی: آنمی فقرآهن، کودکان، شهرستان سربیشه

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مادران کودکان 1 تا 59 ماهه شهر بیرجند در زمینه پیشگیری از سوختگی کودکان

زهرا وحدانی نیا، دکتر احمد نصیری

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *vahdane@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: سوختگی و خطر مرگ و ناتوانی به دنبال آن در کودکان بسیار بالاست در این میان مادران به عنوان مهم ترین عامل خود مراقبتی کودک نقش موثری در پیشگیری از این آسیب ها در کودکان دارند. این مطالعه با هدف بررسی میزان توانمندی مادران کودکان 1 تا 59 ماهه شهر بیرجند به عنوان عامل خود مراقبتی کودک در زمینه پیشگیری از سوختگی انجام شده است

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی 60 نفر از مادران مراجعه کننده به 4 پایگاه شهر بیرجند انجام شده و توانمندی آنان در 3 حیطه آگاهی ، نگرش و عملکرد ، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده بود (α=0/3) جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمونهای کای اسکوئر، تی تست مستقل و آزمونهای محاسبه میانگین صورت گرفت.

یافته‌ها: این تحقیق نشان می دهد که میانگین سن مادران 5/1 ±29سال و میانگین سن کودکان 16/8 ±22/8 ماه بود. 25% مادران شاغل و 75% خانه دار بودند. 16% دارای تحصیلات ابتدایی ، 48% تحصیلات متوسطه و 35% مادران دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. بررسی میانگین نمرات هر حیطه نشان داد که مادران نسبت به سوختگی با آب و مایعات داغ آگاهی متوسطی داشتند در بررسی نگرش مادران نیز متاسفانه اغلب مادران معتقد بودند که استفاده از شعله های عقبی گاز خطر تاثیری در سوختگی کودکان ندارد. در بررسی عملکرد مادران ،اکثر مادران بیان نموده اند که در زمانی که کودک در آغوش آنان است مایعات مصرف می کنند. در مجموع نمره توانمندی مادران در حد مطلوبی بوده و آنان توانستند 82% نمره کل توانمندی را کسب نمایند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت سوختگی در بروز ناتوانی ها و مرگ و میر کودکان آموزش والدین و اصلاح رفتار آنان از مهم ترین اقدامات پیشگیرانه در حصول سلامت کودکان است.

واژه‌های کلیدی: آگاهی ، نگرش ، عملکرد، مادر، کودک ، سوختگی

ارزیابی کیفیت زندگی بیماران تحت همودیالیز بیمارستان شهید چمران فردوس در سال 1393

حجت غفاری، هادی احمدی چناری، طیبه کمالاتی

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *hojatghaffary@gmail.com*

زمینه و هدف: در روش های تعویض کلیه ، تنها افزایش طول عمر طولانی و سلامتی هدف نیست، بلکه حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی نیز بایستی برنامه ریزی شود . این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه میزان کیفیت زندگی برای بیماران همودیالیزی با پیوند کلیه طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بروش سرشماری روی 26 بیماران تحت بیمارستان دکتر شهید چمران فردوس انجام شد برای جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی فرم کوتاه SF-36 مورد استفاده قرار گرفت که روایی و پایایی آن در سال 1384 در مطالعه تیم منتظری تایید شده بود. داده ها با نرم افزار SPSS 15 و با استفاده از ازمونهای آنایز واریانس ، آزمون همبستگی پیرسون T مستقل تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت زندگی 23. 1 درصد افرادخوب و 61. 5٪ با کیفیت زندگی متوسط و بقیه ضعیف بودند. بین عملکرد فیزیکی و سابقه دیالیز رابطه معنی داری وجود نداشت ، کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به کمتر از یک سال بیش از افراد مبتلا به 2 تا 4 سال ($p = 0/042$) و افراد بیش از 5 سال ($p = 0/025$) تحت دیالیز بود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که بیماری مزمن کلیوی و همودیالیز علل تغییرات زیادی در کیفیت زندگی آنان است .با شناخت عوامل موثر بر کیفیت زندگی در ایشان، اعضای خانواده و تیم درمان می توانند از این مطالب برای ارائه مراقبت و حمایت از برنامه استفاده کنند و برای برای انطباق بیماران مبتلا و بهبود کیفیت زندگی آنان تلاش شود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، همودیالیز، شهید چمران فردوس

مراقبت تسکینی خانواده در پرستاری بیماران محتضر: مرور نظام مند

امیر رضا صالح مقدم، سولماز هلاکو، الهه غایبی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد
Holakous921@mums.ac.ir

زمینه و هدف: مراقبت از اعضای خانواده جزئی از دسته بندی بین المللی مداخلات پرستاری محسوب می گردد. از آن جایی که پرستاران نقش مهمی در مراقبت از بیماران پایان عمر ایفا می کند، مراقبت از اعضای خانواده بیماران در حال احتضار از موضوعات قابل توجه می باشد. این مطالعه مروری با هدف بررسی مراقبت تسکینی از اعضای خانواده طی مداخلات پرستاری از بیماران در حال احتضار انجام شده است.

روش تحقیق: جستجو در پایگاه های اطلاعاتی لاتینproquest،pubmed، science direct (2000-2014) با کلید واژه های nurse, palliative care, family, death و در پایگاه های اطلاعاتی فارسی SID،Magiran ، iranmedex(1370-1393) با کلید واژه های پرستار، خانواده، مرگ و مراقبت تسکینی انجام شد، که 15 مقاله مرتبط وارد مطالعه گردید.

یافته‌ها: یافته های مطالعه به صورت نقش پرستار در مراقبت تسکینی از اعضای خانواده از بیماران در حال احتضار و موانع حمایتی تقسیم بندی شده است. نقش پرستار درمراقبت از اعضای خانواده از بیماران در حال احتضار در سه بعد رفتاری، آرامش روانی-فیزیکی و سازگاری؛ به صورت ایجاد حس اعتماد و صداقت، حمایت از اعضای خانواده در طول مراحل غم، تشویق آن ها به ابراز احساسات، ارائه توضیحات لازم درباره ی درمان بیمارشان، تشویق به صحبت کردن با بیمار، شناسایی نیازهای مذهبی/روحی و فرهنگی خانواده و کمک به سازگاری آن ها می باشد. حمایت حرفه ای و اجتماعی فاکتورهای اصلی برای نفوذ در مراحل غم اعضای خانواده می باشد. در حالی که بسیاری از مطالعات نشان داده اند، فعالیت های مراقبتی از اعضای خانواده بیماران در حال احتضار بسیار محدود می باشد. موانع مراقبتی در دو دسته مربوط به سیستم/تیم بهداشتی و بیمار/خانواده قرار می گیرد. زیاد بودن حجم کاری پرستار، اضطراب مرگ، عدم آموزش کافی، کمبود ارتباط بین گروه پرستاری و پزشک در زمینه مراقبت از اعضای خانواده و خارج بودن از محدوده ی عملکرد پرستاری و عدم تمایل پرستاران به برقراری ارتباط با اعضای خانواده بیماران درحال مرگ و نیز انتظارات غیر واقع بینانه از درمان و عدم امکان برقراری ارتباط از جمله این موانع می باشند.

نتیجه‌گیری: مراقبت از اعضای خانواده، بخش مهمی از مراقبت پرستاری در ارائه خدمات به بیماران در حال احتضار و مراقبت تسکینی از آن ها می باشد و هر پرستاری بایستی آمادگی لازم در این زمینه را بایستی کسب نماید.

واژه‌های کلیدی: مراقبت تسکینی، خانواده، پرستار

بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت در معلولین جسمی - حرکتی

هادی اسکندری، دکتر محمدرضا میری،غلامرضا شریف زاده، عباس پورصادق

نویسنده مسئول: دانشیار آموزش بهداشت وارتقاء سلامت ، گروه آموزشی بهداشت عمومی دانشکده بهداشت ، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند،ایران , *Email:miri_moh2516@yahoo.com*

زمینه و هدف: قابلیت انسان برای انطباق با محیط اطراف وکنار آمدن با مشکلات زندگی به کارکرد ترکیبی قابلیتهای عاطفی وعقلانی بستگی دارد.توانایی پیش بینی موفقیت های زندگی ونیز نقش اساسی آن می تواند از دلایل علاقه به مطالعه هوش هیجانی با سایر متغیرها از جمله خلاقیت باشد.هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش هیجانی با خلاقیت در معلولین نوجوان جسمی-حرکتی می باشد.

روش تحقیق: در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از نوع همبستگی تعداد 117 نوجوان دختر وپسر معلول جسمی حرکتی شهر نهبندان به روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند.ابزار گردآوری اطلاعات 2 پرسشنامه استاندارد شامل پرسشنامه خلاقیت 60 سوال عابدی وپرسشنامه 90 سوال هوش هیجانی بار-ان بود که توسط نمونه ها به روش مصاحبه حضوری تکمیل گردید.جهت تجزیه وتحلیل داده ها از آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون ،آزمون Tمستقل وآزمون رگرسیون گام به گام در سطح $\alpha \leq 0/05$ استفاده شد.

یافته‌ها: بین خلاقیت در دختران وپسران معلول جسمی حرکتی اختلاف معناداری مشاهده نشد اما در بررسی رابطه هوش هیجانی در دختران وپسران معلول ،میانگین نمره همدلی در پسران نسبت به دختران بیشتر بود.در بررسی همبستگی خرده متغیرهای هوش هیجانی وخرده متغیرهای خلاقیت در معلولین جسمی حرکتی نتایج نشان داد که بین مولفه های هوش هیجانی ومتغیر ابتکار همبستگی معناداری وجود دارد.بین متغیرهای خوش بینی ،همدلی وابراز وجود با متغیر انعطاف پذیر همبستگی معناداری مشاهده شد،همچنین بین متغیرهای هوش هیجانی با متغیرهای سیالی ،بسط ،ابتکار وانعطاف پذیری همبستگی معناداری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: با توجه به تاثیر هوش هیجانی در مسئولیت پذیری وهمچنین یادگیری بهتر وخلاقیت بهتر توصیه می شود.شرایطی فراهم شود که معلولین جسمی حرکتی تفکر خلاق وهوش هیجانی آنان تقویت شود در زمینه برای شکوفایی استعدادهای این قشر از جامعه فراهم شود. لذا اجرای کلاسها وکارگاههای آموزشی مناسب برای معلولان می تواند به افزایش خودآگاهی ،کاهش استرس و ابراز وجود آنها کمک قابل توجهی کند،همچنین به والدین ومعلمانی که دارای فرزند یا دانش آموز معلول هستند آگاهی های لازم در این زمینه داده شود.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی،خلاقیت ،معلولین جسمی-حرکتی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

ارتقای سلامت و سبک زندگی با نقش ادراک حمایت اجتماعی خانواده و دوستان در الگوی شادکامی

نرگس شفیعی، فاطمه شهابی زاده، فاطمه زهرا نجف پور

نویسنده مسئول: فرهنگی آموزش پرورش شهرستان خوسف، کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، ،

پست الکترونیک: shafie94@yahoo.com

زمینه و هدف: شادکامی (Happiness) یکی از شاخص های مهم بهداشت روانی در جامعه است، شادکامی به همراه نگرش مثبت و امیدوارانه به آینده، سرمنشا تحرک، تلاش و پویایی است(هزارجریبی و صفریشالی، 1389). مایرز و دینر (1995؛ نقل از خسروی و همکاران، 1388) وقتی بررسی می کنند که فرد شادکام چه کسی است، افراد در پاسخ به شبکه حمایتی از روابط زندگی فردی در یک فرهنگ اشاره می کنند. تحقیقات بسیاری نشان از آن دارند که برخورداری از حمایت مطلوب، فرد رابه سلامت جسمی و بهزیستی روانی و شادکامی هدایت می کند. لذاهدف پژوهش حاضر، بررسی نقش ادراک حمایت اجتماعی در پیش بینی الگوی شادکامی و ارتقای سلامت روانی است.

روش تحقیق: 500 دانش آموز با روش چند مرحله ای در سال تحصیلی 92-91 ، مقیاس های حمایت اجتماعی (مالکی، دیمری و الیوت(CASSS)،2000) و شادکامی (آکسفورد(Oxford)،1990) را تکمیل کردند. طرح پژوهش از نوع همبستگی است که از روش تحلیل مسیر بهره گرفته شد.

یافته‌ها: الگوی مسیر نشان داد ادراک حمایت والدین و دوستان، شادی در زندگی و شادی در روابط اجتماعی را پیش بینی می کند و سهم حمایت والدین در افزایش شادی در زندگی، $\beta= 0/46$ ،$P<0/05$ بیش از شادی در روابط اجتماعی$\beta= 0/17$ ،$P<0/05$ به دست آمد و حمایت دوستان نیز تنها سهم معناداری در پیش بینی شادی در روابط$\beta= 0/13$ ،$P<0/05$ نشان داد.

نتیجه‌گیری: حمایت اجتماعی از طریق ایفای نقش واسطه ای میان عوامل تنش زای زندگی و بروز مشکلات جسمی و روانی و همچنین تقویت شناخت افراد، باعث کاهش تنش شده، افزایش میزان بقا و بهبود کیفیت زندگی ، رضایت از زندگی و شادکامی افراد می گردد(عسکری و شرف الدین، 1389).شادی در زندگی از طریق ، برخورداری از حمایت اجتماعی مناسب از جانب خانواده منجر به داشتن احساس تعلق به جامعه، خوش بین بودن در مورد آن و پذیرش آن و میل به مشارکت در آن می شود.البته شادی در روابط اجتماعی ، بسته به نگرش مثبت افراد نسبت به جامعه، بیشتر از آن که وابسته به خانواده باشد وابسته به حمایت اجتماعی ادراک شده از دوستان است و از طرفی محیط خانواده به عنوان محل کسب اولین تجارب حمایت اجتماعی بر روی ادراک حمایت دوستان نیز، تاثیر گذار است و افرادی که حمایت اجتماعی خانواده را درک می کنند. پایه های اعتماد در آن ها قوی شده و با دوستان خویش نیز سازگارانه و خوش بینانه رفتار می کنند، لذا در روابط اجتماعی نیز با شادی مواجه می شوند.

واژه‌های کلیدی: سلامت روانی؛ حمایت اجتماعی خانواده؛ دوستان؛ شادی در روابط اجتماعی؛ شادی در زندگی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

مقایسه کیفیت زندگی در معتادان تحت درمان با متادون با یا بدون اختلالات روانی

دکتر علی اکبر اسماعیلی، هادی احمدی چناری، دکتر محمدرضا عابدینی، دکتر بیتا بیجاری

نویسنده مسئول: استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند – مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری
پست الکترونیک: *esmaeili67@gmail.com*

زمینه و هدف: با توجه به شیوع بالای اعتیاد،درمان نگهدارنده با متادون یکی از روشهای درمان موثر و رایج این بیماری است.کیفیت زندگی یکی از معیارهای تاثیر برنامه های بهداشتی می باشد بطوریکه امروزه یکی از اهداف برنامه های مراقبت های بهداشتی ودرمانی بهبود کیفیت زندگی می باشد. لذا مطالعه تاثیر همزمانی اختلالات روانپزشکی مانند اضطراب و افسردگی در بیماران معتاد تحت درمان نگهدارنده با متادون بر کیفیت زندگی انها ضروری است این مطالعه به بررسی وجود همزمانی این اختلالات بر روند کیفیت زندگی می پردازد.

روش تحقیق: در این مطالعه روی بیماران تحت درمان بامتادون مراجعه کننده به کلینیک درمان اعتیاد فردوس انجام گردید.مطالعه بصورت داوطلبانه بر روی127 بیمارو 60 مورد افراد شاهد سالم غیر معتاد بعمل امد. در ابتدا تست روانشناسی SCL_90انجام گردید و افراد دچار معیار اسیب شناسی روانی تفکیک و سپس بر اساس مصاحبه ساختار یافته روانپزشکی (SCID)بیماران واجد شرایط تشخیص، مشخص گردیدند . پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی(WHOQOL-BREEF)در سه گروه بیماران تحت درمان متادون بدون اختلال روانی، بیماران تحت درمان متادون دچار اختلال روانی و گروه شاهد غیر معتاد و سالم توزیع و تکمیل گردید.و نمرات ازمون کیفیت زندگی به نرم افزارSPSS- V20 وارد و تحلیل و انالیز واریانس بعمل امد.

یافته‌ها: از تعداد 127 بیمار،65 نفر با میانگین سنی 37سال براساس تست SCL-90 دچارعلایم اضطراب افسردگی و وسواس فکری-عملی بودند. در سه گروه بیماران متادون درمانی بدون بیماری روحی62 نفر با میانگین 34سال، متادون درمانی با ناراحتی روحی 65 با میانگین 37و گروه شاهد 60 نفر با میانگین 30 سال پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی استاندارد شده -WHOQOL) BREEF) بعمل امد .دربیماران تحت درمان متادون با مشکلات روانی در زیر مقیاس سلامت فیزیکی و زیر مقیاس روان شناختی در سطح معنی داری $P<0.05$در مقایسه با بیماران تحت درمان با متادون بدون بیماری روانی کاهش امتیاز نشان دادند. در مقایسه هردو گروه بیماران متادون درمانی با و بدون بیماری روانی همزمان در سه حیطه سلامت فیزیکی، حیطه روانشناختی و حیطه روابط اجتماعی در مقایسه با گروه شاهد از امتیاز پایین تر با سطح معناداری برخوردار بودند$P<0.05$. در حیطه محیط زندگی بین سه گروه تفاوتی وجود نداشت .

نتیجه‌گیری: بر اساس این یافته ها نتیجه گیری می شود که تشخیص و درمان اختلالات روحی و روانی همزمان در بیماران معتاد تحت درمان با متادون می تواند در بهبود کیفیت زندگی و ارتقا سطح بهداشت عمومی انها موثر باشد . توجه درمانگران کلینیک های درمان اعتیاد به این موضوع ضروری و اهمیت دارد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی ، بیماری روانی ، درمان نگهدارنده با متادون

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

خودپنداره در دختران دانش آموز تیزهوش و عادی

بی بی نرگس معاشری، مهندس غلامرضا شریف زاده، وحیده ابوالحسن نژاد، مریم خدیوی، اعظم فیض آبادی

نویسنده مسئول: مربی و عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت و عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثّر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *n.moasheri@yahoo.com*

زمینه و هدف: خودپنداره درک یا تصوری است،که هرفرد ازخود دارد و مجموعه ای ازارزش ها و باورهای وی در پیوند با محیط پیرامونش است ، خودپنداره در دوران زندگی ثابت نبوده و با به دست آوردن تجربه وتفسیر دیگران شکل می گیرد . از آن جا که خود پنداره در سنین نوجوانی در افراد مختلف با ویژگی های متفاوت معنای خاصی پیدا نموده ودچار بیشترین دگرگونی وحتی ضعف می شود لذا نیازمند شکل گیری و جهت یابی در این خصوص است .مدارس ویژه دانش آموزان تیزهوش، دارای محیط آموزشی متفاوتی نسبت به دانش آموزان مدارس عادی هستند و احتمالاً عواملی می تواند موجب تفاوت بین ویژگی های روانی دانش آموزان تیزهوش و عادی شود ، و از آنجا که کشور ما، کشوری جوان است و دانش آموزان، جمعیت زیادی از جامعه را بخود اختصاص میدهند و این افراد، سرمایه های بالقوه جامعه و متصدیان آینده مملکت اند و از طرفی توجه به سلامت آنها از اولویت های بهداشت و درمان کشور است، لذا محققین بر آن شدند تا با مقایسه میزان خودپنداره دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی اقدامی جهت تعیین و شناسایی و رفع مشکلات آنان بردارند.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تحلیلی با استفاد ه از فرمول حجم نمونه، تعداد 233 نفر از دختران دانش آموز تیزهوش وعادی مدارس شهر بیرجند به روش تصادفی با کمک پرسشنامه استاندارد خودپنداره راجرز ،مورد بررسی قرار گرفتند.اطلاعات جمع آوری شده پس از کد گذاری در نرم افزار spss مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت. در قسمت آمارتوصیفی از شاخص های میانگین ، انحراف معیار و فراوانی و در قسمت آمار تحلیلی از آزمونهای کای اسکوئر، تی تست وآنالیز واریانس یکطرفه (با توجه به توزیع نرمال داده ها) استفاده گردید و $p<0/05$ به عنوان سطح معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد که بطور کلی میانگین نمره خودپنداره دختران دانش آموز$9/9\pm3/2$ و میانگین نمره خودپنداره دختران مدارس تیزهوش $10/1\pm2/9$و در مدارس عادی$9/8\pm3/4$ بود که این اختلاف معنی دار نیست ($p=0/5$) .18/9٪ از کل دانش آموزان دارای خودپنداره نرمال و 81/1٪ دارای خودپنداره ضعیف ومنفی بودند. همچنین اختلاف معنی داری بین میانگین نمره خودپنداره ی دختران دانش آموز با رتبه ی تولد ($p=0/3$)، رتبه ی کلاسی ($p=0/1$)، و سطح تحصیلات مادر ($p=0/2$) مشاهده نگردید.یافته ها همچنین نشان داد که میانگین نمره خودپنداره دانش آموزانی که پدر انان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند بطور معنی داری کمتر از بقییه گروه ها بود($p=0/027$).

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود خودپنداره ضعیف ومنفی در اکثریت دختران دانش آموز تیزهوش وعادی خصوصا در دانش آموزانی که والدینی با تحصیلات دانشگاهی دارند ،ضرورت توجه وپرداختن بیشتر به مسائل روانی دختران دانش آموز وعوامل موثر بر آن را در مدارس ،خانواده و مراکز مشاوره نشان می دهد همچنین لازم است در برنامه های آموزشی به خانواده ها و در مراکز آموزشی ، علاوه بر رشد شناختی به عاملهای هیجانی آنان نیز توجه شود.

واژه‌های کلیدی: خودپنداره ، دانش آموزتیزهوش و عادی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی سطح تاب آوری و عوامل موثر بر آن از دیدگاه پرستاران شاغل در بیمارستان‌های آموزشی مشهد

ملیحه شجاع، زهره پوراسماعیل، حواعبدالهی، مرضیه هودفر

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد

زمینه و هدف: تاب آوری یکی از مهمترین توانایی‌های افراد است که باعث سازگاری موثر با عوامل خطر و استرس می‌شود. از آنجایی که بیماران و همراهیان غالبا در بحران به سر می‌برند و پرستاران دائما در تماس با آنها هستند لذا برخورداری از مهارت تاب آوری برای آنها جزء اصول اولیه و مهم در برقراری تعامل با بیماران می‌باشد. نظر به اهمیت کسب تاب آوری در پرستارانی که از کودکان مراقبت می‌کنند این مطالعه با هدف بررسی سطح تاب آوری در پرستاران و عوامل موثر بر آن صورت گرفت.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی به شیوه دردسترس بر روی 53 پرستار شاغل در بخش‌های اطفال بیمارستان های آموزشی شهر مشهد؛ انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون و پرسشنامه پژوهشگرساخته "بررسی عوامل موثر بر تاب آوری پرستاران" بود. داده‌ها پس از جمع‌آوری توسط نرم افزار SPSS ورژن 11.5 تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین سنی پرستاران شرکت‌کننده در این مطالعه 10.13±35سال، میانگین سابقه کار بالینی آنها7.7 ±10سال بود. اکثر این افراد دارای مدرک کارشناسی(86%) و 96% از آنها مونث و سایرین مذکر بودند. میانگین نمره تاب آوری بدست آمده از53 فرم تکمیل شده56 است که پایین تر از نمره برش(60) می‌باشد. از نظر پرستاران مهمترین عوامل موثر بر تاب‌آوری به ترتیب حمایت‌های ناکافی حرفه‌ای نظام پرستاری0.68±67.9%، رفتارها و برخوردهای غیرمحترمانه برخی پزشکان 0.77±66.1% ، ضعف مهارتهای ارتباطی0.94± 60.4%، نامناسب بودن برنامه ماهانه شیفت ها58.5%، عدم همکاری سرپرستار بخش جهت مرخصی و جابجایی1.1± 56.6%، عدم کفایت حقوق دریافتی و مسائل مالی0.97± 52.8 % و بخش محل خدمت 47.2 می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بر طبق نتایج مشخص شد که سطح تاب‌آوری در پرستاران پایین می‌باشد، لذا جهت تعامل مناسب پرستار با بیمار و همراهیان؛ پیشنهاد می‌گردد، مدیران پرستاری دوره‌های بازآموزی و شیوه‌های آموزشی موثر جهت ارتقاء سطح تاب‌آوری پرستاران را در نظرگیرند.

واژه‌های کلیدی: تاب آوری، پرستار، بیمار

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

مقایسه سطح هموسیستیین، فیبرینوژن، PT ، PTT ، INR و CRP در مردان سیگاری معتاد و غیر معتاد به تریاک

دکتر ناهید ازدکی، دکتر محمود زردست، دکتر غلامرضا عنانی، دکتر حمیدرضا عبدالرزاق نژاد

نویسنده مسئول: استادیار قلب وعروق مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
nahidazdaki@yahoo.com

زمینه و هدف: با توجه به محدود بودن مطالعات در زمینه تاثیر اعتیاد به تریاک بر سایر فاکتور های انعقادی به عنوان یک فاکتور خطر برای افزایش حالت انعقاد پذیری و رابطه آن با بیماری عروق کرونر ، در این مطالعه اثر اپیوم در شرایط کنترل شده بر فاکتورهای انعقادی و التهابی بررسی شد.

روش تحقیق: این مطالعه ی مورد شاهدی در دو گروه افراد سیگاری معتاد به تریاک (27 نفر) و افراد سیگاری غیر معتاد (27 نفر) انجام شد. پس از ثبت اطلاعات دموگرافیک ، نمونه خون وریدی جمع آوری و برای اندازه گیری سطح فاکتورهای هموسیستیین ، فیبرینوژن ، PT ، PTT ،INR و CRP کمی به آزمایشگاه ارسال شد. برای ارائه ی نتایج از شاخص های آمار توصیفی و همچنین از آزمون T مستقل و من ویتنی استفاده شد. داده ها در سطح معنی داری $P < 0/05$ تحلیل شدند

یافته‌ها: میانگین سن در گروه مورد 8/04 ± 32/22 سال و در گروه شاهد 6/18 ± 33/26 سال بود. در مقایسه گروه مورد و شاهد از نظر سن و سطح تحصیلات تفاوت معنادار نبود. ($P >0/05$) میانگین ± انحراف معیار تعداد سیگار مصرفی روزانه در گروه مورد و شاهد به ترتیب 5/39 ± 7/85 و 5/04 ± 8/11 عدد بود. همچنین میانگین ± انحراف معیار مدت زمان مصرف سیگار در گروه مورد 6/50 ± 10/07 سال و در گروه شاهد 7/18 ± 9/00 سال بود. در مقایسه ی دو گروه بر اساس این پارامترها تفاوت معنی داری وجود نداشت. ($P >0/05$) در مقایسه سطح فاکتورهای التهابی و انعقادی در تمامی موارد بجز Fibrinogen و CRP کمی اختلاف معناداری بین گروه مورد و شاهد وجود نداشت اما در این دو مورد تفاوت میانگین ها در دو گروه معنادار بود. ($P < 0/05$) در مقایسه سطح فاکتورهای التهابی و انعقادی بر اساس شیوه مصرف در تمامی موارد بجز PT اختلاف معناداری بین نحوه مصرف خوراکی و استنشاقی وجود نداشت. اما در این مورد تفاوت میانگین در دو گروه معنادار بود. ($P < 0/05$)

نتیجه‌گیری: نتیجه این بررسی نشان می دهد که اعتیاد به مواد مخدر از جمله تریاک می تواند در بعضی پارامترهای خونی تغییر ایجاد کند. و بنا بر این می تواند تا حدی در فرآیندهای التهابی و انعقادی بدن اختلال ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد ، هموسیستیین ، فیبرینوژن ، PT ، PTT ، INR و CRP

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی تاثیر آموزش برنامه‌ریزی شده و نوشتاری بر اضطراب پنهان بیماران جراحی ارتوپدی

محمد طاهری راد، دکتر محمد رضا شاکری، مریم تولیت، راضیه پیران نژاد، زهرا جانبانی

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *-mohammad-taherirad@yahoo.com*

زمینه و هدف: فرآیند عمل جراحی یک روند تشخیصی و درمانی در بسیاری از بیماری هاست که سبب افزایش بروز واکنش های روانی و فیزیولوژیک مختلف در بیمار می گرددکه در این میان اضطرب و افسردگی به عنوان مهم ترین عارضه ناشی از جراحی در نظر گرفته می شود.

با توجه به اهمیت کاهش اضطراب در بیماران کاندید عمل جراحی روش های مختلفی بدین منظور انجام می گیردکه یکی از این روش ها آموزش به بیمار است، این مطالعه با هدف تاثیر آموزش برنامه ریزی شده و نوشتاری بر اضطراب پنهان بیماران جراحی ارتوپدی انجام شد.

روش تحقیق: در این مطالعه 81 بیمار کاندید عمل جراحی ارتوپدی به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند سپس به صورت تصادفی در 3 گروهآموزش برنامه ریزی شده،پمفلت و شاهد قرار داده شدند.همه بیماران روز قبل از عمل جراحی پرسش نامه 20 سوالی اضطراب اشپیل برگر را پاسخ دادند و سپس در دو گروه آموزش برنامه ریزی شده و پمفلت مداخله انجام شد.در گروه آموزش نوشتاری، پمفلتی به زبان ساده داده شد که شامل محتویات آموزشی در خصوص عمل جراحی و توصیه های قبل و بعد از عمل جراحی بود. در گروه برنامه ریزی شده که آموزشی بر پایه پیشرفت از مراحل آسان به سوی مراحل دشوارتر است و هر یک از مراحل مستلزم مشارکت فعال که به صورتپاسخ به یک پرسش بود.سپس مجددا ارزیابی میزان اضطراب بیماران حدود نیم ساعت قبل از عمل جراحی بعد از آموزش در سه گروه مورد مطالعه انجام شد. به منظور تجزیه تحلیل داده ها علاوه بر محاسبه میانگین و انحراف معیار از آزمون تی مستقل و واریانس با نرم افزار Spss16 استفاده شد.

یافته‌ها: یافته های مطالعه نشان داد مقایسه میانگین نمره اضطراب پنهان قبل و بعد از آموزش در سه گروه، میانگین نمره اضطراب آشکار در گروه برنامه ریزی شده از 42/96به 40/33 و در گروه پمفلت از 47/33به 43/70 و در گروه شاهد از 40/59به 45/78 رسیده است. استفاده از آزمون آنالیز واریانس برای مقایسه 3 گروه این اختلاف را معنی دار نشان می دهد. هم چنین نتیجه آزمون تعقیبی توکی نشان داد که میانگین نمره اضطراب پنهان در بیماران گروهای پمفلت و برنامه ریزی شده نسبت به بیماران گروه شاهد به طور معناداری کمتربود($p<0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته های پژوهش روش آموزش برنامه ریزی شده تاثیر بیشتری در کاهش اضطراب پنهان بیماران نسبت به گروه پمفلت قبل از عمل جراحی ارتوپدی داشت. لذا با توجه به این که پرستاران نقش مهمی را در بررسی و تسکین اضطراب بیماران دارند و نسبت به سایر افراد تیم درمانی وقت بیشتری را با بیماران تحت عمل جراحی سپری می کنند، بنابراین باید روش آموزش برنامه ریزی شده را مورد توجه قرار دهند تا بتوانند حمایت موثری جهت کاهش اضطراب قبل از عمل بیماران داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: آموزش نوشتاری،آموزش برنامه ریزی شده،اضطراب پنهان

اثربخشی رفتار درمانی شناختی بر باورهای غیرمنطقی و کیفیت زندگی افراد وابسته به شیشه

محسن ندیمی، معصومه پیشگر، کامبیز جهانی

نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرند،
پست الکترونیک: mohsen93nadimi@yahoo.com

زمینه و هدف: سوء مصرف مواد و بویژه اعتیاد به مواد محرک و صنعتی که تغییر دهنده خلق وخو و رفتار فرد هستند یکی از بارزترین آسیب‌های روانی- اجتماعی است که به راحتی می‌تواند بنیان زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را از بین برده و پویایی و فعالیت انسان‌ها و نیروی کار و انگیزه و علایق افراد را به مخاطره اندازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی رفتار درمانی شناختی بر تغییر باورهای غیرمنطقی و کیفیت زندگی افراد وابسته به شیشه انجام گردید.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مطالعه‌ای شبه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه وابستگان به شیشه بودند که در سال 1393 به مراکز ترک اعتیاد شهر بیرجند مراجعه داشتند. به روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد 40 نفر انتخاب و در دو گروه کنترل و مداخله به صورت مساوی و تصادفی قرار گرفتند. سپس مداخله تنها بر روی گروه آزمایش به مدت 8 جلسه 90 دقیقه‌ای برگزار گردید. داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار آماری spss (ویرایش18) و آزمون تحلیل کوواریانس در سطح معناداری 0/05 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تفاوت نمرات گروه مداخله رفتار درمانی شناختی در مقایسه با گروه گواه در کاهش باورهای غیرمنطقی و افزایش کیفیت زندگی بیماران وابسته به آمفتامین معنادار است ($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که آموزش رفتار درمانی شناختی به وابستگان به شیشه، در مدیریت مولفه‌های باورهای غیرمنطقی و کیفیت زندگی آن‌ها موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: رفتار درمانی شناختی، باورهای غیرمنطقی، کیفیت زندگی، شیشه، سوء مصرف مواد

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

تاثیر درمان اجباری اعتیاد بر کیفیت زندگی معتادان بستری شده استان خراسان جنوبی

فاطمه گندمی، محمد حسین نخعی

نویسنده مسئول: ماماو عضو مرکز تحقیقات عوامل دموگرافیک موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ایران (مربی بهورزی بیرجند)
f.gandomi@bums.ac.ir

زمینه و هدف: موقعیت استراتژیک ایران و قرار گرفتن آن در کنار کشورهایی همچون افغانستان و پاکستان که از تولید کنندکان عمده مواد مخدر در جهان میباشند و از طرفی ترانزیت و عبور ومرور مواد مخدر از کشورما به جهت ویژگی های خاص منطقه ای بازار مصرف داخلی مواد مخدر را تشدید کرده است . مطالعه حاضربه منظور تعیین تاثیر درمان اجباری اعتیاد بر کیفیت زندگی معتادان بستری شده استان خراسان جنوبی نیمه دوم سال 92 طراحی شد.

روش تحقیق: در یک مطالعه نیمه تجربی قبل و بعد از درمان تمامی معتادان معرفی شده از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر به مرکز درمان اجباری (ماده16) در نیمه دوم سال 92 (حدود 90 نفر)به روش سرشماری ، پرسشنامه ای33سوالی شامل چهار بخش الف) اطّلاعات دموگرافیک7سوال پرسشنامه26 سوالی کیفیت زندگی (سازمان جهانی بهداشت) که روایی و پایایی قبلا تایید شده است استفاده شد هنگام ورود و ترخیص به روش مصاحبه با معتاد توسط مدد کاراجتماعی تکمیل و پس از بازبینی ناظر توسط اپراتور مجرب در نرم افزار ثبت spss 18تجزیه وتحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار سنی معتادان مورد مطالعه را (30/3±8.9) می باشد =) آزمون تی زوجی بین میانگین نمره کیفیت زندگی قبل و بعد ازدرمان در سطح معنی داری الفا کمتر از 0/001 تفاوت معنی دار نشان داد(1 0/00≥p) مقایسه نمره کیفیت زندگی قبل و بعد از مداخله باتحصیلات اختلاف معنی دار در سطح معنی دار آلفا کمتر از 0/05وجود دارد (p= 0/001) اما با سن،وضعیت تاهل،نوع سکونت،بعد خانوار اختلاف معنی دار در سطح معنی دار آلفا کمتر از 0/05وجود نداشت (p 0/05)

نتیجه‌گیری: پیشگیری و درمان اعتیاد به عنوان یک بیماری مهم وتهدید کننده سلامت و مولد معضلات اجتماعی و اقتصادی یکی از اولویت های فرهنگی می باشد و باید به طور همه جانبه مد نظر دولت مردان قرار گیرد . درمان دارویی و درمانهای غیر دارویی حتی درمان اجباری معتادان نیز می تواند بر کیفیت زندگی بیماران موثر باشد لذا پیشنهاد می گردد درمان اجباری ترک اعتیاد ادامه یابد.

واژه‌های کلیدی: درمان اجباری، اعتیاد، کیفیت زندگی

بررسی شیوع 5 ساله خودکشی در استان خراسان جنوبی

دکتر محمد رضا غفرانی، دکتر کامبیز مهدی زاده، محمد حسین نخعی، بهروز کاظمی

نویسنده مسئول: دندانپزشک و معاون اجرایی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *m.r.ghofrani@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: خودکشی از آسیبهای مهم فردی و اجتماعی است. خودکشی به معنای خاتمه زندگی به دست خود فرد است. اگر کسی دست به خودکشی بزند ولی زنده بماند به این رفتار اقدام به خودکشی گفته می شود. مطالعه حاضر به منظور تعیین شیوع خودکشی در استان خراسان جنوبی از سال 1387 لغایت 1391 انجام شد

روش تحقیق: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی است جامعه مورد مطالعه کلیه بیماران خودکشی منجر به فوت به صورت 5 ساله می باشد آمار با ملاحظات لازم و با استفاده از مصاحبه شفاهی و مشاهده از اورژانس بیمارستانها ،پزشکی قانونی ،و مراکز بهداشتی درمانی بااستفاده از فرم گزارش دهی مصوب جمع آوری شده است داده ها در نرم افزار وارد و با استفاده از آزمون های توصیفیSPSS 18 و Excel تحلیل شد.

یافته‌ها: از سال 1387 تا پایان سال 91 در استان خراسان جنوبی تعداد 3116 مورد اقدام به خودکشی ثبت شده است که از این تعداد 93مورد آن منجر به فوت شده . میانگین و انحراف معیار سنی موارد خودکشی به ترتیب (31/5±16) سال می باشد میزان اقدام به خودکشی در استان 94در100/000 ومیزان خودکشی متجر به فوت2/8 در 100/000 نفر می باشد

نتیجه‌گیری: تعیین شیوع خودکشی در استان خراسان جنوبی و مقایسه با شیوع کشوری نشان می دهد میزان شیوع خودکشی در استان اندکی کمتر از متوسط کشوری است لذا پیشنهاد می شود با تعیین علل خودکشی در استان در برنامه مداخله ای مناسب جهت کاهش موارد خودکشی از طریق جلب مشارکت بین بخشی در سند بهداشت روان تدوین شود .

واژه‌های کلیدی: شیوع،خودکشی ،خراسان جنوبی

رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و سلامت روان در بیماران مبتلا به دیابت شهر بیرجند

عباس جوادی، مریم فرسی، دکتر رضا فاریابی، آمنه محمودزاده

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند و دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد

پست الکترونیک: *javadi56@yahoo.com*

زمینه و هدف: دیابت از جمله بیماریهایی است که تنیدگی در ایجاد، شدت، عود ومزمن شدن آن تأثیر فراوانی دارد. از طرفی عوامل روان شناختی می تواند نقش مهمی در پیروی از برنامه های خودمراقبتی در بیماران مبتلا به دیابت داشته باشد لذا مطالعه حاضر به بررسی رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت و سلامت روان در بیماران مبتلا به دیابت شهر بیرجند می پردازد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تحلیلی 122 بیمار مبتلا به دیابت با روش نمونه گیری در دسترس از کلینیک دیابت شهر بیرجند انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو(NEO-FFI)، و مقیاس سلامت روان گلدبرگ (GHQ)مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS16و بااستفاده از آزمونهای آماری آنالیز واریانس و تحلیل رگرسیون در سطح 0/05 $\geq\alpha$مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین ویژگی روان رنجوری با سلامت روان و مولفه های آن (به جزنارساکنش ورزی اجتماعی) و بین ویژگی انعطاف پذیری با سلامت روان و مولفه های نشانه های بدنی و اضطراب و بی خوابی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد (p<0/05). همچنین بین ویژگی برونگرایی با سلامت روان و مولفه های آن و بین ویژگی وجدان گرایی با سلامت روان و مولفه های آن (به جز اضطراب و بی خوابی) رابطه منفی و معنی داری مشاهده شد (p<0/05).برابر آزمون رگرسیون چند متغیره گام به گام، ویژگی برونگرایی می تواند به تنهایی حدود 23% متغیر سلامت روان را تبیین کند و در قدم بعدی ویژگی انعطاف پذیری، می تواند ضریب تبیین را از 23% به 35% افزایش دهد. نتیجه آنالیز واریانس مربوط به نقش ویژگی های شخصیتیبرسلامت روان در افراد دیابتی مورد مطالعهنشان داد، بینسلامت روان با ویژگی برونگرایی رابطه منفی و معنی دار (p=0/002) و با ویژگی انعطاف پذیری رابطه مثبت و معنی داری (p=0/01) وجود دارد.

نتیجه‌گیری: دیابت از جمله بیماری هایی است که روی شخصیت افراد اثر می گذارد. افراد مبتلا به دیابت ممکن است با اضطراب، بی خوابی و ... روبه رو شوند، انعطاف پذیری لازم را باشرایط به وجود آمده نداشته باشند در نتیجه از نظر روحی در شرایط نامناسب قرار بگیرند لذا اگاهی از نقش عوامل شخصیتی و سلامت روان و تاثیر متقابل آن در بیماران دیابتی برای مراقبین بهداشتی ضروری می باشد.

واژه‌های کلیدی: پنج عامل بزرگ شخصیت، سلامت روان، بیماران دیابتی

رابطه خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی 93 - 92

سیما کاظمی، حسن طحان،محمدرضا رئیسون، یحیی محمدی

نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی، عضو مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران *y_mohammady_29@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: عالی‌ترین هدف آموزش عالی در تمام سطوح تحصیلی، ایجاد توانایی خلاقیت و آفرینندگی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان است.هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود.

روش تحقیق: مطالعه حاضر توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری (2119 نفر) و نمونه 322 نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان انتخاب شد. نمونه گیری به شیوه تصادفی ، طبقه ای انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استاندارد خلاقیت عابدی 60 سئوالی و همچنین از نمره معدل کل دانشجو برای تعیین وضعیت پیشرفت تحصیلی دانشجو استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی(فراوانی، میانگین، انحراف معیار)، و از آزمون های (همبستگی پیرسون) در سطح $p<0/05$ استفاده شد.

یافته‌ها: دانشجویان مورد بررسی در این مطالعه 181 نفر دختر و141 نفر پسر بودند. میانگین معدل تحصیلی دانشجویان دختر 16/21 و میانگین معدل تحصیلی دانشجویان پسر 15/01 بود. نتایج نشان داد که بین میزان خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد یعنی دانشجویانی که دارای خلاقیت بیشتری بودند میزان پیشرفت تحصیلی آنها بالاتر بود ($p>0/05$).

نتیجه‌گیری: پیشرفت در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی،اجتماعی و ... مستلزم داشتن افرادی متفکر، خلاق و منتقد می باشد که بتوانند تصمیمات صحیح اتخاذ نمایند و برنامه ریزی صحیحی داشته باشند و این منوط به وجود نظام های آموزشی فعال و پویاست.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت ،پیشرفت تحصیلی، دانشجو

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

رابطه سبک مدیریت تعارض با رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

یحیی محمدی، دکتر علیرضا صادقی، سیما کاظمی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت دولتی، مدرس دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی، ایران
S68kazemi@yahoo.com

زمینه و هدف: بدون شک امروزه نیروی انسانی والاترین سرمایه‌ای است که سازمانها در اختیار دارند و یکی از راه‌کارهایی که می‌تواند سازمانها را یاری رساند تا موفق باشند این است که مدیران بتوانند از سرمایه انسانی به نحو احسن استفاده کنند. هدف این مطالعه بررسی رابطه سبک مدیریت تعارض با رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است جامعه مورد بررسی تمام کارکنان ستادی دانشگاه بود. نمونه مورد بررسی 96 نفر و به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند، جهت گردآوری اطلاعات از سه پرسشنامه استاندارد مدیریت تعارض، رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری استفاده شد. داده ها بوسیله نرم افزار آماری Spss16 و با استفاده از آزمون های همبستگی پیرسون، تی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه در سطح معنی داری $p<0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: 41 نفر(42/7 درصد)مرد و55 نفر (57/3 درصد) زن بودند. نتایج نشان داد که بین ابعاد مدیریت تعارض(راحلگرایی، کنترل،عدم مقابله) با رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری کارکنان ستادی دانشگاه رابطه معنی داری وجود دارد ($p<0/05$). همچنین بین نمره میانگین رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری در بین کارکنان بر اساس جنس ، سن، سابقه کار تفاوت وجود نداشت ($p>0/05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به این‌که بین مدیریت تعارض و مؤلفه‌های آن با رضایت شغلی کارکنان ارتباط معنی‌داری وجود دارد و رضایت شغلی قادر به پیش‌بینی کیفیت زندگی کاری می‌باشد، بنابراین مدیران دانشگاه باید به مدیریت تعارض که بهبود رضایت شغلی و کیفیت زندگی کاری را در پی دارد، توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت تعارض، رضایت شغلی، کیفیت زندگی کاری

مقایسه خلق وخوی کودک پیش دبستانی در مادران واجد و فاقد سلامت روان شهرقاین

آسیه مودی، راحله یزدان دوست

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مامایی وعضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری و مامایی قاین
moudia@bums.ac.ir

زمینه و هدف: سلامت روان برای هر انسان در طول حیات امری الزامی و قابل تعمق است و برای مادر که اولین شخصیت تأثیرگذار در سلامت روانی کودک است بسیار حائز اهمیت می باشد. از دیرباز رابطه وضعیت روان شناختی مادر و کودک از ابعاد مختلف مورد بررسی قرارگرفته اما تحقیقات گذشته کمتر به نقش سلامت روان بر ابعاد گوناگون خلق و خوی طفل بطور جداگانه پرداخته است. به همین دلیل با توجه به نقش سلامت روان مادر در پرورش کودک و اهمیت خلق و خوی طفل در ایجاد یک رابطه ماندنی بین او و مراقبش، این پژوهش با هدف مقایسه خلق و خوی کودکان پیش دبستانی در مادران واجد و فاقد سلامت روانی شهر قاین طراحی گردید.

روش تحقیق: این مطالعه مقایسه ای –تحلیلی بر روی 269 کودک پیش دبستانی و مادران آنها انجام شد. نمونه گیری به روش چند مرحله ای انجام شد.9 مهد کودک با استفاده از جدول تصادفی اعداد بصورت تصادفی از لیست مراکز پیش دبستانی انتخاب شد.از هر مرکز 30 کودک با نسبت مساوی دختر و پسر، بصورت تصادفی انتخاب و جهت مادران آنها پرسشنامه سلامت عمومی تکمیل گردید. بر اساس نمرات به دست آمده از پرسشنامه سلامت عمومی مادران به 2 گروه دارای سلامت روانی (177نفر) و فاقد سلامت روانی (92 نفر) تقسیم شدند.سپس برای ارزیابی خلق و خوی کودکان پرسشنامه خلق و خو و منش کلونینگر نسخهپیش دبستانی(ps-TCI) در اختیار مادران هر دو گروه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل دادهها با استفاده از نرم افزار آماریSPSS ویرایش14 و آزمونهای توصیفی و استنباطی و آزمون های تی تست و من ویتنیانجام شد.

یافته‌ها: بین ابعاد همکاری و خود نظارتگری و نمره کل خلق و خویکودک در مادران دارای سلامت روان و فاقد سلامت روان تفاوت معنی داری وجود دارد ($P<0.05$). اما بین ابعاد اجتناب ازآسیب، وابستگی به پاداش، پافشاری، خودبرتری و نوجویی خلق و خوی کودک در مادران دارای سلامت روان و فاقد سلامت روان تفاوت معنی داری وجود ندارد ($P>0/05$).

نتیجه‌گیری: سلامت روانی مادر تأثیر قابل توجهی بر خلق و خوی کودک بویژه همکاری و خودنظارتگری وی دارد که می تواند در شکل گیری شخصیت و عملکرد اجتماعی کودک در آینده موثر باشد. لذا توصیه می شود مراقبین بهداشتی جهت شناسایی مادران فاقد سلامت روانی و مشاوره آنان برنامه ریزی نمایند.

واژه‌های کلیدی: سلامت روان، خلق و خو، کودکان پیش دبستانی، پرسشنامه خلق و خو و منش کلونینگر

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

ارتباط آگاهی رفتارهای پرخطر سلامتی و سبک زندگی در دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های قائن در سال1393

نرجس خاتون طاهری، علی دشتگرد، آسیه مودی، فاطمه بذرگر

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشکده پرستاری و مامایی قاین، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.
پست الکترونیک: *taherin@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: حفظ و ارتقاء سلامت جامعه ایجاب می کند که توجه ویژه ای به رفتارهای پرخطر و عوامل مؤثر جهت برنامه‌های پیشگیری صورت گیرد و این امر بویژه در مورد نوجوانان که بخش عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا دارای خصوصیات فیزیولوژیکی و روان شناختی خاصی می باشند که آنها را در برابر رفتارهای پرخطر آسیب پذیر می کنند. از این رو در این پژوهش به بررسی فراوانی رفتارهای پرخطر سلامتی در دانش آموزان پسر دبیرستانهای قائن در سال 1393 پرداخته‌ایم

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - مقطعی 200 دانش‌آموز پسر دبیرستانهای شهر قائن بصورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها طی پرسشنامه رفتارهای پرخطر سلامتی که دارای 2 بخش اطلاعات دموگرافیک و رفتارهای مخاطره‌آمیز (پایبندی به قوانین، تغذیه نامناسب، سوء مصرف مواد، خشونت، رفتارهای جنسی غیر ایمن) و سبک زندگی LSQ جمع‌آوری و سپس داده‌ها از طریق آزمون‌های توصیفی و همبستگی پیرسون در نرم‌افزار SPSS 14 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی از رفتارهای پر خطر 6.53 ± 30.1 و نمره سبک زندگی53.81 ± 310.7 می باشد. آزمون همبستگی پیرسون ارتباط معناداری بین میزان آگاهی از رفتارهای پر خطر و سبک زندگی نشان داد (P=0/000). 80% دانش‌آموزان آگاهی بالا، 18% متوسط و 2% کم داشتند. 84% دانش‌آموزان سبک زندگی مطلوب و 16% نامطلوب داشتند.

نتیجه‌گیری: با وجود اینکه آگاهی به رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان دبیرستانهای قائن زیاد و سبک زندگی آنان مطلوب می باشد، اما با در نظر گرفتن وجود رفتارهای مخاطره‌آمیز بالای حد متوسط و عدم استفاده کافی از روشهای مناسب مشاوره‌ای لازم است برای پیشگیری از ایجاد رفتارهای پرخطر اقدامات لازم مشاوره ای و آموزشی و طراحی و بهبود راهبردها و برنامه های بهداشتی برای کاهش خطرات و عواملی که موجب رفتارهای پرخطر می‌شوند، ضروری است.

واژه‌های کلیدی: آگاهی، رفتارهای پرخطر، سبک زندگی، دانش‌آموز، پسر

تأثیر اجرای برنامه‌ی خود مراقبتی اورم بر عزت نفس سالمندان ساکن خانه های سالمندان مشهد

طیبه خسته ایوری، حسن رمضانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی،دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه ، تربت حیدریه،ایران
hasanramzani71@gmail.com

زمینه و هدف: با توجه به افزایش جمعیت سالمندان بهره گیری از تئوری های پرستاری به ویژه تئوری اورم در ارتقاء عزت نفس این افراد می تواند مؤثر باشد. این مطالعه به منظور تعیین تأثیر اجرای برنامه خود مراقبتی اورم بر عزت نفس سالمندان ساکن در خانه های سالمندان مشهد انجام شد.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مطالعه ای نیمه تجربی می باشد.50 نفر از سالمندان که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به صورت در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی به دو گروه مساوی 25 نفره کنترل و مداخله تقسیم شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه های نیازهای سالمندان بر اساس مدل اورم و عزت نفس بود که در دو مرحله قبل و یک ماه بعد از اجرای برنامه خود مراقبتی سنجیده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارSPSS19 آزمون کای اسکوئر، تی مستقل، ویلیکاکسیون و من ویتنی انجام شد.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد که در گروه کنترل 48 در صد سالمندان نیازهایشان در سطح کم، 44 درصد متوسط و 8 درصد زیاد بود و در گروه مداخله این نیازها به ترتیب 44 درصد، 40 درصد و 4 درصد گزارش شده است.آزمون آماری کای اسکوئر تفاوت معنی داری در دو گروه کنترل و مداخله از نظر سطوح نیاز، نشان نداد($P=0.76$). در گروه مداخله میانگین امتیاز عزت نفس قبل از مداخله 25/80 بود که پس از مداخله به 27/96 افزایش داشت. مقایسه اختلاف میانگین های عزت نفس قبل و بعد از مداخله در گروهی که برنامه خودمراقبتی را دریافت کرده بودند، تفاوت آماری معنی داری نشان داد ($P=0/002$).

نتیجه‌گیری: اجرای برنامه خود مراقبتی اورم تأثیر مثبتی در افزایش عزت نفس سالمندان داشت. بنابراین توصیه می شود ارائه دهندگان مراقبت های بهداشتی و پرستاران با تقویت خود مراقبتی در این افراد بر اساس تئوری های پرستاری و برنامه ریزی مراقبتی باعث بهبود عزت نفس در افراد سالمند ساکن خانه های سالمندان شوند.

واژه‌های کلیدی: خود مراقبتی اورم، عزت نفس، سالمندان

اثربخشی آموزش مهارت های کیفیت زندگی بر شادکامی و سرزندگی مردان سالمند

محسن ندیمی، معصومه پیشگر، جواد جوانمرد

نویسنده مسئول: دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرند، ایمیل: mohsen93nadimi@yahoo.com

زمینه و هدف: امروزه با توجه به افزایش شاخص طول عمر و امید به زندگی، مسئله مهمی تحت عنوان چگونگی گذران عمر و به عبارتی کیفیت زندگی مطرح شده است که پرداختن به این موضوع، ذهن صاحب‌نظران در امور سالمندی را به خود جلب کرده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مبتنی بر کیفیت زندگی بر شادکامی و سرزندگی مردان سالمند انجام شده است.

روش تحقیق: طرح پژوهش حاضر از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه سالمندان مرد ساکن در سرای سالمندان شهر شیراز در سال 1393 بود. با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد 40 نفر به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. فقط گروه آزمایشبه مدت 8 جلسه تحت آموزش مبتنی بر کیفیت زندگی به شیوه گروهی قرار گرفتند. ابزار پژوهش، پرسشنامه شادکامی آکسفورد و مقیاس سرزندگی رایان و فردیک بود که شرکت‌کنندگان در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به آن پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و تحلیل کواریانس در سطح معناداری 0/05 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل نشان داد که میان گروه آزمایش و کنترل از لحاظ متغیر شادکامی و سرزندگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (P<001/0). میزان شادکامی و سرزندگی در گروه آزمایش در پس‌آزمون به طور معناداری بیش از گروه کنترل بود.

نتیجه‌گیری: آموزش مهارت‌های کیفیت زندگی که از ترکیب روانشناسی مثبت‌نگر با رویکرد شناخت – رفتاری شکل گرفته، می‌تواند شادکامی و سرزندگی افراد سالمند را افزایش دهد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، شادکامی، سرزندگی، سالمندان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی تأثیر استفاده از مانیتورینگ شاخص دوطیفی بر ریکاوری و عوارض بعد از عمل دربیماران تحت جراحی سزارین

رجب ارباب پور، دکتر محمود گنجی فرد، شهناز طبیعی، سید علیرضا سعادتجو

نویسنده مسئول: گروه اموزش پرستاری و عضو مرکز تحقیقات پرستاری مامایی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند ایران.

پست الکترونیک: *shahnaztabiee@bums.ac.ir*

زمینه و هدف:بیهوشی دارای عوارض متعددی می باشد که این عوارض بر اساس نوع عمل جراحی ،داروی مصرفی و عمق بیهوشی متفاوت است. هدف این مطالعه تعیین تاثیراستفاده ازمونیتورینگ شاخص دوطیفی بر ریکاوری و عوارض بعد از عمل سزارین می باشد.

روش تحقیق:در این مطالعه کارآزمایی بالینی دوسوکور68بیمارکاندیدعمل جراحی سزارین به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی دردوگروه قرار گرفتند. برای گروه شاهد داروی نگهدارنده بیهوشی بر اساس وزن بدن و وضعیت همودینامیک تجویز شد، در حالیکه گروه مداخله دارو ی نگهدارنده بیهوشی رابه صورت تیتره باحفظ شاخص دوطیفی بین 40 تا 60 دریافت کردند. ابزار جمع آوری داده ها چک لیست پژوهشگر ساخته بود که در آن علاوه بر اطلاعات دموگرافیک ،زمان های خارج کردن لوله تراشه بعد از اتمام عمل ,ترخیص از واحد ریکاوری (بر اساس معیار آلدرت) و بروز عوارض در ریکاوری ثبت گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS16و ازمون های اماریtوFisher Exact Test در سطح معنی داری $p< 0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین زمان خارج کردن لوله تراشه در گروه شاهد 3/12±7/76و در گروه مداخله 1/04±3/59 دقیقه بود($p< 0/001$). میانگین زمان ترخیص از ریکاوری در گروه شاهد 5/92±18/06و در گروه مداخله 4/39±11/55دقیقه بود($p< 0/001$). میزان بروز عوارض ریکاوری پس ازعمل دردوگروه تفاوت آماری معنی داری نداشت ($p>0/05$).

نتیجه گیری :شاخص دوطیفی به عنوان مونیتورینگ عمق بیهوشی در اعمال جراحی سزارین منجر به تسریع در زمان خارج کردن لوله تراشه , زمان ترخیص از ریکاوری و تسریع در هوشیاری مادر جهت مراقبت از نوزاد می شود.

واژه های کلیدی :مونیتورینگ شاخص دوطیفی (BIS) ، سزارین،عوارض بعد از عمل،ریکاوری

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی تاثیر سیاست‌های جمعیتی بر شاخصهای باروری سالم شهرستان بیرجند

زهرا یاری الغار، زهرا امینی نسب ، وحیده حق پناه، علیرضا رضوانی راد

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت وکارشناس ارشد آموزش بهداشت - دانشگاه علوم پزشکی بیرجند- ایران
ایمیل:*Zahra.yari12@yahoo.com*

زمینه و هدف: تغییرات سیاستهای جمعیتی بوجود آمده در طی چندسال اخیر تاثیراتی بر تصمیم ها و کنشهای باروری افراد و خانواده ها بویژه زنان گذاشته است و برنامه ریزی برای باروری و داشتن بارداری هدفمند شاخص مهمی در ارتقای سلامتی مادر و نوزاد می باشد. بررسی ها و مطالعات اخیر دانشمندان نشان می دهد بیشترین آمار مرگ و میر مادران باردار را عواملی چون حاملگی در سنین زیر 18 و بالای 35 سال، چاقی، بیماری های ارثی، حاملگی های پرخطر تشکیل می دهد. مطالعه حاضر به منظور بررسی حاملگیهای پرخطر و شاخصهای باروری سالم شهرستان بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: در یک مطالعه توصیفی-تحلیلی از کلیه مراکز بهداشتی درمانی شهرستان بیرجند ، اعم ازمراکز شهری و روستایی خواسته شد که بارداریهای پرخطر خود که شامل :حاملگی ناخواسته ،حاملگی بالای 35سال ،حاملگی زیر 18سال ، بارداری با فاصله کمتر از 3سال و بارداری پنجم و بیشتر را شناسایی و به مرکز بهداشت اعلام نمایند با توجه به اینکه روند باروری روند زمانبری می باشد ،روند بارداری های پرخطر از سال 88 تا نیمه اول سال 93 بررسی شد.

یافته‌ها: یافته های این مطالعه نشان داد شاخص حاملگی ناخواسته کل شهرستان در سال ۱۰.۲۵،۸۸درصد و در 6ماهه اول سال 93 10.55 درصد بود که تغییر معنی داری مشاهده نشد.اما همین شاخص در مراکز روستایی در سال ۹.۶،۸۸درصد و در 6ماهه اول سال 93، 6.5درصد بود که کاهش معناداری مشاهده گردید .شاخصهای حاملگی بالای 35سال و حاملگی زیر 18سال در سال 88 به ترتیب 9.9و 1.8درصد و در 6ماهه اول سال 93 به ترتیب 10.3و 1.75 بود که تغییر معنی داری مشاهده نشد. در این میان شاخص حاملگی با فاصله کمتر از 3سال در کل شهرستان افزایش معنی داری پیدا کرد و این افزایش در مناطق روستایی بیشتر بوده است و از 11.8 درصد در سال 88 به 16.1درصد در 6ماهه اول سال 93رسیده است .

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته های این مطالعه،سیاستهای جدید جمعیتی با رویکرد افزایش جمعیت تغییر چندانی در شاخصهای حاملگی بالای 35سال و حاملگی زیر18 سال در شهرستان بیرجند ایجاد ننموده است اما شاخص حاملگی با فاصله کمتر از 3سال در کل شهرستان افزایش معنی داری پیدا کرده و شاخص های باروری سالم در مجموع مناطق روستایی کاهش پیداکرده است که زنگ خطری برای سلامت جامعه است و چون بارداری ناخواسته و پرخطر تهدیدی برای سلامت مادر و کودک است آموزش جهت بارداری برنامه ریزی شده و هدفمند در مراکز بهداشتی و بخصوص مراکز روستایی ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: مادران، بارداری پرخطر، سیاست جمعیتی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

حفظ کرامت انسانی: عامل تاثیر گذار بر مراقبت از سالمندان

فاطمه کبری فروتن، طاهره پاکدل، محمد زارعی، ابوالفضل کاظمی تبار، مهری سروری

نویسنده مسئول: کارشناس پرستاری- سرپرستار بخش اورژانس بیمارستان ولیعصر(عج)- دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

زمینه و هدف: افزایش پیشرونده جمعیت سالمندان موجب معطوف شدن توجه به سلامت این گروه سنی شده است؛ زیرا این افراد دارای مشکلات عدیده سلامتی و عمده ترین مصرف کنندگان خدمات سلامتی هستند. بطوریکه براساس نتایج مطالعات انجام شده حدود دو سوم تخت های بیمارستانی توسط افراد بالای 65 سال اشغال می شود. نکته حائز اهمیت این است که بدون توجه به اینکه مداخلاتی که توسط مراقبت کنندگان برای سالمندان انجام می گیرد، جسمی است یا روانی- اجتماعی، یکی از بنیادی ترین اصولی که بایستی در مراقبت از سالمندان رعایت شود، کرامت انسانی آنهاست. وزارت بهداشت انگلستان در چارچوب ارائه خدمات برای افراد سالمند (2001) آورده است که تمام مراقبین سلامت در بیمارستان ها بایستی به کرامت انسانی افراد سالمند احترام بگذارند. کرامت انسانی از چنان ارزشی برخوردار است که بنا به عقیده برخی از اندیشمندان، حقوق بشر از کرامت ذاتیِ مشخص انسان نشات می گیرد و در واقع این کرامت ذاتی انسان است که سبب می شود حوزه اخلاق زیستی را تنها محدود به انسان بدانیم. توجه به شان و منزلت بیمار در رشته های گروه پزشکی سابقه ای دیرینه دارد و شاید بتوان گفت که از نظر تاریخی به توصیه های سقراط و تاکید وی بر احترام و حفظ منزلت بیمار باز می گردد. در پرستاری نیز مفهوم کرامت یک جزء اصلی از مراقبت پرستاری است که اولین بار در منشور اخلاقی پرستاران توسط انجمن پرستاران آمریکا (2001) بدین صورت ارائه شد: پرستاران بایستی در تمام ارتباطات حرفه ای خود با محبت و محترمانه و ضمن در نظر داشتن شان و ارزش افراد عمل کرده و عملکرد آنها تحت تاثیر عوامل اجتماعی- اقتصادی، ویژگی های شخصیتی و یا ماهیت مشکل بهداشتی افراد قرار نگیرد.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه مروری است که از طریق جستجوی پایگاه های اطلاعاتی قابل دسترس شامل Pub Med, CINAHL,, google scholar, Science Direct SID, Magiran, Proquest و با کلید واژه های سالمند، کرامت انسانی، شان و منزلت بیمار و مراقبت پرستاری و معادل انگلیسی آنها در طول سالهای 2014-1999 انجام شد. در نهایت تنها دو مقاله فارسی و 20 مقاله انگلیسی مرتبط با موضوع مطالعه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج مرور انجام شده بیانگر این بود که علیرغم وجود مطالعات مختلفی که جهت تبین مفهوم کرامت در سالمندان انجام شده ولی همچنان تعریف واحدی از آن وجود ندارد و اکثر نویسندگان آن را هم راستا با مفاهیمی چون حریم خصوصی، استقلال، احترام و حمایت می دانستند. براساس مطالعات موجود کرامت یک ارزش ذاتی است و افراد سالمند در زمان بستری شدن در بیمارستان درمعرض خطر از دست دادن آن هستتند. عواملی که می تواند کرامت سالمندان را در طی بستری در بیمارستان تحت تاثیر قرار دهند عبارتند از: طولانی شدن مدت بستری، انجام تکنیک های مراقبتی متعدد و نحوه برخورد پرسنل، نداشتن استقلال و کنترل بر شرایط.

نتیجه‌گیری: در آیین اخلاق پرستاری ایران که در سال 1390 به تصویب رسید حفظ شان و کرامت انسانی بیماران به عنوان اولین مفهوم ارزشی مورد تاکید قرار گرفته است. سالمندان به عنوان یک گروه آسیب پذیر بدلیل شرایط جسمی، روانشناختی، اجتماعی و تغییرات سریع در فناوری اطلاعات و آداب و رسوم در معرض آسیب بیشتری هستند. بنابراین برای ارتقاء مراقبت از سالمندان، مراقبین سلامت بایستی تمرکز خود را روی "آنچه که سالمندان می خواهند" قرار دهند نه آنچه که خودشان فکر می کنند لازم است.

واژه‌های کلیدی: کرامت انسانی، شان و منزلت بیمار، سالمند، مراقبت پرستاری

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

ارتباط چاقی و اضافه وزن با فاکتورهای تغذیه‌ای در دانش آموزان شهر بیرجند

دکتر کوکب نمکین، نوشین ملایی، غلامرضا شریف زاده

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات آترواسکلروزیس، دانشیار گروه کودکان، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند *d_namakin@yahoo.com*

زمینه و هدف: شیوع چاقی و اضافه وزن که به عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های سلامت عمومی جامعه است در حال افزایش می‌باشد مطالعات متعددی ارتباط بین چاقی وبعضی ازفاکتورهای تغذیه ای را نشان داده است اما گزارشات ضد و نقیضی در این مورد وجود دارد این مطالعه به منظور بررسی ارتباط بین و فاکتورهای تغذیه‌ای بین نوجوانان انجام شد.

روش تحقیق: این پژوهش در زمره مطالعات تحلیلی از نوع علی مقایسه‌ای (مورد –شاهدی)می‌باشد که بر روی 204 نفر از دانش آموزان پایه 12-7مدارس متوسطه شهر بیرجند به روش تصادفی چند مرحله‌ای انجام شد ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، و پرسشنامه تغذیه بود داده‌ها پس از جمع‌آوری در نرم افزار SPSS-15وارد و بوسیله آزمون‌های آماری کای اسکوئر–آزمون دقیق فیشر و t-testمستقل آنالیز شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش بین سن،جنس و پایه تحصیلی بین افراد دارای اضافه وزن و چاق با افراد طبیعی تفاوت معناداری وجود نداشت و در مورد ارتباط بین چاقی با میزان دریافت مواد غذایی هر چند کالری دریافتی گروه چاق بیشتر از گروه نرمال بود اما تفاوت معناداری بدست نیامد و تنها مصرف گروه شیر و لبنیات در گروه مورد بطور معناداری بیشتر از گروه شاهد بود. (p=0/04) میانگین تعداد وعده‌های مصرفی در هفته در نوجوانان چاق بطور معناداری بالاتر از نوجوانان طبیعی بود (6/6در مقابل 3/1 یا p<0/001) در حالی‌که تعداد روزهای مصرف صبحانه در هفته در نوجوانان طبیعی بطور معناداری بالاتر از نوجوانان چاق بود (5/79 در مقابل 5/1یا p=0/03) .میانگین تعداد ساعات تماشای تلویزیون و استفاده از رایانه در هفته در نوجوانان چاق و اضافه وزن بطور معناداری بالاتر از نوجوانان با وزن طبیعی بود.

نتیجه‌گیری: بنظر میرسد فاکتورهای متعدد دیگری علاوه بر تغذیه از قبیل کاهش فعالیت بدنی در چاقی نقش دارند

واژه‌های کلیدی: چاقی، اضافه وزن، نمایه توده بدنی ، تغذیه

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و سلامت روان در سالمندان

دکتر محمدرضا میری، حمید صالحی نیا، امیر طیوری، علی اکبر تقی زاده

نویسنده مسئول: دانشیار آموزش بهداشت وارتقاء سلامت ، عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت ،گروه آموزشی بهداشت عمومی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند،ایران , *Email:miri_moh2516@yahoo.com*

زمینه و هدف: با توجه به طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت سالمندان، رسیدگی به سلامت روانی سالمندان و بررسی متغیرهای مرتبط با آن اهمیت خاصی یافته است.مطالعه حاضر باهدف بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و سلامت روان در سالمندان انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی بر روی 400 نفر از سالمندان شهرستان بیرجند در سال 1393 انجام شد. افراد با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای وارد مطالعه شدند و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه سلامت عمومی (GHQ-28) و پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت به همراه سوالات زمینه ای جمع آوری گردید.داده ها پس از ورود به نرم افزار Spss18 با استفاده از آزمون های ناپارامتری من ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح معنی داری α=0/05 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی افراد مورد مطالعه 3/74±63/65 بود و بر اساس نتایج مطالعه، نمره جهت گیری مذهبی در افراد فاقد اختلال روانی بیشتر بود و بین جهت گیری مذهبی و سلامت روانی (r= -0/589) و زیرمقیاس های آن شامل علایم جسمی (r= -0/605) ، اضطراب (r= -0/587) ، کارکرد اجتماعی (r= -0/484) و افسردگی (r= -0/642) ارتباط معنی داری وجود داشت.(p<0/001)

نتیجه‌گیری: نتایج نشاندهنده ارتباط معنی دار بین جهت گیری مذهبی و سلامت روان سالمندان می باشد که با افزایش جهت گیری مذهبی و درونی تر شدن آن سلامت روانی سالمندان بهبود می یابد.باتوجه به روند سالمندی جمعیت در ایران و اهمیت سلامت روانی سالمندان، توجه بیشتر به نقش جهت گیری مذهبی در برنامه ریزی مداخلات برای جمعیت رو به سالمندی ضروری به نظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: جهت گیری مذهبی ، سلامت روان ، سالمندان ، بیرجند

تأثیر مشارکت خانواده بیماران بخش مراقبت ویژه در مراقبت از بیمار بر رضایت ایشان

لیلی فولادی، فرحناز فرنیا

نویسنده مسئول: دکتری پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی یزد، یزد، ایران *far.farnia@yahoo.com*

زمینه و هدف: رضایت خانواده بیمار بستری در بخش مراقبت ویژه، شاخص قابل اندازه گیری مهم کیفیت مراقبت در این بخش بشمار می آید. این در حالی است که آن ها استرس روانی زیادی را به دلیل موقعیت بحرانی بیمار متحمل شده و توجه به نیاز هایشان می تواند در جلب رضایت حائز مؤثر واقع گردد. در این راستا تحقیقات نشان می دهند آن ها نیازهایی از قبیل حضور در بالین بیمار و اجازه ملاقات وی، آگاهی از وضعیت بیمار و آموختن مراقبت های اولیه و کسب آمادگی مراقبت پس از ترخیص دارند. لذا با در نظر گرفتن اهمیت حمایت و مشارکت فعال خانواده بیمار در مراقبت از بیمار ، مطالعه ای تجربی با هدف "تعیین تأثیر مشارکت خانواده بیماران بخش مراقبت ویژه بزرگسال در مراقبت از بیمار بر رضایت ایشان " انجام گرفت.

روش تحقیق: مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی تصادفی شده مورد شاهدی در دو بخش مراقبت ویژه اعصاب و عمومی یزد در پاییز سال 1392 انجام شد. نمونه های واجد شرایط با تخصیص تصادفی در هر یک از گروه های تجربه و کنترل(74 عضو خانواده بیمار) قرار گرفتند. داده ها با پرسشنامه روا و پایای رضایت خانواده از مراقبت در روز سوم و هفتم مطالعه گردآوری شد. در طی این فاصله زمانی، بیماران گروه تجربه تحت مراقبت مشارکتی(همکاری یکی از اعضاء ثابت درجه اول خانواده بیمار با پرستاران بخش در انجام مراقبت های اولیه از بیمار) و گروه کنترل تحت مراقبت روتین بخش قرار گرفتند. داده ها تحت نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: طبق نتایج بدست آمده میانگین نمره رضایت خانواده در بدو مطالعه در گروه کنترل56/86 و در گروه تجربه 54/8 بود. این تفاوت بین نمره رضایت دو گروه از نظر آماری معنادار نبود($P<0/480$). حال آن که بعد از اجرای مداخله، نمره رضایت گروه تجربه نسبت به کنترل افزایش بیشتری نشان داد ($P<0/0001$).

نتیجه‌گیری: افته های این پژوهش حاکی از اهمیت اجرای مراقبت مشارکتی خانواده در تأمین رضایت خانواده بیماران بستری در بخش مراقبت ویژه است. لذا با توجه به نقش کلیدی پرستاران در ارتقاء کیفیت مراقبت و در نتیجه رضایت ارباب رجوع، پیشنهاد می شود مدیران و سیاست گزاران حرفه پرستاری برنامه ریزی جهت رفع موانع اجرایی این رویکرد مراقبتی را در اولویت قرار دهند. بعلاوه نیاز به تحقیقات گسترده تر در زمینه چگونگی عملیاتی نمودن این مدل مراقبت در بخش های مراقبت ویژه، شناخت مؤثرترین روش ارائه مراقبت مشارکتی خانواده، چالش ها و نیازهای بستگان بیمار برای ارتقاء سطح مراقبت می باشد.

واژه‌های کلیدی: مراقبت، مراقبت مشارکتی، بخش مراقبت ویژه، رضایت، خانواده

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

مقایسه پروپوفول با تیوپنتال سدیم بر آپگار در عمل جراحی سزارین

دکتر ملیحه زنگویی، مریم تولیت، دکتر محبوبه زنگویی

نویسنده مسئول: مربی، گروه اتاق عمل، هیات علمی دانشکده پیراپزشکی بیرجند. بیرجند، ایران tolyatm@yahoo.com

زمینه و هدف: آپگار نوزادان در بدو تولد یکی از عوامل تعیین کننده در مرگ و میر بعد از تولد است، از عوامل موثر در آپگار نوزادان سزارینی نوع داروی مورد استفاده در بیهوشی مادر می باشد. هدف از ان مطالعه بررسی اثرات مقایسه پروپوفول با تیوپنتال سدیم بر آپکارنوزاد در عمل جراحی سزارین است.

روش تحقیق: مطالعه حاضر به صورت کارآزمایی بالینی دو سو کور بر روی 56 نفر از زنان کاندید سزارین انتخابی که به صورت تصادفی به دو گروه 28 نفری تقسیم شدند انجام شد. در گروه اول تیوپنتال سدیم به مقدار4میلی گرم به ازای هر کیلو گرم و در گروه دوم پروپوفول به مقدار 2میلی گرم به ازای هر کیلو گرم به صورت وریدی تزریق شد و پس از تجویز mg0/5 آتراکوریوم، لوله گذاری تراشه انجام شد. بعد از القا، برای نگهداری بیهوشی ترکیب ایزوفلوران 0/5% و اکسیژن و نیتروس اکساید 50 به 50 استفاده گردید. سپس عمل جراحی انجام شد و آپگار نوزادان متولد شده بر اساس معاینه بالینی و تعریف آپکار به طور دقیق طی دقایق یک و5 ارزیابی و ثبت شد. اطلاعات به کمک آزمون تی مستقل و کای دو در نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد

یافته‌ها: میانگین سن شرکت کنندگان در مطالعه 6/5± 30 بود. میانگین نمره آپگار در دقیقه اول در گروه تیوپنتال 0/6±8/4 و در گروه پروپوفول 0/4±9/1 بود(p=0/000) میانگین نمره آپگار در دقیقه پنجم در در گروه تیوپنتال 0/5±9/1 و در گروه پروپوفول 0/4±9/7 بود(p=0/034). اختلاف آماری معنی داری بین دو گروه وجود داشت.

نتیجه‌گیری: نتیجه مطالعه نشان داد که پروپوفول در القای بیهوشی در مقایسه با تیوپنتال در کاهش نمره آپگار نوزاد موثرتر است و جهت القای بیهوشی در بیماران سزارینی بهتر است از پروپوفول استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: آپگار نوزاد، پروپوفول، تیوپنتال، سزارین

ارزیابی عملکرد اورژانس های پیش بیمارستانی شهر بیرجند، سال 1393

مریم نادری، اسماعیل صبوری، یحیی محمدی، امید صبوری

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت حرفه ای ، مسئول امور پژوهشی دانشکده پیراپزشکی و بهداشت شهرستان فردوس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

پست الکترونیک: *naderilale@yahoo.com*

زمینه و هدف: امروزه مراقبت های پیش بیمارستانی یک جزء اساسی در درمان بیماران اورژانسی است. درستی عملکرد قسمت های مختلف این سیستم منجر به پیشگیری از فوت و همچنین عدم ایجاد معلولیت می گردد پژوهش حاضر با هدف ارزیابی عملکرد اورژانس های پیش بیمارستانی شهر بیرجند صورت گرفت.

روش تحقیق: این مطالعه ی توصیفی- تحلیلی به روش مقطعی در سال 1393 در تمامی پایگاه های اورژانس سطح شهر بیرجند انجام شد. در این پژوهش، داده های مربوط به کارکنان و تجهیزات موجود در پایگاه های اورژانس با استفاده از چک لیست استخراج وگزارش ماموریت ها از طریق اطلاعات ثبت شده در پایگاه مرکزی مورد بررسی قرارگرفت. وضعیت نیروی انسانی و زمان پاسخ با استاندارد وزارت بهداشت و وضعیت تجهیزات با استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مقایسه گردید.

یافته‌ها: براساس یافته های پژوهش، هیچ یک از از پایگاه ها دارای نیروی انسانی کافی و همچنینهیچکدام از آمبولانس های پایگاه های اورژانس، دارای تمامی تجهیزات مورد نیاز نبوده اند. بیشترین کمبود، مربوط به تجهیزات حفاظت شخصی(17/94%) و بهترین وضعیت مربوط به تجهیزات تشخیصی (96/63%) بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به آنچه گفته شد امروزه مراقبت های پیش بیمارستانی یک جزء اساسی وسرنوشت ساز در درمان بیماران اورژانسی است. لذا، رفع کمبودهای نیروی انسانی و تجهیزات ضروری به نظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: اورژانس های پیش بیمارستانی، ارزیابی عملکرد، تجهیزات اورژانس

بررسی عوامل قادرسازی موثر بر رفتارهای ایمنی دانش آموزان پسر مدارس ابتدایی شهر اهواز در برابر وقوع زلزله بر اساس الگوی پرسید

مریم ساکی، ندا ساکی، ایمان خودکار

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد
email:saki.maryam@yahoo.com

زمینه و هدف: بر اساس گزارش های سازمان ملل متحد ،سازمان جهانی بلایا،کشور ایران نه تنها در زمره کشورهای بلاخیز جهان رتبه بندی شده است، بلکه رتبه نخست را از نظر بیشترین تعداد موارد مرگ متعاقب بروز زلزله داشته است .این مطالعه با هدف تعیین عوامل قادرسازی موثر بر رفتارهای ایمنی دانش آموزانپسرمدارسابتداییشهراهوازدربرابروقوعزلزلهبراساسالگوییپرسید طراحی شده است.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه مورد شاهدی است که جهت بررسی عوامل قادرسازی موثر بر رفتارهایایمنیدانشآموزان در سال 1390 انجام شد. 400 نفر از دانش آموزان به روش نمونه گیری خوشه ای و تصادفی ساده از بین دو دبستان شهر اهواز انتخاب شدند.اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و چک لیست جمع آوری شد.برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار spss ،آزمون t مستقل و زوج و آزمون کای دو استفاده شد.

یافته‌ها: پس از مداخله آموزشی در گروه مورد نسبت به گروه شاهد میانگین نمره عوامل قادرکننده استفاده از منابع آموزشی ،تشکیل کلاس آموزشی و شرکت در کلاس آموزشی ($p<0/001$) و رفتارهای ایمنی هنگام وقوع زلزله افزایش معنی داری یافته اند($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: نتایج فوق نشان دهنده تاثیر مثبت برنامه مداخله آموزشی بر اساس الگوی پرسید و عوامل قادرکننده در افزایش رفتارهای ایمنی در هنگام وقوع زلزله در جامعه مورد مطالعه می باشد.

واژه‌های کلیدی: عوامل قادرساز،بهداشت مدارس،الگوی پرسید ،رفتارهای ایمنی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در بلایا و فوریت‌ها

رابطه شاخص ESI با EWS درفوریت‌های پیش بیمارستانی

منصور سلطانی، طاهره خزاعی، اکرم خزاعی، محمودرضا بهروان

نویسنده مسئول: مربی، عضو مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
mscn63@yahoo.com

زمینه و هدف: معیار هشدار زودهنگام(EWS) برای تسهیل تشخیص به موقع وخامت بیمار توسط میشل و همکاران(هلند2010) گسترش یافت. درجه‌بندی شدت بیماری مددجو بر اساس گویه‌های علائم حیاتی ،یادافزای سطح هوشیاریAVPU و درصد اشباع خون شریانی(SPO2) در موقعیت‌های حساس پیش‌بیمارستانی اهمیت زیادی دارد. از طرفی تاکید وزارت بهداشت بر اجرای دقیق و درست پرتوکل تریاژ بیمارستانی بر اساس نمایه شدت اورژانس(ESI_{V4}) لزوم ارزیابی اجرای آن را با اهمیت نموده‌است. بنابر نتایج پژوهش‌های انجام‌گرفته بیشترین صدمات و خطاهای درمانزاد در زمان تحویل بیماران بین کارکنان بخش‌های متعدد درمانی – مراقبتی ناشی از ارزیابی نادرست یا درک متفاوت از مفهوم فوریت بوده‌است.لذا پژوهشگران تصمیم گرفتند رابطه دو شاخص استاندارد جهانی که سنجه‌های آن توسط کارکنان اورژانس 115 و اورژانس بیمارستانی تکمیل می‌شود، را با هدف فوق بررسی‌نمایند.

روش تحقیق: پژوهش پیش‌رو یک مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی است که به روش میدانی و با مراجعه به دو مرکز آموزشی درمانی امام رضا(ع) و ولی‌عصر شهرستان بیرجند انجام پذیرفت. اطلاعات مکتوب علائم حیاتی و بررسی بالینی بیمار (انجام شده توسط کارکنان فوریت تحویل‌دهنده بیمار) بازخوانی و در کادرهای توصیفگر سنجه EWS وارد گردید.همچنین نمره اختصاص‌یافته توسط کارشناس تریاژ بخش اورژانس بر اساس معیار ESI(V4) نیز در برگه پرسشنامه ثبت گردید.داده‌ها پس از ورود به نرم‌افزارSPSS 11.5 و با استفاده از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: 65 بیمار با دامنه سنی 87-2 سال دریافت‌کننده خدمات اورژانس 115 و مرجوعی به یکی از دومرکز فوق بودند.. علت مراجعه 36 نفر (55/6%) به علت صدمات متعدد ناشی از تصادف و حوادث، 9 نفر (13/8%) مشکلات قلبی، 9 نفر (13/8%) مشکلات گوارشی یا شکم حاد،3 نفر (4/6%)سکته مغزی ، 1 نفر (1/5%) با مشکل ریوی و 7 نفر (10/8%) با مشکلات متفرقه مانند کمردرد، مسمومیت دارویی یا فوریت سایکولوژی بود.

در برآورد شرایط بالینی بیمار با معیار ESI ، 2 نفر (3/1%) دارای وضعیت فوریت ، 16 نفر (24/6%) وضعیت پرخطر ، 42 نفر ((46/6%) وضعیت اورژانسی و 5 نفر (7/7%) بودند. همچنین برآورد هشدار زودهنگام (EWS) نشان داد 15 نفر (23/1%) دارای شرایط بالینی در محدوده نرمال، 21 نفر (32/3%) در محدوده غیرنرمال خفیف، 7 نفر (10/8%) غیرنرمال متوسط و 7 نفر (10/8%) غیرنرمال شدید بودند.
ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره EWS با نمره ESI رابطه همبستگی معکوسی دارد.($P< 0.001$)

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی بیمار توسط تکنیسین‌های فوریت و کارشناسان تریاژ بیمارستانی نشان از فهم و درک صحیح و یکسان آنان از مفهوم فوریت با توجه به سنجه‌های معیارهای دوگانه فوق دارد .

واژه‌های کلیدی: معیار هشدار زودهنگام، نمایه شدت اورژانس، فوریت، پیش بیمارستانی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در سلامت دهان و دندان

اهمیت نقش سلامت دهان و دندان در پیشگیری از پنومونی‌های بیمارستانی

دکتر محسن ناصری، دکتر فریبا عمادیان رضوی

نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز تحقیقات ژنومیک، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: Naseri_m2003@yahoo.com

زمینه و هدف: با توجه به استفاده روزافزون از تجهیزات جدید مانند ونتیلاتورها (دستگاه تهویه مکانیکی) در بیمارستان‌ها، عوارض ناشی از آن‌ها از جمله پنومونی‌های بیمارستانی مرتبط با ونتیلاتور بطرز چشمگیری شایع شده است. بهداشت ضعیف دهان و دندان در بیماران مراجعه کننده به بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان، تشکیل پلاک‌های دندانی در طول درمان و رشد میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا در این قسمت، از دلایل بروز پنومونی بیمارستانی می‌باشد. از عواقب بروز این عفونت در بیمار، افزایش طول مدت بستری، هزینه‌های درمان و گاهی مرگ فرد است. بنابراین مراقبت‌های صورت گرفته در زمینه پیشگیری از بروز این عفونت مانند حساسیت در رعایت دقیق بهداشت دهان و دندان بیمار، می تواند بعنوان راهکاری برای کاهش ابتلا به پنومونی بیمارستانی باشد. تلاش برای ارتقاء آموزش پرستاران بخش ICU بمنظور ترویج اهمیت نقش پیشگیری، در بروز پنومونی‌های بیمارستانی با مراقبت‌های بهداشتی دهان و دندان یک امر ضروری می-باشد.

روش تحقیق: جمع‌آوری اطلاعات با جستجوی الکترونیکی در Google Scholar، PubMed و Sciencedirect صورت گرفت. مقالات با محدود شدن از سال 2000 تا 2015 و زبان انگلیسی انتخاب شدند.

یافته‌ها: تحقیقات گوناگون در زمینه ارتباط بهداشت دهان و دندان با پنومونی‌های بیمارستانی مبین تاثیرگذاری مراقبت‌های بهداشتی دهان بر کاهش پنومونی مرتبط با ونتیلاتور است. نتایج نشان داده بیماران بستری در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان که با ریسک بالای ابتلا به پنومونی روبرو هستند با انجام مراقبت‌های بهداشتی دهان و دندان از جمله مسواک زدن مرتب، استفاده از سواب ید و دهان-شویه‌هایی مانند کلروهگزیدین این خطر را بطور قابل توجهی در خود کاهش داده‌اند. تاثیر کلروهگزیدین بعنوان یک ضدعفونی کننده دهان بسیار محسوس‌تر بوده و سایر اقدامات بهداشتی مانند مسواک زدن، نقش کمکی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: بهبود و پیشرفت در کیفیت بهداشت دهان و دندان با کاهش پیشرفت بیماری‌های عفونی مانند پنومونی در بخش مراقبت-های ویژه بیمارستان ارتباط دارد. کلروهگزیدین به عنوان یک ضدعفونی کننده ناحیه دهان از میکروارگانیسم‌های عفونت‌زا، در کاهش بروز پنومونی ناشی از ونتیلاتور، مدت درمان و هزینه‌های درمان موثر شناخته شده است.

واژه‌های کلیدی: سلامت، دهان، پنومونی، پیشگیری، ونتیلاتور

تشخیص و درمان سندرم سوزش دهان

دکتر نرجس اکبری، دکتر وجیه الله رییسی، دکتر صدیقه ابراهیمی پور، مرضیه امتحانی

نویسنده مسئول: متخصص بیماریهای دهان، استادیار مرکز تحقیقات دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
narges_akbare4021@yahoo.com

زمینه و هدف: احساس سوزش دهان به همراه بسیاری از بیماری ها ی التهابی یا زخمی مخاط دهان وجود دارد ولی سندرم سوزش دهان Burning mouth syndrome (BMS) جهت توصیف سوزش دهانی استفاده می شود که علت مشخصی ندارند .علایم سوزشی در بیماران مبتلا از مسیر های آ ناتومیک پیروی نمی کند ودر واقع یک بیماری مزمن ایدیوپاتیک است که موجب درد در دهان بدون وجود ضایعه خاص دهانی ، بیماری سیستمیک یا نرولوژیک شناخته شده می شود وهیچ ناهنجاری لابراتواری نیز دیده نمی شود .

روش تحقیق: در این گزارش بیمار خانم 54 ساله و سالم بود که از 6 ماه قبل و پس از مونوپوز دچار علایم BMS شده بود. بیمار احساس سوزش در زبان وکام داشت که این سوزش با خوردن وآشامیدن تسکین پیدا می کرد علاوه براین بیمار از کاهش اشتها وبی خوابی نیزشکایت داشت در معاینات وتاریخچه پزشکی بیمارودر آزمایشات شواهدی از وجود بیماری سیستمیک ، مصرف داروهایی که موجب سوزش در دهان می شوند (مثل مهار کننده های آنزیم تبدیل کننده آنژیو تانسینACEI)ویا علایمی به نفع آلرژِ ی یا آنمی(کمبود اهن ،B12، فولات) پیدا نشد . برای رد منشا سوماتیک درد معاینه بالینی دقیق جهت رد ضایعات دهانی (کاندیدا ، لیکن پلان و...)توسط متخصص بیماری های دهان انجام شد . هیچ علامت بالینی به نفع ضایعه خاص ،کاهش ترشح بزاق واختلال عملکرد غدد بزاقی دیده نشد . متأسفانه به بیمار توصیه شده بود که همه دندانهای خود را جهت بهبود شرایط آزاردهنده سوزش دهان خارج نماید. ودر واقع بیمار جهت خارج کردن دندانها به دندانپزشکی مراجعه نموده بود .

بعد از این که تشخیص BMS قطعی شد پس از مشاوره و اطمینان خاطر به بیمار مبنی بر بی خطر بودن و قابل درمان بودن علائم مربوط به BMS درمان نامبرده با استفاده از 10 mgl آمی تریپتیلین (ضد افسردگی سه حلقه ای) هر شب یک ساعت قبل از خواب آغاز شد.با توجه به این که داروهای ضدافسردگی سه حلقه ای میتواند باعث کاهش ترشح بزاق شده وخشکی دهان می تواند موجب تشدید علایم سوزش دهان شود برای پیشگیری از عوارض دارو به به بیمار توصیه شد که حداقل 8 لیوان مایعات را در طول روز استفاده نماید.

یافته‌ها: بعد از دو هفته علائم بیمار رو به بهبودی نهاد و پس از شش هفته کلیه علائم بیمار برطرف شده بود.بیمار سپس به مدت چهار هفته تحت درمان با دوز پایین تری از دارو5mg در روز قرار گرفت و پس از قطع مصرف در فالوآپ 6ماهه عوارضی از بیماری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: پاتوژنز BMS ناشناخته است. پیشنهاد شده است که مکانیزم های نوروپاتیک و دیسفانکشن در مسیر های نوسی سیتو عصب تری ژمینال در سطح پریفرال و سنترال می تواند باعث ایجاد علائم مربوط به BMS شود. با توجه به اینکه آمی تریپتلین با مهار نمودن پمپ های غشایی سبب طولانی شدن بازجذب نوراپی نفرین و سروتونین و افزایش اثر آنها می شود می توانند اثرات ضدافسردگی داشته باشد اما تأثیر آن در چگونگی بهبودی علائم مربوط به BMS همچنان ناشناخته باقی مانده است.

واژه‌های کلیدی: سندرم سوزش دهان ، آمی ترپتیلین ، ضدافسردگی ، مونوپوز

.

نقش دندانپزشکان در کاهش mortality و morbidity بیماری‌های دهان

دکتر سید مصطفی محمودی

نویسنده مسئول: استادیار آسیب شناسی دهان – دانشکده دندانپزشکی – دانشگاه علوم پزشکی بیرجند *mahmoudi_m16@yahoo.com*

سرطان دهان، دوازدهمین سرطان شایع می باشد. کارسینوم سلول سنگفرشی، شایعترین سرطان حفره دهان می باشد که میزان بقاء پنج ساله آن در 50 سال گذشته هیچ تغییری نکرده است که میتواند به این دلیل باشد که سرطان دهان ، دیر تشخیص داده می شود . یکی از دلایل تاخیر در تشخیص سرطان دهان، تشابه علائم بالینی این سرطان با یکسری از زخمها و ضایعات متداول در حفره دهان است . دندانپزشکان، با توجه به شناختی که از علائم سرطان دهان دارند میتواند در تشخیص زود هنگام این بیماری و در نهایت در کاهش مرگ و میر ناشی از این بیماری، نقش مهمی داشته باشند.

سیستها و تومورهای ادنتوژنیک از ضایعات شایع در استخوانهای فک می باشد. آملوبلاستوما شایعترین تومور ادنتوژنیک است که اگرچه، تومور بدخیمی نمی باشد ولی رفتار تهاجمی وسیعی دارد و معمولا طی درمان جراحی، بخش عظیمی از استخوان فک و حتی نیم یا تمام فک را خارج می کنند که باعث نقص عملکرد می شود. این ضایعات معمولا در مراحل اولیه علائمی ندارند ولی خیلی از این ضایعات، همراه با دندان نهفته هستند . دندانپزشکان میتوانند ضمن معاینه بیمار، وضعیت رویش یافتن یا نیافتن دندانها را بررسی نموده و در ضورت عدم رویش دندان،نسبت به خارج کردن آن اقدام نموده و از نقص عضو بیمار جلوگیری کنند.

واژه‌های کلیدی: بیماریهای دهان، دندانپزشکان، مرگ و میر

ارزیابی آزمایشگاهی لیکیج میکروبی کرونال در دندانهای آماده شده جهت فضای پست

اسحق علی صابری،دکتر نرجس اکبری،دکتر صدیقه ابراهیمی پور، هیبت الله جلیل پور

نویسنده مسئول: استادیار، گروه اندودنتیک، دانشکده دندانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

ایمیل: sdent22@gmail.com

زمینه و هدف: هدف از انجام این مطالعه بررسی ازمایشگاهی زمان وقوع ریزنشت کرونالی میکروبی در دندانهای درمان ریشه شده ای است که برای فضای پست آماده سازی شده اند، تا حداقل و حد اکثر زمان لازم برای انجام ترمیم دایمی دندان پس از تهیه فضای پست تعیین گردد.

روش تحقیق: این تحقیق از نوع تجربی بوده و با روش نمونه گیری تصادفی ساده، انجام گردید. 50 دندان تک ریشه کشیده شده برای این مطالعه انتخاب شدند . جهت یکسان سازی طول نمونه ها تاج کلیه دندانها عمود بر محور طولی دندان قطع گردید. کانال 40 دندان با کن های گوتاپرکا و سیلر پر شد و در انها فضای پست تعبیه گردید. سپس دندانها بصورت تصادفی به دو گروه مساوی 20 تایی تقسیم شدند. در یک گروه پانسمان موقت(کویزول) استفاده شد و در گروه دیگر هیچ پوششی استفاده نشد.5 دندان به عنوان گروه کنترل مثبت و 5 دندان هم بعنوان گروه کنترل منفی در نظر گرفته شد. برای ارزیابی لیکیج میکروبی از روش دو محفظه ای استفاده شد .
محلول پروتئوس میرابیلیس به همراه محیط کشت تازه در محفظه فوقانی تزریق و انکوبه شد. در صورت عبور سوش باکتری از خلال پانسمان و پر کردگی کانال، محیط TSB کدر می شد.محیط TSB در محفظه تحتانی (آپکس) از لحاظ وقوع کدورت هر روزه بررسی و زمان وقوع لیکیج کرونالی ثبت گردید. در پایان داده ها با استفاده ازآزمون t-test مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند .

یافته‌ها: متوسط زمان وقوع لیکیج در گروه بدون پانسمان 14 روز و در گروه با پانسمان حدود 38 روز بود که اختلاف بین دو گروه از لحاظ آماری معنی دار بود.$p=0.0001$

نتیجه‌گیری: حداقل زمان برای ورود میکروارگانیسم ها به کانال ریشه در در حالت دارای پانسمان 30 روز می باشد پیشنهاد می گردد این دندانها در حداقل زمان ممکن پس از درمان ریشه ترمیم گردند تا از الودگی کانال جلوگیری شده و نیاز به درمان مجدد کاهش یابد.

واژه‌های کلیدی: لیکیج میکروبی ، ترمیم موقتی، فضای پست، نشت کرونالی، درمان ریشه

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در طب مکمل و سنّتی

تاثیر آینه درمانی بر عملکرد حرکتی و بازیابی حرکتی بیماران پس از سکته مغزی

سید رضا مظلوم، مهناز بهرامی، فرزانه حسن زاده، دکتر کاویان قندهاری

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پرستاری، عضو هیات علمی دانشکده پرستاری و مامایی تربت حیدریه، دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران *E-mail: bahramim901@gmail.com*

زمینه و هدف: سکته مغزی یکی از علل عمده از کارافتادگی و اختلالات حرکتی است. بنابراین معرفی و توسعه روشهای درمانی جدید به منظور ارتقاء و تسریع مرحله بهبودی بعد از حادثه مغزی، از لحاظ درمانی، اجتماعی و اقتصادی اهمیت زیادی دارد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر آینه درمانی بر عملکرد حرکتی و بازیابی حرکتی بیماران پس از سکته مغزی انجام شد.

روش تحقیق: در این کارآزمایی بالینی تصادفی تعداد 50 نفر بیمار مبتلا به سکته مغزی بستری در بیمارستانهای قائم (عج) و امام رضا (ع) در مدت 8 ماه به صورت تخصیص تصادفی در دو گروه کنترل (25 نفر) و آینه‌درمانی (25 نفر) قرار گرفتند. در گروه مداخله، آینه-درمانی به مدت 30 دقیقه و در 20 جلسه به صورت روزانه یا روز در میان انجام شد؛ به این صورت که فرد حرکات دامنه حرکتی اندام فوقانی و تحتانی را توسط سمت سالم در مقابل آینه انجام داده و تنها تصویر آینه‌ای آن را مشاهده می‌نمود. در گروه کنترل آینه‌درمانی انجام نشد اما برنامه‌ی معمول شامل تحریک عصبی-عضلانی و حرکت‌درمانی در این گروه و نیز گروه مداخله اجرا شد. عملکرد حرکتی و بازیابی حرکتی اندام فوقانی و تحتانی قبل، حین و پس از درمان با استفاده از موارد حرکتی ابزار FIM و ابزار برونستروم مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: دو گروه قبل از مداخله از نظر شاخص‌های عملکرد حرکتی، بازیابی حرکتی و متغیرهای مداخله‌گر تفاوت آماری معنی‌داری نداشتند ($p>0/05$). اما پس از مداخله بیماران در گروه آینه درمانی از نظر شاخص‌های عملکرد حرکتی و بازیابی حرکتی نسبت به گروه کنترل بصورت معنی داری افزایش داشتند ($p<0/05$).

نتیجه‌گیری: آینه‌درمانی به عنوان یک درمان ساده، ارزان و مهمتر از همه مددجو- محور می‌تواند توانایی حرکتی اندام ها را در بیماران سکته مغزی بهبود بخشد.

واژه‌های کلیدی: آینه‌درمانی، انتهای فوقانی/تحتانی، بازیابی حرکتی، سکته مغزی، توانبخشی.

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در طب مکمل و سنّتی

تأثیر تجسم هدایت شده بر میزان اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی ترمیم هرنی

محبوبه محبی، فاطمه برزوئی، موسی الرضا تدین‌فر

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری (داخلی- جراحی) ، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی، سبزوار، ایران. *mohebbi_mhb@yahoo.com*

زمینه و هدف: جابه‌جایی و بیرون زدگی احشاء از یک دیواره باز ضعیف شده را هرنی که نیازمند جراحی می باشد. بسیاری از بیمارانی که تحت بیهوشی و جراحی هستند اضطراب و استرس درمان نشده‌ای را در روز جراحی تجربه می‌کنند. اضطراب قبل از عمل با موارد نامساعدی همچون درد، خستگی، تهوع، استفراغ، احتباس ادراری، بی‌قراری، بی‌خوابی، افزایش درخواست ضد دردها و افزایش طول مدت بستری بعد از عمل همراه است. مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر تجسم هدایت شده بر اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی ترمیم هرنی انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه به صورت کارآزمایی بالینی دو گروهه موازی و قبل و بعد بر روی 56 بیمار قبل از عمل جراحی ترمیم هرنی، بستری در بیمارستان شهید بهشتی سبزوار در سال 1392 انجام گرفت. نمونه گیری با تخصیص تصادفی به روش تصادفی سازی بلوکی به دو گروه مداخله و کنترل انجام شد. گروه مداخله یک ساعت قبل از عمل جراحی، 18 دقیقه سی‌دی صوتی تجسم هدایت شده را گوش دادند. پرسشنامه اضطراب اشپیل‌برگر قبل و بعد از مطالعه تکمیل گردید. داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS نسخه 20 ، تجزیه و تحلیل و از آزمون‌های مجذور کای، من ویتنی، تی مستقل، تی‌زوجی و تحلیل کواریانس استفاده گردید. سطح اطمینان 95% و سطح معنی داری 0/05در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین اضطراب بعد از مداخله در دو گروه کنترل و مداخله (تجسم هدایت شده) به ترتیب 6/44 ± 44/60 و 4/31 ± 33/07 بود که آزمون آماری تی مستقل تفاوت معنی داری را نشان داد(p=0/000). میانگین میزان اضطراب قبل از مداخله، در گروه تجسم هدایت شده 6/75 ± 41/42 بود که بعد از مداخله به 4/31 ± 33/07 کاهش یافت. میانگین میزان اضطراب قبل از مطالعه در گروه کنترل 4/58 ± 37/71 بود که در پایان مطالعه به 6/44 ± 44/60 افزایش یافت. آزمون آماری تی‌زوجی تفاوت آماری معنی‌داری را بین میزان اضطراب قبل و بعد از مطالعه در هر گروه نشان داد(p<0/001).

نتیجه‌گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که برنامه تجسم هدایت شده توانسته بر کاهش اضطراب قبل از عمل مؤثر باشد. نگاهی به نتایج این مطالعه می تواند موجب افزایش سطح آگاهی اعضاء تیم درمانی و مراقبتی در زمینه استفاده از تجسم هدایت شده به عنوان یک روش طب مکمل و جایگزین جهت کاهش اضطراب گردد. کمک به بیمار در جهت تطابق با شرایط و اضطراب ناشی از آن از مسئولیتهای مهم پرستاران می‌باشد. پرستاران نقش مهمی را در آمادگی عاطفی و روانی بیمار در دوره قبل از عمل جراحی دارند. بنابراین باید همواره در جستجوی راه هایی به منظور ارتقای کیفیت خدمات پرستاری باشند.

واژه‌های کلیدی: تجسم هدایت شده، اضطراب، جراحی، هرنی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت مراقبت‌های نوین در طب مکمل و سنّتی

بررسی ترکیب اسیدهای چرب روغن کره محلی جنوب خراسان و مقایسه آن با روغن های عشایری شیراز و چهارمحال و بختیاری

مهران حسینی ، دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری، مهسا حسن زاده طاهری، فرناز جهانی

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت عمومی، مرکز تحقیقات طب تجربی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند . پست الکترونیک: *Mehranhosseiny@yahoo.co.in*

زمینه و هدف: تمایل به استفاده از روغن های طبیعی نظیر روغن تولید شده از کره سنتی دربین مردم جنوب خراسان همانند سایر مناطق کشور دیده می شود. نتایج تحقیقات اخیر پزشکی نشان می دهد که بر خلاف توصیه های تغذیه ای 40 سال گذشته عملا ارتباط معنی داری بین مصرف روغن های اشباع و بیماری های قلب و عروق وجود ندارد. از طرفی برخی از مطالعات نشان داده اند که روغن های کره که به روش سنتی تهیه می شوند پروفایل اسیدهای چرب متفاوتی نسبت به کره های صنعتی دارا می باشند. در حالیکه نتایج تعدادی از مطالعات و همچنین اعتقاد عامه مردم به سلامت و مفید بودن این روغن ها وجود دارد اما بررسی منابع نشان می دهد که تا کنون اسیدهای چرب روغن کره محلی جنوب خراسان (روغن زرد) مورد سنجش قرار نگرفته است. از اینرو برآن شدیم تا در این تحقیق با استفاده از روشهای استاندارد ترکیب اسید های چرب روغن جنوب خراسان را تعیین کنیم.

روش تحقیق: در این تحقیق آزمایشگاهی روغن زرد گوسفندی از شیر تازه محلی و به روش سنتی رایج در منطقه جنوب خراسان تهیه گردید. سه نمونه از روغن بدست آمده پس از کد بندی جهت کور سازی به آزمایشگاه رفراتس استاندارد مواد غذایی ایران ارسال گردید. جهت تعیین پروفایل چربی از روش کروماتوگرافی گازی طبق استاندارد روغن ها [(ISIRI 4091) ISO 5509] با سه بار تکرار برای هر یک از نمونه ها استفاده شد. داده های تعیین پروفایل اسیدهای چرب روغن های زرد کرمانشاهی و عشایر شیراز نیز با جستجوی علمی در منابع با معیار مطالعاتی که از روش کار یکسان استفاده نموده بودند جمع آوری گردید و مقایسه بین آنها توسط نرم افزار آماری SPSS با آزمون آماری ANOVA و تست تعقیبی Tukey در سطح معنی داری 95 درصد انجام پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج تعین اسید های چرب نشان داد که روغن زرد جنوب خراسان در مقایسه با روغن های شیرازی و چهار محال و بختیاری بطور معنی داری($p<0/05$) از اسید های چرب ترانس کمتری تشکیل شده است. اگرچه درصد اسید های چرب اشباع روغن جنوب خراسان بیشتر از دو روغن دیگر بود اما این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبود. اسید های چرب پالمتیک و اولئیک در هر سه نمونه روغن از بیشترین فراوانی بین اسید های چرب برخوردار بودند.

نتیجه‌گیری: یافته های این مطالعه نشان می دهد که روش سنتی تولید کره و به تبع آن روغن، سبب تغییر پروفایل اسید های چرب بخصوص اسید های چرب ترانس در آن می شود. فاکتور های دیگر از جمله نوع تغذیه دام ، نژاد و فلور گیاهی مختلف مناطق می تواند از جمله دلایل تاثیر گذار در پروفایل اسید های چرب در روغن های پایه شیر باشد.

واژه‌های کلیدی: روغن زرد، روغن کره سنتی، جنوب خراسان، شیراز، چهارمحال بختیاری، اسید های چرب، اسید چرب ترانس

مقایسه اثربخشی عسل و روغن حیوانی در تسریع ترمیم زخم پوست موش به عنوان یک رویکرد مراقبت نوین

دکتر رضا قادری، دکتر محمد افشار

نویسنده مسئول: استاد و متخصص پوست - دانشکده پزشکی ، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند rezaghaderi@yahoo.com

داروها و روش های متعددی وجود دارد که می تواند برای سرعت بخشیدن به بهبود زخم پوست مورد استفاده قرار گیرد. برخی مطالعات بهبود زخم ناشی از سوختگی را با عسل نشان داده اند. از سوی دیگر، در طب سنتی بهبود زخم بوسیله روغن حیوانی ذکر شده است. مطالعه حاضر به منظور مقایسه اثر بخشی روغن حیوانی و عسل در تسریع بهبود زخم تمام ضخامت پوست در موش انجام گرفت.

در این مطالعه 36 سر موش نژاد NMRI به زخم های پوستی عمیق تحت بیهوشی عمومی قرار گرفتند. حیوانات به طور تصادفی به سه گروه دارونما، روغن حیوانی و عسل (n=12) بود .در روزهای 4، 7 و 10 ، چهار موش از هر گروه با دوز بالای بیهوشی کشته شدند. مشخصات ماکروسکوپی و میکروسکوپی زخمها مورد مطالعه بافت شناسی و پاتولوژی قرار گرفتند.

یافته ها نشان داد که تشکیل بافت گرانوله، تراکم و فعال شدن سلولهای فیبروبلاست، کراتینیزه شدن سطح زخم و ضخامت غشای پایه و اپیدرم در گروه درمان با عسل بیشتر از گروه روغن حیوانی بود. عسل بیشتر از روغن حیوانی موجب کاهش التهاب، ادم و باز شدن زخم گردید. میزان بهبودی زخم در گروه عسل بیشتر از گروه روغن حیوان ($p<0.05$) بود.

این مطالعه نشان داد که عسل بیشتر از روغن حیوانی ع بهبود زخم تمام ضخامت پوست در موش را تسریع می بخشد.

واژه‌های کلیدی: عسل- روغن حیوانی- بهبود زخم- پوست

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

بررسی اثرات مصرف بلند مدت چربی های اشباع (روغن دنبه) بر پارامترهای مورفومتریک بافت بیضه در موش های صحرایی: ضرورت تغییر نگرش در مصرف روغن ها

سمیرا ایزی، دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری،مهران حسینی، دکتر محمود زردست

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشدعلوم تشریحی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایمیل: *Samiraezi66@gmail.com*

زمینه و هدف: امروزه شاهد افزایش ناباروری در جوامع بشری هستیم که این الگو با عوامل متعددی از قبیل تغییر رژیم غذایی ، عادات و سبک زندگی و ... مرتبط می باشد. در حال حاضر دارو ها و ترکیبات متعددی جهت افزایش قدرت باروری معرفی و در بین مردم بصورت گسترده مورد مصرف قرار می گیرند. همزمان به تمایل افراد به استفاده از این ترکیبات، توصیه های تغذیه ای بر پایه استفاده و یا منع مصرف برخی مواد غذایی نیز مطرح می باشند. از جمله مواد غذایی اثر گذار بر باروری مردان، روغن های خوراکی هستند که در این خصوص بین توصیه های ارائه شده از سوی طب سنتی (باور عامه مردم) و مدرن اختلاف نظر وجود دارد . با این حال، متاسفانه تا کنون مطالعات اندکی تاثیر مصرف روغن های اشباع را بر باروری مورد سنجش قرار داده اند. از اینرو مطالعه حاضر بمنظور بررسی اثرات احتمالی مصرف بلند مدت روغن اشباع دنبه بر پارامتر های مورفو متریک بیضه در موشهای صحرایی در یک محیط آزمایشگاهی طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: در این پژوهش تجربی از 24 سر رت نر نژاد ویستار با وزن تقریبی 20±200 گرم که بطور تصادفی ومساوی به 2گروه آزمایشی 1و2 ویک گروه کنترل تقسیم شدند، استفاده گردید.گروهای تجربی بترتیب روزانه باغذای معمولی حاوی 10و20 درصد روغن دنبه به مدت 20هفته تغذیه شدند و گروه کنترل در این مدت فقط با غذای معمولی تیمار گردید. درپایان طرح پس از ایجاد برش جراحی، بیضه هر یک از حیوانات خارج و پس از جداسازی اپیدیدیم و چربی اطراف آن مورد بررسی قرار گرفت. شاخص های طول ، عرض بوسیله کولیس دیجیتال مدل (TCM Germany) ساخت کشور آلمان و شاخص وزن توسط ترازوی (A&D Co., EK600i Japan)ساخت کشور ژاپن سنجیده شد. حجم بیضه با کمک پارامترهای طول و عرض مورد محاسبه قرار گرفت. مقایسه میانگین پارامتر های یاد شده در بین گروه ها به کمک نرم افزار آماری SPSS (ویرایش 16) و استفاده از آزمون های آماری ANOVA و تست تعقیبی Touky در سطح معنی داری $P<0.05$ انجام گردید.

یافته‌ها: میانگین حجم بیضه ها در گروه های آزمایشی1و2 بترتیب 12/8 ± 165/25و 10/ 47 ±106/57 و در گروه کنترل 9/71 ±167/62 میلی متر مکعب مشخص گردید. روغن دنبه در غلظت 20% بطور معنی داری($p \leq 0/01$) در مقایسه با گروه کنترل سبب کاهش پارامترهای ،طول، عرض ، وزن و حجم بیضه گردید. مقایسه پارامتر های یاد شده در گروه دریافت کننده 10% روغن دنبه با گروه کنترل اختلاف معنی داری را نشان نداد.

نتیجه‌گیری: یافته های این پژوهش نشان داد که مصرف بلند مدت روغن دنبه در غلظت 20% سبب ایجاد هیپوگنادیسم در موش صحرایی گردید. این نتایج بر خلاف تصور عموم و توصیه های طب سنتی در این زمینه می باشد. با توجه به اینکه روغن دنبه حاوی مقادیر بالای اسیدهای چرب اشباع و کلسترول می باشد، هیپوگنادیسم ایجاد شده می تواند به دلایل احتمالی؛ 1)کاهش جریان خون در بیضه و 2) کاهش سیالیت غشاء سلول های این بافت باشد.

واژه‌های کلیدی: تغییرات مورفومتریک، بیضه، هیپوگنادیسم، دنبه، روغن، اسید چرب اشباع

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

تأثیر مد تهویه با رهاسازی فشار راه‌هوایی (APRV) بر فشارخون و ضربان قلب بیماران بعد از جراحی بای‌پس عروق کرونر (CABG)

سمانه ذاکری، شهرام امینی، جواد ملک‌زاده، حمیدرضا بهنام وشانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت ویژه. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران zakeris2@mums.ac.ir

زمینه و هدف: بیماری‌های قلبی از علل اصلی مرگ‌ومیر می‌باشد. شیوع بیماری‌های عروق کرونر در ایران رو به افزایش است. CABG روش جراحی استاندارد در درمان بیماری‌های ایسکمیک عروق کرونر است. بیماران پس از CABG از یکسو در معرض ناپایداری همودینامیک هستند و از سوی‌دیگر به‌صورت تهاجمی تحت حمایت تنفسی با ونتیلاتور قرار می‌گیرند و پرستاران نقش انکارناپذیری در بهبود این بیماران دارند. تأثیر تهویه با فشار مثبت بر پارامترهای همودینامیک پیچیده‌است و میزان فشار مثبت در مدهای مختلف تهویه مکانیکی متفاوت است و این فشار مثبت، آثار متفاوتی بر عملکرد قلب و عروق دارد. APRV یک مد تهویه‌ای است که از فشار مثبت مداوم راه‌هوایی[1] برای مدت طولانی استفاده می‌کند و در لحظاتی جهت خارج کردن دی‌اکسیدکربن از ریه‌ها، این فشار آزاد می‌شود. با توجه به تأثیر فشار مثبت بر ساختمانهای داخل قفسه‌سینه، به نظر می‌رسد احتمال اختلال همودینامیک در این مد بیشتر است.

روش تحقیق: در این مطالعه که یک کارآزمایی بالینی از نوع قبل و بعدی است، 20 بیمار پس از CABG که در ICU بستری بودند پس از پایداری همودینامیک، تصادفی انتخاب شده و در این بیماران مد APRV با مد رایج بخش که مد تهویه متناوب اجباری هماهنگ‌شده[2] (SIMV) بود، مقایسه شد به این ترتیب که ابتدا بیمار بر روی مد SIMV قرار داشت بعد از نیم ساعت مد به APRV تغییر کرده و بعد از نیم ساعت مجددا مد به SIMV تغییر می‌کرد و متغیرهای موردنظر در سه زمان اندازه‌گیری می‌شد. ابزار مورد استفاده جهت پارامترهای همودینامیک موردنظر، مانیتور بدساید بیمار بود و جهت تفسیر نتایج از آزمون‌های آماری با نرم افزار spss ویرایش 16 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین فشارخون سیستولیک در مرحله APRV (5/11 ± 4/111) نسبت به مراحل SIMV قبل و بعد از مداخله (3/13 ± 8/118، 3/12 ± 8/120) به طور معنی‌داری کاهش یافت (P<0.01 , P<0.004). میانگین فشارخون دیاستولیک در مرحله APRV، 8/8 ± 5/65 و مراحل SIMV ، 4/11 ± 7/67 و 8/8 ± 8/68 بود که فقط بین مرحله APRV و مرحله SIMV بعد از مداخله تفاوت آماری معنی‌دار وجود داشت (P=0.24 , P<0.02) و میانگین ضربان قلب در مرحله APRV (4/16 ± 4/91) نسبت به مراحل SIMV قبل و بعد از مداخله (3/16 ± 5/88 ، 9/13 ± 0/90) تفاوت آماری معنی‌داری نداشت (P=0.17 , P=0.42)

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، فشارخون سیستولیک در هنگام تهویه با APRV کاهش یافته اما فشار خون دیاستولیک و ضربان قلب کاهش معنی‌دار نداشته‌است. از آنجایی که بزرگترین چالش در به‌کارگیری مد تهویه با رهاسازی فشار راه‌هوایی اختلال همودینامیک بوده‌است، می‌توان نتیجه گرفت که این مد باعث اختلال همودینامیک و کاهش پرفیوژن بافتی نخواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود با توجه به این که این مد اثرات مثبتی بر روی اکسیژناسیون بافتی دارد و باعث اختلال همودینامیک نمی‌شود، بیشتر مورد توجه قرارگرفته و به‌کارگیری شود.

واژه‌های کلیدی: تهویه با رهاسازی فشار راه‌هوایی، همودینامیک، جراحی بای‌پس عروق کرونر

[1] . Continues Positive Airway Pressure
[2]. Synchronized intermittent Mandatory Ventilation

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

بررسی و مقایسه اثرات مصرف بلند مدت روغن های سنتی پایه شیر با روغن خوراکی پنبه دانه بر پروفایل چربی‌های خون در موش صحرایی

مهسا حسن زاده طاهری، دکتر محمدمهدی حسن زاده طاهری، مهران حسینی ، فرناز جهانی

نویسنده مسئول: دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند،ایمیل:*Mah_hassanzadeh@yahoo.com*

زمینه و هدف: روغن های خوراکی از عمده منابع تامین کننده چربی های بدن به شمار می روند. از جمله عوامل اثرگذار در انتخاب و میزان مصرف آنها می توان به ماهیت (گیاهی یا حیوانی)، مقبولیت طعم و مزه ، دسترسی، قیمت و مهمتر از همه اثرات آن بر سلامت اشاره نمود. اخیرا روغن های خوراکی تهیه شده از منابع حیوانی ، نظیر روغن کره سنتی که در جنوب خراسان به "روغن زرد" مشهور می باشد به عنوان روغن های سودمند برای سلامت معرفی شده و می شوند. با عنایت به وجود پیشینه ذهنی مثبت از مصرف این روغن ها در بین مردم ، علی رغم تبلیغات نچندان وسیع این ترکیبات غذایی گرایش عموم به مصرف این روغن ها روز بروز در حال افزایش است. مطالعات نشان داده اند که میزان و نوع روغن خوراکی مصرف شده قویا پروفایل چربی های خون را تحت تاثیر قرار می دهند. بررسی متون در این حوزه با فقدان مطالعه ای جامع و طولانی مدت در خصوص اثرات روغن های سنتی فرآوری شده از شیر بر پارامتر های چربی های خون در مدل های حیوانی و یا انسانی را نشان میدهد. مطالعه حاضر با هدف بررسی تغییرات چربی های خون بدنبال مصرف بلند مدت روغن های کره سنتی پایه شیر (گاو یا گوسفند) و مقایسه آن با روغن خوراکی پر مصرف پنبه دانه (مارک تجاری) در موش های صحرایی طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: در این پژوهش تجربی 56 سر رت نر بالغ نژآد ویستار بطور تصادفی به 7 گروه مساوی شامل 6 گروه تجربی دریافت کننده غذای حاوی 10 یا 20 درصد روغن (گروه های I و II با روغن زرد گوسفندی، گروه های III و IV با روغن زرد گاوی و همچنین گروه های V و VI با روغن پنبه دانه) و یک گروه کنترل دریافت کننده غذای معمولی تقسیم و بمدت 150 روز مورد تیمار قرار گرفتند. مقادیر چربی های خون شامل؛ کلسترول تام (TC)، لیپوپروتئین با دانسیته پائین(LDL)، لیپوپروتئین با دانسیته بالا(HDL) و تری گلیسیرید(TG) قبل و بعد از مداخله مورد سنجش و مقایسه بین گروهی توسط آزمون آماری ANOVA و تست تعقیبی توکی بوسیله نرم افزار آماری SPSS قرار گرفت.

یافته‌ها: پس از 5 ماه تیمار، در گروه دریافت کننده دوز 20 درصد روغن پنبه دانه، مقادیر TC (14/08± 92/50) و LDL (11/84±56/25) درقیاس با گروه کنترل (به ترتیب 11/08±62/75 و 6/52±24/00) بطور معنی داری ($p\leq0/0001$) افزایش یافت. در عوض روغن زرد گوسفندی در غلظت پائین توانست مقادیر TG را (6/43±30/00) در قیاس با گروه کنترل (11/10±54/87) بطور قابل ملاحظه ای ($p\leq0/0001$) کاهش دهد. روغن های زرد گاوی و گوسفندی در هر دو غلظت تاثیر معنی داری بر TC و LDL در قیاس با گروه کنترل سالم نشان ندادند.

نتیجه‌گیری: یافته های این مطالعه نشان می دهند که روغن های پایه شیر بخصوص روغن زرد گوسفندی در غلظت های بالا و مصرف بلند مدت، در قیاس با روغن پنبه دانه اثرات نامطلوب کمتری بر پروفایل چربی موش های صحرایی می گذارند. انجام مطالعات بیشتر وبخصوص پژوهش های انسانی بلند مدت توصیه می شوند.

واژه‌های کلیدی: روغن کره، روغن زرد، روغن پنبه دانه، چربی های خون، کلسترول، TG،LDL

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

اثرات بتا هیدروکسی بتا متیل بوتیرات بر آریتمی‌های قلبی ناشی از ایسکمی در رت

نعیم روانبخش، دکتر محسن فوادالدینی، نیهاد ترابی

نویسنده مسئول: استادیار مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *foadoddini@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: انسداد عروق کرونر و ایسکمی قلبی ناشی از آن جزو مهمترین علل مرگ و میر در جهان میباشد. شروع و تداوم آریتمی های کشنده طی ایسکمی از مهمترین علل ایست ناگهانی قلبی بوده و همچنان مورد توجه میباشد. تاکنون مشخص شده که بتا هیدروکسی بتا متیل بوتیرات HMB به مکمل باعث تقویت و پرولیفراسیون عضلات اسکلتی میشود. با توجه به استفاده گسترده از این ترکیب بر آن شدیم تا آثار حفاظتی آنرا طی بروز آریتمی های قلبی ناشی از ایسکمی در مدل رت مطالعه نماییم.

روش تحقیق: در این مطالعه تعداد 30 سر رت نر از نژاد ویستار با وزنی در محدو ه 200 الی 250 گرم و با شرایط سنی مشابه مورد استفاده قرار گرفت. گروه بندی رتها به صورت تصادفی در قالب 3 گروه (هر گروه 10 سر) بود. گروه کنترل داروی مربوطه را دریافت نکرد و گروه های G320 , G700 رتهایی بودند که دوز 320 یا 700 mg/kg از HMB پیش از ایجاد عارضه بمدت 2 هفته دریافت کردند. پس از این مدت موشها با کتامین زایلازین بیهوش و از طریق مسدود شدن کرونر نزولی چپ LAD دچار 30 دقیقه ایسکمی قلبی شدند. در طی آزمایش فشار خون شریانی از طریق کانوله کردن شریان کاروتید و نیز نوار قلب از طریق لید 2 ثبت شد و جهت محاسبه و تفسیر آریتمی بطنی شامل: تعداد بروز انقباضات زودرس بطنی PVC و مدت زمان تاکیکاردی بطنیVT و فیبریلاسیون بطنیVF مورد استفاده قرار گرفتند. اطلاعات بدست آمده بصورت میانگین± انحراف معیار گزارش و جهت تجزیه و تحلیل آماری از نرم افزار SPSS(16) استفاده گردید.

یافته‌ها: آنالیز آماری یافته ها نشان داد که تعداد PVC ، بین گروههای G320 و G700 با گروه کنترل (P=0.001) و بین دو گروه دریافت کننده دارو (P=0.008) اختلاف معنی داری وجود داشت. همچنین میانگین مدت زمان بروز VT بین گروههای G320 و G700 با گروه کنترل (P=0.001) تفاوت معناداری مشاهده شد.از سوی دیگر میانگین مدت زمان بروز VF بین گروههای G320 و G700 با گروه کنترل (P=0.003) تفاوت معناداری وجود داشت. مقایسه میانگین درصد تغییرات فشار خون شریانی کاروتید در پایان فاز ایسکمی نسبت به شرایط پایه به ترتیب ، تنها بین گروه G700 و گروه کنترل اختلاف معنادار بود (P=0.001). بروز مرگ و میر در طی فاز ایسکمی در بین گروهها تفاوتی نداشت.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که مصرف پیشگیرانه این ترکیب میتواند احتمالا تاثیر قابل توجهی در کاهش عوارض حاد ناشی ایسکمی عضله بطنی در طی فرآیند حاد ایسکمی عضلات بطنی داشته باشد. فلذا پیشنهاد میگردد پژوهش های تکمیلی در این خصوص انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: بتا هیدروکسی بتا متیل بوتیرات ، ایسکمی قلبی، آریتمی قلبی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

تغییرات کمی سلول های گانگلیون اسپیرال گوش بدنبال تزریق آمیکاسین

دکتر بهزاد مصباح زاده، دکتر غلامرضا کاکا

نویسنده مسئول: استادیارگروه فیزیولوژی، عضو مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران ،
Email:*mesbahmoeen@yahoo.com*

زمینه و هدف: بررسی کمی اثرات آمیکاسین بر تعداد سلول های کانگلیون اسپیرال در رت های نژاد Sprague dawley
روش تحقیق: 40 سر رت از نوع Sprague dawley (سن 12 هفته) به صورت تصادفی پنج گروه هشت تایی تقسیم شد . به جز گروه شاهد چهار گروه دیگر به ترتیب 0/75 ، 1 ، 1/25 ، 1/5 میلی گرم بر گرم آمیکاسین به طریق زیز جلدی دریافت کردند.سه روز پس از دریافت آمیکاسین سر حیوان جدا شده و استخوان Tympani bulla حیوان به منظور دکلسیفیه شدن و تهیه بافت جدا شد.مراحل آبگیری با الکل وقالب گیری با پارافین روی نمونه ها انجام وسپس برشهای پنج میکرونی تهیه شده با هماتوکسیلین رنگ امیزی شد.شمرش سلولی با نرم افزار Motic انجام گرفت. داده ها بااستفاده ازنرم افزارSPSS(ویرایش17) و آزمون آماری ANOVAو تی زوج شده در سطح معنی داری($p\leq 0.05$) تجزیه تحلیل شد
یافته‌ها: تعداد سلول های عقده اسپیرال رت های دریافت کننده آمیکاسین کاهش پیدا کرد($p\leq 0.05$). بیشترین تغییرات سلولی در رت های دریافت کننده 1و 1/5 میلی گرم بر گرم آمیکاسین و کمترین تغییرات در دوز 0/75 میلی گرم بر گرم مشاهده شد. در بالاترین دوز مرگ ومیر حیوانات نیز افزایش پیدا کرد.
نتیجه‌گیری: سلول های کانگلیون اسپیرال بصورت وابسته به دوز تحت تاثیر آمیکاسین کاهش پیدا می کنند ویکی از دلایل ناشنوایی از بین رفتن سلول های این عقده می باشد
واژه‌های کلیدی: گانگلیون اسپیرال، آمیکاسین ، رت

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

چربی برای درمان چاقی: بررسی مصرف بلند مدت روغن های سنتی پایه شیر و روغن خوراکی پنبه دانه بر تغییرات وزن و مصرف غذا در موش‌های صحرایی

فرناز جهانی، دکتر محمد مهدی حسن زاده طاهری ، مهران حسینی ، مهسا حسن زاده طاهری

نویسنده مسئول: دانشجوی پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ایمیل: *Jahani.f73@gmail.com*

زمینه و هدف: عوامل متعددی زمینه ساز بروز چاقی می باشند. از جمله عوامل تغذیه ای مرتبط با چاقی مصرف چربی های خوراکی عنوان گردیده است. علاوه بر مقدار مصرف چربی ها ، نوع آنها نیز نقش مهمی را در ایجاد چاقی و سایر عوارض مرتبط ایفا می کنند. یافته های اخیر نشان می دهند روغن های استخراج شده از کره های سنتی بر خلاف انتظار ی که از روغن های با منشاء حیوانی میرفت اثرات سودمندی را نشان می دهند. روغن کره سنتی در جنوب خراسان به "روغن زرد" مشهور می باشد و نزد عامه مردم به عنوان روغن سالم قلمداد می شود. با توجه به فقدان مطالعات صورت گرفته بر روی روغن های محلی جنوب خراسان این پژوهش با هدف تعیین اثرات مصرف بلند مدت روغن زرد (پایه شیر گاو و یا گوسفند) و همچنین روغن خوراکی پر مصرف پنبه دانه بر روی وزن و الگوی مصرف غذا در موش های صحرایی طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: در این پژوهش تجربی 56 سر رت نر بالغ نژآد ویستار بطور تصادفی به 7 گروه مساوی شامل 6 گروه تجربی دریافت کننده غذای حاوی 10 یا 20 درصد روغن (به ترتیب گروه های I و II با روغن زرد گوسفندی، گروه های III و IV با روغن زرد گاوی و همچنین گروه های V و VI با روغن پنبه دانه) و یک گروه کنترل دریافت کننده غذای معمولی تقسیم و بمدت 150 روز مورد تیمار قرار گرفتند. در طول پژوهش دسترسی آزادانه به غذا برای حیوانات فراهم بود. تغییرات وزن و مصرف روزانه غذای موشها در طول مطالعه مورد سنجش قرار گرفتند. در پایان مقایسه میانگین یافته ها بین گروه ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و آزمون های ANOVA و تست تعقیبی توکی در سطح معنی داری 95 درصد صورت پذیرفت.

یافته‌ها: گروه های دریافت کننده روغن های زرد گاوی (هر دو نسبت) و روغن پنبه دانه (10 %) بطور معنی داری افزایش وزن بیشتری در قیاس با گروه کنترل سالم نشان دادند($p\leq 0/05$). با افزایش غلظت تمایل به مصرف غذا در گروه ها بطور معنی داری کاهش پیدا می کرد اما با گذشت زمان و بالا رفتن پذیرش حیوانات اختلاف معنی داری در مصرف غذای روزانه گروه ها بجز گروه VI مشاهده نشد، بطوریکه در طول 5 ماه این گروه با یک شیب کاهشی و معنی دار($p\leq 0/05$) مصرف خوراک بسیار کمتری نسبت به گروه کنترل نشان داد. میانگین کل غذای مصرف شده در پایان مطالعه نشان داد که به ترتیب گروه های VI، II و سپس گروه V بطور معنی داری مصرف خوراک کمتری نسبت به گروه کنترل داشتند.

نتیجه‌گیری: بنظر می رسد دلایل افزایش وزن در گروه های دریافت کننده روغن زرد گاوی بدلیل خوردن غذای بیشتر و افزایش کالری دریافتی است، درحالیکه افزایش وزن توسط روغن پنبه دانه با افزایش انرژی بیشتر ناشی از مصرف بیشتر غذا مرتبط نبود و این افزایش احتمالا بدلیل متابولیسم این روغن در بدن حیوانات می باشد. روغن زرد گوسفندی در قیاس با دیگر روغن ها اثرات چاق کنندگی را نشان نداد.

واژه‌های کلیدی: چاقی، مصرف غذا، روغن خوراکی، پنبه دانه، روغن کره، روغن زرد

بررسی تغییرات کراتومتری و عیوب انکساری در بیماران مبتلا به ناخنک قبل و بعد از تزریق آمپول میتومایسینC

دکتر محمد حسین داوری

نویسنده مسئول: استادیار مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *mhd_1337@yahoo.com*

زمینه و هدف: ناخنک پیشروی پینگولا است که به شکل توده برجسته و بیضوی در کنار لیمبوس قرنیه ای – صلبیه ای مشاهده می شود و درمان قطعی آن جراحی است ولی بر مبنای عوارض و عود بالا آن پس از جراحی، تزریق آمپول میتومایسین C زیر ملتحمه ای به عنوان یک درمان مؤثر و بی خطر در بسیاری از پژوهش ها مورد تأیید قرار گرفته است. در این راستا این بررسی با این اهداف با توجه به شیوع آن در بیرجند نیز انجام گردید.

روش تحقیق: در 30 چشم بیمار با ناخنک مراجعه به درمانگاه چشم بیمارستان ولی عصر (عج) شهرستان بیرجند، 0/1 ml از 0/2 mg/ml از آمپول میتومایسین C به (body) پایه ناخنک تزریق شد و بعد از تزریق بیماران در یک هفته بعد و 3 ,6 ماه بعد پیگیری شدند. بیماران در هر ویزیت از نظر سایز مردمک، اریتم و defect های اپیتلیال بررسی شدند و اطلاعات آنان در سه پرسشنامه جمع آوری گردید و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و آزمون T-test زوج در سطح 0/05 =α استفاده گردید.

یافته‌ها: عوارض بعد از تزریق میتومایسین C زیرملتحمه ای شامل ناراحتی و تحریک چشمی و قرمزی در سمت تزریق بود که تا 4 روز بعد در 6 چشم دیده شد. (20%) توکسیسیته از آمپول میتومایسین C دیده نشد. اندازه ناخنک در 83% به طور متوسط 0/41 mm موارد کاهش پیدا کرد و هیچ موردی پیشرفت نداشت و اندازه آستیگماتیسم در 70% موارد کاهش پیدا کرد (متوسط 0/46 دیومتر).

نتیجه‌گیری: چنان که نتایج این تحقیق نشان دادتزریق میتومایسین C زیر ملتحمه روش Safe در کوچک کردن سایز ناخنک و در نتیجه کاهش مشکلات انکساری چون آستیگماتیسم بهتر شدن دید بیمار می باشد.

واژه‌های کلیدی: کراتومتری، عیوب انکساری، ناخنک، میتومایسینC

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

برنامه در هم تنیده آموزش بیمار و مدل مراقبت از خود اورم Orem: یک مطالعه کیفی

دکتر عصمت نوحی

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی کرمان *smnouhi@yahoo.com*

زمینه و هدف: یادگیری رشته محور و یادگیری در هم تنیده یا ادغام شده استراتژیهای آموزشی مختلفی هستند که در آموزش و یادگیری دانشجویان پرستاری معرفی شده است .یادگیری در هم تنیده بر پایه مدلها و تئوریهای پرستاری ،استراتژی نوین وکاربردی در آموزش پرستاری است .از جمله آموزش بیمار که در مدل مراقبت از خود اورم Orem مطرح شده است.

روش تحقیق: این مطالعه به روش کیفی و از رویکرد مطالعه موردی استفاده شده و دو مرحله داشته است. مرحله اول تبیین درک دانشجویان و مدرسین و مربیان پرستاری بحث(in depth interview) در خصوص فرایند آموزش بیماران و مرحله دوم مدلسازی مفهومی بوده است. داده های جمع آوری شده از طریق مصاحبه عمیق، هم زمان به روش(Text Analysis) تجزیه و تحلیل محتوا، متن مصاحبه های استخراج شده (FGD) گروهی متمرکز مورد تحلیل قرار گرفتند .کدهای مفهومی از آن استخراج و به شش مفهوم اصلی و زیر مفهومهای مربوطه دسته بندی شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد در قسمت ضرورت شامل مضمون های ضرورت ارائه کار آموزی آموزش بیمار ، آشنا شدن عملی و کاربردی با فرایند آموزش بیمار، همزمانی آموزش مراقبت از خوددر طی مراقبت بیماران، تمرین فنون آموزش بیمار در طول دوره بالینی، کسب تجربه آموزش بیماران درکلیه مراحل پیشگیریو در قسمت چالشها ، مشکلات اجرایی برنامه، مشکلات سیستم آموزشی تاثیر خلاء فرهنگی ، کمبود اساتید مجرب و کارآمد . در قسمت امکان پذیری، امکان یکپارچگی الگوی پرستاری اورم و سیستم حمایتی آموزشی پرستاری ، آموزش اساتید جهت آشنایی با فنون موثر آموزش مددجویان ، برنامه ریزی و تهیه محتوای آموزشی کیس محور متناسب با فرهنگ، باورها طب سنتی مددجویان و استفاده کاربردی از نظریه های پرستاری می باشد.

نتیجه‌گیری: در سیستم آموزش پرستاری مطالعات زیادی بر یادگیری مساله محور و درهم تنیده، انجام شده است ولی کمتر به باز نگری برنامه درسی بر اساس این استراتژی ها و بررسی میزان موثر بودن آنها در یادگیری بهتر پرداخته اند.

مطالعه حاضر مدیریت و سازماندهی برنامه درسی آموزش بیمار بر مبنای مساله محوری تئوریک و کیس محوری بالینی با استراتژی در هم تنیده مد ل پرستاری Orem پیشنهاد نموده است که میتواند به عنوان راهنمایی کاربردی در برنامه های درسی پرستاری منظور شود.

واژه‌های کلیدی: مد ل پرستاری ،اورم ،درهم تنیدگی،مراقبت نوین ، آموزش بیمار

پوستر الکترونیک

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

مراقبت روانشناختی در نوجوانان مبتلا به دیابت نوع یک: مرور نظام مند

امیر رضا صالح مقدم، سولماز هلاکو، الهه غایبی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی مشهد
پست الکترونیک: *Holakous921@mums.ac.ir-*

زمینه و هدف: نوجوانی یکی از بحرانی دوره های فرد به شمار می رود و دیابت نوع یک با ایجاد تغییرات دائمی در زندگی تأثیر منفی زندگی نوجوان دارد. این مطالعه با هدف مروری بر مراقبت های روانشناختی در نوجوانان مبتلا به دیابت نوع یک انجام شده است.
روش تحقیق: جستجو در پایگاه های اطلاعاتی لاتین proquest، pubmed، science direct (2000-2014) با کلید واژه های adolescent, psychological care, diabetic type1 و در پایگاه های اطلاعاتی فارسی SID،Magiran، iranmedex(1370-1393) با کلید واژه های مراقبت روانشناختی، دیابت، نوجوان انجام که ... مقاله مرتبط وارد مطالعه گردید.
یافته‌ها: از جمله مداخلات روانشناختی که در نوجوانان مبتلا به دیابت نوع یک مورد استفاده قرار گرفته و در نتایج مراقبتی تأثیر گذار بوده است؛ آموزش گروهی شناختی رفتاری CBGT، درمان های عقلانی عاطفی RET و مصاحبه انگیزشی می باشد. تنها در یک مطالعه انجام شده از تأثیر اندک مراقبت های روانشناختی در نوجوان و از بی تأثیر بودن در بزرگسالان بیان کرده است. در حالی که در مطالعات دیگر مراقبت های روانشناختی را عاملی تأثیر گذار در کاهش A1C و نیز مشکلات عاطفی از جمله اضطراب پنهان و آشکار و هویت جنسی درنوجوانان ذکر کرده اند و ارتباط معناداری بین شاخص های روانی اجتماعی و گلوکز خون نوجوان در بیش از 50% موارد را ثابت کرده اند.
نتیجه‌گیری: مطالعات دیسترس های روانی اجتماعی را عاملی برای شکایات آتی مرتبط با بیماری دیابت در نوجوانان ذکر کرده اند که مراقبت های روانشناختی روشی در جهت بهبود بیماری می باشد.
واژه‌های کلیدی: مراقبت روانشناختی، دیابت، نوجوان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

آگاهی و عملکرد دانش آموزان دختر مدارس دوره اول متوسطه (راهنمایی) بیرجند در مورد کم خونی فقر آهن و مصرف مکمل آهن توزیعی در مدارس

مرضیه ترشیزی، اسما طیوری، طیبه اکبری، امیر طیوری

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی مامایی ، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی ، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ، **پست الکترونیک:** *asma.turi@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: فقرآهن شایعترین مشکل تغذیه ای در سراسر جهان است که سلامت جسمی، روانی و رفتاری بسیاری از کودکان، نوجوانان و زنان به ویژه درکشورهای درحال توسعه را تحت تاثیر قرارمی دهد و عدم آگاهی از رژیم غذایی مناسب از مهمترین عوامل خطر آن است، لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آگاهی و عملکرد دانش آموزان دختر مدارس دوره اول متوسطه (راهنمایی) بیرجند در مورد کم خونی فقر آهن و مصرف مکمل آهن توزیعی در مدارس در سال تحصیلی 94-1393 انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی (توصیفی- تحلیلی) بر روی 300 دانش آموزان دختر مشغول به تحصیل در مدارس دوره اول متوسطه (راهنمایی) شهر بیرجند با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای انجام شد. خوشه ها به صورت تصادفی از 5 منطقه جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) شهر بیرجند از لیست مدارس دخترانه دوره اول متوسطه انتخاب گردید و از هر منطقه یک مدرسه، به طور تصادفی وارد مطالعه شد. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک و 18 سوال مربوط به سنجش آگاهی و 7 سوال مربوط به سنجش عملکرد بود و داده ها پس از جمع آوری با نرم افزار SPSS 18 تجزیه و تحیل گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی نمونه مورد مطالعه 0/7±13/9 سال و میانگین نمره آگاهی دانش آموزان 13/4±61/3 و میانگین نمره عملکرد دانش آموزان 11±59/9 از صد نمره بود. فقط 13/3 درصد دانش آموزان آگاهی و 19/3 درصد آن ها عملکرد خوب داشتند. بین شغل و سطح تحصیلات والدین با نمره عملکرد دانش آموزان رابطه معنی داری یافت نشد، ولی نمره آگاهی در دانش آموزانی که مادرانشان سطح تحصیلات بالاتر داشتند به طور معنی داری بیشتر بود($P<0/01$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج این مطالعه و میزان نسبتا پایین آگاهی و عملکرد دانش آموزان، برنامه ریزی و انجام مداخلات آموزشی برای دختران دانش آموز جهت بهبود آگاهی و عملکردشان با هدف پیشگیری از فقرآهن و کم خونی ناشی از آن با مصرف صحیح قرص های آهن ضروری به نظر می رسد.

واژه‌های کلیدی: کم خونی ، قرص آهن ، آگاهی ، دانش آموزان ، بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

انفارکتوس حاد قلبی بدنبال ترومای قلب

دکتر احمد آموزشی، دکتر سید علی معزی

نویسنده مسئول: استادیار جراحی قلب وعروق مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر ،دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *amouzeshiahmad@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: شایع ترین علت ترومای بلانت قلب، تروما با وسایل نقلیه می باشد. ترومای بلانت قلبی ممکن است عامل طیفی از آریتمی های ساده تا شرایط کشنده مانند پارگی قلب و سکته قلبی شود. شک بالینی بالا و انجام روش های تشخیصی مناسب جزیی از مهمترین مراحل اداره بیمار ترومایی است.در این مطالعه ما به بررسی ترومای بلانت قلب در بیرجند میپردازیم.

روش کار: دراین مطالعه ما به معرفی بیماری میپردازیم که بعد از ترومای قلب دچار انفارکتوس حاد قلبی شده ولی انزیمهای قلبی نرمال بود.

معرفی بیمار: ما بیماری را تجربه کردیم که 50 سال داشت و به علت ترومای بلانت توراکس بستری شد. بیمار سابقه دیابت داشته که تحت درمان با گلی بنکلامید بود. علائم حیاتی بیمار در بدو ورود نرمال بود(فشار BP= 110/80 و PR=90) ا ز بیمار گرافی قفسه سینه و سی تی اسکن گرفته شد و ترومای آئورت توراسیک رد شد ولی شکستگی دنده ای دوم تا پنجم داشت . از بیمار الکتروکاردیوگرافی و تروپونین I گرفته شد که نرمال بود.بیمار به علت درد شدید ناحیه شکستگی و وجود دیابت جهت کنترل بیشتر به ICU منتقل شد و تحت درمان مسکن با مورفین و کنترل قند خون و اکسیژن درمانی شروع شد. پس از 36 ساعت بطور ناگهان بیمار دچار تغییرات ST elevation در نوار قلب شد و تروپونین بیمار نیز مثبت شد.جهت بیمار مشاوره قلب انجام شد و بیمار آنژیوگرافی قلب شد. در آنزیوگرافی دایسکشن و ترومبوز پروگزیمال شریان LAD داشت که جهت بیمار مشاوره جراحی قلب درخواست شد.

نتیجه‌گیری: گایدلاین انجمن جراحی ترومای شرق در سال 2012 توصیه کرده که در موقع پذیرش همه بیماران مشکوک به ترومای بلانت قلب بایستی از بیمار الکتروکاردیوگرافی و تروپونین I گرفته شود.اگر این دو روش نرمال بود ترومای قلب رد خواهد شد.زمان مطلوب انجام این روش ها هنوز مشخص نیست. ولی در بعضی مطالعات از 12 تا 24 ساعت ذکر شده است.

احتمالا ممکن است در بعضی بیماران زمان مانیتورینگ قلبی بیماران را طولانیی تر کنیم هر چند جهت داشتن معیار های لازم نیاز به بررسی های بیشتری داریم.

واژه‌های کلیدی: ترمای بلانت،انفارکتوس قلبی،انزیمهای قلبی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

مقایسه پروفایل لیپیدهای سرم در والدین در دو گروه: والدین کودکان با دیس لیپیدمی و والدین کودکان با لیپیدهای نرمال

دکترفاطمه طاهری، دکتر بیتا بیجاری،آمنه بی باک

نویسنده مسئول: استادیار پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات آترواسکلروز و عروق کرونر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *bita.bijari@yahoo.com*

زمینه و هدف: آترواسکلروز عامل اصلی مورتالیتی و موربیدیتی در بالغین است. ارتباط بین غلظت چربی های خون و آترواسکلروز اثبات شده است. مطالعات نشان می دهد آترواسکلروز در کودکی و نوجوانی شروع می شود ..این مطالعه با هدف تعیین ارتباط دیس لیپیدمی در دانش اموزان دبستانی با لیپیدها ی والدین در بیر؛جند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه ی مورد –شاهدی در سال 1391 روی تعداد108 دانش اموز شامل 56 نفر گروه کودکان دارای دیس لیپیدمی که حداقل یکی از لیپیدهای سرم شان در محدوده ابنورمال بود به عنوان گروه مورد ، و 52 دانش اموز که هیچ گونه دیس لیپیدمی نداشتند ، به عنوان گروه شاهد و والدین آنها انجام شد.نمونه خون جهت انجام آزمایشات شامل - تری گلیسرید- کلسترول بعد از 12 ساعت ناشتا گرفته شد.. معیار تشخیص دیس لیپیدمی در این ،مطالعه مقادیر بوردرلاین وابنورمال تعیین شده توسط آکادمی کودکان آمریکا در سال 2011 بود

یافته‌ها: بر طبق نتایج این مطالعه دیس لیپیدمی ها در کودکان گروه مورد شامل : 75درصد هیپرکلسترولمی، 37/5 درصد هیپرتری گلیسیریدمی ، 66/1 درصد LDL بالا و 14/3درصد HDL پایین بود میانگین کلسترول توتال هم در پدران و هم در مادران و LDL در پدران گروه مورد بیش از پدران گروه شاهد بود. همه موارد دیس لیپیدمی به جز HDLپایین در پدران و مادران گروه مورد بطور معنی داری بیش از والدین گروه شاهد بود درپدران گروه مورد میانگین کلسترول توتال 195/28 ،تریگلیسرید 221/94 ،LDL 119/21 ،HDL 38/52 و در گروه شاهد به ترتیب 170/74، 179/18 ،98/71 ،و40/66 بود میانگین کلسترول توتال و LDL بطور معنی داری در پدران گروه مورد بیش از پدران گروه شاهد بود. میانگین لیپیدهای سرم در مادران گروه مورد کلسترول توتال 195/43 ،تریگلیسرید170/79 ،LDL 122/06 ، و HDL 40/34 بود و در مادران گروه شاهد به ترتیب 163/02 ،130/88 ،117/20 و 42/53 بود . میانگین کلسترول توتال در مادران گروه مورد بطور معنی داری بیش از گروه شاهد بود. شیوع دیس لیپیدمی در پدران گروه مورد هیپرکلسترولمی 46 %،هیپرتریگلیسریدمی 72/9 %،LDL بالا 39/6 % و HDL پایین در 58/3 % بود.همه موارد دیس لیپیدمی به جز HDLپایین در پدران گروه مور موارد دیس لیپیدمی در مادراه گروه شاهد هیپرکلسترولمی 43/4 % ،تری گلیسرید بالا در 52/8 % ، LDL بالا 41/5 % و HLD پایین در 43/4 % بود . همه موارد دیس لیپیدمی به جز HDL پایین در مادران گروه مورد نیز بطور معنی داری بیش از مادران گروه شاهد بود د بطور معنی داری بیش از پدران گروه شاهد بود.

نتیجه‌گیری: دیس لیپیدمی درکودکان دبستانی بیرجند شیوع بالایی دارد.دیس لیپیدمی در کودکان با لیپیدهای سرم والدین ارتباط مثبت و معنی داری دارد ..اقدامات پیشگیرانه اصلاح شیوه زندگی شامل تغذیه صحیح و تشویق کودکان به تحرک بیشتر،و اسکرینینگ لیپیدهای سرم در کودکان با والدین دیس لیپیدمی و پایش دقیق این کودکان توصیه می شود.

واژه‌های کلیدی: دیس لیپیدمی،،کودکان ،دیس لیپیدمی والدین ،بیرجند ،ایران

تأثیر آموزش خود مراقبتی بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی

فاطمه موسی زاده، حسن رمضانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی،دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه ، تربت حیدریه،ایران
پست الکترونیک: *hasanramzani71@gmail.com*

زمینه و هدف: در بین بیماری های مزمن که یک مشکل اساسی بهداشت است، دیابت به عنوان بیماری خاموش از اهمیت به سزایی برخوردار است. از آنجایی که ارتقای کیفیت زندگی عموما از اهداف عمده درمان است اقدامات خود مراقبتی الزامی می باشد. هدف از مطالعه حاضر تعیین تاثیر آموزش خود مراقبتی بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی بوده است.

روش تحقیق: این پژوهش به صورت نیمه تجربی طی دو مرحله قبل و بعد از آموزش بر روی 60 بیمار دیابتی به صورت تصادفی ساده انجام شد. شرکت کنندگان به دو گروه مداخله و شاهد تقسیم شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه استاندارد سنجش کیفیت زندگی بود که قبل از مداخله به صورت مصاحبه حضوری تکمیل گردید و بعد از تعیین نیازهای آموزشی یک برنامه آموزشی برای گروه مداخله انجام شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS18 با استفاده از آمار توصیفی و آزمون زوجی و آنالیز واریانس تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: از 60 بیمار مورد مطالعه 45 بیمار زن بودند. میانگین سنی بیماران 3.2+40 سال بود. در گروه مداخله میانگین تغییرات کیفیت زندگی 5.8+65 و گروه شاهد 3.5+41 بود که تفاوت آماری معنی داری مشاهده شد(P=0.001).

نتیجه‌گیری: آموزش خود مراقبتی در کیفیت زندگی بیماران دیابتی تأثیر مثبتی دارد. با توجه به نتایج به دست آمده، ارائه آموزش های مناسب در زمینه پیشگیری، بهبود و درمان بیماری دیابت از طریق بالاتر بردن سطح آگاهی می تواند سبب ارتقای سلامت عمومی و افزایش کیفیت زندگی بیماران دیابتی گردد.

واژه‌های کلیدی: خودمراقبتی، کیفیت زندگی، بیماران دیابتی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

مدیریت تنش در سالمندان شهر کاشمر در سال1390

هاشم حشمتی، حسن رمضانی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی ،دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، تربت حیدریه، ایران
پست الکترونیک: *hasanramzani71@gmail.com*

زمینه و هدف: یکی از حیطه های مهم در سبک زندگی، مدیریت تنش می باشد، از سوی دیگر سالمندان از گروههای بسیار مهم و آسیب پذیر در این زمینه می باشند، لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت مدیریت تنش در سالمندان شهر کاشمر درسال1390 طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی که در سال 1390 انجام شد، 267 نفر از سالمندان تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی شهر کاشمر به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه ای که روایی و پایایی آن مورد تأیید بود با مراجعه به منازل سالمندان به روش مصاحبه جمع آوری شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS15 و آزمونهای اسپیرمن و کای اسکوئر مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی سالمندان مورد مطالعه 22/6 ±69/03 بود.3% سالمندان دارای مدیریت تنش ضعیف، 59/9% دارای مدیریت تنش متوسط و 37/1% دارای مدیریت تنش مطلوب بودند.بین مدیریت تنش با جنس رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد. اما بین مدیریت تنش با عواملی مانند زندگی با همسر، زندگی با خانواده، سلامتی، تحصیلات رابطه آماری معنی داری مشاهده شد.همچنین بین سن و مدیریت تنش ارتباط معکوس و معنی دار مشاهده شد(P=/000،r=-/298). بین روابط اجتماعی و بین فردی با جنس رابطه آماری معنی داری مشاهده نشد. اما بین روابط اجتماعی و بین فردی با عواملی مانند زندگی با همسر، زندگی با خانواده، سلامتی، تحصیلات رابطه آماری معنی داری مشاهده شد.همچنین بین سن و روابط اجتماعی و بین فردی ارتباط معکوس و معنی دار مشاهده شد(r=-/252، P=/000).

نتیجه‌گیری: درصد بالایی از سالمندان دارای مدیریت تنش مطلوب نیستند. سالمندانی که تنها زندگی می کنند، دارای بیماری هستند، تحصیلات کمتر و سن بالاتری دارند از نظر مدیریت تنش و روابط بین فردی و اجتماعی در سطح مطلوبی نمی باشند لذا پیشنهاد می شود اقدامات مشاوره ای جهت بهبود مدیریت تنش و روابط اجتماعی و بین فردی در سالمندان صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: سالمندان، مدیریت تنش، روابط اجتماعی، روابط بین فردی

بررسی میزان بروز بیماری دیابت در افراد مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستان بیرجند (1393)

فاطمه قاسمی پور، مشیرالحق عابدی، بتول حسینی

نویسنده مسئول: کارشناس پرستاری و عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.

پست الکترونیک: *fatemehgh54@bums.ac.ir*

زمینه و هدف:بیماری دیابت از بیماری های مزمن نسبتا شایع در جهان است که به طور متفاوتی تمام نژادها را درگیر می سازد. شیوع و بروز بیماری در بسیاری از جوامع به ویژه در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش دارد. دیابت قندی با هیپرگلیسمی و اختلال متابولیسم کربوهیدرات و چربی و پروتئین مشخص می شود و با فقدان مطلق یا نسبی انسولین همراه است.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مقطعی وبه منظور بررسی میزان بروز دیابت نوع دو در بازه زمانی 6 ماهه اول سال 1393 انجام گرفته است. روش اجرای طرح بدین قرار بود؛ ابتداتوسط پزشکان مستقر در مراکز بهداشتی درمانی روستایی، با معاینات بالینی صورت گرفته، تعداد 160نفر از افراد مراجعه کننده به عنوان موارد مشکوک به دیابت شناسایی وجهت تشخیص قطعی و انجام آزمایشات لازم ارجاع داده شدند. پس از بررسی جواب آزمایشات موارد قطعی دیابت شناسایی شدند. همچنین افراد از نظر سطح تری گلیسرید و کلسترول نیز غربالگری شدند.

یافته‌ها: از بین 160 مورد مشکوک به دیابت، 46 نفر(28/8%) با سطح گلوکز سرم ناشتای بالاتر از 110، به عنوان موارد قطعی دیابت و تعداد 113 نفر (71/3%) نرمال (گلوکز بین 110-70) گزارش شدند. همچنین 48/6 درصد هیپرکلسترولمی و 51/4 درصد نرمال بودند. از این افراد 11/9 درصدهیپرتری گلیسرید و 88/1 درصد نرمال بودند. از نظر سطحA_1C، تعداد 84/2 درصد بالاتر از 6/6 و غیر نرمال بودند درحالیکه 15/8 درصد نرمال و در بازه 6/5-4/5 قرار داشتند.

نتیجه‌گیری: میزان بروز دیابت، هیپرکلسترولمی و هیپرتری گلیسیرید در جمعیت مورد مطالعه به ترتیب برابر 28/75 ، 48/62 و 11/92درصد برآورد گردید که رقم قابل توجهی است. با توجه به اینکه این افراد از بیماری خود مطلع نبودند و توسط معاینه و غربالگری شناسایی شدند، اهمیت غربالگری توسط سطع یک نظام ارجاع روشن می گردد؛ زیرا با شناسایی به موقع از عوارض جدی تر بیماری پیشگیری می گردد. .

واژه‌های کلیدی: میزان بروز، دیابت، مراکز بهداشتی درمانی روستایی، شهرستان بیرجند.

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی عوامل موثر بر خود کنترلی، بیماران دیابتی وابسته به انسولین

اعظم سپهری، مهدی آریافر، سیمین نعیمی

نویسنده مسئول: کارشناس پرستاری، بیمارستان شهید چمران فردوس، فردوس، ایران

پست الکترونیک: *sepehri@bums.ac.ir- a.*

زمینه و هدف: دیابت قندی یکی از بیماریهای مزمن و بسیار با اهمیت و یک مشکل بزرگ بهداشتی می باشد که در سراسر جهان در حال گسترش می باشد بنابراین با توجه به شیوع بالای دیابت و عوارض و هزینه های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از آن خود کنترلی از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد لذا پژوهشی با هدف تعیین عوامل موثر برخود کنترلی در بیماران دیابتی تحت پوشش مرکز دیابت شهرستان فردوس در سال 1392 انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی بوده و نمونه های پژوهش 100 نفر از مددجویان دیابتی تحت پوشش مرکز دیابت شهرستان بودند که بطور تصادفی انتخاب شده بودند ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه و انجام آزمایش هموگلوبینی گلیکوزیله و بررسی پرونده بیماران جهت تعیین تعداد مراجعات به مرکز دیابت بود پرسشنامه شامل 4 بخش ، اطلاعات دموگرافیک ، آگاهی ، درک از کنترل و باور بهداشتی در مورد دیابت بود در این پژوهش شاخص های خود کنترلی مقدار هموگلوبین گلیکوزیله و تعداد مراجعات به مرکز بهداشت . جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آزمونهای آماری بهره گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین آگاهی ، باور بهداشتی و درک از کنترل با متغیرهای دموگرافیک مانند سن ، جنس ، وضعیت تاهل ، سطح تحصیلات وضعیت اشتغال وضعیت بیمه ، طول مدت ابتلاء به بیماری ، محل زندگی ، وجود فرد دیابتی در خانواده و منبع کسب اطلاعات ارتباط معنی دار آماری وجود نداشت همچنین بین آگاهی و باور بهداشتی با وجود عوارض ارتباط معنی داری مشاهده نشد ولی بین درک از کنترل و وجود عوارض ارتباط معنی بود ($P < 0/004$) همچین نشان داد که بیشترین درصد واحدهای پژوهش از آگاهی ضعیف (59/8%) ، باور بهداشتی نامطلوب (77/7%) و درک از کنترل نامطلوب (62%) برخوردار بودند. بین آگاهی ، باور بهداشتی و درک از کنترل با مقدار هموگلوبین گلیکوزیله و تعداد مراجعات به مرکز دیابت و نیز خود کنترلی ارتباط معنی دار مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: شناسائی عوامل موثر برخود کنترلی در برنامه ریزی آموزشی و درمانی برای مددجویان مبتلا به دیابت و آموزش مراقبین بهداشتی و نیز در آموزش پرستاری بسیار اهمیت دارد.

واژه‌های کلیدی: دیابت ، خود کنترلی ، هموگلوبین گلیکوزیله.

اپیدمیولوژی ناهنجاری‌های مادرزادی درشمال غرب کشور، یک مطالعه مبتنی بر جامعه

حسین مشهدی عبدالهی، مجید کارآموز، محمدحسن کارگرماهر، فرزانه افشارنیا، سعید دستگیری

نویسنده مسئول: مرکز تحقیقات مدیریت خدمات بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز
پست الکترونیک: *hm_abdolahi@yahoo.com*

زمینه و هدف: ناهنجاری‌های مادرزادی عامل بخش قابل توجهی از بیماری و مرگ و میر نوزادان می باشند. هدف این مطالعه بررسی اپیدمیولوژی ناهنجاری‌های مادرزادی در مناطق روستایی شهرستان تبریز در شمال‌غرب کشور می باشد.
روش تحقیق: این بررسی یک مطالعه مقطعی می باشد. جمعیت مورد مطالعه، کلیه کودکان زیر8 سال زنده به دنیا آمده در سال‌های 1383 تا1390 بوده است. تمامی پرونده های کودکان زیر 8 سال درخانه های بهداشت مرکز بهداشت شهرستان تبریز بررسی گردیدند.
یافته‌ها: کل جمعیت کودکان زیر8سال 22500 نفربودند که ازمیان آن ها تعداد254 مورد دارای ناهنجاری مادرزادی شناسایی شدند. میزان شیوع این ناهنجاری‌ها 113 در 10000 تولد زنده برآورد گردید (95% فاصله اطمینان 126-99). آنومالی‌های سیستم عصبی با 24% شایع ترین ناهنجاری‌های مادرزادی دراین منطقه هستند. آنومالی‌های سیستم قلبی عروقی و ناهنجاری‌های شنوایی و بینایی در رده‌های دوم و سوم از لحاظ بیشترین شیوع قراردارند. بالاترین میزان شیوع ناهنجاری‌های مادرزادی در منطقه شمال شرق شهرستان تبریز با میزان شیوع 386 در10000 تولد زنده (95% فاصله اطمینان 556-215) و کمترین میزان شیوع آن‌ها بامیزان 15 در10000 تولد زنده (95% فاصله اطمینان 45-14-) در منطقه شمال‌غرب این شهرستان مشاهده گردید.
نتیجه‌گیری: تفاوت چشمگیر توزیع جغرافیایی ناهنجاری‌های مادرزادی در این منطقه، ممکن است برای طراحی مطالعاتی برای بررسی علل بروز این بیماری‌ها مفید باشد.
واژه‌های کلیدی: ناهنجاری‌های مادرزادی، شیوع، شهرستان تبریز

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی میزان آگاهی و عملکرد مراجعین به نمایشگاه شهر و شهروند قاین در خصوص پیشگیری از بیماری‌های قلبی، عروقی سال1393

عبدالناصر قاسمی،دکتر غلامعباس عزیزی، دکتر سعید شوکتی فرد، حجت کریمی، عباس سروری

نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند-شبکه بهداشت و درمان شهرستان قاینات
پست الکترونیک: *n_ghasemi43@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماریهای قلبی وعروقی یکی ازمهمترین علل مرگ درکشورایران است وبیش از یک سوم ازکل مرگها(39 درصد) راشامل میشود وغالب مرگهای ناشی از این بیماریهادرافراد زیر 70سال اتفاق می افتد. . از طرفی افزایش شیوع بیماریهای غیرواگیردرکشورما،همانندسایرکشورهای درحال توسعه جامعه رابابارمضاعفی ازبیماریهای غیرواگیرازجمله بیماریهای قلبی وعروقی مواجه میسازد.. 48 درصدباربیماریهاناشی ازبیماریهای مزمن میباشد که 10 درصد آن به علت بیماریهای قلبی عروقی است. پیش بینی میشودتاسال 2015 درکل 64 میلیون مرگ رخ خواهددادکه 20 میلیون مرگ به علت بیماریهای قلبی عروقی وعمدتا "ناشی ازبیماری قلبی وسکته مغزی خواهدبود. از این رو برآن شدیم تا مطالعه ای توصیفی با هدف تعیین بررسی میزان آگاهی و عملکرد مراجعین در خصوص بیماری قلبی و عروقی اجرا نمائیم

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی ،ازپرسشنامه ای خود ساخته که روایی ومحتوای آن توسط اساتید مورد تایید قرار گرفت، استفاده شد. که مشتمل بر35 سؤال (4سؤال اطلاعات دموگرافیکی،12سؤال دانشی ،9سوال عملکردی) بودکه توسط 2 پرسشگر زن ومردبصورت مصاحبه تکمیل گردید. حجم نمونه 200 نفر بود.داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار spssوارد و ضمن ارائه آمارتوصیفی بوسیله آزمونهای آماری کای اسکوئر در سطح معنی داری0/05= α آنالیز شد.

یافته‌ها: با توجه به یافته های استخراج شده 10درصد مراجعین سابقه فشارخون و چربی خون بالا ،75درصد فعالیت بدنی و 50 درصد بیش از 30 دقیقه فعالیت بدنی داشته اند،73 درصد افرادروغن مصرفیشان روغن مایع بوده و تنها 18 درصد بیش از سه بار در هفته ماهی مصرف نموده اند.60درصد افراد نمکدان سر سفره استفاده می کرده و 83 درصد آنان روزانه مصرف میوه و سبزی و78 درصد افرادیکه اضافه وزن داشته اند درصدد کاهش وزن بوده اند. بین سن و سابقه فشار خون(pv=0)،دیابت(pv=0/006)،چربی خون(pv=0)، ورزش (pv=0/036) وهمچنین جنس و تحرک بدنی (pv=0/007) رابطه معنی دار وجود داشت .ضمنا بین سطح آگاهی افراد و تاثیر آن برتحرک بدنی،عدم مصرف سیگار،کاهش چاقی،،مصرف ماهی،مصرف کم نمک ،عدم مصرف چربی حیوانی ،مصرف میوه و سبزی،کاهش فشار عصبی وعدم استعمال دخانیات (pv<0/05)رابطه معنی دار وجودداشت. ولی بین بیماریهای قلبی عروقی وسطح تحصیلات (pv=0/06) ، شغل (pv=0/8) ،محل سکونت (pv=0/32) وجنس (pv=0/29)رابطه معنی دار ی وجود نداشت

نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش روز افزون بیماریهای غیر واگیر بخصوص بیماریهای قلبی عروقی و با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش ارتقای سطح آگاهی افراد جامعه در جهت پیشگیری از بیماریهای قلبی عروقی ضروری به نظر می رسد لذا باید مسئولین ومدیران ارشد توجه ویژه به امر آموزش سلامت مبذول داشته و سایر بخشها نیز بستر لازم را در جهت افزایش دسترسی آحاد جامعه به امر تحرک بدنی و تغذیه سالم معمول دارند.

واژه‌های کلیدی: قلبی عروقی،ورزش،چاقی،فشار خون

بررسی اثر کاهش وزن بر سطح سرمی FBS بیماران مبتلا به دیابت نوع 2

مجید حسین زاده

نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه

زمینه و هدف: مطالعه حاضر جهت بررسی اثر کاهش وزن بر سطح سرمی گلوکز ناشتای بیماران مبتلا به دیابت نوع II مراجعه کننده به کلینیک دیابت شهرستان تربت حیدریه .

روش تحقیق: در یک مطالعه کارآزمایی بالینی به روش قبل و بعد تعداد 88 بیمار دیابتی (49 زن و 39 مرد) که از مراجعه کنندگان به کلینیک تغذیه بیمارستان اروند اهواز بودند . در دو گروه مورد 45 نفر و شاهد 43 نفر تحت بررسی قرار گرفتند .

ابتدا وزن و قد و FBS در هر دو گروه اندازه گرفته شد . سپس از افرادی که در گروه مورد قرار گرفته بودند خواسته شد که به مدت یک ماه از رژیم کاهش وزنی که توسط متخصص تغذیه برای آنها طراحی شده بود پیروی کنند و گروه کنترل طی این مدت رژیم غذایی همیشگی خود را ادامه دادند . از تمام افراد خواسته شد که تغییری در میزان فعالیت و داروهای مصرفی خود ندهند . پس از یک ماه مجدداً قد ، وزن و FBS نمونه ها اندازه گیری شد .

یافته‌ها: میانگین انحراف معیار وزن ، BMI و FBS در گروه مورد قبل از مداخله به ترتیب معادل 72/39 mg/dl ± 215/37 و kg/m^2 6/20 ± 35/42 ، 18/5 kg ± 98/97 بود که پس از مداخله به موارد زیر کاهش یافت .41/61 mg/dl ± 129/37 و 5/80 kg/m2 ± 33/94 و 17/02 kg ± 94/80 (p<0/001) تفا وت در گروه شاهد معنی دار نبود .

دراین مطالعه بین میزان کاهش وزن و کاهش FBS در گروه مورد ارتباط معنی دار مشاهده شد (R = 0/48 و P< 0/01) .

نتیجه‌گیری: کاهش وزن ، هر چند به میزان کم ، موجب کاهش قابل ملاحظه ای در FBS می شود و به عنوان روش درمانی مناسب در مبتلایان به دیابت نوع 2 توصیه می گردد.

واژه‌های کلیدی: کاهش وزن ، سطح سرمی گلوکز ناشتا، دیابت نوع II

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

بررسی تأثیر آموزش معمولی و ارائه بروشور مصور بر سطح اضطراب بیماران، قبل از عمل جراحی تخصصی

سید علیرضا میرصانع, ندا میرباقر,سید مجتبی میرصانع,نسرین اورعی

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی اتاق عمل دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کاشان
پست الکترونیک: *alireza.seyed70@gmail.com*

زمینه و هدف: امروزه جراحی درمان بسیاری از بیماری ها و آسیب ها به شمار میرود و سالانه تقریباً بیش از 72 میلیون جراحی فقط در آمریکا انجام میگیرد اضطراب یک حالت ناخوشایند تشویش یا فشار است. اضطراب طولانی مدت موجب استرس می شود که پیامدهای مضر برای بیمار و به تأخیر افتاد ن بهبودی را به همراه دارد. این مطالعه با هدف مقایسه تأثیر آموزش روتین و بروشور مصور بر سطح اضطراب بیماران، قبل از عمل جراحی اختصاصی انجام شد.

روش تحقیق: در این پژوهش نیمه‌تجربی، 90 بیمار کاندید اعمال جراحی به‌صورت تصادفی در 3 گروه 30 نفره قرار گرفتند . تمام بیماران در روز بستری، پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه اسپیل برگر (Spielberger)را تکمیل کردند .سپس در گروه‌های آزمون، آموزش به دو صورت سخنرانی و بروشور مصور در دو روز قبل و همچنین یکروز قبل از عمل به بیماران داده شد. در ادامه، 2 ساعت قبل از عمل، پرسشنامه Spielbergerمجدداً توسط بیماران تکمیل شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های تی، آنالیز واریانس و توکی تجزیه و تحلیل شدند. سطح معنی‌داری، ($p<0.05$)در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین نمره اضطراب کل دردو روز قبل و در یکروز قبل از عمل در سه گروه، تفاوت آماری معنی‌داری نداشت .($p=0.51$)، ولی بین 3 گروه از نظر اضطراب در 2 ساعت قبل از عمل، تفاوت معنی‌داری مشاهده گردید ($p< 0/032$)همچنین آزمون تعقیبی توکی، تفاوت معنی‌داری را بین دو گروه آموزش و شاهد نشان داد ($p<0/01$)

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد آموزش روتین و آموزش بروشور مصور هر دو باعث کاهش سطح اضطراب بیماران قبل از عمل جراحی می‌شود، لذا پیشنهاد می‌گردد این آموزش‌ها جزء اقدامات پرستاری قبل از جراحی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش عادی,بروشور مصور,جراحی,اضطراب

بررسی سلامت باروری زوج ناقل های تالاسمی استان خراسان جنوبی

سودابه اسحاقی، بهمن قلی نژاد، محمد حسین نخعی

نویسنده مسئول: مدیر گروه بیماریهای غیر واگیر استان خراسان جنوبی، مرکز بهداشت استان
پست الکترونیک: *s.eshaghi@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: مبتلایان به تالاسمی عمدتاً جمعیت جوان کشور هستند سندرمهای تالاسمی گروهی از اختلالات ارثی هستند که در آنها سنتز حداقل یکی از زنجیره های گلوبین در مولکول هموگلوبین دچار نارسایی است . این مطالعه به منظور بررسی مراقبت زوج ناقل های تالاسمی در استان خراسان جنوبی انجام شد

روش تحقیق: در یک مطالعه توصیفی اطلاعات مراقبت زوج ناقل های تالاسمی سطح استان بااستفاده از فرم آماری استاندارد وزارت بهداشت از سطوح محیطی جمع آوری و با استفاده از نرم افزار Excel آنالیز شد

یافته‌ها: تعداد 152 زوج ناقل تالاسمی تا پایان شهریور ماه 93 تحت مراقبت بودند که 128 زوج ناقل(84%) از روش مطمئن پیشگیری از بارداری و 27 نفر (16%) از روش غیر مطمئن پیشگیری از بارداری استفاده می کنند .

نتیجه‌گیری: تامین سلامت باروری و استفاده از روش های مطمئن پیشگیری از بارداری می تواند از تولد نوزاد تالاسمی ماژور جلوگیری نماید لذا پیشنهاد می گردد تیم مشاوره تالاسمی برنامه سلامت باروری در زوج ناقل های تالاسمی را بطور جد دنبال نمایند .

واژه‌های کلیدی: سلامت باروری ،زوج ناقل ها، تالاسمی، خراسان جنوبی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در بیماری‌های واگیر و غیر واگیر

تأثیر آموزش به روش جزوه آموزشی بر آگاهی و تبعیت از درمان بیماران همودیالیزی: کارآزمایی بالینی

کبری پروانه، هادی حسنخانی، الهه سید رسولی، سید محمد ریاحی، محمود قربانی

نویسنده مسئول: *PHD* اپیدمیولوژی، عضو کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران
پست الکترونیک: *ghorbani_m11@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماران با نارسایی مزمن کلیه در طول عمر خود با چالشهایی که در اثر همودیالیز ایجاد می شود مواجه هستند. با توجه به اهمیت پیشگیری از عوارض حین دیالیز و ارتباط آن با عدم آگاهی و عدم وجود گزارش مناسب در خصوص شیوه مناسب آموزش در این بیماران، این مطالعه با هدف تأثیر آموزش به روش جزوه آموزشی بر آگاهی و تبعیت از درمان بیماران همودیالیزی انجام شد.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه ی کارآزمایی بالینی است که بر روی 38 بیمار همودیالیزی مراجعه کننده به مرکز آموزشی درمانی شهید رهنمون یزد که شرایط لازم جهت ورود به مطالعه را داشتند انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای شامل مشخصات فردی-اجتماعی، سؤالاتی جهت سنجش میزان آگاهی و تبعیت از درمان بیماران همودیالیزی بود. بعد از جمع آوری داده ها به منظور تجزیه وتحلیل داده ها از نرم افزار SPSS20 و آمار توصیفی(فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی(کای دو، paired t-test، ANOVA و ANCOVA) استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی گروه جزوه آموزشی بعد از مداخله افزایش معنی داری داشت. میانگین نمره تبعیت از درمان گروه مداخله نیز از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه آموزش به روش جزوه آموزشی در افزایش سطح آگاهی و تبعیت از درمان بیماران تأثیر زیادی داشت، بنابراین در آموزش به این بیماران، روش جزوه آموزشی با صرف هزینه اندک و وقت کم باید مد نظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش، آگاهی، تبعیت از درمان، همودیالیز

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی رابطه بین معنویت با اضطراب وافسردگی در دانشجویان دانشکده پرستاری شهرستان قاین در سال 1391

نرگس خاتون رحیمی، غلامرضا شریف زاده، زهرا رحیمی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی ، مرکز بهداشت شهرستان قاین،
پست الکترونیک : *nargesrahimi97@ yahoo.com*

زمینه و هدف: پژوهش حاضر تبیین رابطه بین ابعاد مختلف معنویت با اضطراب و افسردگی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی قاین و همچنین تعیین توان پیش بینی ابعاد مختلف معنویت در میزان افسردگی و اضطراب دانشجویان است .
روش تحقیق: پژوهش حاضر همبستگی است . 92 نفر از دانشجویان (15 پسر و 77 دختر) دانشکده پرستاری و مامایی قاین به پرسش نامه افسردگی بک (BDI) : (بک و استیر، 1984) ، پرسش نامه اضطراب بک (BAI) (بک ، اپستین ، براون و استیر 1988) و مقیاس تجربیات معنوی دانشجویان (غباری بناب و همکاران ، 1384) پاسخ دادند .
یافته‌ها: نتایج نشان داد بین فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی و افسردگی (p<0/01 و r=0/29)؛ رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین اضطراب بر حسب سن و افسردگی بر حسب جنس رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین اضطراب و سطح تحصیلات پدر (P=0/01 و F=3/79)، بین افسردگی و سطح تحصیلات پدر (P=0/04 و F=2/88)، بین تجربیات متعالی عرفانی و سطح تحصیلات پدر (P=0/03 و F=3/12)، بین معنایابی در زندگی و سطح تحصیلات پدر (P=0/02 و F=3/36) و بین معنویت و سطح تحصیلات پدر (P=0/004 و F=4/82) رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
بین اضطراب و سطح تحصیلات مادر (P=0/02 و F=3/53) و بین تجربیات متعالی عرفانی و سطح تحصیلات مادر (P=0/02 و F=3/49) رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
نتیجه‌گیری: با توجه به این یافته ها می توان گفت رابطه بین اضطراب و افسردگی که دو جنبه مهم از سلامت روان هستند با معنویت و جنبه های مختلف آن معکوس است . از این یافته ها می توان در حیطه طراحی برای ارتقای سلامت روان در محیط های دانشجویی بهره برد .
واژه‌های کلیدی: اضطراب ، افسردگی ، معنویت ،دانشجو

بررسی خودگزارشی ماماهای شاغل در مراکز بهداشتی درمانی در زمینه چگونگی ارتقای مراقبت‌های پیش از بارداری شهر مشهد سال 1392

فاطمه غفاری سردشت، ناهید جهانی، فرزانه جعفرنژاد

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری مامایی
پست الکترونیک: *ghaffarif891@gmail.com*

زمینه و هدف: در بیشتر کشورها ماما به عنوان اولین خط مراقبتی ارائه دهنده خدمات در حاملگی و زایمان شناخته شده و همچنین به عنوان محور اصلی امنیت مادران حائز نقش ویژه می باشد. از این رو این مطالعه با هدف تعیین نظرات ماماهای مراکز بهداشتی در زمینه چگونگی ارتقای کیفیت مراقبتهای پیش از بارداری انجام شده است .

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی در سال 1392 بر روی 39 مامای شاغل در 22 مرکز بهداشتی درمانی انجام شده است . روش نمونه گیری چند مرحله ای بوده و ابزار مورد استفاده مشتمل بر پرسشنامه های مشخصات دموگرافیک، سوابق شغلی ، دیدگاه ماماها و مشخصات مراکز بهداشتی منتخب بود . داده ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه 16) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته‌ها: اکثریت نظرات بدست آمده از ماماهای شرکت کننده در پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت مراقبتهای پیش از بارداری در مراکز مربوط به ترتیب مربوط به سه عامل افزایش تعداد نیروی ارائه دهنده خدمات مامایی در مراکز (25/6 %) ، شروع آموزشها از کلاسهای قبل از ازدواج(23/1 %) و اطلاع رسانی(20/5 %) بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج افزایش نیروی کارآمد، افزایش سطح آگاهیهای عمومی ، برگزاری دوره های مستمر بازآموزی جهت پرسنل مراکز توصیه می گردد .

واژه‌های کلیدی: خود گزارشی ماماها ، ارتقای خدمات ، مراقبتهای پیش از بارداری

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی رابطه مولفه های عدالت سازمانی با رضایت شغلی کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال 1392

دکتر علیرضا صادقی، سیما کاظمی، احسان افکار، یحیی محمدی

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس مرکز مطالعات دانشگاه علوم پزشکی،بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *Y_mohammady_29@yahoo.com*

زمینه و هدف: عدالت و اجرای آن یکی از نیازهای اساسی و فطری انسان است که همواره در طول تاریخ، وجود آن بستری مناسب در جهت توسعه جوامع انسانی فراهم کرده است .نظریات مربوط به عدالت به موازات گسترش و پیشرفت جامعه بشری تکامل یافته و دامنه آن از نظریات ادیان و فلاسفه به تحقیقات تجربی کشیده شده است .پژوهش های انجام شده نشان می دهندکه عدالت سازمانی پیش بینی کننده برای بسیاری از متغیرهای دیگر سازمانی است یکی از مهمترین پیامدهای عدالت سازمانی رضایت شغلی کارکنان است. بر این اساس هدف محقق بررسی رابطه عدالت سازمانی با رضایت شغلی کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است جامعه مورد بررسی تمام کارکنان ستادی دانشگاه بود. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که نمونه مورد بررسی 205 نفر برآورد و به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند، جهت گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه استاندارد عدالت سازمانی که دارای 20 سئوال و 3 خرده مقیاس (عدالت توزیعی، رویه ای، تعاملی) را می سنجد و از پرسشنامه رضایت شغلی اسمیت کندال که دارای 70 سئوال است استفاده شد. داده ها بوسیله نرم افزار آماری Spss16 و با استفاده از آزمون های همبستگی پیرسون، تی مستقل و تحلیل واریانس یکطرفه در سطح معنی داری $p<0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: 83 نفر(40/5 درصد)مرد و122 نفر (59/5 درصد) زن بودند. نتایج نشان داد که بین عدالت سازمانی و ابعاد آن(عدالت توزیعی، رویه ای، تعاملی) با رضایت شغلی کارکنان ستادی دانشگاه رابطه معنی داری وجود دارد ($p<0/05$). همچنین بین نمره میانگین عدالت سازمانی در بین کارکنان بر اساس جنس ، سن، سابقه کار تفاوت وجود نداشت اما بر اساس تحصیلات تفاوت معنادار بود. همچنین بین نمره رضایت شغلی کارکنان بر اساس جنس تفاوت معنی دار ولی بر اساس سن، تحصیلات و سابقه کار تفاوت معنی دار نبود.

نتیجه‌گیری: با توجه به این‌که بین عدالت سازمانی و مؤلفه‌های آن با رضایت شغلی کارکنان ارتباط معنی‌داری وجود دارد و عدالت سازمانی قادر به پیش‌بینی رضایت شغلی می‌باشد، بنابراین مدیران دانشگاه باید به عدالت سازمانی که بهبود رضایت شغلی را در پی دارد، توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی: عدالت سازمانی، رضایت شغلی، عدالت توزیعی، عدالت رویه ای، عدالت تعاملی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی تأثیر آموزش خود مراقبتی به روش چند مرحله‌ای بر خودکارآمدی بیماران مراجعه کننده به بخش همودیالیز بیمارستان شهید چمران فردوس در سال 1393

هادی احمدی چناری، حجت غفاری، علی اکبر اسماعیلی

نویسنده مسئول: مربی گروه پرستاری دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *ahmadi.h@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: نارسایی مزمن کلیه یک اختلال پیشرونده و غیر قابل برگشت است که بیمار را با تنش های گوناگون روانی و جسمی از جمله کاهش خودکارآمدی رو به رو می کند. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش خود مراقبتی به روش چند مرحله ای بر خودکارآمدی بیماران مراجعه کننده به بخش همودیالیز بیمارستان شهید چمران فردوس در سال 1393 انجام گردید.

روش تحقیق: پژوهش حاضر از نوع مداخله ای یک گروهه به صورت پیش آزمون، پس آزمون می باشد. جامعه و محیط پژوهش شامل کلیه بیماران همودیالیزی مراجعه کننده به بخش همودیالیز بیمارستان شهید چمران فردوس در سال می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی ساده 30 نفر از این بیماران انتخاب شدند. در ابتدای پژوهش به پرسشنامه خودکارآمدی شرر جواب دادند سپس برای آنها 10 تا 20 جلسه آموزش خود مراقبتی 30 دقیقه ای، به صورت مرحله ای برگزار شد و پس از گذشت 3 ماه دوباره به آنها مراجعه شد و پرسشنامه خودکارآمدی شرر در اختیار آنها قرار گرفت و این اطلاعات در نرم افزار spss با استفاده از آزمون های تی زوجی، همبستگی پیرسون و آنالیز واریانس یک طرفه و همچنین آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد 60 درصد بیماران را زنان، 66.7% را افراد بیسواد، 50% افراد با سابقه بیماری دیابت و 63.3% از آنان دارای فعالیت مستقل بودند. نمره بیماران قبل از آموزش 47.23±2.61 و بعد از آموزش 55.20±3.39 بود که با استفاده از آزمون تی وابسته به طور معنی داری افزایش را نشان داد($P<0.00$) همچنین رابطه سن، طول مدت بیماری، طول دیالیز، با میزان خودکارآمدی از طریق آزمون همبستگی پیرسون بررسی شد و نشان داد رابطه خطی مستقیمی بین این متغییرها با میزان خودکارآمدی وجود دارد و رابطه بین خودکارآمدی با نوع بیماری و سطح تحصیلات از طریق آزمون آنالیز واریانس یک طرفه رابطه معنی داری را نشان داد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و معنی دار بودن آموزش خود مراقبتی به روش مرحله ای بر روی خودکارآمدی بیماران دیالیزی و با توجه به قابلیت اجرایی بودن این شیوه آموزشی، استفاده از این روش به عنوان یک برنامه جهت افزایش خودکارآمدی در بیماران توصیه و تأکید می گردد

واژه‌های کلیدی: آموزش به شیوه چند مرحله ای، همودیالیز، خودمراقبتی، خودکارآمدی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

رابطه وضعیت تغذیه ای ریبوفلاوین با درجات افسردگی در پرستاران

سوری صغرا راغبی،دکتر محمود گنجی فرد، راحله شهریاری

نویسنده مسئول: واحد تغذیه، معاونت درمان، دانشگاه علوم پزشکی ،بیرجند، ایران
پست الکترونیک: raghebi_so@yahoo.com

زمینه و هدف: هدف از مطالعه حاضر ارزیابی ارتباط بین دریافت غذایی، وضعیت تغذیه ای ریبوفلاوین و شیوع التهاب سیستمیک درجه پایین در پرستاران افسرده و غیر افسرده بود.
روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی که روی 98 پرستار زن (45 نفر افسرده و 53 نفر غیر افسرده) انجام شد، وضعیت تغذیه ای با استفاده از پرسشنامه افسردگی بک و دریافت غذایی ریبوفلاوین با یاد امد 24 ساعته خوراک ارزیابی شد. وجود التهاب سیستمیک با اندازه گیری سطوح پروتئین واکنشگر C با حساسیت بالا (hs-CRP) به روش کدورت سنجی و وضعیت تغذیه ای ریبوفلاوین با اندازه گیری ضریب فعالیت آنزیم گلوتاتیون ردوکتاز گلبول قرمز اندازه گیری شد.
یافته‌ها: شیوع کمبود حاشیه ای ریبوفلاوین در افراد افسرده بالاتر بود (P = 0/028). هیچ اختلاف معنی داری بین دو گروه از نظر سطوح hs-CRP سرم مشاهده نشد. 8 نفر (18/6%) از افراد افسرده و 7 نفر (13/2%) از افراد غیر افسرده غلظت hs-CRP سرم 5 mg/l و بالاتر (منعکس کننده خطر بیماری های قلبی کرونری) داشتند. نتایج دریافت غذایی و وضعیت تغذیه ای ریبوفلاوین در 3 چارک سطوح hs-CRP سرم طبقه بندی شد. در افراد هر دو گروه هیچ اختلاف معنی داری بین چارک ها از نظر دریافت غذایی، EGR – AC و درجات کمبود ریبوفلاوین مشاهده نشد.
نتیجه‌گیری: شیوع کمبود حاشیه ای ریبوفلاوین در افراد افسرده بالاتر بود، همچنین هیچ ارتباطی بین دریافت غذایی و وضعیت تغذیه ای ریبوفلاوین با التهاب سیستمیک درجه پایین در پرستاران افسرده و غیر افسرده مشاهده نشد.
واژه‌های کلیدی: ریبوفلاوین ،EGR – AC ،افسردگی ، پرستاران

بررسی ارتباط سبک زندگی با فشار خون

علی دشتگرد، نرجس خاتون طاهری، سید مصطفی محسنی‌زاده

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد پرستاری، مربی دانشکده پرستاری و مامایی قاین، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *taherin@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: سبک زندگی از عوامل مهم تأثیرگذار بر سلامت انسانها است، بطوریکه اکثر مشکلات بهداشتی با دگرگونی‌های سبک زندگی ارتباط دارد. سبک زندگی جزء عوامل خطر قابل تعدیل پرفشاری خون محسوب می‌شود، لذا هدف از این مطالعه، تعیین عوامل خطر پرفشاری خون در ارتباط با سبک زندگی در افراد بالای 20سال شهر قائن می‌باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه مورد-شاهدی 400 نفر از افراد بالای 20سال، شرکت کننده در مراسم پیاده‌روی و نماز جمعه مورد بررسی قرار گرفتند. فشارخون افراد مورد مطالعه اندازه‌گیری و پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات مورد نظر و سبک زندگی تکمیل شد. افراد دارای فشارخون بالای 140/90 در گروه مورد و بقیه در گروه شاهد قرار گرفتند اطلاعات جمع‌آوری شده پس از کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج آماری نشان داد بین نوع روغن مصرفی (p=0/003)، ورزش و فعالیت فیزیکی(p=0/043) و سیگار (P<0/001) در دو گروه مورد و شاهد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ولی در دوگروه بین نوع گوشت مصرفی (p=0/369) و سابقه فامیلی HTN (p=0/153) اختلاف معناداری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که نوع روغن مصرفی، سیگار و ورزش از عوامل تاثیرگذار بر بروز فشارخون در این منطقه می‌باشد. با توجه به اهمیت سبک زندگی در ارتقاء و حفظ سلامت و پیشگیری از بیماریها، و همچنین افزایش روزافزون افراد مبتلا به فشارخون بالا لزوم انجام اقدامات مداخله‌ای جهت تغییر سبک زندگی مردم تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: فشارخون، سبک زندگی، فشارخون بالا

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

تغییرات فصلی سطح سرمی ویتامین D در شهر بیرجند - 1393

فریبرز بجدی، زهرا امینی نسب

نویسنده مسئول: کارشناس تغذیه، مرکز بهداشت بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *fffbojdi2@gmail.com*

زمینه و هدف: ویتامین D یکی از مواد اساسی برای سلامت استخوان است. در جوامع مختلف مشاهده شده است که سطح سرمی ویتامین D دارای تغییرات فصلی می باشد، اما این مسأله تا کنون در ایران بررسی نشده است. وزارت بهداشت اقدام به بررسی تغییرات فصلی ویتامین D در سالجاری نمود ومطالعه حاضر وضعیت سطح سرمی ویتامین D ساکنین شهر بیرجند می باشد.
روش تحقیق: این مطالعه درقالب طرح کشوری وزارت بهداشت انجام شد، تعداد 286 فرد (151 زن، 135 مرد) 20 تا 60 ساله بزرگسال وکودکان 5تا 18 سال که در دو فصل زمستان و تابستان بررسی شده بودند، از نظر سطح سرمی 25- هیدروکسی ویتامین D وارد شدند. اندازه گیری با روش سنجش اتصال به پروتئین به روش RIA صورت گرفت و مقادیر سرمی کمتر از 27.5 nmol/L به عنوان کمبود ویتامین D در نظر گرفته شدند.
یافته‌ها: 79.7% افراد مورد بررسی کمبود ویتامین D داشتند.81.4% زنان و 77.7% مردان مورد مطالعه دچار کمبود ویتامین D بودند. سطح سرمی ویتامین D در جمعیت مورد مطالعه دارای تغییرات فصلی مشخصی بوده و شدت و دامنه تغییرات آن در زنان بارزتر ازمردان است. در دو فصل مورد بررسی، بالاترین سطح سرمی افراد مؤنث معادل یا کمتر از پایین ترین سطح سرمی افراد مذکر بود. سطح سرمی 25--OH D در تابستان به نحو معنی داری پایین تر از زمستان است
نتیجه‌گیری: بیشتر بودن شدت تغییرات فصلی در زنان و پایین بودن بسیار بارز سطح ویتامین D در آنان قابل انتساب به الگوی زندگی و پوشش یکنواختی است که درتمام سال توسط آنان استفاده می شود. یافته‌های ما نشان دهندهٔ ضرورت طرحهای تحقیقاتی و اقدامات پیشگیری در ارتباط با کمبود ویتامین D می باشد.
واژه‌های کلیدی: ویتامین D، تغییرات فصلی، بیرجند

بررسی سازماندهی نیروی انسانی ارائه دهنده مراقبت‌های قبل از بارداری در مراکز بهداشتی درمانی مشهد

فاطمه غفاری سردشت، فرزانه جعفرنژاد

نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد مامایی ، دانشگاه علوم پزشکی مشهد ، دانشکده پرستاری مامایی مشهد
پست الکترونیک: *Ghaffarif891@gmail.com*

زمینه و هدف: تامین موفقیت آمیز سلامت مادران و کودکان بدون اداره مناسب مادران در قبل از بارداری امکان پذیر نمی باشد . همچنین در یک مجموعه مراقبتی ، کارکنان افرادی هستند که به طور مستقیم با مهارت ، عملکرد و نحوه رفتارشان بر روی مراقبتهای بهداشتی اثرگذار می باشند . از این رو این مطالعه با هدف تعیین سازماندهی نیوری انسانی ارائه دهنده مراقبتهای قبل از بارداری در مراکز بهداشتی درمانی انجام شده است .

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی 22 مرکز بهداشتی درمانی به روش نمونه گیری چند مرحله ای برای شر کت در پژوهش انتخاب شدند . ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه مشخصات مراکز بهداشتی درمانی و سازماندهی پرسنل بهداشتی مراکز بود .

یافته‌ها: نتایج نشان داد که در کلیه مراکز بهداشتی درمانی پزشک و مراقب بهداشتی(ماما یا بهداشت خانواده) جهت ارائه مراقبتهای قبل از بارداری وجود داشت ولی دندانپزشک در 77/3 درصد و مسئول آزمایشگاه در 40/9 درصد مراکز بهداشتی درمانی موجود بود . همچنین اینکه مراقب بهداشتی و پزشک در 100 درصد موارد ولی دندانپزشکان در 59/1 درصد موارد و آزمایشگاهها در 40/9 درصد موارد در تمام روزهای هفته مشغول به ارائه خدمت بودند .

نتیجه‌گیری: پس از اجرایی شدن نخستین اقدامات مراقبتی قبل از زایمان ، کم کم این تفکر شکل گرفت که در زنجیره منظم مراقبت مادری شکافی وجود دارد و مراقبتهای قبل از بارداری به عنوان حلقه گمشده این زنجیره می تواند ، ارتقای نتایج حاملگی، تولد و سلامت کودکان را به دنبال داشته باشد . ولی علی رغم اهمیت ارائه این مراقبتها ، به دلیل اینکه هنوز آگاهی عمومی نسبت به لزوم دریافت این مراقبتها در سطح بالایی قرار ندارد ، مراجعه به سایر مراکز جهت کامل کردن سیر مراقبتهای پیش از بارداری توسط مراجعین در حدود بیش از نیمی از موارد صورت نمی گیرد و این امر موجب ناقص ماندن فرمهای پیش از بارداری مراکز گردیده است ، همانطور که در مطالعه حاضر نیز این نتایج مشهود بود . از این رو با توجه به اینکه هر مرکز بهداشتی درمانی چندین پایگاه بهداشتی و جمعیت بسیاری را تحت پوشش خود دارد ، تجهیز این مراکز از نظر نیروی انسانی متناسب با تعداد جمعیت تحت پوشش توصیه می گردد .

واژه‌های کلیدی: نیروی انسانی ، مراقبتهای قبل از بارداری ، مراکز بهداشتی درمانی

بررسی مقایسه ای فعالیت‌های آموزشی گروهی ارتقاء سلامت و ترویج سبک زندگی سالم در مراکز بهداشتی درمانی و خانه های بهداشت شهرستان طبس در سال 1392

محمدرضا حکیمیان ، داود مصطفایی

نویسنده مسئول: کارشناس مسئول آموزش سلامت ، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و کارشناس سلامت روان مرکز بهداشت شهرستان طبس
پست الکترونیک: *mr.hakimian@bums.ac.ir* ، *mostafaii@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: آموزش سلامت بعنوان یکی از وظایف محوری کلیه کارکنان بهداشتی در کلیه سطوح مورد توجه بوده و برگزاری جلسات آموزشی برای گروههای هدف مختلف به منظور ارتقاء سطح سلامت و ترویج سبک زندگی سالم ، در صدر فعالیتهای بهداشتی قرار دارد . هدف از این پژوهش بررسی فراوانی و مقایسه آموزش های گروهی ارتقاء سلامت و ترویج سبک زندگی سالم انجام شده در سطح مراکز بهداشتی درمانی و خانه های بهداشت شهرستان طبس می باشد.

روش تحقیق: نمونه مورد بررسی در این تحقیق ، آموزشهای گروهی ثبت شده در نرم افزار آموزش سلامت در سال 1392 بوده و اطلاعات و داده های مورد نیاز از نرم افزار مذکور استخراج و فاکتورهایی از قبیل : فراوانی آموزشها ، گروه های هدف ، موضوع آموزشی ، آموزش دهندگان ، شیوه آموزشی و.. مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت .

یافته‌ها: تعداد کل افراد آموزش دیده 52835 نفر بوده که بیش از دو سوم آنها را زنان تشکیل می دهند . بیشترین تعداد جلسات در رابطه با موضوعات بیماریهای غیر واگیر بوده و کمترین تعداد جلسات آموزشی با موضوعات بهداشت حرفه ای برگزار شده است .
همچنین متوسط تعداد جلسه آموزشی برگزارشده به ازای هر نفر نیرو بهداشتی درمانی در کلیه مراکز 16 جلسه بوده است . بیشترین مخاطبان جلسات آموزش را دانش آموزان تشکیل میدهند و کمترین مخاطبان را خانواده بیماران شامل می شود .
بیشترین روش آموزشی مورد استفاده در جلسات آموزش گروهی سخنرانی (52%) و کمترین روشهای مورد استفاده ، ایفای نقش ، نمایش وتمرین عملی (3%) می باشد

نتیجه‌گیری: این پژوهش موید این مطلب است که وضعیت آموزشهای گروهی ارائه شده در مراکز و خانه های بهداشت می بایست بصورت فصلی مورد بررسی قرار گرفته و درصورتیکه موضوعات ، گروههای هدف و یا بعضی از روشهای آموزشی که با جلب مشارکت فراگیران تاثیرگذاری بیشتری دارند مغفول واقع شده در برنامه ریزی های بعدی مورد توجه قرار گیرد .

واژه‌های کلیدی: ارتقا سلامت ، آموزش گروهی ، شیوه های آموزشی ، سبک زندگی سالم

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی ارتباط هماتوکریت مادر با وزن نوزاد هنگام تولد و خطر زایمان با وزن کم

دکتر بیتا بیجاری، بیتا امیری، هما حیدری

نویسنده مسئول: استادیار پزشکی اجتماعی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند ، ایران
پست الکترونیک: *Email :bitabijari@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: نوزادان متولد شده با وزن کمتر از 2500 گرم به هر دلیل علاوه بر داشتن احتمال بیشتر مرگ و میر در دوران نوزادی در صورت زنده ماندن نیز می توانند در معرض ابتلاء بیشتر به مواردی چون سوء تغذیه و یا بیماری های گوناگون باشند. بروز تولد نوزاد کم وزن یکی از شاخصهای مهم سلامتی است. شناخت علل اصلی منجر به تولد نوزاد کم وزن و ارایه راهکارهای عملی با توجه به شرایط و منابع موجود از عوامل موثر در کاهش مرگ و میر نوزادان خواهد بود. این مطالعه با هدف تعیین ارتباط هماتوکریت مادر با وزن نوزاد هنگام تولد در نوزادان متولد شده شهر بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی (توصیفی تحلیلی) پس از هماهنگی با مرکز بهداشت شهرستان به 9 مرکز بهداشتی درمانی شهری و پایگاه شهری مراجعه شد و مادرانی که دارای پرونده مراقبت بهداشتی بودند و در سال 1390 زایمان کرده بودند بصورت چند مرحله ای(طبقه ای و تصادفی سیستماتیک) انتخاب شدند. مشخصات دموگرافیک مادران،هماتوکریت مادر در ابتدای بارداری و وزن هنگام تولد نوزاد از پرونده مادران استخراج شد و وارد چک لیستی که به همین منظور طراحی شده بود گردید.در موارد نقص در پرونده با مادر تماس گرفته شده و موارد ناقص بصورت تلفنی یا هنگام مراجعه مادر به مرکز تکمیل شد.

پس از تکمیل چک لیست ها داده ها وارد نرم افزار SPSS (15) شده و با استفاده از تستهای آماری کا اسکوئر و آزمون **T** مستقل در سطح معنی داری α=0/05 مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته‌ها: در این مطاله 1038 نوزاد شرکت داشتند. میانگین وزنی نوزادان مورد مطالعه 460/0 ± 3074/ 6 گرم بود. 54/5 درصد نوزادان پسر و 45/5 درصد بودند.در این مطالعه (9/9%)103 نوزاد دارای LBW بودند. تعداد (60/1%)624 نوزاد فرزند اول خانواده و (39/9%) 414 نوزاد فرزند دوم تا 6 خانواده بودند.

میانگین هماتوکریت در مادران نوزادان با وزن نرمال3/04±37/87 ودر مادران با نوزادان دارای وزن کم هنگام تولد 2/89±38/49 درصد بود که بطور معنی داری در این مادران بالاتر بود.(P=0/049)

شیوع LBW در مادران دارای هماتوکریت 36یا کمتر 9% ،در مادرانی که هماتوکریت 36تا39% داشتند7% و در مادران دارای هماتوکریت 39 و بالاتر 13/4% بود که این اختلاف از نظر آماری معنی داربود. (P=0/01)

نتیجه‌گیری: افزایش هماتوکریت بیشتر از میزان طبیعی نیز مانند کاهش آن می تواند با وزن کم هنگام تولد ارتباط داشته باشد. باتوجه به تأثیر هماتوکریت غیرطبیعی مادر بر پیآمدهای بارداری، باید با اطلاع رسانی مناسب مادران را به ویزیت های مرتب پره ناتال ترغیب نمود . همچنین برای شناسایی مادران آنمیک و یا دارای غلظت بالای هماتوکریت باید تأکید بیشتری شود تا با اقدامات در دسترس در زمان مناسب از تولد نوزاد کم وزن پیشگیری نمود.

واژه‌های کلیدی: هماتوکریت، وزن نوزاد هنگام تولد،LBW

بررسی رضایت‌مندی افراد از آموزش بهداشت از طریق بلوتوث

بی بی فاطمه باقرنژاد، زهرا یزدان دوست

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کارشناس مسئول آموزش سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ، بیرجند ، ایران

پست الکترونیک: *ftbagher@ bums.ac.ir*

زمینه و هدف: از جمله فناوری های استفاده شده در تلفن همراه سیستم انتقال اطلاعات توسط فناوری بلوتوث می باشد. بلوتوث به ارتباط بدون سیم با برد کوتاه اطلاق می شود این فناوری به دلیل رایگان بودن و استفاده آسان از آن مورد توجه بسیاری از کاربران قرار گرفته است . با وجود بلوتوث می توان ارسال و دریافت داده را به راحتی انجام داد.

امروزه استفاده از بلوتوث در عرصه اطلاع رسانی و سلامت گسترش یافته است ، هزینه اثر بخشی بالا و دسترس بلوتوث یک فرصت مناسب برای حوزه سلامت محسوب می شود و می تواند به عنوان یک منبع اطلاع رسانی بکار گرفته شود.

روش تحقیق: مطالعه حاضر از نوع توصیفی بوده و بر روی 70 نفر از کسانی که دارای معیارهای ورود (سن بالاتر از 15 سال ، سواد خواندن و نوشتن ، داشتن تلفن همراه و توانایی استفاده از خدمات تلفن همراه را داشتند) انجام گرفت. در ابتدای برنامه آموزشی به مراجعین از علاقمندان به شرکت در پژوهش رضایت و مشخصات و شماره تلفن آن ها گرفته شده و دو ماه بعد از طریق تماس تلفنی پرسشنامه تکمیل گردیده و نتایج تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: 54 درصد افراد مورد مطالعه به آسانی آموزش از طریق بلوتوث را دریافت کرده اند. 37 درصد افراد پیام بر ایشان جذاب بود. 20 درصد افرادی که پیام را دریافت کرده بودند پیام را برای دیگران ارسال کرده و 40 درصد درخصوص پیام دریافتی با فرد دیگری صحبت کرده بودند.

32 درصد افراد اعلام داشتند که مطلبی را از پیام یاد گرفته اند و 24 درصد بعد از خواندن پیام های ارسالی تصمیم به تغییر شیوه زندگی خود داده اند و 20 درصد تغییر رفتار داده اند. 90 درصد بعد از خواندن پیام های ارسالی تصمیم به تغییر شیوه زندگی خود داده اند و 20 درصد تغییر رفتار داده اند. 90 درصد افراد ترجیح می دادند که از طریق تلفن همراه SMS یا بلوتوث پیام های آموزشی دریافت کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به گسترش روز افزون استفاده از تلفن همراه و ضریب نفوذ بالای این فناوری در جامعه ، هزینه اثر بخشی بالای و در دسترس بودن استفاده از بلوتوث ، برنامه ریزی در جهت بکارگیری از این فناوری در ارتقای سطح دانش و بهبود عملکرد افراد جامعه و به تبع آن ارتقای سلامت جامعه ضروری می باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش بهداشت – رسانه دیجیتال – بلوتوث – ارتقای سلامت

بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی بیرجند

مریم سروش، مهناز سروش، راحله شهریاری

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشناسی بالینی و عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *E-mail: soroush@bums.ac.ir.*

زمینه و هدف: امروزه ، توجه به کیفیت زندگی از مقوله های بسیار مهم و مورد توجه بین محقیقن و پژوهش گران می باشد ،تا بدین وسیله ، بتوان قدرت اثرگذاری بیماری های جسمی روانی را بر روی توانایی انجام فعالیت های روزانه سنجید .زنان محور خانواده را تشکیل می دهند از این رو توجه به آن ها اهمیت ویژه ای دارد .لذا این مطالعه با هدف بررسی کیفیت زندگی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی بیرجند صورت گرفته است.

روش تحقیق: مطالعه ی حاضر یک بررسی مقطعی – تحلیلی می باشد .جامعه ی پژوهش کلیه ی زنان مراجعه کننده به واحد تنظیم خانواده شهربیرجند در سال91 بود که تعداد 330 نفر با استفاده از فرمول حجم نمونه انتخاب و با روش نمونه گیری چند مرحله ای مورد مطا لعه قرار گرفتند، برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه 36 سوالی سنجش کیفیت زندگی sf 36 استفاده گردید . بعد از جمع آوری داده ها وارد نرم افزار spss17 گردید .جهت تجزیه تحلیل داده ها از آزمون تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری کمتر از 0/05استفاده گردید.

یافته‌ها: میانگین سن افراد مورد مطالعه 31.43 بود و 66 درصد آنها تحصیلات دیپلم و بالاتر داشتند.30 درصد از زنان از کیفیت زندگی خود ناراضی بودند و کیفت زندگی آن ها در سطح پایینی قرار داشت . بیشترین و کمترین نمره به ترتیب به ابعاد سلامت روان و مشکلات جسمی تعلق داشت ، بین سطح تحصیلات ، تعداد فرزندان و سن افراد رابطه ی معنی دار در سطح کمتر از 5 درصد مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشانگر رابطه ی کیفیت زندگی و سطح تحصیلات در زنان می باشد بطوری که زنان بی سواد کمترین سطح کیفیت زندگی را دارا بودند و آگاهی باعث افزایش کیفیت زندگی می شود ، با توجه به نقش محوری زن در تحکیم خانواده و جامعه ی سالم توصیه می شود برنامه های اموزشی کوتاه مدت جهت افزایش آگاهی زنان طراحی و نیز با برنامه ریزی بلند مدت نسبت به افزایش سطح تحصیلات در زنان اقدام نمود .

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی – زنان - بیرجند

بررسی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن در زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره ازداوج بیرجند - 1393

زهرا امینی نسب، فریبا سلمانی مود، زهرا چهکندی

نویسنده مسئول: عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، کارشناس ارشد آموزش بهداشت ومسئول واحد سلامت خانواده و جمعیت مرکز بهداشت بیرجند

پست الکترونیک: *zahra.amini80@ bums.ac.ir*

زمینه و هدف: فرزندآوری یکی از مهمترین مؤلفه های علم جمعیت و از جمله موضوعاتی است که درحوزه مسائل اجتماعی، توجه زیادی را به خویش معطوف داشته است .به دلیل اهمیت تحولات جمعیتی ایران در چهار دهۀ اخیر، تغییر سیاستهای جمعیتی و تأثیر پذیری فرزندآوری ازعوامل اقتصادی، اجتماعی و ..، مطالعه حاضر به منظور بررسی عوامل دموگرافیک و گرایش به فرزند آوری زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره ازدواج شهرستان بیرجند در سال 1393 پرداخت.

روش تحقیق: جامعه آماری بررسی حاضر، شامل زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره ازدواج بوده که بر اساس فرمول کوکران، 100 نفر به روش نمونه گیری تصادفی مطبق انتخاب گردیده است. پرسشنامه وزارت بهداشت برای ایشان تکمیل و داده هادر نرم افزار spss وارد و بر اساس آزمونهای فراوانی ، توصیفی وهمبستگی تجزیه وتحلیل شد .

یافته‌ها: 13% مراجعین زیر 18سال و1% بالای 35 سال بودند. 40% زوجین تحصیلات دانشگاهی ، 58% شاغل و21% دارای منزل مسکونی قبل از ازدواج بودند.7% زوجین تمایل به داشتن یک فرزند و60% خواهان تنها دوفرزند بودند . 56% زوجین تمایل به داشتن فاصله سنی 3-2 سال بین فرزندان داشتند.40% زوجین سن 25 سال را برای ازدواج پسرها و39% سن 20 سال را برای خانمها مناسب می دانستند.46% زوجین درآمد زیر یک میلیون تومان در ماه داشته ، 24% دارای خودروشخصی و19% دارای رایانه بودند.بین گرایش به داشتن فرزند بیشتر و وضعیت اقتصادی همبستگی مثبت وجود داشت.مهمترین عامل مرتبط به داشتن فرزند را عوامل اقتصادی می دانستند. 6% زوجین مخالف بودند که داشتن فرزند باعث خوشبختی می شود.24% از مخالفین فرزند آوری در سال اول زندگی را بی اعتمادی نسبت به شریک زندگی اعلام کردند.

نتیجه‌گیری: در گذشته فرزندان به عنو ان سودآوران آینده تلقی می شدند، ولی امروزه به جهت عبور از جوامع سنتی به مدرن وحتی فراتر ازآن، چنین طرز تلقی از فرزندان کمرنگ ترشده و دیگر فرزندان نه تنها سودآور نیستند ، بلکه هزینه های فراوانی را به خاطر نداشتن شغل، بیکاری

خانواده ها تحمیل می نما یند .این امر باعث می گردد که بسیاری از افراد علیرغم میل باطنی خود تصمیم به کاهش فرزندآوری بنمایند، بنابراین می توان با رفع مشکلات اقتصادی افراد جامعه، استاندارد گرایش افراد مورد مطالعه را به فرزندآوری احیا کرد.

واژه‌های کلیدی: جوانان، فرزندآوری، مرکز مشاوره ازدواج، بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن در حسابداران دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

آسیه حقیقی مود

نویسنده مسئول: کارمند دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند
پست الکترونیک: *haghighi.2630@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: استرس شغلی یک پاسخ مضر جسمی و روحی است و زمانی رخ میدهد که نیازهای شغلی با توانایی ها، حمایت ها و نیازهای فرد شاغل همخوانی نداشته باشد. استرس شغلی علاوه بر اینکه می تواند برسلامت جسمی و روانی افراد تاثیر منفی بگذارد، باعث کاهش کارایی آن ها شده و بهره وری را در سازمان ها کاهش دهد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن در کارکنان مالی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال1393 انجام شد.

روش تحقیق: مطالعه حاضر توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی بوده و نمونه های مورد پژوهش را 95 نفر از حسابداران تشکیل دادند که به صورت سرشماری در مطالعه وارد شدند . شدت استرس شغلی با پرسشنامه استرس شغلی فیلیپ ال رایس اندازه گیری شد. این پرسشنامه دارای 57 ماده است که سه خرده مقیاس روابط بین فردی، وضعیت جسمانی و علایق شغلی را اندازه گیری می کند. نمره‌گذاری این آزمون در مقیاس لیکرت 5 گزینه‌ای به صورت (1= هرگز، 2= به‌ندرت، 3= گاهی اوقات، 4= اغلب و 5= بیشتر اوقات) انجام می‌شود. روایی و پایایی پرسشنامه استرس شغلی توسط حاتمی برروی275 نفر از معلمان تایید شده است. میزان پایای محاسبه شده با الفبای کرونباخ، 89% بدست آمد. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار spss,15 وارد و بوسیله آزمونهای آماری کای اسکوند،t-test منتقل و ANOVA در سطح 0/05 z % آنالیز شد.

یافته‌ها: شدت استرس شغلی در اکثریت حسابداران در حد شدید بود بطوریکه 95/8% نمونه های مورد پژوهش استرش شغلی بالا داشتند و تنها 3/2% نمونه ها استرس طبیعی داشتند.

همچنین شدت استرس شغلی در مردان کمی بیشتر از زنان بود بطوریکه 30/3% مردان و 28/3% زنان استرس شغلی در حد بالا را تجربه کرده بودند.

نتایج پژوهش نشان داد اختلاف معنی داری در میانگین نمره استرس شغلی در حیطه روابط بین فردی بر حسب محل خدمت وجود دارد (P=0/02) و آزمون توکی نشان داد که این میانگین در حسابداران شبکه شهرستانها(طبس ، بشرویه، فردوس، سرایان، قاین،درمیان ،سربیشه ، نهبندان) بطور معناداری بالاتر از ستاد دانشگاه (P=0/02) است.

نتیجه‌گیری: با توجه به بالا بودن شدت استرس شغلی در کارکنان حسابداری، برای سازمان ها ضروری است که با به کار گیری راه کارهای حمایتی از تاثیرات دراز مدت استرس شغلی بر کارکنان این حرفه که تعداد آنها در جامعه کنونی با توجه به نیازهای جامعه رو به افزایش است پیشگیری کنند.

واژه‌های کلیدی: استرس شغلی، سلامت جسمی و روانی، کارکنان حسابداری، عوامل استرس زا

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

مقایسه شاخص‌های بهداشتی مادر وکودک قبل وبعد از اجرای طرح پزشک خانواده شهرستان بیرجند

تکتم شفیعی، زهرا امینی نسب، علی برزگر اول

نویسنده مسئول: کارمند دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *t.shafiei@bums.ac.ir*

چکیده:

زمینه و هدف: برنامه پزشک خانواده از ابتدای سال 1384 تاکنون در مناطق روستایی و شهرهای با جمعیت کمتر از 20000 نفر در حال اجرا است ویکی از مهم ترین وظایف آن ارائه خدمات و مراقبت های اولیه بهداشتی است که بدون ارائه این خدمات نمی توان از اصطلاح پزشک خانواده برای ارائه صرف خدمات درمانی استفاده کرد، زیرا کلیه خدمات سلامت به جمعیت تحت پوشش در برنامه پزشک خانواده به شکل فعال ارائه می شوند .با توجه به این که سیمای سلامت یک جامعه بر اساس شاخص های سلامت آن جامعه سنجیده شده و گذر سلامت را بر اساس روند تغییرات این شاخص ها طی زمان برآورد می کنندا ز این رو پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی مقایسه شاخصهای بهداشتی قبل وبعد از اجرای طرح پزشک خانواده شهرستان بیرجند انجام گردید.

روش تحقیق: جامعه پژوهش عبارت است از کودکان زیر 5 سال و زنان 10-49 ساله شوهردار ساکن مناطق روستایی که تحت پوشش خانه بهداشت و مرکز بهداشت شهرستان بیرجند هستند اطلاعات جمعیت فوق الذکر توسط بهورزان استخراج و در زیج خانه های بهداشت گزارش و از مرکز بهداشت شهرستان جمع آوری و استخراج شده است . به منظور انجام این پژوهش میانگین هفت شاخص مرتبط با بهداشت مادران و کودکان (از جمله1-میزان مرگ‌ومیر نوزادان 2-میزان مرگ‌ومیر کودکان زیر یکسال3-میزان مرگ ومیر کودکان زیر 5 سال4- درصد متولدین با وزن کمتر از 2500 گرم5- درصد مرده زایی6-میزان مرگ مادران7 -پوشش تنظیم خانواده) پنج سال قبل از اجرای طرح (79 الی 83) با میانگین 9سال بعد از اجرای طرح پزشک خانواده (84 الی 92 با استفاده از آزمون t-test در سطح معنی داری$P<0.05$مورد مقایسه قرار گرفتند.

یافته‌ها: بررسی روند این شاخص‌ها از سال 79 الی92 نشان داد که اجرای برنامه پزشک خانواده تأثیر مثبتی بر تمامی شاخص‌های مورد مطالعه در این پژوهش بجز درصد متولدین با وزن کمتر از 2500 گرم داشته، تحلیل شاخص مشخص می کند ارتقاء اکثر شاخص های سلامتی با استقرار برنامه پزشک خانواده همزمانی دارد ازجمله کاهش مرگ و میر مادران و کودکان و بنظر می رسد این برنامه در ارتقاء شاخص های سلامتی موثر بوده است.

نتیجه‌گیری: با اجرای صحیح طرح پزشک خانواده و بهبود مراقبتهای بهداشتی طرح پزشک خانواده، می توان گامی موثر در جهت ارتقاءشاخصهای بهداشتی و بهبود سلامت جامعه و اقشار آسیب پذیر برداشت.

واژه‌های کلیدی: شاخصهای بهداشتی ،طرح پزشک خانواده ،بیرجند

تعیین رابطه سلامت جسمی، روانی،اجتماعی با خود مراقبتی در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

نرگس دیمه ور، محمد حسین نخعی، سیده سمیه اصغری، فاطمه قاسمی پور، بی بی فاطمه باقرنژاد حصارکی

نویسنده مسئول: کارشناس مسئول سلامت نوجوانان ، جوانان و مدارس معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

زمینه و هدف: سلامت رفاه کامل جسمی ، روحی ،روانی ،اجتماعی نه تنها نداشتن نقص و بیماری است هر انسانی ، به طور ذاتی توان و استعداد مراقبت از خود را دارد و خدمات سلامت در حد کمال یکی از وظایف و رسالت های نظام است این مطالعه به منظور تعیین رابطه سلامت جسمی، روانی،اجتماعی،سلامت روابط با خود مراقبتی سلامت در کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند درسال 93 انجام شد

روش تحقیق: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع همبستگی است مطالعه به روش سرشماری تعداد51 نفر از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی ابزار ارزیابی خود مراقبتی (سلامت)وزارت بهداشت که روایی و پایایی آن قبلا تایید شده است به روش خود ایفا تکمیل و داده ها در نرم افزار وارد و با استفاده از آزمون های توصیفیSPSS 18 آنالیز شد.

یافته‌ها: میانگین سنی گروه مورد مطالعه(7±39) سال بود میانگین نمره سلامت جسمی(3±36) سلامت روانی –رفتاری (3±54) ، سلامت اجتماعی، (10±64)، سلامت روابط (8±61)بود با توجه به مقدار بتا در سلامت جسمی (0/13) سلامت روانی –رفتاری (0/27) روابط اجتماعی (0/47)، سلامت روابط (0/37) بود .

نتیجه‌گیری: سلامت جسمی،سلامت روانی و رفتاری ،سلامت اجتماعی ،سلامت روابط در کارکنان با خود مراقبتی سلامت ارتباط قوی و مستقیم دارد از بین مولفه های خود مراقبتی ، سلامت اجتماعی پیش بینی کننده قوی تر می باشد که در ادارات باید توجه بیشتری به آن شود .

واژه‌های کلیدی: رابطه ،سلامت جسمی، روانی،اجتماعی،سلامت روابط، خود مراقبتی سلامت، بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی نگرش خانوارهای خراسان جنوبی در خصوص تغذیه در سال 1390

سیده سمیه اصغری

نویسنده مسئول: کارشناس تغذیه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *Asghari.nut@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: انجام مداخلات مناسب در زمینه سلامت تغذیه، نیازمند شناخت عوامل مؤثر بر سلامت و اهمیت و وسعت آنها است تا با سیاست گذاری و اجرای مناسب و مطلوب، منجر به ارتقای سلامت جامعه گردد .به منظور ارتقاء وضعیت تغذیه گروه‌های مختلف جامعه و نیز افزایش آگاهی و بهبود نگرش آنان ،ابتدا بایدشناخت کافی و دقیق از وضعیت رفتارهای تغذیه‌ای و میزان دانش، چگونگی نگرش و نحوه عملکرد خانوارها در خصوص تغذیه و عوامل مؤثر بر این وضعیت حاصل شود تا براساس این شناخت، مداخلات مربوطه طراحی شده و به اجرا گذاشته شود. به همین منظور این مطالعه طراحی شد تا با استفاده از نتایج آن بتوان مداخلات مؤثر جهت ارتقاء سلامت تغذیه‌ای خانوارها اجرا نمود

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی و جامعه آماری شامل تمامی خانوارهای شهری و روستایی استان بود. . نمونه‌گیری در سطح خانوارها از نوع نمونه‌گیری خوشه‌ای با اندازه خوشه‌های یکسان بود. بدین ترتیب که در هر استان 57 خوشه 8 نفری در مناطق شهری و روستایی بررسی شدند. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه ساختار یافته و با انجام مصاحبه با افراد واجد شرایط پاسخگویی در خانوارها جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: در مجموع 52/6 درصد خانوارها شهری و 47/4 درصد روستایی بودند.در خصوص اهمیت تغذیه و برنامه غذایی در سلامت انسان 99%نگرش مطلوب داشتند.نگرش لزوم استفاده از روغن مایع به جای روغن جامد در جامعه شهری و روستایی مطلوب و به ترتیب برابر 76%و 75%بود.همچنین نگرش خانوارها در خصوص استفاده روزانه از سبزی خوردن و سالاد در شهر 95%و در روستا 89%مشاهده شد.نگرش مطلوب در خصوص لزوم مصرف همیشگی نمک ید دار در طبخ غذا در شهر 93.7% ودر روستا 93، میباشد. نگرش در مورد استفاده از میوه ها به جای نان در هنگام گرسنگی در شهر و روستا به ترتیب 55.6%و54.4 %گزارش گردید.همچنین نگرش خانوارهای شهری در خصوص ارزش تغذیه ای بالاتر نان های سبوسدار نسبت به نان سفید 77.4% و در روستا 76.3%بود

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج حاصل نگرش خانواده ها در خصوص تغذیه در سال های اخیر با توجه به آموزش های ارائه شده افزایش یافته است اما در برخی موضوعات از قبیل اهمیت لبنیات کم چرب،مصرف نان های سبوسدار و روغن مصرفی نیاز به مداخلات بیشتر می باشد.

واژه‌های کلیدی: نگرش،تغذیه،خانوار،روغن،لبنیات،سبوس

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی فراوانی تداخلات غذا با داروهایی که قبل از غذا باید مصرف شوند در بیماران بستری در یک بیمارستان آموزشی در سال1391

مصطفی عبدالهی، شایسته صالحی، سعید اسلامی، اسماعیل عبدالهی، منصوره توسلی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد آموزش پرستاری،دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیمارستان شهید سید مصطفی خمینی طبس

پست الکترونیک: *Email:abdollahi_m@yahoo.com*

زمینه و هدف: یکی ازانواع تداخلات دارویی، تداخل دارو با غذاست.برخی مواد غذایی با دارو ها تداخل دارند و می توانند سبب ایجاد فعل و انفعالات ناخواسته واحتمالا خطرناک شوند.این مطالعه با هدف تعیین فراوانی تداخلات غذا با داروهایی که قبل از غذا باید مصرف شوند در بیماران بستری انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی بر روی400 بیمار دارای شرایط بستری در بخش داخلی بیمارستان قائم(عج) مشهد در اسفند ماه1391 انجام شد.بیمارانی که داروی خوراکی و دستور غذایی داشتند وارد مطالعه شدند. بیمارانی که غیر هوشیار بودند ازمطالعه حذف شدند. دراین پژوهش نمونه گیری به روش سرشماری انجام شد.ابزار گردآوری اطلاعات چک لیست محقق ساخته مشتمل بر دو بخش که بخش اول اطلاعات دموگرافیک،و بخش دوم چک لیست تداخلات غذا و داروی 19 داروی پر مصرف بخش داخلی به روش پرسش و پاسخ بود.جهت تعیین روایی، چک لیست موردنظر دراختیار 10 نفراز اساتید واعضای هیات علمی دانشگاه قرارداده شد و نظرات تکمیلی آنهادراصلاح پرسشنامه نهایی اعمال گردید. باتوجه به اینکه ابزار پژوهش یک چک لیست محسوب میشود بررسی پایایی ضرورت نداشت وچک لیست براساس دستورالعملهای استاندارد است.داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزارآماری spss نسخه18و آزمونهای آماری توصیفی(میانگین،انحراف معیار) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: ازبین400 بیماربررسی شده 178نفر(44/5٪) مرد و222نفر(55/5٪) زن بودند ومیانگین سنی شرکت کنندگان 47/8 سال بود.49/2% شرکت کنندگان دارای مدرک تحصیلی سیکل،29/8%دارای مدرک تحصیلی دیپلم ،21% شرکت کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند از نظر مصرف صحیح دارو (با معده خالی)داروهای امپرازول و کلیندیوم سی به ترتیب با فراوانی های 72/1% و 56/6% از بالاترین فراوانی و داروهای نیتروکانتئین ، کاپتوپریل و فروس سولفات به ترتیب با فراوانی های 0%، 13/3% و 16/2% از کمترین فراوانی و بیماران داروهای فوق را با معده پر مصرف می کردند.

نتیجه‌گیری: بطور کلی از یافته های پژوهش می توان دریافت که میزان رعایت استاندارد های جلوگیری از تداخل غذا ودارو در بیماران بستری از نسبت بالایی برخوردار نبوده لذا می توان گفت که در این زمینه ابتدا باید اهمیت بالینی و بالقوه تداخل غذا و دارو در مورد هر بیمار به وسیله پزشک،پرستار،داروساز و کارشناس تغذیه که اعضای تیم درمان هستند در جهت ایجاد یک رژیم درمانی مناسب شناخته شود. تا با ارتقاء میزان رعایت استانداردهای تداخل غذا و دارو،اثر بخشی دارو افزایش یابد.

واژه‌های کلیدی: تداخل غذا و دارو،دارو درمانی، بیمار

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در ارتقای سلامت و سبک زندگی

بررسی میزان خود کارآمدی مادران کودکان 1 تا 59 ماهه شهر بیرجند در زمینه مراقبت از کودکان در پیشگیری از حوادث

زهرا وحدانی نیا، عفت اعزامی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *vahdane@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: خودکارآمدی باور فرد در توانایی هایش جهت عملکرد موثر در یک رفتار خاص است این مهارت تعیین کننده این است که افراد تا چه مدت قادر به مقاومت در مقابل دشواری ها خواهند بود. این مطالعه با هدف بررسی میزان خود کارآمدی مادران کودکان 1 تا 59 ماهه شهر بیرجند به عنوان عامل خود مراقبتی کودک در زمینه مراقبت از کودکان در پیشگیری از حوادث انجام شده است
روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی 60 نفر از مادران مراجعه کننده به 4 پایگاه شهر بیرجند انجام شده و توانمندی آنان در 3 حیطه آگاهی ، نگرش و عملکرد ، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی و پایایی آن به اثبات رسیده بود (α=0/3) جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از آزمونهای کای اسکوئر، تی تست مستقل و آزمونهای محاسبه میانگین صورت گرفت.
یافته‌ها: این تحقیق نشان داد که میانگین سن مادران 5/1 ±29سال و میانگین سن کودکان 16/8 ±22/8 ماه بود. 25% مادران شاغل و 75% خانه دار بودند. 16% دارای تحصیلات ابتدایی ، 48% تحصیلات متوسطه و 35% مادران دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. بررسی میانگین نمرات نشان داد که خودکارآمدی مادران در زمینه مدیریت حوادث کودکان در زمان وقوع آن و دسترسی اهداف تعیین شده در زمینه پیشگیری از حوادث کودکان در حد مطلوبی نبوده و لی در مجموع آنان توانستند 77% نمره کل خودکارآمدی را کسب نمایند.
نتیجه‌گیری: با توجه به پایین بودن سطح خود کارآمدی مادران در برخی موارد مانند مدیریت حوادث ، توانمندسازی آنان می بایست به صورت هدفمند صورت پذیرد.
واژه‌های کلیدی: خودکارامدی، مادر، کودک

تاثیرتدریس مبتنی بر جامعه بهداشت محیط بر شناخت و نگرش دانشجویان

فرح مادرشاهیان، محسن حسن آبادی

نویسنده مسئول: مربی عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی بیرجند. بیرجند
پست الکترونیک: *f_madarshahian@yahoo.com*

زمینه و هدف: آموزش علوم پزشکی نیازمند رویکردهای ابتکاری تدریس مانند آموزش جامعه محور است که با نیازهای شغلی آینده دانشجو در جامعه متناسب است. تدریس جامعه محور موجب تربیت دانشجویانی با تمرکز بر مردم می گردد که در جهت خود توانمندسازی، تغییر نگرش ها، رفتارها و بهبود خودآگاهی افراد جامعه فعالیت نموده و مهارت های شغلی ارتقاء سلامت، پیشگیری و درمان بیماری در آنان افزایش می یابد. این رویکرد موجب توانمندی دانشجویان در یادگیری مستقل از طریق مشاهده و ارزیابی مستقیم عوامل تعیین کننده سلامت می گردد. هدف از انجام این مطالعه تعیین تاثیرتدریس مبتنی بر جامعه بهداشت محیط بر شناخت و نگرش دانشجویان بود.

روش تحقیق: در این مطالعه نیمه‌تجربی دانشجویان ترم5 رشته پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به روش سرشماری در سال 1391 انتخاب و جهت تدریس بهداشت‌محیط بصورت جامعه‌محور و بحث‌گروهی به2گروه 36نفری آزمون و شاهد اختصاص داده شدند. مداخله شامل تدریس مشکلات بهداشتی، پژوهش و آموزش پیشگیری بروسلوز/هپاتیت/ایدز در مشاغل پرخطر بود. با دو پرسشنامه نمرات نگرش دانشجویان و شناخت انان ازعلل‌محیطی بروسلوز/هپاتیت/ایدز سنجش شد. داده ها با نرم افزارSPSS16 و آزمونهای مجذورکای، T-مستقل وTزوجی تجزیه‌وتحلیل گردید.

یافته‌ها: بعد از مداخله میانگین نمره کل نگرش ($p<0/002$) و شناخت گروه آزمون از بهداشت محیط($p<0/045$) و علل محیطی بروسلوز/هپاتیت/ایدز بیشتر از گروه شاهد بود($p<0/032$).

نتیجه‌گیری: تدریس جامعه محور بهداشت محیط، طراحی و اجرای پیشگیری از بیماری ها در ارتقاء رضایت و شناخت دانشجویان موثر بود و بدین منظور پیشنهاد می گردد.

واژه‌های کلیدی: تدریس جامعه محور، رضایت از تدریس، بهداشت محیط، آموزش بهداشت، پزشکی اجتماعی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی میزان احساس غربت دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

فاطمه زرشناس، عارف اخوان، بی بی نرگس معاشری

نویسنده مسئول: کارشناسی بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *fatemehzarshenas@yahoo.com*

زمینه و هدف: زندگی دانشجویی شرایطی تازه است که برای دانشجویان جدید تنیدگی های خاص خود را به همراه دارد که یکی از آنها احساس غربت است . پدیده احساس غربت عبارت است از وضعیت پیچیده شناختی ، انگیزشی و هیجانی خاص که با اشتغالات ذهنی فراوان در مورد محیط قبلی و تمایل به بازگشت به سمت آن همراه است و معمولا با خلق افسرده و علائم مختلف روانی تنی تجربه می شود علاوه بر آن احساس غربت می تواند منجر به مشکلات تحصیلی ، حواس پرتی ، عزت نفس پایین و ... گردد بنابراین توجه به این پدیده و بررسی آن می تواند در پیشگیری از این اختلالات موثر واقع شود و از آنجایی که مطالعه ای در این زمینه انجام نشده ؛ لذا بر آن شدیم که مطالعه ای با عنوان تعیین میزان احساس غربت دانشجویان براساس متغیر های دموگرافی انان انجام دهیم

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی تحلیلی ، با استفاده از فرمول حجم نمونه ،تعداد 400 نفر از دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه علوم پزشکی بیرجند که شرایط ورود به مطالعه را داشتند به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند . در این پژوهش از پرسشنامه استاندارد احساس غربت آرچر(دلبستگی ،نارضایتی از بودن در دانشگاه، احساس غربت)استفاده گردید . اطلاعات جمع آوری شده از طریق پرسشنامه کدبندی و وارد کامپیوتر شده سپس در نرم افزار spss مورد تجزیه وتحلیل قرار گرفت. در قسمت آمارتوصیفی از شاخص های میانگین ، انحراف معیار و فراوانی و در قسمت آمار تحلیلی از آزمونهایTتست ،آنالیز واریانس یکطرفه ، ضریب همبستگی پیرسون (بدلیل نرمال بودن برخی داده ها) و آزمون من ویتنی ،کروس کالوالیس و اسپیرمن (بدلیل نرمال نبودن برخی داده ها) استفاده گردید و $p<0/05$ به عنوان سطح معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد که میانگین نمره دلبستگی در دختران و متاهلین بطور معنی داری بیشتر از گروه های دیگر بود($p<0/05$) ،احساس غربت در دانشجویانی که سابقه دوری از خانواده دارند بطور معنی داری بیشتر بود($p<0/028$) ،یافته ها همچنین نشان داد که اختلاف معنی داری بین میانگین نمره دلبستگی و احساس غربت با معدل ترم گذشته آنان وجود داشت و هرچه تعداد نیمسال های مشروطی بیشتر ، میزان نارضایتی از بودن در دانشگاه بیشتر بود($p<0/04$) ، و دانشجویانی که بیشتر احساس غربت میکردند بطور معنی داری احساس ناراحتی از بودن در دانشگاه را بیشتر نشان میدادند($p<0/001$).

نتیجه‌گیری: میانگین نمره احساس غربت در دانشجویان$16/8\pm 71/2$ بود که نشان دهنده نمره بالای احساس غربت در دانشجویان است، با توجه به بالا بودن میزان احساس غربت و بالا بودن میزان دلبستگی دختران دانشجو و دانشجویان متاهل به خانواده هایشان ،پیشنهاد ایجاد امکانات رفاهی و تفریحی بیشتری در دانشگاه میشود ، همچنین مسئولین ذیربط توجه بیشتری جهت نقل و انتقالات دانشجویانی که از این اختلال رنج بیشتری میبرند ،نمایند.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی ، احساس غربت ، دانشجویان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی ارتباط بین رضایت و انگیزش شغلی در پرستاران بیمارستان‌های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی شهر بیرجند سال 1393

سمیه شاهیوندی، مصطفی روشن زاده، طاهره خزاعی

نویسنده مسئول: کارشناس اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *s.shhivandi1192@gmail.com*

زمینه و هدف: رضایت شغلی می تواند تاثیر مهمی بر عملکرد پرستاران داشته باشد و در این میان انگیزش عامل مهمی بر رضایت شغلی بحساب می آید. لذا مطالعه ی حاضر با هدف بررسی ارتباط بین رضایت و انگیزش شغلی در پرستاران بیمارستانهای آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شده است.

روش تحقیق: پژوهش حاضر مطالعه ای مقطعی از نوع توصیفی- تحلیلیاست. که بر روی252 نفر از پرستاران که به روش سرشماری انتخاب شدند صورت گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه های استاندارد رضایت شغلی هرزبرگ و انگیزش شغلی هکمن و الدهام بود که توسط واحدهای مورد پژوهش تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزارspssو آمارهای توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: بین رضایت و انگیزش شغلی پرستاران مورد مطالعه رابطه ی مثبت و معنی داری وجود داشت.($r=1$ ،$p<0/001$) اکثریت پرستاران شرکت کننده در این مطالعه دارای رضایت شغلی متوسط(80/2 درصد)و انگیزش شغلی متوسط(84/1 درصد) بودند. بین متغیرهای انگیزش و رضایت شغلی با جنس، وضعیت تاهل، وضعیت استخدامی و سابقه ی کار ارتباط آماری معناداری وجود داشت.($p<0/005$)

نتیجه‌گیری: با توجه به ابعاد و ارتباط رضایت و انگیزش شغلی در پرستاران، پیشنهاد می شود که: جهت افزایش رضایت و انگیزش پرستاران، عواملی مانند افزایش دستمزد و مزایا و بهبود شرایط فیزیکی کار توسط مدیران و برنامه ریزان مدنظر قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: رضایت شغلی، انگیزش شغلی، پرستاران، بیمارستان های آموزشی

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی مقایسه‌ای سلامت روان بیماران مبتلابه دیابت با افراد سالم

عباس جوادی، مریم فرسی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *farsi@yahoo.com*

زمینه و هدف: بیماری دیابت از جنبه های فردی، اجتماعی و اقتصادی، بیماری پر هزینه‌ای است. و محدودیت های بسیاری را از قبیل اجبار درتزریق مکرر انسولین، تامین هزینه آن،لزوم رعایت رژیم غذایی، عفونت‌های مکرر، احتمال بستری شدن در بیمارستان به علت عوارض بیماری و همچنین محدودیت‌های مختلفی را در زمینه امور خانواده و اشتغال برای فرد مبتلا ایجاد می‌نماید. از آنجا که تعداد کمی از محققین به بررسی ابعاد روانی بیماری دیابت پرداخته اند، لذا پژوهش حاضر به مقایسهٔ سلامت روان افراد مبتلا به دیابت با افراد سالم می پردازد.

روش تحقیق: این پژوهش یک مطالعه توصیفی– مقایسه ای است که با شرکت 61 بیمار مبتلا به دیابت و 61 فرد سالم که در ویژگی‌های دموگرافیک هم همسان (Match) شده بودند انجام شد. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامهٔ 28 سوالی سلامت روان (GHQ) است که از همسانی درونی مناسب و روایی کافی برای سنجش میزان سلامت عمومی برخوردار می باشد.داده ها پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار آماری16 SPSSو در سطح معنی داریکمتر از 0.05مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره سلامت روان در افراد دیابتی مورد مطالعه 21/38±10/56و میانگین نمره سلامت روان در افراد سالم23/31±11/62بود. همچنین، میانگین نمره سلامت روان و مولفه های آن (نشانه های بدنی،اضطراب و بی خوابی،نارساکنش ورزی اجتماعی،افسردگی و سلامت روان)در افراد دیابتی و سالم مورد مطالعه تفاوت معنی داری نداشت (p>0/05).

نتیجه‌گیری: از آنجا که افراد مبتلا به دیابت با تغذیه مناسب، کنترل مقدار انسولین، استفاده صحیح و به موقع دارو، ورزش، اشتغال و... می توانند مانند سایر افراد سالم زندگی کنند، سلامت روان آنان می تواند با سلامت روان سایر افراد جامعه تفاوتی نداشته باشد. در عین حال سلامت روان این گروه از افراد جامعه به دلیل اینکه از نظر تغذیه و تاحدودی وضعیت جسمانی با افراد سالم جامعه تفاوت دارند، باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. چرا که اگر از نظر روانی آسیب ببینند، در کارکردآن ها در خانواده و محیط کار اختلال ایجاد شده و با مشکلات اجتماعی و روانی مواجه خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: سلامت روان، بیماران مبتلا به دیابت، افراد سالم

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

بررسی رابطه بین سرسختی روانشناختی با فرسودگی شغلی کارکنان دستگاه‌های اجرایی شهرستان بیرجند در سال1392

علی کاظمی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان.
پست الکترونیک: *s68kazemi@yahoo.com*

زمینه و هدف: سرسختی روانشناختی مجموعه‌ای متشکل از ویژگی‌های شخصیتی در نظرگرفته شد که در رویارویی با حوادث فشارزای زندگی به عنوان منبعی از مقاومت، همانند سپری محافظ عمل می‌کند و افراد واجد آن می‌توانند به گونه‌ای کارآمد با چالش‌ها و فشار زندگی مقابله کنند. همچنین، فرسودگی شغلی متغیر دیگری است که در یک فرد شاغل به وجود می‌آید و پیامدی از فشار شغلی دایم و مکرر است- ،بر این اساس، هدف‌این‌تحقیق‌تعیین‌رابطه بین سرسختی روانشناختی با فرسودگی‌شغلی‌کارکنان دستگاه‌های اجرایی شهرستان بیرجند درسال 1392 بود.

روش تحقیق: این‌مطالعه براساس‌هدف‌کاربردی وبراساس ماهیت از نوع توصیفی‌و همبستگی است.جامعه مورد بررسی تحقیق شامل کلیه کارکنان دستگاه‌های اجرایی شهرستان بیرجند می‌باشند. نمونه مورد بررسی بر اساس فرمول کوکران 356نفر برآورد و به‌روش نمونه‌گیری تصادفی‌طبقه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری‌اطلاعات از دوپرسشنامه تجدیدنظر شده، پرسشنامه سرسختی روانشناختی و پرسشنامه - فرسودگی‌شغلی استفاده شد.روایی این پرسشنامه‌ها به ترتیب(0/81)و(0/77)به‌دست‌آمد.برای تعیین پایایی‌پرسشنامه سرسختی روانشناختی، پرسشنامه فرسودگی شغلی‌ازآلفای کرونباخ استفاده شدکه میزان پایایی به ترتیب(0/78)،(0/86) به‌دست آمد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSSواز آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن‌استفاده شده است.

یافته‌ها: افراد مورد بررسی 171 نفر(48درصد)مرد و 185نفر(52درصد)زن بودند. بین سرسختی‌روانشناختی با فرسودگی‌شغلی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پیشنهادمی‌شودکه کارگاه های آموزشی با هدف ارتقا مهارت های کارکنان در وظایف شغلی که به عهده دارند برگزار گردد.

واژه‌های کلیدی: سرسختی‌روانشناختی ، فرسودگی‌شغلی

مطالعه ادغام برنامه بهداشت روان در سیستم مراقبت بهداشتی اولیه در استان خراسان جنوبی

دکتر علی اکبر اسماعیلی، بهروز کاظمی، دکتر کامبیز مهدی زاده، دکتر محمدرضا میری

نویسنده مسئول: متخصص روانپزشکی ، استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *esmaeili67@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: بهداشت روان بخشی از بهداشت عمومی است که ادغام برنامه های بهداشت روان درسیستم مراقبت های بهداشتی اولیه شبکه های بهداشتی کشور از سال 1367 اغازگردید. هدف اختصاصی ان بیماریابی و پیگیری درمان اختلالات روانی (شامل اختلال های روانی شدید ، خفیف،صرع،عقب ماندگی ذهنی و اختلالات رفتاری کودکان) به طور فعال می باشد. علیرغم بیش از 25 سال ازاجرای این برنامه به علل مختلف هنوز در بعضب از مناطق کشور این برنامه بطور کامل پوشش خدمات فوق انجام نمیگردد .مطالعه حاضر مطالعه فعالیت گسترش و پوشش ادغام بهداشت روان در شبکه بهداشتی استان خراسان جنوبی در سال 1393جهت بررسی وضعیت موجود می باشد .

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی –مقطعی می باشد .در این مطالعه اطلاعات تعدادمراکز بهداشتی و درمانی شهری و روستایی ،پایگاههای بهداشتی و خانه های بهداشت اجرا کننده برنامه بهداشت روان از واحدهای بهداشت روان شبکه های بهداشت و درمان شهرستانهای خراسان جنوبی ارسالی به واحد سلامت روانی ، اجتماعی و اعتیاد معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند مورد بررسی و مطالعه قرارگرفت.

یافته‌ها: در بررسی بعمل امده از مجموع 298071 نفر جمعیت روستایی تعداد270983 نفر که 91% افراد مشمول خدمات را شامل میگردد از ادغام برنامه بهداشت روان در سیستم مراقبت های بهداشتی شبکه استفاده می نمایند. از مجموع67 مرکز بهداشتی ودرمانی روستایی تعداد61 مرکز بهداشتی و درمانی روستایی و از مجموع 318 خانه بهداشت 287 خانه بهداشت ارایه دهنده برنامه های بهداشت روان می باشند .اجرای ادغام برنامه های بهداشت روان درمراکز بهداشتی درمانی روستایی شهرستانهای بشرویه ،درمیان،سرایان،سربیشه،فردوس،قاین،طبس و نهبندان 100% و در بیرجند95% ،زیرکوه 31% و در خوسف 92% میباشد . اجرای برنامه بهداشت روان درسیستم مراقبت های بهداشتی اولیه مناطق شهری از مجموع 440781 نفر جمعیت شهری استان خراسان جنوبی 384911 نفر(88%) استفاده می نمایند .از مجموع 33 مرکز بهداشتی ودرمانی شهری 30 مرکز و از مجموع 48 پایگاه بهداشتی تعداد 40 پایگاه ،ارایه دهنده خدمات بهداشت روان درسیستم مراقبت های اولیه بهداشتی در مناطق شهری می باشند . اجرای ادغام برنامه های بهداشت روان در نظام مراقبت های اولیه بهداشتی درمناطق شهری بشرویه، بیرجند، درمیان ، خوسف، سربیشه ، فردوس ، قاین و نهبندان 100% و در زیرکوه 13% ، سرایان 41% و طبس 21% می باشد .

نتیجه‌گیری: دراین مطالعه مشخص گردید که علیرغم چندین سال از شروع اجرای ادغام برنامه های بهداشت روان در سیستم مراقبت های اولیه بهداشتی هنوز پوشش جمعیتی برخوردار از این سیستم خدمات مراقبت اولیه بهداشتی کامل نیست و اجرای این برنامه در مناطق روستایی درمقایسه با مناطق شهری بیشتر و در چند شهرستان بخصوص مناطق شهری اجرای برنامه نسبت به سایر شهرستانهای استان کمتر می باشد . که جهت بررسی موانع اجرای ادغام کامل برنامه های بهداشت روان در سیستم مراقبت های اولیه بهداشتی شبکه های بهداشت استان خراسان جنوبی نیاز به مطالعات بیشتر می باشد.

واژه‌های کلیدی: مراقبت بهداشتی اولیه، بهداشت روان ، ادغام

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در اختلالات روانی، رفتاری و اعتیاد

اثربخشی درمان شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر کاهش اضطراب بارداری مادران در بارداری اول شهر طبس

داود مصطفایی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روانشاسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک *mostafaii@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: اضطراب به عنوان یک عامل مؤثر بر طول دوره بارداری شناخته شده است . به علت کمبود مطالعه مشابه در ایران، این پژوهش با هدف" تعیین اثربخشی درمان شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر کاهش اضطراب مادران در بارداری اول شهر طبس" طراحی گردید.

روش تحقیق: این مطالعه نیمه تجربی ، 108 مادر بارداری که اولین تجربه حاملگی را داشته، در ماه 2 تا 7 بارداری بوده و تحت پوشش مراقبت های بارداری در مرکز شماره یک و دو شهری طبس قرار داشتند و همچنین سابقه سقط و بیماری روانی شناخته شده ای نداشتند با استفاده از پرسشنامه اضطراب بارداری مورد بررسی قرار گرفتند و سطح اضطراب آنها سنجیده شد. سپس به طور تصادفی 30 نفر که دارای اضطراب متوسط و بیشتر بودند به دو گروه 15 نفره تقسیم شدند. افراد گروه مداخله افزون بر مراقبتهای معمول دوران بارداری در 8 جلسه 90 دقیقه ای درمان شناختی رفتاری توسط محقق و کارشناس مامایی مرکز بهداشت آموزش داده شدند و 15 نفر دیگر (گروه گواه) تنها از مراقبتهای عادی دوران بارداری برخوردارگردیدند .

افراد دو گروه بعد از یک ماه از آخرین جلسه درمانی مجددا مورد سنجش پرسشنامه اضطراب بارداری قرار گرفتند .جهت تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد .

یافته‌ها: روش درمان شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر کاهش اضطراب مادر در بارداری اول موثر است. رابطه این دو متغیر با آزمون تحلیل کواریانس مورد بررسی قرار گرفت . نتایج نشان می دهد که مقدار f در نمره پیش آزمون اضطراب بارداری [p‹0/0006 ،8/762 = f] و در گروه [0/0005› p ، 94/589 =f] می باشد. همچنین تفاضل میانگین نمره اضطراب بارداری گروه آزمایش در پیش آزمون و پس آزمون (12/67 - = 39/07 – 26/40) و این نمره در گروه کنترل (1/6 = 38/53 – 40/13) نشان دهنده تایید این فرضیه می باشد .

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که درمان شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر کاهش اضطراب بارداری در مادرانی که اولین تجربه بارداری را دارند موثر بوده و بطور معنی داری موجب کاهش میزان اضطراب گردیده است. همچنین این تاثیر در سه خرده مقیاس اضطراب بارداری (نگرانی از سلامت جنین، نگرانی از بیان احساسات و روابط بین فردی، نگرانی از تغییر ظاهر جسمانی) مشهود می باشد .

مهمترین یافته کلی این تحقیق این است که اضطراب یکی از شایعترین مشکل روانشناختی دوران بارداری به خصوص مادرانی که اولین بارداری را تجربه می کنند بوده و میتوان آن را با ارائه آموزش و درمان شناختی رفتاری کاهش داد .

واژه‌های کلیدی: بارداری ، اضطراب بارداری ، درمان شناختی رفتاری

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی وضعیت افسردگی سالمندان روستایی شهرستان بیرجند

سکینه مسگر، محمد حسین نخعی، فاطمه گندمی

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت عمومی، کارشناس سالمندان مرکز بهداشت بیرجند
پست الکترونیک: *s.mesgar@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: طبق آمار سازمان بهداشت جهان تعداد سالمندان در کشورهای آ سیای جنوب غر بی (از جمله ایر ان)در سال 2000 حدود 7 % کل جمعیت بوده و این رقم تا سال 2030 به 15 % خواهد رسید (1)این مطالعه به منظور تعیین وضعیت افسردگی سالمندان روستایی بیرجند در سال 92 انجام شد.

روش تحقیق: تعداد 360 سالمند با استفاده از نمونه گیری تصادفی خوشه انتخاب و. پرسشنامه ای66 سوالی شامل 5 بخش ، الف) 11 سوال دموگرافیک ،ب)پرسشنامه 15 سوالی افسردگی سالمندان (ٔ GDS) که توسط مرکز تحقیقات سلامت خانواده و محیط مورد تایید قرار گرفت داد، ها جمع آوری سپس در نرم افزار SPSS19 وارد شد و ضمن ارائه آمار توصیفی با استفاده از آزمونهای آماری ، T- مستقل،Anovaمورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنی و انحراف معیار سالمندان مورد مطالعه (70/9±7/3) میانگین و انحراف معیار افسردگی (5/5±2/9) شد بر اساس مقیاس افسردگی سالمندانGDS 41/7 درصد سالم 46/9 درصد افسردگی خفیف و 11/4 درصد افسردگی شدید داشتند در مطالعه ما بین وضعیت تاهل ،تحصیلات ،سن ،شغل با افسردگی تفاوت معنی دار وجود داشت.

نتیجه‌گیری: بیش از نیم از سالمندان روستایی درجاتی از افسردگی خفیف تا شدید را دارند لذا توصیه می شود روانشناس در تیم مراقبت سالمند فعالانه عمل نماید و نقش درمان های غیر دارویی نظیر تمرینات آرام سازی ،درمانهای شناختی رفتاری پر رنگ تر گردد همچنین توصیه می شود سالمندان تا آخر عمر باید فعال باقی بمانند تا دچار افسردگی نشوند .

واژه‌های کلیدی: افسردگی ،سالمندان ،بیرجند

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی میزان آگاهی ،نگرش و عملکرد تغذیه ای دختران مقطع متوسطه دوم شهرستان فردوس در مورد بیماری پوکی استخوان

مریم نادری، یحیی محمدی

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت حرفه ای ، مسئول امور پژوهشی دانشکده پیراپزشکی وبهداشت شهرستان فردوس دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*naderilale@yahoo.com*

زمینه و هدف: سازمان جهانی بهداشت، در سال 1991 پوکی استخوان را به عنوان چهارمین دشمن اصلی بشر بعد از سکته قلبی، سکته مغزی و سرطان و مهم ترین علت شکستگی استخوان در جهان اعلام کرد. . این بیماری در ایران نیز شایع بوده و به نظر می‌رسد که حدود 9/4 درصد و 32/4 درصد زنان جمعیت سنی 20-69 ساله ساکن تهران مبتلا به استئوپروز ستون فقرات می‌باشند.باتوجه به شیوع بالای این بیماری در جامعه زنان و انجام اقدامات پیشگیرانه از سال‌های نوجوانی و جوانی، در جامعه ضروری به نظر می رسد؛ لذا این مطالعه با هدف تعیین میزان آگاهی ، نگرش وعملکرد دختران نوجوان شهرستان فردوس طرح ریزی گردید .

روش تحقیق: این مطالعه به روش مقطعی بر روی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان فردوس انجام شد. داده ها با پرسشنامه ای که روایی وپایایی آن در مطالعه دهقان منشادی وهمکاران بررسی شده بود به صورت سرشماری جمع آوری و با کمک نرم افزار spss16 تجزیه وتحلیل شد. میزان آگاهی ، نگرش وعملکرد نیز در سه سطح پایین ، متوسط وبالا دسته بندی شد.

یافته‌ها: میزان نمره آگاهی تغذیه ای ونگرش دختران مقطع متوسطه دوم شهرستان فردوس درمورد بیماری پوکی استخوان در رده بالا، و به ترتیب برابر 96/3 و92/7 درصد مشخص شد همچنین میزان عملکرد تغذیه ای آنها 60/7 درصد ومتوسط برآورد شد. میزان نمره KAP تغذیه ای در مورد بیماری پوکی استخوان در رده بالاو برابر 95/9 درصد ارزیابی شد. همچنین نتایج نشان داد که بین میزان نمره آگاهی و نگرش تغذیه ای دانش آموزان شرکت کننده و بین میزان نمره آگاهی و عملکرد تغذیه دانش آموزان ارتباط معنی دار بود(P<0/05). بین میزان نمره آگاهی ، نگرش و عملکرد تغذیه دانش آموزان شرکت کننده در طرح بر اساس مقطع تحصیلی ومدرسه محل تحصیل در مورد بیماری پوکی استخوان تفاوت معنی دار بود (P<0/05). اما بین میزان نمره نگرش و عملکرد تغذیه ای در دانش آموزان شرکت کننده در طرح ارتباط معنی داری وجود نداشت(P>0/05).

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که علی رغم سطح بالای آگاهی ونگرش تغذیه ای در این دانش آموزان عملکرد افراد در حد میانه قرار دارد وبایسته است باتوجه به روند رو به رشد شیوع بیماری پوکی استخوان در ایران وجهان آموزش های لازم در این خصوص به دانش آموزان داده شود. تا افراد اطلاعاتی را که در ذهنی خود را بکار برند .

واژه‌های کلیدی: پوکی استخوان ، آگاهی ، نگرش ، عملکرد، دختران نوجوان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

تاثیر مکمل مولتی ویتامین بر سالمندان مبتلا به سوء تغذیه لاغری در شهرستان درمیان و قاین

محمد حسین نخعی

نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد روانشناسی، عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر برسلامت، معاونت بهداشتی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

پست الکترونیک: *mh.nakhee@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: گرچه دوران سالمندی به سنین بالای 60 سال اطلاق می گرددولی تغییرات سالمندی از سالها قبل آغاز می شود همچنین رعایت اصول تغذیه صحیح در سنین میانسالی و سالمندی سبب می شود فرد سالهای عمر خود را با سلامت و نشاط و راحتی بیشتر طی نماید و کمتر در معرض بیماریهای شایع (فشار خون بالا، چربی خون بالا، دیابت ، پوکی استخوان و...) قرار بگیرد. لذا این مطالعه به منظور تاثیر مکمل مولتی ویتامین بر لاغری سالمندان مراقبت شده شهرستان درمیان و قاین در زمستان 92 تدوین و اجرا شد .

روش تحقیق: تعداد 279 سالمند مراقبت شده که شاخص توده بدنی 22 و کمتر داشتند از شهرستانهای درمیان و قاین به نسبت مساوی به طور سرشماری انتخاب شده و قرص مولتی ویتامین را به مدت یک ماه در زمستان 92 دریافت کردند پس از یک ماه مجدد نظر شاخص توده بدنی و احساس غم و افسردگی بررسی شدند.داده ها در نرم افزار Spss18 ثبت ومورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته‌ها: نتایج حاصله نشان داد.میانگین و انحراف معیار سنی سالمندان به ترتیب 7.5± 73 سال بود 41% سالمندان در گروه سنی زیر 70 سال و36%سالمندان در گروه سنی 70 تا 80 سال و مابقی در گروه سنی بالای 80 سال قرار داشتند میانگین شاخص توده بدنی سالمندان قبل از دریافت مکمل 3± 21.5 سال وبعد از مداخله 3.7± 22 سال بود آزمون Tزوجی اختلاف معنی داری بین دریافت مکمل و میانگین شاخص توده بدنی در سطح معنی داری آلفا کمتر از یک صدم نشان داد. بین دریافت مولتی ویتامین و کاهش افسردگی اختلاف معنی دار مشاهده نشد .

نتیجه‌گیری: با توجه ارزان بودن قرص مکمل نسبت به تامین مواد غذایی ،استفاده از مکمل در سالمندان لاغر (شاخص توده بدنی کمتر از 22) توصیه می شود همچنین دریافت مکمل باعث تشویق سالمندان جهت انجام مراقبت های ادغام یافته سالمندان می شود انجام مراقبت منجر به تشخیص و درمان به موقع وکاهش هزینه های درمانی ،حفظ استقلال سالمند و امید به زندگی با کیفیت خواهد شد .

واژه‌های کلیدی: تاثیر- مولتی ویتامین – لاغری- سالمندان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی نیازهای مراقبت مذهبی بیماران سالمند :

مبنای توسعه مراقبت‌های نوین پرستاری

ملیحه داودی، الناز یزدان‌پرست، اکرم طاهری، شهربانو افچنگی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، فردوس، ایران

پست الکترونیک: *davoudim891@yahoo.com*

زمینه و هدف: مراقبتهای پرستاری از روش‌های سنتی به روش‌های نوین درحال تغییر است. جهت همسوشدن با این تحول عظیم، بررسی ابتدائی وضعیت موجود برای تعیین فاصله بین پرستاری سنتی و نوین الزامی است. ازجمله نیازهای نوظهور در عرصه مراقبت بیمارستانی، نیاز به مراقبت مذهبی در بیماران، خصوصا سالمندان، می‌باشد که در سال‌های اخیر مورد توجه صاحبنظران قرار گرفته است. لذا این پژوهش با هدف تعیین نیازهای مراقبت مذهبی بیماران سالمند بستری در بیمارستان شهید چمران فردوس در سال 1393 انجام پذیرفت.

روش تحقیق: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی– مقطعی و نمونه (براساس اصل کوکران) شامل 10% (100 نفر) سالمندانی بود که به هر دلیل در زمان انجام طرح بستری شده بودند. پس از اخذ رضایتنامه کتبی، پرسشنامه مربوطه جهت تکمیل، توزیع گردید و داده‌ها با نرم‌افزار آماری SPSS 16 مورد تجزیه و تحلیل قرارگرفت.

یافته‌ها: اکثریت واحدها، مونث (55%)، تحصیلات زیر دیپلم (96%) و ساکن روستا (51%) بودند. حداقل و حداکثر سن 60 و 90 سال با میانگین 9.2 ± 69.6 بود. نتایج نشان داد که در تمامی ابعاد نیازهای مراقبت مذهبی بیشترین پاسخ مورد نظر، بله بوده است که مبین احساس نیاز بیمار سالمند به دریافت مراقبت مذهبی می‌باشد. بیشترین میانگین کسب‌شده از ابعاد نیاز به مراقبت مذهبی به ترتیب در بعد نیاز آموزشی، امکانات و عوامل اجرایی بوده است. از میان متغیرهای دموگرافیک تنها بین سن و نیازها در حیطه امکانات، ارتباط مثبت معنی‌داری ($r = 0.15$, $p<0.001$) دیده شد.

نتیجه‌گیری: انجام مراقبت‌های مذهبی از نظر بیماران سالمند بسیار ضروری است و رفع آنها، در حیطه نیاز به امکانات، با افزایش سن محسوس‌تر می‌گردد. با توجه به روند گسترش جمعیت سالمند کشور و بستری‌شدن آنان در بخشهای مراقبتی، توصیه می‌شود ارائه‌دهندگان خدمات درمانی جهت بکارگیری مراقبت‌های نوین پرستاری، توجه ویژه‌ای به اینگونه از نیازها، خصوصا در سالمندان، مبذول نمایند.

واژه‌های کلیدی: بیمارستان، مذهب، سالمندی، مراقبت نوین

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

تاثیرفعالیت بدنی مفرح به عنوان یک روش مراقبتی نوین بر پیشگیری از اختلالات حرکتی سالمندان مقیم خانه‌های سالمندان شهر مشهد

زهره نجفی، دکتر هادی کوشیار، دکتر سید رضا مظلوم،دکتر امین اظهری

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آموزش پرستاری ، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشکده پرستاری و مامایی، مشهد، ایران
پست الکترونیک: *zohre.najafi68@yahoo.com*

زمینه و هدف: بی حرکتی در سالمندان موجب کاهش حجم و قدرت توده عضلانی، بروز استئوپرز، تروما و در نهایت تخریب عملکرد فردی ، ایجاد ناتوانی و عدم استقلال در سالمندان می شود که ورزش می تواند از بروز این اختلالات پیشگیری نماید. با این وجود سالمندان بخاطر وضعیت جسمی و روحی ممکن است نتوانند از ورزشهای معمولی استفاده کامل ببرند. ورزش‌های مفرح از طریق ایجاد انگیزه و مشارکت موثرتر احتمالا دارای اثرات متفاوتی می باشند.

روش تحقیق: بررسی مقایسه تاثیر فعالیت بدنی مفرح به عنوان یک روش مراقبتی نوین بر پیشگیری از اختلالات حرکتی سالمندان مقیم خانه‌های سالمندان شهر مشهد انجام شد.

روش کار: در این مطالعه کارآزمایی بالینی، 63سالمند ساکن خانه های سالمندان با استفاده از نمونه گیری در دسترس انتخاب و به دو گروه کنترل و مداخله ، تخصیص تصادفی می شوند. گروه مداخله به مدت 2 ماه، هفته ای 3 مرتبه به مدت 20 دقیقه تمرینات فیزیکی مفرح و گروه کنترل تمرینات ورزشی روتین خانه سالمندان را انجام دادند. ابزارهای مورد استفاده جهت بررسی میزان تحرک و علاقه مندی به انجام ورزش در سالمندان به ترتیب پرسشنامه سنجش میزان تحرک سالمندان(Elderly Mobility Scale) پرسشنامه مقیاس وابستگی به انجام ورزش(Exercise Dependence Scale)بود. جهت تفسیر نتایج از آزمون های آماری با نرم افزارspss11.5استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره تحرک سالمندان در مرحله بعد از مداخله در دو گروه کنترل (3/2 ± 12/7) و مداخله (5/4 ± 15/0)دارای تفاوت معنی داری بود (p =0/000).میانگین نمره علاقه مندی به ورزش در مرحله قبل از مداخله (p =0/700) در دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معنی داری نداشت، اما در مرحله بعد از مداخله در گروه مداخله(6/5 ± 51/5) بصورت معنی داری بیشتر از گروه کنترل (10/2 ± 28/8) بود(p =0/000).

نتیجه‌گیری: فعالیت های فیزیکی موجب پیشگیری از بروز بسیاری از اختلالات جسمی در سالمندان از جمله کاهش خطر سقوط، بی حرکتی و اختلالات عضلانی –استخوانی، بهبود قدرت عضلانی و کاهش میزان مرگ و میر می شود. اگر چه فعالیت های فیزیکی فواید مفیدی در سالمندان دارد اما ایجاد رغبت و انگیزه جهت شروع و ادامه انجام فعالیت ها در سالمندان بسیار مهم می باشد.فعالیت های ورزشی مفرح با ایجاد تنوع و سرگرمی و تقویت نقاط مثبت یک فاکتور پیشگیری کننده از بروز اختلالات حرکتی و عامل موثری در ایجاد انگیزه در سالمندان جهت تحرک می باشد بنابراین میتوان با آگاه کردن مسئولین خانه های سالمندان از پروتکل فعالیت های بدنی مفرح و اجرای آن از بروز بسیاری از اختلالات حرکتی پیشگیری کرد.

واژه‌های کلیدی: فعالیت بدنی مفرح، مراقبت نوین، پیشگیری، اختلالات حرکتی، سالمندان، خانه‌های سالمندان

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت مراقبت‌های نوین در گروه‌های آسیب‌پذیر و سالمندان

بررسی کیفیت زندگی سالمندان مناطق روستایی شهرستان بیرجند1390

سکینه مسگر، زهرا امینی نسب

نویسنده مسئول: کارشناس بهداشت عمومی، کارشناس سالمندان مرکز بهداشت بیرجند
پست الکترونیک: *s.mesgar@bums.ac.ir*

زمینه و هدف: سالمندی پدیده ای است که می توان آن را مرحله ای از سیر طبیعی انسان انگاشت .فرایندی است که برای همه افراد بشر پیش می آیدواز آن گریزی نیست .کیفیت ز ندگی بهترین معیار برای اندازه گیری انرزی یا نیرو درفرد سالمند است که او این نیرو را برای ساز گاری موفقیت آمیز با چالش های موجود در دنیای واقعی به مصرف می رساند.کیفیت ز ندگی تمام عملکرد های ز ندگی مانند عملکرد احساسی ،فیزیکی،شیمیایی ،درد خستگی و... را شامل می شود.این مطالعه بمنظور بررسی کیفیت زندگی سالمندان مناطق روستایی شهرستان بیرجنددر سال 1390 انجام شد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیف تحلیلی –همبستگی تعداد 360 سالمند روستایی بهروش نمونه گیری خوشه ای سیستماتیک از روستا های شهرستان بیرجند انتخاب و با استفاده از 66 سوال شامل 5 بخش ، الف) 11 سوال دموگرافیک ب) پرسشنامه 26 سوالی استاندارد کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت ،ج)پرسشنامه 15 سوالی افسردگی سالمندان (ُ GDS)پرسشنامه 6 سوالی انجام فعالیت های روز مره زندگی (ADL) پرسشنامه 7 سوالی انجام فعالیت های روز مره زندگی با وسیله (IADL) پرسشنامه مورد تایید مرکز تحقیقات سلامت خانواده و محیط تکمیل و پس از جمع آوری در نرم افزارSPSS19واردو بااستفاده از آمار توصیفی با استفاده از آزمونهای آماری ، T-Testتحلیل واریانس یکراهه چند راهه ، و ضریب همبستگی پیرسون ضریب هبستگی چند متغیره و آزمون توکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین سنیوانحراف معیار سالمندان مورد مطالعه(7/3 +_70/9)و میانگین وانحراف معیار کیفیت زندگی (10/4+_ 77/9)وانحراف معیار فعالیتهای روزمره زندگی بدون وسیله (1/5+_6/5)ومیانگین وانحراف معیار فعالیتهای روزمره زندگیبا وسیله (3+_12) بود.از بین متغیرهای دموگرافیکتحرک بدنی وورزش، تحصیلات، وضع تاهل ،وفعالیتهای روزمره با وبدون وسیله با کیفیت زندگی اختلاف معنی دار داشت(P_<0/05).

نتیجه‌گیری: فعالیتهای روزمره زندگی باعث افزایش کیفیت زندگی سالمندان می شود.می بایست با توجهبه عامل خوداتکایی وفرآیندشناختی کیفیت زندگی سالمندان را بهبود بخشید.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی- سالمندان روستایی- بیرجند

ارتباط مراقبت‌های دهان و دندان با شروع و پیشرفت بیماری در افراد آلزایمری

فاطمه حجی پور

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد زیست شناسی علوم جانوری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *F_hajipoor86@yahoo.com*

زمینه و هدف: بهداشت ضعیف دهان و دندان به عنوان یک عامل خطرساز بالقوه اما قابل اصلاح برای بیماری آلزایمر است. همچنین تعداد دندان‌هایی با پوسیدگی تاج و ریشه در افراد مبتلا به آلزایمر بیشتر مشاهده می‌شود. عوامل التهابی سیستمیک که به دلیل عفونت‌های پریودنتال ناشی از بهداشت ضعیف دهان و دندان تولید می‌شوند، موجب آسیب به عروق خونی نواحی مختلف بدن و از جمله مغز می‌شوند. آسیب عروق خونی منجر به کاهش خون‌رسانی به مغز و درنتیجه بروز بیماری‌های دژنراتیو عصبی مانند آلزایمر خصوصاً در دوران سالمندی می‌شود. به دنبال بروز بیماری آلزایمر در افراد به دلیل عدم رسیدگی مناسب به بهداشت دهان و دندان، در اکثر موارد بین شدت پیشرفت آلزایمر و پوسیدگی دندانی رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق: جمع‌آوری اطلاعات با جستجوی الکترونیکی درGoogle Scholar و PubMed صورت گرفت. مقالات با محدود شدن از سال 2000 تا 2015 و زبان انگلیسی انتخاب شدند. منابع تکمیلی نیز از برخی کتب مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: طبق بررسی‌ها در افرادی که بخشی از دندان‌های خود را از دست داده‌اند احتمال ابتلا به بیماری آلزایمر تقریباً 2 برابر بیشتر از افراد سالم است. براساس نتایج به دست آمده افراد مبتلا به بیماری آلزایمر سطح سلامت دهان و دندان ضعیف‌تری نسبت به افراد سالم دارند. همچنین آمار جرم دندان، پلاک و خونریزی لثه‌ای و حتی دندان‌های مصنوعی آسیب دیده و غیرتمیز در افراد آلزایمری بسیار قابل توجه است. با توجه به ارتباط میان سابقه بیماری پریودنتال و سکته مغزی می‌توان رابطه آلزایمر و بهداشت دهان و دندان را توجیه کرد. بیماران آلزایمری به دلیل بی‌توجهی به بهداشت دهان و دندان، عدم آگاهی یا عدم توانایی اقتصادی، سطوح بالایی از پوسیدگی‌های فعال دندانی را با پیشرفت بیماری نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری: ارتباط بین عفونت‌های دندانی با عوامل خطرساز برای بروز بیماری‌های عصبی از جمله آلزایمر روشن شده است. ارائه آموزش مناسب در زمینه انجام مراقبت‌های بهداشتی دهان و دندان به منظور جلوگیری از آلزایمر، یک قدم اساسی در کاهش آمار مبتلایان به آلزایمر به شمار می‌آید.

واژه‌های کلیدی: آلزایمر، دهان و دندان، مراقبت، بهداشت

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

واکاوی دیدگاه پرستاران در رابطه با موانع و تسهیل کننده‌های بکارگیری مراقبت مبتنی بر شواهد

فاطمه سردارآبادی، ملیحه داودی

نویسنده مسئول: کارشناس ارشد آموزش پرستاری، دانشکده پیراپزشکی و بهداشت فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، فردوس، ایران
پست الکترونیک: *davoudim891@yahoo.com*

زمینه و هدف: استفاده از شواهد و یافته‌های تحقیقات، باعث ارائه مراقبت کارا و مؤثر از بیماران و بهبود کیفیت مراقبت‌های پرستاری می‌گردد و پرستاران را نسبت به عملکرد فردی پاسخگو می‌نماید،زیرا مراقبت بر پایه و اساس علمی صورت می‌گیرد. اما واقعیت این است که در فرایند انتشار و کاربرد یافته‌ها، عواملی به صورت موانع و تسهیل‌کننده عمل می‌کند. لذا این مطالعه با هدف تعیین موانع و تسهیل‌کننده‌های بکارگیری مراقبت مبتنی بر شواهد از دیدگاه پرستاران اجرا شد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع توصیفی- مقطعی بود که در آن پرستاران شاغل در یکی از بیمارستان‌های آموزشی شهر سبزوار (که به روش تصادفی ساده از میان 3 بیمارستان آموزشی انتخاب شده بود) در سال 1393 به روش نمونه‌گیری آسان مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه معادل کل جامعه پژوهش برابر143 نفر بود. پرسشنامه مورد استفاده دارای 3 بخش شامل مشخصات دموگرافیک، موانع کاربرد نتایج تحقیقات در بالین، و تسهیل‌کننده‌های کاربرد نتایج تحقیقات در بالین بود که بعد از تأیید روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مناسب تحت نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: سه مانع اول بکارگیری نتایج تحقیقات در بالین، به ترتیب شامل عدم همکاری و مشارکت پزشکان در بکاربستن نتایج تحقیقات (0.00± 5.00)، عدم صدور اجازه از طرف مدیران برای بکاربستن نتایج تحقیق در عمل (0.00± 5.00) و فقدان وقت کافی برای پرستاران جهت مطالعه تحقیقات انجام شده (0.71± 4.75) بود. جلب همکاری مراکز دانشگاهی با بیمارستانها (0.00±5.00)، برگزاری دوره‌های بازآموزی جهت آموزش یافته‌های جدید تحقیقی (0.00±5.00) و آموزش پرستاران در جهت افزایش آگاهی در زمینه روش تحقیق و افزایش حمایت مدیران و تشویق به اجرای تحقیق (0.44 ± 4.90) بعنوان مهمترین تهسیل‌کننده‌ها تعیین شدند.

نتیجه‌گیری: ضروری است تلاش‌های همه جانبه در ابعاد فردی و سازمانی (آموزشی و مدیریتی) صورت گیرد تا امکانات و تسهیلات لازم برای کاهش و از بین بردن موانع ذکر شده فراهم شده و در این راستا پرستاران قادر باشند در جهت تغییر روش‌های مراقبتی بر اساس شواهد گام بردارند.

واژه‌های کلیدی: موانع، تسهیل‌کننده، مراقبت مبتنی بر شواهد

چهارمین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت- مراقبت های نوین
4rd National Conference on Research in Health Development: Modern Care
بیرجند، 29 الی 31 اردیبهشت 1394

ارائه پوستر الکترونیک با محوریت تحقیقات بنیادی و کیفی در مراقبت‌های نوین

کنترل رفتاری درک شده: بهترین پیشگویی کننده قصد و رفتارپرستاران در خصوص بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در آموزش به بیمار

سید همام الدین جوادزاده، مهنوش رئیسی، فیروزه مصطفوی، غلامرضا شریفی راد

نویسنده مسئول: گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
پست الکترونیک: ***sharifirad@hlth.mui.ac.ir***

زمینه و هدف: موضوع سواد سلامت به عنوان یکی از مهمترین اولویت ها جهت ارتقاءکیفیت خدمات بهداشتی درمانی مطرح گردیده است و یکی از مهمترین اهداف آن، بهبود ارتباط بین بیمار و خدمات دهندگان عرصه سلامت خصوصاً در حیطه آموزش به بیمار می باشد. بکارگیری راهبردهای سواد سلامت به هنگام آموزش به بیماران پرستاران را قادر می سازد بیانات خود را به شیوه ای ارائه نمایند و از روش هایی بهره گیرند که مددجویان اطلاعات دریافتی را بهتر درک کرده و توانمندی بیشتری برای عمل کردن بر اساس توصیه های آنها بدست آورند. لذا هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل تاثیر گذار بر قصد و رفتار پرستاران جهت بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در آموزش به بیمار بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده می باشد.

روش تحقیق: مطالعه ای توصیفی- تحلیلی به شیوه مقطعی بر روی 148 پرستار در بیمارستان آموزشی الزهرای شهر اصفهان انجام شد. نمونه مورد پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی آسان از میان پرستارانی که حداقل 4 ماه سابقه کار در این بیمارستان را داشتند، انتخاب شدند. قصد و رفتار پرستاران در خصوص بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در آموزش به بیمار توسط پرسشنامه ای که توسط محققین بر اساس تئوری رفتار برنامه ریزی شده طراحی و اعتبار سنجی شده بود مورد سنجش قرار گرفت. اطلاعات جمع‌آوری‌شده با استفاده از آزمون‌های آنالیز واریانس یک طرفه، t مستقل، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی درنرم افزارآماری SPSS v.17 موردتجزیه‌وتحلیل قرارگرفت.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بود که بین میانگین نمره رفتار پرستاران در خصوص بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در آموزش به بیمار بر حسب متغیر های وضعیت تاهل، شرکت در کلاس های باز آموزی، نوع استخدامی، سابقه کار، پست سازمانی وجود دارد. توان پیشگویی کنندگی رفتار پرستاران در خصوص بکار گیری راهبرد های سواد سلامت در آموزش به بیماران توسط سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده 30 درصد بود. از میان سازه های تئوری رفتار برنامه ریزی شده، سازه کنترل رفتاری درک شده بهترین پیشگویی کننده قصد(0/403 = β) و رفتار(0/347 =β) آزمودنی ها برای بکارگیری راهبردهای سواد سلامت در آموزش به بیمار بود.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که سازه کنترل رفتاری درک شده بهترین پیشگویی کننده قصد و رفتار پرستاران بوده و لذا پیشنهاد می گردد که برنامه های آموزشی مدون در خصوص آموزش به بیمار و بکار گیری راهبردهای سواد سلامت جهت اثر بخشی بیشتر آن بر سازه کنترل رفتاری درک شده به طور ویژه توجه گردد.

واژه‌های کلیدی: سواد سلامت، آموزش به بیمار، تئوری رفتار برنامه ریزی شده، پرستار

سندروم help خطری برای حاملگی

دکتر زهره خزاعی

نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
پست الکترونیک: *ghmoradi@aut.ac.ir*

زمینه و هدف: مکانیزم اصلی سندروم help تخریب سلول های اندوتلیال کبد است که منجر به ترومبوسیتوپنی وافزایش آنزیمهای کبدی و وازواسپاسم در ارگانهای مختلف می شود .بیماران با تهوع و استفراغ احساس خستگی درد اپی گاستر وRLQ و آرترالژی مراجعه می کنند .تا 50 %موارد تا هفته 37حاملگی دیده میشود و عوارض مادری و نوزادی دارد عوارض نوزادی شامل مرگ پریناتال و IUGR– زایمان زودرس ترومبوسیتوپنی نوزادی و RDSمیباشد.
خطرات مادری هماترم،پارگی کبد ،خونریزی و مرگ میباشد
روش تحقیق: سه مورد سندروم HELP در بیمارستان ولیعصر در سال 93 گزارش میشود.
یافته‌ها: درسه مورد سندروم helpدر بیمارستان ولی عصر، پلاکت 50000 افرایش انزیمهای کبدی و پروتینوری+3 بود.
سن حاملگی 37-35 هفته بود .درمان اصلی بیمار علاوه بر سولفات منیزیم ،هیدرالازین ،لابتالول ختم بارداری بود تزریق پلاکت و خون صورت گرفت در دو مورد زایمان واژینال و در یک مورد سزارین به علت خونریزی شدید واژینال و زجر جنین صورت گرفت
مادران پس از ختم بارداری حد اقل 48 ساعت در ای سی یو بستری شدند و نوزا دان به ان ای سی یو منتقل شدند (آپکار 7-9)
و با مراقبتهای نوین پرستاری مادران و نوزادان با حال عمومی خوب مرخص شدند
نتیجه‌گیری: تشخیص و درمان بموقع می تواند نجات مادر و نوزاد را به دنبال داشته باشد و مورتالیتی و موربیدیتی مادران و مورتالیتی پریناتال کاهش یابد
با آموزش علایم خطر در دوران بارداری و تشخیص زودرس پره اکلامپسی می توان عوارض مادری و نوزادی را کاهش داد.
واژه‌های کلیدی: Help ،عوارض مادری و نوزادی،ترومبوسیتوپنی

میزان آگاهی پرسنل و دانشجویان اتاق عمل از عوارض دود حاصل از الکتروکوتر

هدی خوشدل سرکاریزی، دکتر احمد آموزشی، زهرا آموزشی، سید محمود حسینی، زهرا یونسی

نویسنده مسئول: مربی گروه پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران
پست الکترونیک: *zam9039@gmail.com*

زمینه و هدف: یکی از ابزارهای الکتریکی پرکاربرد در اتاق عمل دستگاه الکتروکوتر می باشد که علی رغم فواید آن در اعمال جراحی، مضراتی همچون تولید هاله ای از دود در بالای موضع عمل جراحی را به همراه دارد. این دود با داشتن ترکیباتی خطرناک، موجب انتقال HIV، HPVو ویروس هپاتیت و عوارضی نظیر اختلالات تنفسی، تهوع و استفراغ، سوزش چشم و سردرد و غیره می شود؛ لذا این مطالعه، با هدف تعیین میزان آگاهی پرسنل و دانشجویان اتاق عمل از عوارض دود حاصل از الکتروکوتر در بیمارستان های آموزشی بیرجند در سال 1390 انجام شد.

روش تحقیق: در این پژوهش توصیفی- مقطعی، کلیه پرسنل و دانشجویان اتاق عمل در بیمارستان های آموزشی شهر بیرجند، به روش سرشماری انتخاب شدند و پس از جلب همکاری و رضایت آنان، پرسشنامه پژوهشگرساخته تکمیل گردید. این پرسشنامه، مشتمل بر 4 سؤال دموگرافیک و 21 سؤال آگاهی در مورد عوارض دود کوتر بود. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ویرایش 16)، در سطح معنی‌داری $P<0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آگاهی پرسنل و دانشجویان به ترتیب 10/6±5/65 و8/1±4/22 (از مجموع 21 نمره) بود؛ به طوری که اکثریت آنها در مورد عوارض دود الکترو کوتر، دارای سطح آگاهی پایینی بودند. تنها بین ترم تحصیلی دانشجویان و نمره آگاهی ارتباط آماری معنی‌داری وجود داشت ($p=0.003$).

نتیجه‌گیری: با توجه به خطرات دود کوتر و سطح پایین آگاهی پرسنل و دانشجویان اتاق عمل برنامه ریزی جهت ارتقاء آگاهی آنان از طریق برگزاری کارگاه و برنامه های آموزش مداوم و بازآموزی ضروری می باشد.

واژه‌های کلیدی: دود الکتروکوتر، آگاهی، پرسنل، دانشجو، اتاق عمل

پایان